

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



راه این جاست

مجموعه دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره)
و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد کرد و کردستان

چاپ دوم

راه‌این جاست

مجموعه دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره)
و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد کرد و کردستان

گردآوری و تدوین: علی کلوندی

چاپ دوم

با مشارکت و حمایت
بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت
استان کردستان

عنوان و نام پدیدآور: راه این جاست: مجموعه پیام‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، کلوندی، علی، ۱۳۵۵.
مشخصات نشر: تهران: فانتحان، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۳۱۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۹۶-۳۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فبیای مختصر
یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir>: قابل دسترسی است.
یادداشت: واژه‌نامه
یادداشت: کتاب‌نامه
یادداشت: نمایه
شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کردستان) مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۸۱۸۱۸۳

راه این جاست... مجموعه دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره)
و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد گُرد و گُردستان

گردآوری و تدوین: علی کلوندی
صفحه آرایی: ثاری عبدی
طرح جلد: سجاد عرفانی
نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

با مشارکت و حمایت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت
استان کردستان

نشر فانتحان/ تهران- خیابان نوفل لوشاتو- خیابان هنری کوربن- پلاک ۳ و ۵



نشر فانتحان

این کتاب با حمایت مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه بیت‌المقدس کردستان چاپ و منتشر شده است.

کلّیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس برای صاحب اثر محفوظ است.

محل فروش: سبندج- خیابان جام جم- جنب صداوسیما مرکز کردستان- مجتمع شهدای بسیج- مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه و بسیج

۰۸۷-۳۳ ۶۲۹۸۲۰



تقدیم به:

روح پُرفُتوح بنیان‌گذار نظام
مقدّس جمهوری اسلامی ایران،
حضرت امام خمینی^(ره) و شهدای
مظلوم کُردستان.



فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۵
مقدمه	۱۹

بخش اول:

مجموعه دیدارها، پیام‌ها و مصاحبه‌های حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در

مورد گُردستان/۲۱

فصل اول:

دیدارها / ۲۳

تأثر و تأسف از جنایات رژیم پهلوی در گُردستان	۲۵
تشکر از اعلام همبستگی مردم گُردستان	۲۶
پیام به علما و اهالی گُردستان درباره‌ی وحدت کلمه و دفاع از کشور	۲۸
پیام به اهالی مسلمان گُردستان و دفاع از نیروهای مسلح	۲۹
ما با گُردستانی‌ها برادر هستیم	۲۹
توطئه‌ها برای پیشگیری از حاکمیت اسلام	۳۰
سرکوب عوامل خرابکار حزب دمکرات (حکم به ارتش و مردم)	۳۱
تشکر از مردم برای سرکوبی اشرار در گُردستان	۳۱
غیرقانونی بودن حزب دمکرات گُردستان پیام به اهالی گُردستان	۳۲
پیام به ملت ایران و اهالی گُردستان (وظایف ارتش و وضع گُردستان)	۳۴

۳۶.....	اسلام دین سیاست است.....
۳۹.....	مخالفت اسلام با آزادی به شیوه‌ی غربی
۴۳.....	اخطار به سران حزب منحل دمکرات.....
۴۵.....	ضرورت ایجاد آرامش.....
۴۶.....	حمایت ملت از دولت.....
۴۷.....	لزوم حفظ برادری بین همه‌ی مذاهب اسلامی
۵۱.....	هدف فتنه‌انگیزان؛ محو اسلام در گُردستان.....
۵۳.....	پیام امام خمینی ^(۵) به علمای اعلام و مردم غیور گُردستان
۵۵.....	پیام امام خمینی ^(۶) به ملت ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور
۵۷.....	لزوم همکاری مردم در مقابله با اشرار و فتنه‌جویان
۶۰.....	ضرورت حفظ نهضت.....
۶۱.....	توطئه‌های اجانب در گُردستان.....
۶۴.....	پاکسازی تدریجی خائنین از گُردستان.....
۶۶.....	هوشیاری در مقابل تبلیغات دشمن
۷۴.....	نجات جوانان فریب خورده
۷۵.....	اسلام خار چشم دشمنان انقلاب.....
۷۶.....	تذکرات به مردم مسلمان گُردستان.....
۷۹.....	اعتصام به حبیل‌الله.....
۸۰.....	تذکر به خراب‌کاران گُردستان.....
۸۱.....	بیان خیانت‌های گروه‌های فاسد در گُردستان
۸۳.....	اشرار باید از گُردستان تصفیه شوند
۸۴.....	والا بودن ارزش فداکاری در راه خدا
۸۶.....	احتراز شیعه و سنی از اختلاف
۸۷.....	دست به دست هم برای رفع غائله‌ی گُردستان.....
۹۰.....	پیام یازده ماده‌ای امام/ امید امام به مردم
۹۱.....	پیام به رزمندگان اسلام در قرارگاه حمزه سیدالشهدا ^(۷)
۹۲.....	تجلیل از افتخارآفرینی‌های رزمندگان
۹۴.....	برخورد دوگانه رسانه‌های وابسته در سرکوبی گُردها.....

۹۶.....	محرومیت ملت به دست رژیم پهلوی.....
۱۰۳.....	نارسایی ها و نابسامانی های کشور و آبادی خرابی ها، شوراهای منطقه ای ...
۱۱۰.....	لزوم اخوت و برادری میان ملت و مقابله با گروهک ها.....
۱۱۷.....	توطئه در بد جلوه دادن نهضت اسلامی
۱۲۵.....	احکام مترقی اسلام.....
۱۲۸.....	توطئه ی احزاب و گروه های فاسد، آزادی و دموکراسی، همراهی نمایندگان با مردم
۱۳۲.....	خرابی و ویرانی همه جاگیر، میراثی از رژیم ۲۵۰۰ ساله
۱۳۸.....	اتحاد در راه سازندگی، هوشیاری در مقابل توطئه ها
۱۳۹.....	عدم اعتنا به تبلیغات دشمن
۱۴۱.....	بیانات امام خمینی ^(ع) در جمع گروهی از نمایندگان سازمان پیشمرگان مسلمان کُرد
۱۴۲.....	ضرورت اتحاد در مقابل قدرت ها - رسیدگی به مناطق محروم.....
۱۴۷.....	حفظ وحدت و جلوگیری از ایجاد اختلافات
۱۴۸.....	تلاش بیهوده منافقین و ضدانقلاب

فصل دوم:

پیام ها و نامه ها / ۱۵۱

۱۵۳.....	پیام به خانواده های شهدای کُردستان (پاوه)؛ تجلیل از شهداء
۱۵۴.....	تعقیب و دستگیری اشرار در کُردستان
۱۵۴.....	سرکوب عوامل خرابکار حزب دمکرات
۱۵۵.....	حمایت از سرکوب ضد انقلاب در کُردستان
۱۵۶.....	تقویت نیروهای انتظامی در کُردستان
۱۵۶.....	سرکوب ضد انقلاب در کُردستان
۱۵۶.....	حکم اعزام آقای حسین کرمانی به کُردستان
۱۵۷.....	حکم اعزام آقای عبدالمجید معادیخواه (رسیدگی به وضع عمرانی کُردستان) ...
۱۵۸.....	ادامه کار هیات حسن نیت در کُردستان
۱۵۸.....	درخواست عفو زندانیان کُردستان
۱۵۹.....	تمدید مأموریت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید موسی موسوی

فصل سوم:

مصاحبه‌ها / ۱۶۱

- ۱۶۳..... مصاحبه خبرنگاران
- ۱۶۳..... شبکه رادیو تلویزیون آلمان غربی
- ۱۶۳..... با امام خمینی^(۳)
- ۱۶۵..... ریشه‌ی خارجی غائله‌ی کُردستان

بخش دوم:

مجموعه دیدارها و پیام‌های / ۱۶۷

- ۱۶۷..... مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد کُردستان

فصل اوّل:

دیدارها / ۱۶۹

- ۱۷۱..... جمهوری اسلامی برای همه!
- ۱۷۱..... بغضاء، ریشه‌ی وحدت را می‌سوزاند
- ۱۷۳..... ضربه‌ای که مردم کُرد به استکبار وارد کرد
- ۱۷۳..... بیانات در مراسم بیعت اقشار مردم
- ۱۷۹..... ملت کُرد این جاست و حرفش این است
- ۱۸۰..... می‌دانستم بلوچ‌ها با انقلاب مشکلی ندارند
- ۱۸۱..... من مردم کُرد را دوست دارم
- ۱۸۱..... حضور دانشجویها در جبهه‌ها
- ۱۸۲..... بیانات در جمع مردم استان کُردستان در میدان آزادی سهندج
- ۲۰۰..... بیانات در دیدار خانواده‌های شهداء و ایثارگران کُردستان
- ۲۰۶..... بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح استان کُردستان
- ۲۰۹..... بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کُردستان
- ۲۲۴..... بیانات در دیدار برگزیدگان استان کُردستان
- ۲۳۳..... بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کُردستان
- ۲۴۲..... بیانات در دیدار مردم مریوان

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان گُردستان.....	۲۵۲
بیانات در دیدار مردم بیجار.....	۲۷۲
بیانات در دیدار مردم سقز.....	۲۸۰
بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری.....	۲۹۰
بیانات در اجتماع مردم پاوه.....	۲۹۱
بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره‌ی گرامی داشت شهدای پیشمرگان مسلمان گُرد.....	۳۰۰

فصل دوم:

پیام‌ها / ۳۰۵

انتصاب حجت‌الاسلام سیدموسی موسوی به نمایندگی ولی فقیه در استان گُردستان.....	۳۰۷
پیام به کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در شهرستان سنندج.....	۳۰۸
پیام تسلیت به نماینده ولی فقیه در گُردستان.....	۳۰۹
پیام تسلیت در پی حادثه‌ی خونین تروریستی در گُردستان.....	۳۱۰
انتصاب نماینده ولی فقیه در استان گُردستان.....	۳۱۲
پیام تسلیت در پی درگذشت ماموستا مجتهدی.....	۳۱۳

منابع.....	۳۱۶
------------	-----



پیشگفتار

سیاست‌های ضدّ دینی و اقدامات اسلام‌زدایی شاه موجب گردید حضرت امام^(ره) به مخالفت با این رژیم وابسته و فاسد برخیزند. به دنبال اعتراضات امام^(ره)، موجی از مردم متدّین ایران با لبیک به ندای معظّم‌له به مخالفت با رژیم پهلوی برخاستند و توانستند پس از سال‌ها مبارزه و فداکاری، این رژیم را از اریکه‌ی قدرت پایین بکشند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم، مردم، با بصیرت و آگاهی در صحنه‌های مختلف کشور حضور فعّالی داشته‌اند و همین حضور باعث شده که نقشه‌های دشمنان خارجی و فتنه‌گران داخلی نقش بر آب شود.

به اعتقاد صاحب‌نظران، مردم در همه‌ی انقلاب‌ها یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شوند و چنانچه رغبتی به همراهی و پشتیبانی با انقلاب از خود نشان ندهند هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد و یا این که به سرانجام نخواهد رسید. لذا به همین

دلیل است که حضرت امام خمینی^(ره) حضور یک‌پارچه‌ی مردم را در صحنه، از عوامل موفقیت انقلاب اسلامی می‌دانند. ایشان در سخنان خود همیشه بر نقش مردم در پیروزی انقلاب و ادامه‌ی آن تأکید می‌نمودند. وی در این رابطه چنین فرمودند: «ملت بود که این نهضت را پیش برد، ملت است که باید از این به بعد نیز پیش ببرد.»

تداوم انقلاب بدون حضور مردم ممکن نیست. مردم مسلمان ایران با توکل بر خدا، جان‌فشانی، پی‌بردن به ارزش شهادت، حضور مستمر در صحنه‌ها، وحدت کلمه، حفظ ارزش‌های معنوی و اسلامی، همبستگی، استقامت و... وفاداری خود را در پاس‌داشت ارزش‌ها و دست‌آوردهای انقلاب اسلامی نشان داده‌اند.

در انقلاب اسلامی باید نقش بی‌بدیلی را برای رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام خمینی^(ره) و بعد از آن برای امام^(ره) خامنه‌ای(مدظله‌العالی) قائل شد. در واقع این رهبری پیامبرگونه‌ی امام بود که مردم را هدایت و رهبری می‌کرد و البته اقدامات و تلاش‌های هیچ قشر و گروهی از دید ایشان مخفی نمانده است. با نگاهی به دیدگاه‌های امام^(ره) درخواستیم یافت که ایشان به تمام طبقات و قومیت‌های مختلف جامعه توجه داشتند. از آن جمله می‌توان به قوم کُرد اشاره کرد. مردم انقلابی و وفادار کُردستان در طول حیات انقلاب اسلامی و قبل از آن در طول مبارزات امام^(ره) بر علیه رژیم ستم‌شاهی همواره در کنار رهبری جامعه بوده‌اند. با نگاهی به سخنرانی‌ها، پیام‌ها و بیانات معظم‌له بهتر به این نکته پی می‌بریم. نگاه ایشان به قوم کُرد، خصوصاً مردم کُردستان، نگاهی واقع‌بینانه و توأم با قدرشناسی است. لذا می‌بینیم که در قبل از

پیروزی انقلاب اسلامی سه پیام مهم برای تشکر از مردم کُردستان به جهت حضور گسترده‌شان در تظاهرات صادر فرمودند. بعد از حضرت امام^(ره)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هم توجه خاصی به منطقه‌ی کُردستان داشتند و در سفر تاریخی ایشان در سال ۱۳۸۸ به کُردستان، شاهد بودیم که جایگاه خاصی برای مردم کُردستان در انقلاب اسلامی قائل هستند.

گردآوری و تدوین پیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای امامین در رابطه‌ی با کُردستان می‌تواند چراغ راهی برای عبور از فتنه‌ها و شرارت‌های توطئه‌گران باشد. مجموعه‌ی حاضر دربردارنده‌ی موارد مذکور می‌باشد. ان‌شاءالله که با به‌کار بستن فرامین و رهنمودهای گهربار امام راحل^(ره) و سکان‌دار انقلاب اسلامی بتوانیم بیش از پیش در راه ایجاد وحدت و همبستگی قدم برداریم.

سرتیپ دوم پاسدار محمدحسین رجبی

فرمانده سپاه بیت المقدس کُردستان



مقدمه

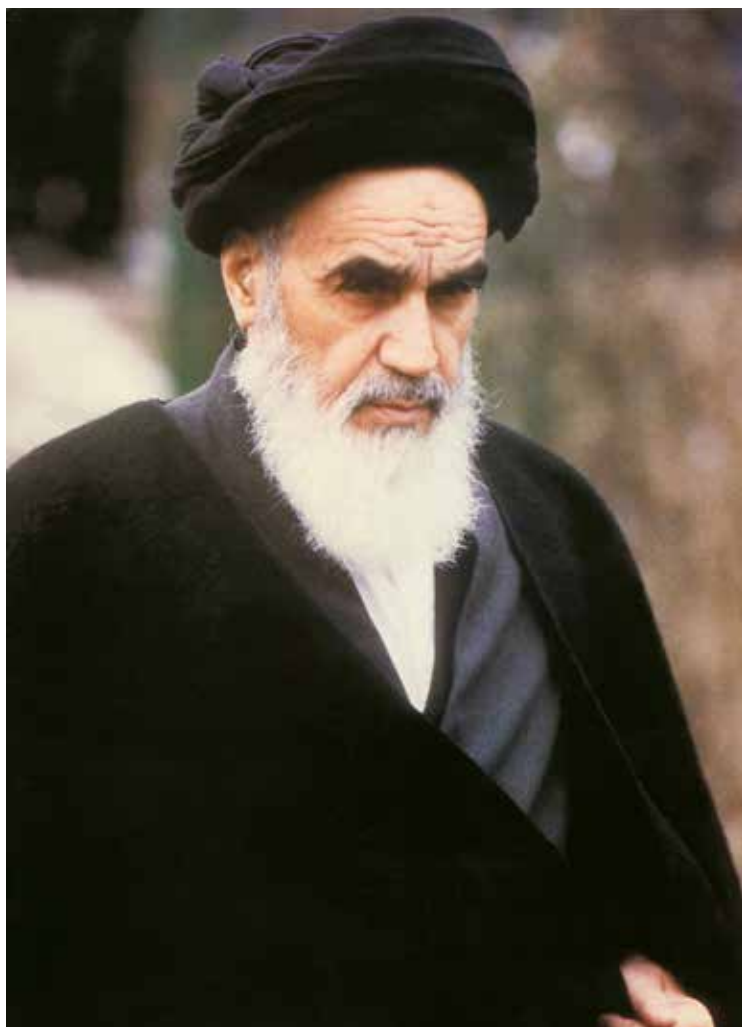
از جمله مواردی که می‌تواند نقش مردم و رهبری جامعه در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی را به درستی تبیین نماید، مرور دیدگاه‌های حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است. اما در طول بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی این موضوع تاکنون آن‌طور که باید به درستی و به طور کامل در دسترس مردم قرار نگرفته است. مطالعه‌ی دیدگاه‌های حضرت امام خمینی^(ره) و بعد از آن مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نشان می‌دهد که ایشان علاوه بر این که نقش و جایگاه والایی را برای مردم گُردستان در انقلاب اسلامی قائل بوده و هستند، توجّه خاصی هم به عمران، آبادانی، توسعه و برقراری امنیت در این منطقه داشته‌اند. کتاب حاضر مجموعه‌ی پیام‌ها، بیانات، مصاحبه‌ها و دیدارهای حضرت امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد مردم گُرد، خصوصاً مردم گُردستان می‌باشد.

تمام موارد مربوط به حضرت امام^(ره) از کتاب صحیفه‌ی امام استخراج شده است و موارد مربوط به مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هم برگرفته از سایت رسمی ایشان است. حتی‌الامکان سعی شده است تمام مواردی که در منابع مذکور درج شده در این کتاب گنجانده شود. امید است که مورد توجه قرار گیرد.

علی کلوندی

زمستان ۱۳۹۵





بخش اول:
مجموعه دیدارها، پیام‌ها و مصاحبه‌های
حضرت امام خمینی (رحمة الله عليه) در مورد گُردستان



فصل اول: دیدارها



تأثر و تأسف از جنایات رژیم پهلوی در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام و تحیت بر برادران غیور ایرانی که برای رهایی از حکومت طاغوت و خاتمه دادن به چپاول غارتگران بین‌المللی نفت‌خواران به پا خاستند. درود بر مسلمانان بیداری که از حمله‌های پی‌درپی دژخیمان شاه، هراس به خود راه نداده و راه اسلام و شهدای مجاهد حق را در پیش گرفته و اساس ستمگران را متزلزل نموده و با تظاهرات مردانه‌ی خود پشت استعمارگران مفت‌خوار را به لرزه درآورده‌اند. اکنون که من به ناچار باید ترک جوار مولی امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) را نمایم و در کشورهای اسلامی، دست خود را برای خدمت به شما ملت محروم که مورد هجوم همه‌جانبه‌ی اجانب و وابستگان به آنان هستید، باز نمی‌بینم و از ورود به کویت با داشتن اجازه، ممانعت نموده‌اند، به‌سوی فرانسه پرواز می‌کنم پیش من مکان معینی مطرح نیست، عمل به تکلیف الهی مطرح است، مصالح عالی‌هی اسلام و مسلمین مطرح است. ما و شما امروز که نهضت اسلامی به مرتبه‌ی بسیار حسّاسی رسیده است مسؤول هستیم، اسلام از ما انتظار دارد، چشم جهانیان امروز به‌سوی شما ملت غیور دوخته شده. دولت‌های استفاده‌طلب به مطالعه‌ی روحیه و مقدار پشتکار ملت ما پرداخته‌اند. شما مردان و زنان تاریخ باید پایداری در راه کوبیدن ستمکاران و دفاع از حق را به جهانیان و نسل‌های آینده ثابت کنید. من در حال گرفتاری‌ها و اشتغالات اخیر، اخبار ایران و قیام‌های پی‌درپی نقاط مختلفه را مثل کرمانشاه و بعضی مناطق کردستان و

قتل‌هایی که به دست دژخیمان شاه واقع شده می‌شنیدم و هم متأثر و متأسف بوده و هستم و هم امیدوار و سربلند، امیدوار به شجاعت ملت بزرگ و سربلند از فداکاری آنان در راه اسلام و مستضعفین. سربلند باد ملتی که با فداکاری خود قدم در راه پیروزی حق برداشت و سدهای مانع از آن را یکی پس از دیگری شکست. پیروز باد رادمردانی که با خون خود عزت بربادرفته را بازگرفت و عظمت پایمال شده به دست سلاطین ستمگر را بازیافت. من وقتی مطالعه‌ی روحیه‌ی مردان و زنان جوان ازدست‌داده را می‌کنم که شجاعانه در مقابل مصائب ایستادگی کرده و می‌کنند، برای خود احساس شرمندگی می‌کنم. من می‌بایست با مصیبت‌های شما قدم‌به‌قدم همراه و آنچه شما دیده‌اید دیده باشم، مع‌الأسف نتوانستم در بین شما باشم و آنچه شما لمس کردید بکنم؛ لکن از این راه دور چشمم به شما روشن و قلبم برای امت اسلامی می‌تپد. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و کوتاه شدن دست اجانب و وابستگان آنان را مسئلت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته

روح‌الله الموسوی‌الحمینی

صحیفه‌ی امام، ج ۳، ص ۴۸۱، ۱۳۵۷/۷/۱۴

تشکر از اعلام همبستگی مردم کردستان

بسمه تعالی

سلام بر برادران اسلامی کردستان که با قیام دلاورانه به نهضت اسلامی سایر برادران پیوسته و با شجاعت و شهامت در مقابل طاغوت ایستاده، مجال را بر دشمن اسلام وکشور تنگ کرده‌اند. امروز ما مکلف هستیم که در هر لباس و هر شغل هستیم از اختلاف کلمه احتراز و به وحدت اسلامی -که پیوسته مورد سفارش کتاب و سنت است- گرایش

نموده و کلمه‌ی حق را عُلّیا و کلمه‌ی باطل را سُفلی قرار دهیم.
در این موقع حسّاس که کشور ما و اسلام عزیز در معرض خطر
عظیم است، تکلیف همه‌ی گروه‌ها و افراد، خطیر و عظیم است. سستی و
سردی در حال حاضر و اختلاف و افتراق کلمه، در حکم انتحار و به‌هدر
دادن خون فرزندان اسلام است.

ما از همّت بزرگ فرزندان کُرد اسلام و از جوانان برومند آزادی‌خواه
و استقلال‌طلب آن سامان، تشکّر و تقدیر می‌کنیم. ما و شما در صفّ
واحد در مقابل طاغوت به‌پاخاسته و از کیان اسلام و کشور بزرگ اسلامی
دفاع می‌کنیم و با ایثار خون جوانان عزیز، درخت رشد ملّت را آبیاری
می‌نمائیم.

این جانب از مساعی جمیله‌ی شما برادران محترم، قدردانی نموده،
توفیق‌تان را در فروریختن پایه‌ی ستمگری از خداوند تعالی خواستارم.
الحق ملّت ایران با همبستگی بی‌مانند خود و ایستادگی در مقابل دشمنان
اسلام و کشور، یک ملّت نمونه است که نام بزرگ خود را در تاریخ ثبت
و راه مبارزه با ستمگران را به ملّت‌های مظلوم آموخت.

برادران محترم! در این نهضت مقدّس که تشکیل حکومت اسلامی
سرلوحه‌ی اهداف آن است و ضمانت از آزادی و استقلال از ثمرات آن،
صبور باشید و گول تبلیغات انگل‌های سودطلب را نخورید و به خدای
بزرگ و قرآن کریم اتّکاء کنید و به‌پیش روید. خداوند با صابران است و
دست حقّ با عدالت‌خواهان می‌باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
روح الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، ج ۴، ص ۳۱۱، پاریس - نوفل لوشاتو (۱۳۵۷/۸/۱۴)

پیام به علما و اهالی گُردستان درباره‌ی وحدت کلمه و دفاع از کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت علمای اعلام و خطبای کرام و عموم اهالی محترم
گُردستان ایدهم الله تعالی.

پس از اهداء سلام و تحیت، در این موقع که وطن ما
حساس‌ترین مراحل تاریخ را می‌گذراند و ملت مسلمان ایران با
وحشی‌ترین درخیمان روبه‌رو هستند بر تمام طبقات محترم کشور
است که با وحدت کلمه از کشور و اسلام عزیز دفاع کنند و دست
خائنان و جانیان را از آن قطع کنند که غفلت از وظیفه، موجب سستی
نهضت اسلامی و خدای نخواستہ شکست آن می‌شود.

این جانب از اهالی محترم آن ناحیه کمال تشکر را دارم که دین
خود را به اسلام و مسلمین به نحو شایسته ادا نموده‌اند و در این
نهضت عظیم سهم بسزائی داشته‌اند. خداوند تعالی به آنان خیر
عنایت فرماید. از قول این جانب به دهقانان و کشاورزان محترم
تذکر دهید که گول تبلیغات بی‌اساس را نخورید. اسلام و حکومت
اسلامی برای شما احترام زیاد قائل است و با شما به بهترین وجه
رفتار می‌کند و حتماً بدانید که حال همه طبقات در حکومت اسلامی
مثل زمان طاغوت نیست که در آن همه را از هستی ساقط نمود. از
خداوند تعالی پیروزی مسلمین و ملت مظلوم را خواهیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۵، ص ۴۴۵، پاریس - نوفل لوشاتو (۱۳۵۷/۱۰/۲۴)

پیام به اهالی مسلمان کُردستان و دفاع از نیروهای مسلح

بسم الله الرحمن الرحيم

به اهالی محترم مسلمان کُردستان: شنیده شده که عده‌ای وضع کُردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و بر خلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش که اکنون به سوی مِلّت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کند، حمله می‌برند و آن‌ها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها بر خلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کُردستان و سایر نقاط باید بدانند که هر گونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم. همه اهل مِلّت واحد و قرآن واحد هستیم. ارتش و ژاندارمری و پلیس نیز باید بدانند که از این به بعد آن‌ها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمان‌اند و اگر کسی به آن‌ها حمله کند از مردم مسلمان نیست و از عمال اجانب است و باید نیروهای مسلح با قدرت از منافع و مصالح مِلّت مسلمان دفاع کنند و هر گونه حمله‌ای را به خود و به نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۳۸۴، قم (۱۳۵۷/۱۲/۲۸)

ما با کُردستانی‌ها برادر هستیم

ما امیدواریم که امر کُردستان هم با صلح و صفا آرام بگیرد، و همه ما با هم برادر باشیم. ما با کُردستانی‌ها هم برادر هستیم، با آذربایجان هم برادر هستیم، با همه حدود و ثغور این جا برادر هستیم

و همه با هم می‌خواهیم که یک مملکت اسلامی با احکام اسلامی باشد که به هیچ کس جور نشود، به هیچ کس ظلم نشود، حکومت نتواند تعدّی بکند، ارتش نتواند تعدّی بکند، همه با هم باشیم و همه با هم پیش برویم، خدای تبارک و تعالی شما جوان‌ها را برای ما حفظ کند، و شما برادرها را برای ما نگهداری کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، ج ۶، ص ۴۱۶، قم (۱۳۵۸/۱/۷)

توطئه‌ها برای پیشگیری از حاکمیت اسلام

شما ببینید ما فراند می‌که می‌خواستیم بکنیم و همه ملت همراه بودند، کسی مخالف نبود، آن‌هائی که به اسلام اعتقاد نداشتند، آن‌هائی که می‌خواستند که اسلامی توی کار نباشد تحریم کردند، بعضی‌شان در گُردستان تحریم کردند، یک اشخاصی که کمونیست بودند و متّصل به آن‌ها، در تهران هم شرکت نکردند، چند طبقه و چند حزب ولو جمعیت کم بود. خوب، در بعضی از شهرستان‌ها هم صندوق‌ها را سوزاندند و در بعضی جاها هم با تفنگ مانع شدند از این که بیایند رأی بدهند. همین اشخاصی که برای رأی به جمهوریت اسلامی کوشش می‌کردند که نشود، از جمهوریش حرفی نداشتند، از اسلامی‌اش حرف داشتند و الا آن‌ها جمهوری را، اگر شرقی بودند جمهوری هست، اگر غربی هم بودند جمهوری هست، از اینش هیچ حرفی نداشتند، کلمه‌ی اسلامی‌اش را بردارید جمهوری جایش بگذارید، همه‌مان رفیقیم، امّا یعنی چه؟ یعنی ما اسلام را کنار بگذاریم تا آن‌ها با ما رفیق بشوند که اسلام را کنار گذاشتند. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، ج ۸، ص ۱۸۸، قم (۱۳۵۸/۳/۲۷)

سرکوب عوامل خرابکار حزب دموکرات (حکم به ارتش و مردم)

بسم الله الرحمن الرحيم

الساعة خبر رسید که در سنندج حزب دموکرات، ارتشی‌ها و سازمان‌های آنان را محاصره کرده‌اند و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد اسلحه‌ها را می‌برند. و از مسجد سنندج به ما اطلاع داده‌اند که حزب دموکرات زن‌های ما را به گروگان برده‌اند. اکیداً به کلیه‌ی قوای انتظامی دستور می‌دهم به پادگان‌های مراکز ابلاغ کنند که با قدرت کافی به طرف سنندج حرکت کنند و با شدت اشعار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی به طرف سنندج و تمام کردستان با پل هوائی بسیج شوند و با شدت تمام، اشعار را سرکوب نمایند. تأخیر ولو به قدر یک ساعت، تخلف از وظیفه و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهیم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند فوراً اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۳۰۶، قم (۱۳۵۸/۵/۲۸)

تشکر از مردم برای سرکوبی اشعار در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

پیرو مسائل پاه، گروه‌های بسیار زیادی از اطراف و اکناف کشور آمادگی خود را برای حرکت به منطقه و سرکوبی اشعار اعلام نمودند، من از مردم غیرتمند و برادران عزیزم تشکر وافر می‌کنم

پیرو مسأله‌ی سنندج که به اطلاع رسید و به قوای انتظامیّه دستور بسیج فوری دادم، از قوای انتظامی اطلاع رسید که اقدام مؤثر و فوری شده است. هم اکنون مطلع شدم که اهالی دست‌جمعی پیاده به طرف سنندج حرکت کرده‌اند، ضمن تشکر فراوان از آنان، تقاضا دارم به منازل خود مراجعت کنند. به قوای انتظامیّه و سپاه پاسداران دستور اکید داده‌ام که غائله‌ی کُردستان را ختم نموده و مردم شریف آن منطقه را از دست ضدّ انقلابیون نجات دهند و آن منطقه را از لوٲ اشرا ر خارج و داخل پاک نمایند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۳۰۷، (۱۳۵۸/۵/۲۸)

غیرقانونی بودن حزب دمکرات کُردستان پیام به اهالی کُردستان (غیرقانونی بودن حزب دمکرات کُردستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

اهالی محترم کُردستان! دوستان معظم من! پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی، گروه‌هایی که با اسلام دشمن هستند و از وابستگان اجانب می‌باشند شروع به فعالیت بر ضدّ نهضت اسلامی و بر ضدّ جمهوری اسلامی نمودند، حتّی بعضی از آن‌ها علنی مخالفت کرده و رفتارند را تحریم نمودند و شما برادران دیدید که حزب دموکرات کُردستان وابستگی مستقیم با آمریکا و صهیونیزم دارد. در آستانه‌ی تشکیل مجلس خبرگان و پس از راهپیمائی عظیم مسلمین برای قدس، سرکردگان خائن این حزب، جوانان را اغفال نموده و به برادرکشی کشاندند. برادران

مسلمان من! شما به تبلیغات فریبنده‌ی این مخالفین اسلام که می‌خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز به دام این منحرفین بیفتند. من از اهالی محترم کُردستان تشکر وافر می‌کنم که به تعهد انسانی و اسلامی خود باقی هستند و از آنان تقاضا می‌کنم که از قوای انتظامی اسلامی پشتیبانی کنند و سران این حزب و مفسدین را در این منطقه بگیرند و تحویل مأمورین دهند و بدانند که با این عمل رضای خداوند تعالی و پیغمبر عظیم‌الشان اسلام را به دست آورده است. حزب دموکرات کُردستان غیررسمی و غیرقانونی اعلام شد و چون حزب شیطان است، باید تمام اهالی کُردستان به وظیفه‌ی شرعیّه عمل و جوانان خود را از عضویت در این حزب منحل ممنوع نمایند و با قاطعیّت تمام از توطئه‌ی این جنایت‌کاران جلوگیری و مخفی‌گاه‌های سران آنان را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند. امید است این عمل شما موجب قبولی عبادات در درگاه حقّ تعالی بشود. در خاتمه تأکید می‌کنم که اسلام تنها پناهگاه همه‌ی ماست و در زیر پرچم پُرافتخار آن، همه‌ی گروه‌ها به حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود و اربابان‌شان را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرکشی، قضیه‌ی شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی، همه‌ی برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران است و برادران کُرد باید این تبلیغات غیراسلامی را در نطفه خفه کنند. از خداوند تعالی وحدت کلمه‌ی مسلمین و نابودی منافقین را خواهیم.

پیام به ملت ایران و اهالی کُردستان (وظایف ارتش و وضع کُردستان)

بسم الله المنتقم

از مقام رهبری انقلاب و فرماندهی کل قوا اخطار کنم:

۱- این جانب پشتیبانی خود را از قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری، شهربانی و پاسداران انقلاب اعلام می‌کنم و اجازه نمی‌دهم قلم یا قدمی در تضعیف آنان به کار رود. متخلفین، مجرم و در صورت احساس توطئه در دادگاه‌های انقلاب محاکمه انقلابی می‌شوند و از این تاریخ هیچ کس و هیچ مقامی حق تضعیف آنان را ندارند.

۲- افراد قوای انتظامی فوق باید اطاعت از مافوق و حفظ سلسله مراتب را بکنند و در صورت تخلف مجرم شناخته می‌شوند و با احساس توطئه دستور محاکمه در دادگاه‌های صحرایی را می‌دهم.

۳- اعتصابات قوای انتظامی اکیداً ممنوع می‌شود و در صورت تخلف مجرم شناخته شوند و محرکین، ضد انقلاب شناخته می‌شوند و در دادگاه‌های انقلابی به کیفر انقلابی می‌رسند و با احساس توطئه دستور دادگاه‌های صحرایی نسبت به آنان را می‌دهیم.

۴- اکیداً دستور می‌دهم که قوای انتظامی به خصوص ارتش و پاسداران انقلاب هماهنگ باشند و تمام گروه‌های پاسدار نیز هماهنگ باشند و در سرکوبی اشرار و پاکسازی مناطق به خصوص کُردستان و خوزستان همکاری کنند. متخلفین مجرم و محرکین محاکمه انقلابی می‌شوند.

۵- به اعضای حزب دمکرات و گروه‌های غیور و پاکدل که از طرف سران توطئه‌گر این احزاب و خیانت‌گران به اسلام و ملت اغفال شده‌اند،

اعلام می‌شود در صورتی که خائن را رها کرده و به ملت و به اسلام پیوندند و خود را به پادگان‌ها و مقامات انتظامی معرفی کرده سلاح خودشان را تحویل دهند، مورد عفو واقع می‌شوند و اگر سران خائن را دستگیر و تحویل دهند پاداشی بزرگ به آنان می‌دهم و در صورتی که به مخالفت با ملت و دولت پایداری کنند به سزای اعمال ضد اسلامی خود می‌رسند و با شدت با آنان عمل می‌شود.

۶- به مردم شریف کردستان اعلام می‌کنم که شما را برادر و برابر خود می‌دانیم و از حقوق برابر با سایرین، برادران ایرانی‌تان در هر کجا باشید برخوردار خواهید شد و در جمهوری اسلامی هیچ فرقی بین تُرک، کُرد و لُر و عرب و فارس و بلوچ نمی‌باشد.

۷- به مدیر عامل شرکت نفت دستور داده‌ام که با مذاکره با دولت پول یک روز نفت را به کردستان اختصاص دهد و دولت موظف است در اسرع وقت، در عرض یک هفته این امر را انجام دهد و برادران عزیز کُرد ما که مورد هجوم اشرار قرار گرفته‌اند مورد توجه قرار دهد و نسبت به سایر استان‌ها نیز اقدام می‌شود.

۸- از ملت رزمنده و شریف ایران باید تشکر کنم که با کمال صداقت و شجاعت آمادگی خود را برای سرکوبی اشرار و حفظ سرحدات کشور اعلام داشتند و به پشتیبانی از قوای انتظامی برخاستند. پاسداران و سایر قوای انتظامی امروز از اسلام و در مسیر اسلام هستند و پشتیبانی از آنان وظیفه‌ی شرعی و ملی همگی ماست.

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، صص ۳۱۶ و ۳۱۷، تهران (۱۳۵۸/۵/۳۱)

اسلام دین سیاست است^۱

منافقین از زبان قرآن کریم

... در سوره‌ی دوم، سوره‌ی «منافقین» را ذکر می‌فرماید و کیفیت منافقین را؛ که این‌ها پیش تو اظهار دیانت می‌کنند، اظهار اسلام می‌کنند لکن دروغ می‌گویند، این‌ها مسلم نیستند، این‌ها منافق هستند و منافقین را هم به بدترین وجه ذکر می‌فرماید که مردم آن‌ها را بشناسند. ما قبلاً تذکرات دادیم برای این که منافقین را از غیر منافقین مردم تشخیص بدهند. به مجرد این که کسی گفت که من مسلم هستم و به مجرد این که کسی گفت من جمهوری اسلامی را قبول دارم، این نمی‌شود باور کرد باید اعمال آن‌ها را دید، باید دید این‌ها در این جمهوری اسلامی چه تعهداتی دارند، چه کاری کردند برای مملکت خودشان، چه فکری دارند. این‌هایی که اظهار اسلام می‌کنند، لکن مردم را در بلاد ایران به آتش می‌کشیدند، خرمن‌های مردم را به آتش می‌کشند، جوان‌های ما را در اطراف می‌کشند، در گُردستان عزیز آن قدر از جوان‌های ما را و از خود گُردها را کشته‌اند و این‌ها در عین حال می‌گویند ما مسلم هستیم، قرآن می‌فرماید که شماها منافق هستید، شماها مسلم نیستند، شمایی که قول‌تان غیر عمل‌تان است، حرف‌تان غیر واقعیت‌تان هست، شما مسلم نیستید، شما منافق هستید، شما می‌خواهید مردم را گول بزنید. شمایی که الان در گُردستان دست به خرابی زده‌اید و مع‌ذلک می‌گوئید ما سنی هستیم و اهل سنت هستیم، شما اگر اهل سنت هستید به حسب فتوای علمای بزرگ اهل سنت واجب است اطاعت کنید از اولی‌الامر، اولی‌الامر امروز دولت ما و ما هستیم، بر شما واجب است به حکم اسلام که تبعیت کنید

۱- پیام رادیویی - تلویزیونی به ملت مسلمان ایران (رابطه‌ی دین و سیاست).

و به حکم قرآن، به حسب رأی، علمای خودتان، به حسب رأی مشایخ خودتان. شما اگر چنانچه مسلم هستید، چرا تبعیت از قرآن نمی‌کنید؟ چرا به حسب آن طوری که علمای شما استفاده از آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» اطاعت نمی‌کنید؟ شما در صورت مسلمان هستید، در ظاهر اظهار اسلام می‌کنید، به حسب واقع مسلم نیستید. مردم کُرد ما، کُردستان عزیز ما، جوان‌های کُرد ما این میزان در دست‌شان باشد که منافق را از غیرمنافق بشناسند. آن‌هایی که اظهار اسلام می‌کنند و مسلمین را به آتش می‌کشند، آن‌هایی که اظهار اسلام می‌کنند و مردم را به زحمت می‌اندازند، مردم را به مضیقه می‌اندازند، آن‌هایی که اظهار اسلام می‌کنند و بیمارستان را آتش می‌زنند و مجروح‌ها را سر می‌برند، این‌ها را بشناسید، این‌ها مسلم نیستند، این‌ها منافق هستند، این‌ها اظهار اسلام امروز می‌کنند برای اغفال شما، اغفال نشوید، توجه بکنید که این‌ها چه مردمی هستند.

آن‌هایی که در مقابل حکومت طاغوت که جمهوری اسلام به همت مسلمین بر پا شد و رأی ندادند بر جمهوری اسلام و همان طاغوت را خواستند (رأی به جمهوری اسلامی ندادن یعنی ما طاغوت می‌خواهیم) این‌ها منافق هستند، این‌ها مسلم نیستند، مسلم باید به جمهوری اسلامی رأی بدهد، مسلم باید حکومت عدل اسلامی را بپذیرد. آن‌هایی که تحریم کردند رأی دادن بر جمهوری اسلامی را، منافق هستند، مسلم نیستند. آن‌هایی که صندوق‌ها را آتش زدند، آن‌هایی که مانع شدند از این که مردم رأی بدهند، آن‌ها مسلم نیستند، ما با آن‌ها عمل خواهیم کرد. به طوری که با غیرمسلمین عمل می‌کنیم، با منافقین عمل می‌کنیم و آن‌ها را سرکوب می‌کنیم.

هشدار به ملت ایران در مطالعه‌ی اعمال منافقین و سرکوب جدّی این جرثومه‌های فساد

ما تاکنون برای این که به مردم عالم بفهمانیم و بفهمند مردم که ما با چه اشخاص مقابله داریم، ما آزادی دادیم به آن‌ها، آزادی مطلق که در ظرف این چند ماه قریب دویست حزب و گروه و زیاد مطبوعات و مجلات و روزنامه‌ها منتشر شد و هیچ کس جلوگیری نکرد، در عین حالی که به همه‌ی مقدّسات ما توهین کردید، در عین حالی که با حکومت آن طور رفتار کردید و با اسلام آن طور رفتار کردید در مطبوعات‌تان، مع‌ذلک به شما تعرّضی نشد تا آن که فتنه را دیدیم و فهمیدیم شما فتنه‌گر هستید، شما منافقینی هستید که می‌خواهید فتنه بکنید، منافقینی هستید که توطئه کردید بر ضدّ اسلام، توطئه کردید بر ضدّ کشور، توطئه کردید بر ضدّ ملت، شما اشخاصی هستید که با سرحدات و با خارج روابط دارید، رفت‌وآمد شما کنترل است، اطلاع به ما دادند که رفت‌وآمد دارید شما با اشخاصی که در رژیم سابق بودند، با اشخاصی که می‌خواهند مملکت ما باز به حال اوّل برگردد. بعد از این که توطئه‌ی شما ثابت شد و مردم فهمیدند شما چه اشخاصی هستید، دیگر نمی‌توانیم اجازه بدهیم آزادانه هر کار می‌خواهید بکنید، شما را سرکوب خواهیم کرد.

من به ملت عزیز گُردستان، من به مردم بزرگ گُردستان هشدار دهم که توجّه داشته باشند به اعمال این‌ها، مطالعه کنند در حال این‌ها. من به جوان‌های عزیز گُردستان هشدار می‌دهم که اسلام پناهگاه همه‌ی ماست، اسلام برای شما همه چیز را فراهم می‌کند و این‌ها تابع اجانب هستند و در حزب این‌ها اگر وارد شدید بیرون بیایید و به این‌ها اتّصال پیدا نکنید. من از آن‌ها می‌خواهم که این سران بسیار خبیث و این سران خائن را خودشان بگیرند و تحویل بدهند. جوان‌های ما اغفال نشوند، این‌ها

یک مشتی از اراذل هستند و یک مشتی اشخاص منافق هستند که خدای تبارک و تعالی به اسم منافقین این‌ها را ذکر می‌فرماید و اوصاف‌شان را در کتاب ذکر می‌کند.

صحیفه‌ی امام^(ع) ج ۹، صص ۳۳۶ تا ۳۳۸، قم (۱۳۵۸/۰۶/۳)

مخالفت اسلام با آزادی به شیوه‌ی غربی^۱

۳۹

... از ما هر چه خواستیم هدایت کنیم این قشرهای فاسد را، هر چه مهلت دادیم که هدایت بشوند، هر چه مهلت دادیم که به خود بیایند، هر چه مهلت دادیم که به مصالح کشور نظر کنند، هر چه آزادی دادیم که آزادی را برای ملت وسیله‌ی رشد ملت قرار بدهند، آزادی قلم دادیم، آزادی بیان دادیم، آزادی اجتماعات دادیم، آزادی احزاب دادیم که این‌ها اگر درست می‌گویند که برای ملت کار می‌کنند و دموکرات هستند، حکومت مردم بر مردم می‌خواهند، اگر این‌ها حکومت مردم بر مردم می‌خواهند، چرا نمی‌گذارند مردم سرنوشت خودشان را تعیین کنند؟ چرا با خراب‌کاری‌ها نمی‌خواهند مردم حکومت خودشان را تعیین کنند؟ چرا با غائله‌آفرینی نمی‌گذارند که ملت قانون اساسی خودش را به دست خبرگان خودش تعیین کند؟ این‌ها دموکرات نیستند، این‌ها جنایت‌کارانی هستند که با اسم حزب دموکرات می‌خواهند برای اربابان خودشان کار کنند. ملت عزیز کردستان ما، بیدار باشند، از اعمال این‌ها بفهمند این‌ها مردم خائنی هستند و این‌ها منافق هستند. این‌ها اظهار می‌کنند که ما برای ملت می‌خواهیم، برای مصالح ملت می‌خواهیم عمل کنیم. این‌ها که می‌گویند برای مصالح ملت می‌خواهیم عمل کنیم، چرا مصالح ملت را به باد می‌دهند؟ چرا جوان‌های این ملت را می‌کشند؟ چرا بیمارستان

را خراب می‌کنند؟ چرا نمی‌گذارند این ملت سرنوشت خودش را تعیین کند؟ اگر شما دموکرات هستید، بگذارید حکومت مردم بر مردم تحقق پیدا کند. شما دموکرات نیستید، شما منافق هستید، شما دیکتاتورهای هستید که به صورت دموکرات بیرون آمدید و ادعا می‌کنید.

برادران گُردستانی من! عزیزان من! کسانی که گول خوردید از این سران خودفروخته! برگردید به اسلام. اسلام عفو دارد. اسلام برای همه است. اسلام باب رحمت است. برگردید به دامن اسلام، دست بردارید از این حزب‌ها، از این گروه‌های فاسد. اسلام با شما با عظوفت رفتار می‌فرماید و با خائن‌ها با خشونت. خائن‌ان را سرکوب می‌کند با شمشیر، با اسلحه و به شما رحمت می‌کند و با شما مدارا می‌کند. باب رحمت باز است. باب عفو باز است. بیایید به باب رحمت حق، گول نخورید از این خائن‌ان، از این منافقان.

فساد و فحشاء ثمره‌ی آزادی غربی

مع‌الاسف در مراکز هم یک آراء فاسد هست. این‌ها که آزادی می‌خواهند، این‌ها که می‌خواهند جوان‌های ما آزاد باشند قلم‌فرسایی کنند برای آزادی جوان‌های ما، چه آزادی را می‌خواهند؟ می‌خواهند جوانان ما آزاد بشوند، قمارخانه‌ها باز باشد به طور آزاد، مشروب‌خانه‌ها باز باشد به طور آزاد، عشرت‌خانه‌ها باز باشد به طور آزاد، هروئین‌کش‌ها -باز باشد- آزاد باشند، تریاک‌کش‌ها آزاد باشند، دریاها آزاد باشند و درها باز برای جوان‌ها. جوان‌های ما آزاد باشند و هر مفسده‌ای را بخواهند عمل کنند، به هر فحشا که می‌خواهند کشیده شوند. این چیزی است که از غرب دیکته شده است. این چیزی است که می‌خواهند، جوانان ما که می‌شود در مقابل آن‌ها بایستند، جوانان ما را بی‌خاصیت کنند. ما می‌خواهیم جوانان‌مان را از میکده‌ها به میدان جنگ ببریم. ما می‌خواهیم جوانان‌مان

را از عشرت کده‌ها به میدان جنگ ببریم. ما می‌خواهیم جوانانمان را از این سینماهایی که بود و جوان‌های ما را به فساد می‌کشید دست‌شان را بگیریم و به جاهایی ببریم که برای ملت فایده داشته باشد. این آزادی که آقایان می‌خواهند، آزادی‌ای است که قدرتمندها دیکته کرده‌اند و نویسندگان ما یا غافل‌اند و یا خائن. این دمکرات مآب‌ها که می‌گویند باید آزاد باشد، به هیچ وجه نباید جلوی هیچ چیز را گرفت، این‌ها الهام می‌گیرند از ابرقدرت‌ها، با آن‌ها می‌خواهند ما را غارت کنند و جوان‌های ما بی‌تفاوت باشند. جوان‌هایی که در عشرت‌گاه هستند بی‌تفاوت‌اند. جوان‌هایی که مبتلا به مخدرات هستند، در امور کشوری بی‌تفاوت‌اند. جوان‌هایی که در مراکز فحشا بزرگ می‌شوند نسبت به مسائل مملکت کار ندارند. آن جوان‌ها به مصالح مملکت کار دارند که از این مسائل دورند، در تحت تربیت اسلامی هستند. رئیس پاسدارها به من گفت جوان‌های ما شب، نماز شب می‌خوانند و در قنوت فلان دعا، دعای مفصل را می‌خوانند. این‌ها می‌توانند مملکت نگه دارند. ما می‌خواهیم مملکت حفظ کنیم. حفظ مملکت به آزادی که شما می‌گویید نیست. باد می‌دهد این آزادی مملکت را، بر باد می‌دهد. این آزادی که شما می‌خواهید، آزادی دیکته شده است برای این که مملکت را ببلعند و جوانی ما نداشته باشیم جواب بدهد. چنان‌چه دیدیم که عمل کردند و چه شد، چه مصیبت‌هایی به مملکت ما وارد شد، برای این که جوان‌های ما را به فساد کشیده بودند. ما می‌خواهیم جوانانمان را از چوب وافور رها کنیم، مسلسل به دست آن‌ها بدهیم. ما می‌خواهیم جوانانمان را از پای منقل و وافور رها کنیم و به میدان جنگ ببریم. شما می‌خواهید که ما آزاد بگذاریم تا جوانان ما فاسد بشوند و اربابان شما بهره بردارند...

همکاری مردم در دستگیری خیانتکاران

ما خادم برادران کُردستانی هستیم و خادم برادران بلوچستانی و سیستانی و همه‌ی طبقات. ما می‌خواهیم شما را نجات بدهیم از دست این خائن‌ها؛ شما هم کمک کنید این خائن‌ها را از خود دور کنید؛ سران این‌ها را بگیرید تحویل بدهید، این‌ها به اسلام عقیده ندارند. این‌ها با قرآن مخالف‌اند. اگر به قرآن اعتقاد دارند، قرآن فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»^۱ چرا از اُولی الامر اطاعت نمی‌کنند؟ چرا قیام بر ضد حکومت کردند؟ چرا قیام بر ضد اُولی الامر کردند؟

ای علمای کُردستان! جوان‌های خودتان را بیدار کنید. ای علمای کُردستان! از اسلام پشتیبانی کنید. ای علمای کُردستان! این خیانتکاران را برانید، و دستور دهید این‌ها را بگیرند و تحویل دادگاه اسلامی بدهند، نگذارید این‌ها از مرزها فرار کنند. ارتش مرزها را نگه دارد، تمام مرزها را مکلف است که با قدرت نگاه دارد. قوای انتظامی، وحدت کلمه پیدا کنند؛ هماهنگ باشند. پاسداران ما با قوای انتظامی دیگر هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نباشید، خائنید.

امروز مخالفت خیانت است. امروز دسته دسته بودن خیانت است. اگر شما هماهنگ باشید، کشته نمی‌دهید؛ زود پیش می‌برید. و ان شاء الله به همین زودی این ریشه‌های فاسد کننده می‌شود و این خیانتکاران به سزای خودشان می‌رسند. خداوند همه‌ی شما را و همه‌ی ما را هدایت کند. خداوند خائنان را از صفحه‌ی روزگار بردارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، صص ۳۴۱-۳۴۳ و ۳۴۶، تهران (۱۳۵۸/۰۶/۰۳)



اخطار به سران حزب منحل دمکرات^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بدین وسیله مطالب زیر اعلام می شود:

۱- هماهنگی در قوای انتظامی (ارتش، ژاندارمری، سپاه پاسداران) به طور قاطع ادامه پیدا کند. متخلفین چهارم ملاحظه می شوند و مؤاخذه می گردند.

۲- با سران حزب منحلّه ی دمکرات و دیگر سران که خائنان به ملت و کشور اسلامی هستند و قیام بر ضدّ حکومت مرکزی نمودند، با شدّت، عمل می شود و جوانان عزیز و برومند گرد، آنان را گرفته و تحویل نیروهای انتظامی دهند.

۳- علمای اعلام اهل سنت، مکلف اند شرعاً با قوای انتظامی همکاری کنند و مخفی گاه خائنان را در صورتی که می دانند، به آنان نشان دهند و با آن معامله ی مرتدّ از اسلام نمایند تا نزد خدا مسئول نباشند.

۴- من مکرّر اعلام کرده ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعه، برادر و برابر و همه برخوردار از همه ی مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایت هایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند، ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همه ی برادران اهل سنت، تقاضا دارم که این شایعات را محکوم و شایعه سازان را به جزای اعمال شان برسانند.

۵- هیچ کس به هیچ عنوان، حقّ تجاوز به جان و مال برادران کردستانی ما را ندارد. متجاوزین، شدیداً به جزای اعمال خود می رسند.

۶- آن دسته از اعضای حزب منحلّه ی دمکرات و سایر برادران ما

۱- پیام به نیروهای نظامی (اخطار به سران حزب دمکرات و آزادی مطبوعات).

که به وسیله‌ی تبلیغات باطل سران جنایت‌کار این حزب، اغفال شده‌اند، در صورتی که به برادران مسلمان خود پیوندند، اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شوند، باز هم مورد عفو هستند و در امان حکومت جمهوری اسلامی می‌باشند.

۷- در عین حال که باید سلسله مراتب در قوای انتظامی دقیقاً مراعات شود و اطاعت از مافوق حتمی است، مافوق موظف است با زیردست رفتار اسلامی-انسانی داشته باشد.

۸- شایعه‌سازی‌های ضدانقلاب که از چپ و راست بر خلاف مسیر ملت می‌شود و دولت را متهم به اختناق می‌کند، جداً مردود است. ما در طول پیروزی انقلاب گوشزد کردیم که آزادی مطبوعات مورد نظر ما است، لیکن از خیانت و توطئه، به طور جدی و بدون اغماض جلوگیری می‌شود. مطبوعاتی که توطئه‌گر و مخالف مسیر ملت نباشند، پس از تحقیق، آزاد خواهند بود.

۹- دادستان‌های دادگاه‌ها موظف‌اند که بار دیگر رسیدگی به مطبوعات و حال نویسندگان آن‌ها را بر عهده گیرند و هر یک از مطبوعات را که توطئه‌گر و مخالف مصالح ملت و کشور نداشتند اجازه نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جداً جلوگیری کنند.

۱۰- مردم به هیچ وجه، حق ندارند به کتاب‌فروشی‌ها تعرض نمایند، در صورتی که دادستان‌های شهرستان‌ها نشریاتی را مضر انقلاب و مصلحت کشور تشخیص دادند، موظف به جلوگیری هستند. اشخاص، غیرمسئول، از دخالت در این امور جداً خودداری کنند والا مؤاخذه می‌شوند.

۱۱- مطبوعات موظف‌اند از تیتروائی که موجب تحریک و یا تضعیف مردم می‌شود و یا مخالف واقع است، خودداری کنند و خود

را با مسیر انقلاب تطبیق دهند و نیز از درج مقالاتی که مضرّ به انقلاب و موجب تفرقه می‌شود، خودداری کنند که این خود، توطئه محسوب می‌شود.

والسلام - روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی نور، جلد ۹، صص ۳۵۱ و ۳۵۲، قم (۱۳۵۸/۶/۶)

ضرورت ایجاد آرامش^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه که امروز برای همه‌ی ما لازم است این است که حتّی الامکان کوشش کنیم در این که آرامش پیدا بشود. اگر حالا که در کردستان اشرار مشغول شرارت هستند و اذهان متوجّه به این است که حل کند این قضیه را، در هر جا باز یک صدایی درآید، این موجب می‌شود که افکار متشتّت بشود و نتوانند آن مسأله را حل کند. من اعتقادم این است که هر جا الآن باید یک قدری آرامش باشد؛ یک قدری توصیه بشود به این که آرامش باشد. شما آقایانی که از کرج آمده‌اید و به کردستان هم رفتید من تشکر می‌کنم از شما؛ لکن حالا که برگشتید هم‌چو عجله نکنید در این که همه‌ی کارها فوراً درست بشود. باید یک قدری در این وقتی که آن‌جا این انقلاب هست و این آدم‌گشی و همه‌ی اذهان هم متوجّه به آن‌جاست، کاری بکنید که در محل خودتان، هر کس در هر محلی هست، هم صدا باشد، آرام باشد؛ تا این که دولت بتواند به آن امر رسیدگی کند. اگر بنا باشد که هر جا صدا درآید و عرض می‌کنم که اختلافات باشد و قشرها مختلف باشند، این موجب می‌شود که خدای نخواستہ یک وقتی

۱- سخنرانی در جمع نمایندگان اصناف و پاسداران کرج.

ضد انقلابی‌ها پیشی کنند و یک وقت یک فاجعه‌ای به کار بیاید. در هر صورت ان شاء الله به این امور رسیدگی می‌شود. لکن یک دفعه و در این حالی که الآن جهاتی دیگر در کار است، که آن‌ها اهمیّت زیاد است، البتّه به این زودی و فوراً این امور قابل حل نیست و مهمّش هم همین هست که اگر بنا باشد هی متشّت باشد هر جا.

الآن از قزوین آمده بودند و حرف‌هایی می‌زدند. جاهای دیگر همین طور مسائل هست. و من هم می‌دانم که آشتی‌گی در کار است و نابسامانی زیاد است. اما الآن مسأله‌ی کردستان یک مسأله‌ای است برای ایران، برای این که از آن طرف مرز هم به آن‌ها ممکن است کمک بشود، ولو کاری نمی‌توانند بکنند، اما خوب، یک کشتاری می‌شود و یک جوان‌هایی از دست ما می‌رود. ان شاء الله والسّلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، صص ۳۵۶ و ۳۵۷، قم (۱۳۵۸/۰۶/۰۷)

حمایت ملت از دولت

... هر مشکلی که برای دولت پیش بیاید ملت قدم گذارد جلو برای حل او. در مشکل کردستان ملاحظه کردید که تمام قشرهای ملت، بلکه مسلمین جاهای دیگر، بلاد دیگر، مسلمین خلیج، جاهای دیگر همه آمادگی خودشان را برای پشتیبانی و برای سرکوبی اشرار اعلام کردند و ما دیدیم احتیاج به بسیج عمومی نیست، خود قوای انتظامیه آن‌ها را سرکوب می‌کنند، از این جهت خواهش کردیم از آن‌ها که دست نگه دارند. آن طرز حکومت با این طرز حکومت این دو تا را باید حکومت‌ها به نظر بیاورند. آن طرز حکومت که اگر مشکلی پیدا بشود، مردم به مشکلات می‌افزایند و این طرز حکومت که مردم حکومت را

۱- سخنرانی در جمع ایرانی‌های مقیم کویت (راه حلی برای مشکلات مسلمانان).

از خودشان می‌دانند و همان‌طور که از عائله‌ی خودشان دفاع کنند. از حکومت خودشان دفاع می‌کنند اگر همه‌ی حکومت‌های اسلامی بلکه همه‌ی حکومت‌های جهانی این‌طور بشوند که با مردم تفاهم داشته باشند. صحیفه‌ی امام، جلد ۹ ص ۳۲۹، قم (۱۳۵۸/۰۶/۰۲)

لزوم حفظ برادری بین همه‌ی مذاهب اسلامی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

من کراراً در خطابه‌هایی که ایراد کردم و در نوشته‌هایی که داشتم دو مطلب را رویش تأکید کردم، یک مطلب این که در اسلام، نژاد، گروه، دستجات، زبان، این‌طور چیزها مطرح نیست، اسلام برای همه است و به نفع همه و ما با شما برادر هستیم، به حکم قرآن، به حکم اسلام و از همه جدا نیستیم با کُردها، با ترک‌ها، با بلوچ‌ها همه برادر و باید با هم زندگی کنیم. الان یک مملکتی است که دست اجانب از آن کوتاه شده و این جنایت‌کارهای داخلی هم یا فرار کردند یا در زوایا هستند. البتّه آن‌ها به این زودی نمی‌توانند، خارجی‌ها، آن‌هایی که منافع ما را می‌بردند به این زودی نمی‌توانند که دست بردارند و ما هم به آن‌ها مجال نخواهیم داد. ان‌شاءالله آن چیزی که من تأکید کردم یکی همین معنا بود که گمان نکنند برادرهای سنی ما که در اسلام این معنا مطرح باشد که فرقی مابین شما و ما باشد. همان‌طور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنّن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دو تاست، لکن برادر هم هستند، دشمن نیستند، این هم یک مذهب خامسی است که دشمنی در کار نیست، همه برادری،

۱- سخنرانی در جمع اهالی عجب‌شیر و جوانرود (برادری مذاهب اسلامی).

همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم^(ص)]. بنابراین، این معانی را اگر چنانچه کسی در آن‌جاها القاء بکند، جزء ریشه‌های فاسد رژیم سابق که یک خرده‌شان مانده‌اند و طرفدارهای اجانب که به نفع آن‌ها می‌خواهند اغتشاش ایجاد کنند.

و شما برادرها باید به این معنا توجّه داشته باشید که این‌ها یک توطئه‌هایی است برای این که نگذارند اسلام در ایران حکومت کند. این‌ها با اسلام مخالف‌اند، نه با کُرد مخالف‌اند و نه با فارس مخالف‌اند، آن‌ها با اساس مخالف‌اند، با اسلام مخالف‌اند و همه مسلمان‌ها تکلیف‌شان این هست که این‌ها را جلوگیری از آن‌ها بکنند، این‌ها را سرکوب کنند.

هدف حزب دمکرات کُردستان

من در صحبت‌های اخیری که کردم، این مطلب را گفتم که تمام کُردستان، تمام طبقاتش را الا آن رده بالا، آن رده بالا که توطئه‌گر و مفسد هستند، تمام آن‌ها در امان‌اند، احدی به آن‌ها تعدّی نخواهد کرد، دادگاهی آن‌ها را نخواهد خواست مفسدین را ما می‌خواهیم جلوگیری کنیم یعنی همان‌هایی که شما را به زحمت می‌اندازند. الان در منطقه‌ی شما کشتار است، در منطقه‌ی ما که نیست ما این‌جا نشستیم شما هم نشستید، آن که ما را وادار کرده است که همه قوا را متوجّه به آن‌جا بکنیم، آن مصلحت شماست، آن برای این است که شماها و خانواده شماها گرفتار این قشرهای فاسد هستید و آن‌ها با اسم‌های مختلف می‌خواهند همه را سرکوب بکنند و تحریکاتی که می‌خواهند بکنند، برای همین است که نگذارند اسلام تحقّق پیدا بکند، و الا حزب دموکرات به اسلام کاری ندارد تا بگوید من سنی هستم. اگر می‌گوید من سنی هستم، همه‌ی فقهای اهل سنت می‌گویند اطاعت اولی‌الامر واجب است و این‌ها نمی‌کنند، یعنی خلاف می‌کنند، بر خلاف رفتار می‌کنند. پس بدان این‌ها

سنّی نیستند، این‌ها می‌خواهند شما را بازی بدهند، بگویند که ما سنّی هستیم و شیعه‌ها با ما چه. اگر شیعه‌ها با سنّی مخالف بودند، چرا قبل از این که این‌ها به این شرارت دست بزنند، شیعه‌ها نیامدند با شما جنگی بکنند. چه جنگی دارند؟ ما با شما برادر هستیم، جنگی نداریم با شما.

شماها و ما همه با هم در برابر اسلام و قانون اسلام - سواء - علی السواء هستیم. بنابراین هیچ خوف نیست و من این را بعد هم اعلام عمومی می‌کنم. و قضیه گرفتارهایی که داشتید شما در زمان سابق، این اختصاص به شما نداشته است. همین قم آن قدر گرفتاری داشت در زمان شاه سابق و پدر این که هر دو طرفدار خارجی‌ها و نوکرهای آن‌ها بودند. همین قم و همین حوزه‌ی علمیه قم مصیبت‌ها از این‌ها کشیده‌اند، حبس‌ها رفتند، تبعیدها رفتند، کشته‌ها دادند، غارت شدند، قرآن را آتش زدند. در این مدرسه فیضیه به طوری که برای ما نقل کردند کتاب‌های علمی را آتش زدند، کتاب‌های حدیث را آتش زدند. ما هم گرفتار بودیم، شما هم گرفتار بودید، سایر برادرهای ما هم در قراء و سایر جاها گرفتار بودند. همه. الحمدلله این گرفتاری رفع شد و امیدواریم دیگر برنگردد.

همه کشور نیازمند اصلاحات

راجع به این که در همه جا باید یک اصلاحاتی بشود ما می‌دانیم که همه‌ی مناطق را این‌ها عقب نگه داشتند. از همه‌ی چیزهایی که باید ایرانی‌ها برخوردار باشند، نگذاشتند، نه آب هست، نه برق هست، نه آسفالت هست، نه چیزی و این هم اختصاص به شما ندارد. شما بروید تهران طرف جنوب، آن محله‌های زیادی که الان در تهران هست، زاغه‌نشین‌ها، شما باز یک خانه‌ای دارید، شما بروید تهران ملاحظه کنید، این‌ها یک عده زیادی، یک محله‌هایی که شاید حدود سی تا محله است که الان در همین اطراف تهران، نه بیرون، متصل، همه متصل تهران،

در این گودال‌ها زندگی می‌کنند، نه خانه دارند، نه آب دارند، نه برق دارند. این‌ها باید زن‌های‌شان بیچاره‌ها از پنجاه پله آن طور که به من نقل کرده‌اند از پنجاه پله، شصت پله یا بیشتر، بروند بالا تا برسند به یک شیر آبی، یک کوزه آب کنند بیاورند برای بچه‌هاشان. این مسأله این طور نیست که شما خیال کنید، الان تهران همه کارها درست کرده -سابق و یا شاه سابق یا پدرش و شما- خیر، همه جا را عقب نگه داشتند.

اجانب خیرخواه شما نیستند

الان هم اوّل چیزی که در نظر است، مناطق شماسه. همین چند روز ما الان در صددیم، همین چند روز هیأت‌هایی می‌آیند برای آن‌جا، برای رسیدگی و امیدوارم که همه گرفتاری‌ها را رفع بکنند ان شاء الله. شما جوان‌های‌تان را از این که بازی بخورند از این‌ها جلوگیری کنید، نگذارید از این‌ها بازی بخورند، این‌ها خیرخواه شما نیستند. آن که خیرخواه همه است اسلام است. این‌ها شما را می‌خواهند از اسلام دور کنند. کسی که می‌خواهد کسی را از اسلام دور کند، این خیرخواه نیست. این‌ها می‌خواهند همان‌طور که سابق چپاول می‌کردند و ارباب‌هاشان چپاول می‌کردند حالا هم همان قضیه باشد و چپاول باشد. چپاولگرند. این‌ها این چپاولگرهایی که آدم‌کشی دارند می‌کنند -عرض می‌کنم که- خرمن آتش می‌زنند و همه این حرف‌ها را، کارها را می‌کنند، این‌ها دلسوز برای ملت نیستند. آنی که برای ملت دلسوز است اسلام است که دلسوز است و آن‌هایی که تابع اسلام هستند برای شما کار می‌کنند. مربی همه قرآن است و آن که برای همه است قرآن است و آن که باید زیر سایه‌ی او همه ما باشیم آن عبارت از قرآن است. شما مطمئن به این معنا باشید که این‌ها همه‌اش غلط است و شما خودتان شاهد هستید که آن‌ها شروع کردند به شلوغ‌کاری و جنگ و آدم‌کشی و این‌ها، و ارتش ما برای جلوگیری از

این بود، برای این بود که داشتند آن‌جا را به آتش می‌کشیدند، رفتند برای جلوگیری، آن وقت آن‌ها منتشر می‌کنند که نخیر این‌ها می‌خواهند بیایند مناطق این‌ها را چه بکنند. این‌ها چه کاری به مناطق آن‌ها دارند؟ مناطق آن‌جا، منطقه‌ی اسلامی است و ایران است و همه‌ی ما ایرانی و همه‌ی ما مسلمان و همه‌ی ما تابع قرآن، ان‌شاءالله همه‌تان موفق باشید و مؤید.

صحیفه‌ی امام، ج ۹، صص ۳۵۹ الی ۳۶۲، قم (۱۳۵۸/۶/۷)

هدف فتنه‌انگیزان؛ محو اسلام در کردستان^۱

... فاسدهایی که با خارج پیوند دارند خائن به مملکت هستند، می‌خواهند کردستان را به کمونیستی بکشند، می‌خواهند اسلام را در کردستان محو کنند، الان هم مشغول تبلیغات سوء هستند، الان هم با قلم‌های داخل و خارج به کار افتادند و تبلیغات سوء می‌کنند. از آن طرف می‌گویند ما می‌خواهیم ملت کرد را حفظ کنیم و از آن طرف می‌گویند دولت می‌خواهد کردها را سرکوب کند. مسأله‌ی کرد مطرح نیست، مسأله‌ی کمونیست مطرح است. کرد مسلم است، ملت جنگ ندارد. این‌ها می‌خواهند مملکت ما را، کردستان ما را به ضلالت بکشند، به کمونیستی بکشند.

لزوم هوشیاری مردم و علمای کردستان در برابر توطئه‌ها

ملت کرد باید بیدار شود، علماء کردستان توجه داشته باشند این جرثومه‌های فساد را معرفی کنند. ملت کردستان توجه داشته باشند که این‌ها به اسلام عقیده ندارند، این‌ها اسلام را منافعی با منافع خودشان می‌دانند، این‌ها اسلام را مخالف با ارباب‌های خودشان می‌دانند، این‌ها نمی‌خواهند کردستان را آباد کنند، این‌ها می‌خواهند خرابی کنند تا

گُردستان را به ضلالت بکشانند، از اسلام خارج کنند. گُردستانی‌ها جوان‌های خودتان را دریابید. علماء معظّم گُردستان مردم گُردستان را دریابید، مجال به این ریشه‌های فاسد ندهید، مردم شجاع گُردستان، گُردستان را دریابید، اسلام را دریابید. ای ریشه‌های فاسد شما نمی‌توانید کاری انجام بدهید از صحنه بروید. ما شما را محکوم می‌کنیم، شما قابل هدایت نبودید. آن‌هایی که جوان‌های ما را اغفال کردند، آن‌هایی که با اسم دموکراسی، با اسم دموکرات می‌خواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند، این‌ها باید سرکوب شوند. ملت ما آن‌ها را سرکوب خواهد کرد. کاری نکنید که باب غضب باز شود و باب رحمت بسته شود.

برخورد قاطع نیروهای مسلّح با توطئه‌گران

ارتش، ژاندارمری، پاسداران ملزمند که با هم تفاهم باشند، هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نبودند تعقیب می‌شوند، مجرم‌اند. رؤسای ارتش موظّف‌اند که اسباب جنگ برادرهای ما را، برادرهای پاسدار ما را فراهم کنند، تعلّل نکنند، آن‌ها را مجهز کنند. باید با فوریت این ریشه‌های فساد را بکنند، مهلت به این ریشه‌های فساد ندهند. سران این‌ها قابل هدایت نیستند، این‌ها از یهود بنی‌قریظه بدترند و این‌ها باید اعدام شوند.

اهتمام به رفاه مردم گُردستان

تمام گُردستان به استثناء این چند عددی که سران آن‌ها هستند در امان هستند. باب رحمت خدا بر روی آن‌ها باز است، برادر ما هستند. نظر ما به برادران گُردستانی از دیگر برادران بیشتر است. رفاه برای آن‌ها حاصل می‌شود، حوائج آن‌ها، چیزهایی که آن‌ها می‌خواهند و مسموع است، به آن‌ها داده می‌شود. تبلیغات سوء را توجّه نکنید. اسلام به شما محبّت دارد، رحمت اسلام به روی شما باز است، باب رحمت اسلام به روی شما باز است. این سران خائن را بگیرید و تحویل بدهید. برادران گُرد! اسلحه‌ها را

کنار بگذارید به آغوش اسلام در آئید و به برادران ارتشی تان کمک کنید و این ریشه‌های فساد را از بیخ و بن برآورید. اسلام برای شما پناه است. اسلام صلاح شما را می‌خواهد. این‌ها که خرمن‌های شما را آتش می‌زنند، این‌ها که جوانان شما را به کشتن می‌دهند، این‌ها جوانانی را که برای کمک به کشاورزان رفتند، برای پاکسازی رفتند، برای کمک رفتند اعدام می‌کنند. این‌ها انسان نیستند، این‌ها خوی حیوانی دارند، از خوی حیوانی هم بدتر. این‌ها می‌خواهند کردستان را به تباهی بکشند. خداوند شماها را از شر این مفسده‌جوها نجات بدهد. خداوند کردستان را از شر این جرثومه‌های فساد نجات بدهد و ما به اذن خدا و ما به امر خدا با آن‌ها با شدت رفتار می‌کنیم و آن‌ها را به همین زودی سرکوب می‌کنیم. رحمت بر تمام قشرهای کردستانی برادر ما و غضب و لعنت بر سران مفسده‌جوی و مفسدان آن سامان. از خداوند تبارک و تعالی سلامت همه‌ی مؤمنین و سعادت همه‌ی مؤمنین را خواستارم و خداوند تعالی به همه‌ی آن‌ها رحمت کند و مفسدین را براندازد. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، صص ۳۷۱-۳۷۳، قم (۱۳۵۸/۶/۹)

پیام امام خمینی (رحمة‌الله علیه) به علمای
اعلام و مردم غیور کردستان (بسیج عمومی
برای پشتیبانی از برادران کردستانی)^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز تلگرامی با قید دو فوریت و با اسم امضای ۱۸ نفر از ائمه جماعت و رونوشت برای پانزده مقام از مهاباد واصل شد که در آن اظهار

۱- افشای ماهیت سران گروهک‌ها در کردستان و لزوم هوشیاری علما و روحانیون.

تأسف شده است که این‌جانب به واسطه‌ی تبلیغات سوء بر ضدّ کُردها و اهل تسنّن بسیج عمومی نموده‌ام. من با این که می‌دانم علمای اعلام کُردستان در مهاباد و سایر شهرستان‌ها واقعه را آن‌طور که هست می‌دانند و پُرواضح است که سران اشرار یا جعل امضاء به اسم علما نموده‌اند، و یا علما و ائمه‌ی جماعت را الزام به امضاء نموده‌اند، مع‌ذلک لازم است برای چندمین بار به استحضار علمای اعلام کُردستان و برادران کُردستانی و سایر طبقات برسانم این سران خائن چون خود را شکست خورده و مورد تنفّر ملت ایران می‌دانند دست به این تشبّثات واهی زده‌اند، از اوّل پیروزی انقلاب تاکنون در هر موقعیتی که پیش آمده است اعلام کرده‌ایم که در اسلام کُرد و تُرک و فارس و بلوچ و لُر و ترکمن و غیر این‌ها مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حقّ همه‌ی گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد. در عین حال این خائنان به ایران، خصوصاً کُردستان دست از خیانت و جنایت برنداشته و طرح‌هایی مسالمت‌آمیز را با اسلحه‌هایی که از کشورهای خارجی و یا از غارتگری به دست آورده‌اند جواب داده‌اند و برادران ما را که برای حفاظت برادران کُردستانی خود بسیج شده‌اند با کمال بی‌رحمی و شقاوت به آتش کشیده‌اند و سر بریده‌اند، حتّی به برادران کُردستانی ما و به کسانی که برای جهاد سازندگی و کمک به کُردستان آمده بودند رحم نکردند و آنان را اعدام نمودند. ما به این اشرار می‌گوئیم اگر ما بر ضدّ کُردها بسیج عمومی نمودیم، چرا در شهرستان‌های کُردستان مثل نقده و سنندج و پاوه و دیگر جاها پس از پاکسازی غیر از برادری اسلامی رفتار نشده است و چرا برادران کُردستانی ما از ارتش و پاسداران و سایر قوای انتظامی استقبال پُرشور کردند و با آغوش باز پذیرفتند و چرا ما گروهی را برای بازسازی آن منطقه فرستادیم که حوائج برادران

اهل سنت را برآورده کرده و با تمام امکان وسایل آسایش و رفاه آنان را فراهم کند؟ آیا ما برادران اهل سنت را دشمن می‌دانیم که بارها و بارها اعلام کرده‌ایم هیچ فرقی بین این دو فرقه نیست؟ ما که تصمیم گرفته‌ایم که آن سامان را به بهترین وجه آباد کنیم و مقدّماتش را فراهم کرده‌ایم، با کُرد مخالفیم؟ یا شما که اسلحه به دست گرفته و به هیچ چیز و به هیچ کس رحم نمی‌کنید، طرفدار کُرد هستید؟ ما بسیج عمومی اگر بکنیم، برای پشتیبانی از برادران کُردستانی و استخلاص آنان از اشرار است و به خواست خداوند متعال شرّ آنان را به زودی دفع و سران خائن را شدیداً به جزای اعمال‌شان رسانده و با برادران کُرد، حتّی آنانی که در حزب منحلّه‌ی دموکرات داخل شده‌اند، اگر به آغوش ملّت برگردند، با برادری و برابری رفتار می‌کنیم و همه در پناه اسلام خواهند بود.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۳۸۸ و ۳۸۹، قم (۱۳۵۸/۶/۱۳)

پیام امام خمینی (رحمة الله علیه) به ملّت ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور

بسم الله الرحمن الرحيم

خاطره‌ی تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره‌ی تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه‌ی شیرین سرنگونی کاخ‌های استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده‌ی کلّ یوم عاشورا و کلّ ارض کربلا باید سرمشق امت اسلامی باشد، قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین. عاشورا قیام عدالت‌خواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل

ستم‌گران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه‌ی زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و ریخت، کربلای مکرر و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده‌ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگر چه با عده‌ای قلیل علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است، و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور مکرر عاشورا و میدان شهداء مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستم‌گری را با خون در هم کوبید و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خون‌ها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم، از پای نشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم. با اراده‌ی مصمم و مشت محکم بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره‌خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم.

اعلام عفو عمومی در کردستان

غائله‌ی کردستان به دست مشتی از خدا بی‌خبر مزدور که از اسلحه‌ی اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می‌گرفت، با قیام دلاورانه‌ی قوای انتظامی و پاسداران انقلاب در هم پیچید و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاه‌ها پنهان و جوانان فریب‌خورده‌ای را به جای گذاشتند. به طوری که کراراً اعلام کردیم به جز سران جنایت‌کار و آنان که در خیانت و جنایت با آنان شریک بودند، از دیگر جناح‌ها حتی گول‌خوردگانی که در حزب دموکرات وارد شده‌اند، در صورتی که سلاح‌های خود را به مقامات انتظامی بسپارند، با برادری رفتار و عفو عمومی نمودیم. این اصل

عمومی شامل قشرها و برادران کُردستانی است. همه از پناهگاه‌ها بیرون بیایند و به برادران خود ملحق شوند و به زندگی عادی خود ادامه دهند. دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاری‌های آنان و ترمیم خرابی‌ها و سازندگی عقب‌ماندگی‌ها کوشا خواهد بود.

برادران کُرد من! به تبلیغات وابستگان حزب دموکرات اعتناء نکنید و در شهرها به حال عادی خود برگردید و هیچ ترسی نه از ناحیه‌ی دولت و نه از ناحیه‌ی خراب‌کاران به دل راه ندهید که دولت دوستدار شما، و خراب‌کاران قدرت را از دست داده و مدفون شده و خواهند شد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت برای شهدای اسلام و صبر و اجر برای بازماندگان آنان و سعادت و سلامت برای ملت بزرگ خواهانم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۴۴۵ و ۴۴۶، (۱۳۵۸/۶/۱۶)

لزوم همکاری مردم در مقابله با اشرار و فتنه‌جویان^۱

[بسم الله الرحمن الرحيم]

در نهضت اسلامی، نژاد مطرح نیست

مسأله، مسأله‌ی اسلامی است، وقتی مسأله‌ی اسلامی باشد، نباید کُرد خیال بکند که اسلام برخلاف مصالح اوست، یا این نهضت که اسلامی است برخلاف مصالح اوست. و نباید تُرک هم‌چو خیالی بکند؛ و نباید دیگران این خیال را بکنند. از اوّل بنابراین است که یک مملکتی همه چیزش اسلامی باشد. ان‌شاءالله با کمک همه‌ی قشرها، با کمک

۱- سخنرانی در جمع روحانیون و خانواده شهدا.

همه‌ی افراد مملکت این تحقّق پیدا بکند که ما هر جا پا بگذاریم اسلام را آن‌جا ببینیم. اگر در ادارات برویم، ببینیم اسلام است. اگر در کوهستان‌ها برویم، ببینیم اسلام آن‌جا هست. ما یک هم‌چو چیزی در نظر داریم و میل داریم. بنابراین، هیچ نگرانی از اسلام کسی نباید داشته باشد. وقتی نگرانی از اسلام نباید داشته باشد، نگرانی از نهضت اسلامی هم نباید داشته باشد. و چنان‌چه خلافی واقع بشود یک اختلافاتی واقع بشود، خوب، البته باید رسیدگی بشود.

لِزوم همکاری مردم در مقابله با اشرار و فتنه‌جویان

این قصه‌ای که در گُردستان اخیراً واقع شده است - دیروز آقایان سران قوم این‌جا بودند، رئیس ژاندارمری این‌جا بود و رئیس ارتش این‌جا بود، با آن‌ها من صحبت کردم که باید به این رسیدگی بشود، چون بعضی از افراد را آن‌ها اسم برده بودند که این‌ها این کارها را کرده‌اند - این‌ها رسیدگی بشود، چنان‌چه واقعاً یک فردی بوده است که مردم را فرض کنید که قتل عام کرده است، خوب، به سزای خودش برسد. و اگر این دروغ بوده است، دیگر مسأله‌ای در کار نیست. علی‌آی حال، یک مسأله‌ای نیست که غرضی در کار باشد؛ یا بخواهند فرض کنید که شلوغی در کار بیاورند. این همین بوده است که هرچه کردند، آن‌ها بودند. الآن هم در کوه‌ها و در جنگل‌ها فرار کردند و آن‌جا اجتماع کردند. و فردا، شاید هم امروز، رئیس ژاندارمری می‌رود آن طرف‌ها، برای این که جلوی این طور مسائل را هم بگیرد و پاکسازی کند آن‌جاها را و عمده این است که خود شما و خود اهالی باید در این امور همراهی بکنید با دولت. خانه‌ی خودتان است گُردستان، یا فرض کنید که آذربایجان. باید [در میان] خود آقایان گُردها، خود تُرک‌ها، دو تا طایفه‌ای که هر دو مسلمان‌اند، هر دو اعتقاد به پیغمبر اسلام دارند،

هر دو قرآن همراهشان است، و نهضت هم نهضت خودشان است، خود آقایان با هم تفاهم داشته باشند. اختلاف نباید بین دوتا برادر مسلم باشد، دو طایفه‌اند، باید با هم تفاهم کنند. [با] اشخاصی که شلوغ‌کارند هم تفاهم کنند که آن آدم را موعظه کنند. اگر موعظه نشد، کنار بگذارند.

اصلاحات در گرو آرامش و امنیت کشور

و این چیزهایی که الآن در کردستان هست این‌ها هم اصلاح می‌شود. همان‌طور که در آذربایجان هم اگر یک چیزی واقع بشود، خود شما باید همراهی کنید تا تمام بشود و مملکت آرام بشود. وقتی آرام شد، آن وقت می‌شود این را مثلاً تعمیر کرد، این را اصلاح کرد؛ آب درست کرد؛ اسفالت درست کرد؛ مدرسه درست کرد. همه چیزها تابع این است که یک آرامشی باشد. ان‌شاءالله امیدوارم که آرامش پیدا بشود و با کمک همه‌ی آقایان، همه‌ی آقایان کمک کنند همه‌ی ملت کمک کنند، ملت آذربایجان کمک کنند، ملت کردستان کمک کنند، همه کمک بکنند، تا این که ان‌شاءالله این مسائل حل بشود. وقتی که حل شد، آرام شد، آن وقت ما می‌توانیم که مسائل اسلامی را در همه جا ببریم و همه جا تحت لوای اسلام ان‌شاءالله زندگی بکنند، و زندگی راحت بکنند؛ دنیا و آخرت‌شان ان‌شاءالله تعمیر بشود.

و من از خدای تبارک و تعالی توفیق همه‌ی شما را خواستار هستم. و آن که تقاضا دارم از همه این است که همه‌تان هم اختلاف را یک قدری کنار بگذارید؛ کم بکنید لااقل؛ و هم کمک کنید به قوای دولتی و دولت در همه‌ی این اموری که آن‌ها در نظر دارند. در رابطه با این حزب ان‌شاءالله دیگر تمام می‌شود. خودشان که رفتند و گم شدند، دیگر تمام می‌شود این حزب^۱. بعد خود مردم می‌مانند و خود مسلمین و خود اشخاصی که متوجه به اسلام و به نهضت اسلامی [هستند]. وقتی

خودشان ماندند، دیگر برادرند. ان‌شاءالله مفسده‌جوها هم از بین می‌روند. و بنابراین است که به همین زودی پاکسازی بشود. همه‌ی آن‌ها هم که در کوه‌ها و در جنگل‌ها هستند ان‌شاءالله تمام بشود کارشان. خود شماها باشید و زندگی اسلامی - انسانی با شرافت ان‌شاءالله.

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، صص ۲۶-۲۸، قم (۱۳۵۸/۰۶/۲۸)

ضرورت حفظ نهضت^۲

... باید این نهضت را حفظش کنید. شما با دست خالی یک امپراطوری بزرگ دنیا را شکست دادید. الان به ما می‌گویند که این‌ها ملتفت نیستند که چه کردند، خارج می‌فهمد، خارج که می‌رویم عظمت این نهضت و عظمت این فداکاری ایران در خارج منعکس است، هر که از خارج می‌آید و از هر جا می‌آید، همین چند روز هم یک چند نفری، یک نفری از بیرون آمده بود، از بنگلادش هم چند نفری آمده بودند، این‌ها می‌گویند که همه‌ی توجّهات دنیا الان به ایران است، همه‌ی توجّهات الان به ایران است، ایران سرمشق همه‌ی مسلمین شده است و باید بشود. ان‌شاءالله این را حفظش کنید که ماها هیچ نیستیم، هیچ برای خودتان یک چیزی خیال نکنید که هستید، نه من و نه تو، نه هیچ کس، هیچ نیستیم، هر چه هست خدای تبارک و تعالی است، اوست که شما را غلبه داد، الله اکبر، شما را غلبه داد و با مشت خالی همه چیز را در هم شکستید. این ایمان، اسباب این معنا شد، این توجّه به خدا اسباب این شد که بچه کوچک و پیرمرد هشتاد ساله و زن‌های محترمه و مردهای عزیز همه را به بیرون ریخت و مقابل یک دستگاه ظلم قرار داد. این اسلام بود،

۱- حزب دمکرات گُردستان.

۲- سخنرانی در جمع هیأت فاطمیون تهران.

اسلام همه چیز دست اوست و ما هیچ نیستیم، این را حفظش کنید، این اسلام و این نهضت را با اسلامیتش حفظ کنید. خداوند ان شاء الله شماها را حفظ کند برای نگهداری این نهضت و تا این نهضت هست از هیچ نترسید و اصلاً ترس در دل خود راه ندهید. این حرف‌هایی که گُردستان چه شد و بلوچستان چه، این‌ها همه حرف است، آن‌ها هم برادر ما هستند و آن‌ها هم برادر هستند و آن‌ها هم مفسدین را بیرون می‌کنند و هیچ وقت به دل‌تان راه ندهید که مائی که آن قدرت عظیم را درهم شکستیم، حالا از یک حزب مثلاً دموکرات و از چهار تا جوان مثلاً فاسد بترسیم، هیچ اصلاً این حرف‌ها نیست مملکت شما بحمدالله بیمه شده و خداوند با شماست به شرط این که شما هم به وظیفه‌تان عمل کنید، شما وفای به عهدتان بکنید، خداوند هم وفا می‌کند، شما توجّه به اسلام داشته باشید و آن طوری که اسلام گفته به او عمل بکنید، خداوند هم پشتیبان شماست. خداوند ان شاء الله به شما صحت و سلامت و عظمت و قدرت عنایت کند و من هم دعاگوی همه‌تان هستم و خدمت‌گزار همه.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، صص ۱۲۶-۱۲۷، قم (۱۳۵۸/۷/۴)

توطئه‌های اجانب در گُردستان...^۱

...این غائله‌ای که در گُردستان پیش آوردند این طور نبود که گُردها می‌خواستند یک غائله‌ای درست کنند، گُردها نظری به این نداشتند، غائله‌ای بود که اجانب، آن‌هایی که می‌خواهند ما را غارت کنند این غائله را با آن اشخاصی که هم‌دست آن‌ها در غارت‌گری بودند مثل حزب دمکرات (سران حزب دمکرات البتّه) این غائله را به وجود آوردند که در آن‌جا یک برادرکشی‌ای بشود و یک چیزهایی بشود که نگذارند این ملّتی

که پیش برده است نگذارند که تا آخر برود. پیش‌بردش را و نهضت را تا آخر برساند. و این خوف در طرف‌های شما هم هست، در بلوچستان و در سیستان هم هست و این نقشه در آن‌جا هم هست. آن‌ها باک از این ندارند که پنجاه هزار نفر آدم در این غائله کشته شوند. این‌ها آن‌ها هستند که در ویتنام آن همه آدم کشتند. دنبال مقاصد خودشان هستند، آدم پیش آن‌ها اصلاً مطرح نیست که یک آدمی بشود. مثل اسلام نیست که برای یک نفرش، اگر یک نفر کشته بشود مثل این که همه دنیا را کُشتی. «و من قتل نفسا فکان ما قتل الناس جميعا» آن‌ها آدم پیش‌شان چیزی نیست، آنی که پیش‌شان مطرح است استفاده‌های مادی است. استفاده از مخازن این بلاد است، استفاده از مکان این‌جاست که حساسیت دارد برای آن‌ها، از آدم‌هایش اهمیت نمی‌دهند صد هزار نفر، ده هزار نفر کشته بشوند، در هر جا می‌خواهد باشد. این طرحی که در گُردستان آن‌ها داشتند محتمل است که در بلوچستان و در سیستان و امثال این‌جا هم مشغول بشوند و بخواهند که یک وقت بین برادرها به اسم برادر شیعه و برادر سنی و حال آن که ابداً مطرح نیست در اسلام یک هم‌چو مطلبی که مردم با هم فرق داشته باشند، گروه‌ها با هم فرق داشته باشند، اسلام برای همه است. اسلام آمده است تمام بشر را اصلاح کند، این جور نیست که اسلام برای مسلمین فقط باشد. اسلام آمده است همه مردم را یا ایها الناس مردم را دعوت می‌کند برای این است که آدم بسازد، آمده است که آدم را از ظلالت و از چنگ طاغوت بیرون بیاورد و به هدایت برساند و همه چیزشان را، دنیاشان را، آخرت‌شان را اصلاح بکند. این باید تمام دوستان سیستمی و بلوچستانی متوجه این معنا باشند، چه برادرهای شیعی ما و چه برادرهای اهل سنت ما که گول این طور عناصر را نخورند، یعنی گولی که گُردستانی‌ها بعضی‌هاشان خوردند از این حزب دمکرات، یک وقت با

یک صورت دیگر اجانب آنجا یک چیزی درست نکنند که جوانهای ما را گول بزنند و باز محتاج به این بشود که باز آنجا فرض کنید که خدای نخواستہ بیایند آنجا برای سرکوبی آنها و برای مردم اسباب زحمت درست بشود. اشکال سر این است که این اشرار یک غائله‌ای درست می‌کنند وقتی که از این طرف رفتند برای رفع این غائله، خودشان فرار می‌کنند و جوانهای بیچاره را به دام می‌اندازند و به گرفتاری می‌اندازند. باید با کمال هوشیاری، هم آقایان مردم را دعوت کنند به این که با هم برادر، همه با هم هستیم و هم شماها طرفین این اشتباهاتی در کار نشود، نیایند بگویند که خوب، در کردستان گفتند که بنا دارند بیایند همه کردها را قتل عام بکنند و حال آن که بنا بود بروند کردها را نجات بدهند، اینها که راه افتاده‌اند برای این که بروند کردستان را تصفیه کنند، برای این که برادرهای کرد ما در آنجا گرفتار اینها شده بودند، اینها رفتند آن‌ها را نجات دادند و لهذا آن طور استقبال از اینها کردند و آن طور تقاضای به این که اینها باشند در این جا و الان هم تقاضا می‌کنم که در آنجا باید ارتش باشد، ژاندارمری باشد. ممکن است یک وقتی یک هم‌چو چیزی هم در سیستان بیایند بگویند و مردم را گول بزنند به این که خوب بنا دارند که اینها سیستان را فرض کنید به آتش بکشند - بنا دارند - مگر سیستان غیر مملکت ماست؟ مگر غیر مملکت اسلامی است؟ مگر فرق است مابین قم و سیستان؟ مگر فرق است مابین قم و بلوچستان؟ فرقی نیست بین اینها. اینها را توجّه به آن داشته باشید که خدای نخواستہ مبادا یک حيله‌ای بکنند این شیاطین و یا اضطرابی آنجا درست کنند و یک بساطی آنجا درست کنند و همان مسائل کردستان خدای نخواستہ پیش بیاید.

پاکسازی تدریجی خائنین از گُردستان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

من اوّل راجع به این قضیه‌ی ناگوار گُردستان چند کلمه عرض کنم. قضایای گُردستان نه این است که قابل حل نیست و نه این است که دولت یا ملّت عجز دارند از این که اشرار را سرکوب کنند، لکن برای این که ما ملّت گُرد را از خود می‌دانیم، چنان‌چه ملّت گُرد هم ماها را از خود می‌داند، جدا نیستیم از هم، اگر بخواهیم با یک شدّت زیادی رفتار کنیم، خوب، خوف این است که برادران گُرد هم خیلی صدمه ببینند و لهذا ما خواهیم که به طور متوسط، نه ملایمت و نه سخت‌گیری به طور سرکوبی عمومی این خائنین را سرکوبی کنیم و ان‌شاءالله می‌شود این. و این را بدانید که این‌ها چیزی نیستند، این‌ها الان یک حال دفاعی به خودشان گرفتند، چریکی بسیار ناقص که می‌آیند چند نفر را می‌کشند و فرار می‌کنند توی جنگل‌ها و ان‌شاءالله از این جنگل‌ها هم کلک‌شان کنده می‌شود و قوای دولتی و مجاهدین و همه یعنی آن‌هائی که تتمه‌ی قوای دولتی هستند، این‌ها همه پیشروی می‌کنند و ان‌شاءالله سرحدات گرفته می‌شود، بسته شود و راه این که به آن‌ها کمک کنند، بسته می‌شود. و من به ملّت گُرد این مطلب را تذکر می‌دهم که در عین حالی که ما تمام افراد را الا آن طبقه بالای خائن را عفو کردیم مع‌الأسف دیده می‌شود که بعضی از این افراد بازی خوردند از این دموکرات‌ها و خیال می‌کنند که این‌ها برای آن‌ها یک خدمتی می‌خواهند بکنند. این‌ها باید بدانند که آن‌ها جز خراب‌کاری کاری از آن‌ها نمی‌آید، ماهیّت گروه‌ها آن طور نیست که

این‌ها بخواهند به ملت کُرد خدمت بکنند. این‌ها روابطشان با اجانب، با صهیونیسم، با آمریکا، با رژیم سابق ثابت است و این‌ها دارند برای آن‌ها کار می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند ملت کُرد را تا آخر وابسته به خارج و تحت فشار سابق قرار بدهند و اگر بتوانند ایران هم همان کار را بکنند، یعنی تمام ایران را.

لزوم هوشیاری ملت کرد در برابر خائنین

باید ملت کُرد بیدار بشود و این‌ها را معرفی کند و خودش هم کمک کند به قوای دولتی تا این‌ها پاکسازی بشوند و نمی‌خواهیم یک شدتی و یک قدرت فوق‌العاده‌ای عمل بشود که خدای نخواستہ برادرهای کُرد ما هم زیر پا بروند، والا برای ما این معنا که در یک روز و در دو روز حل کنیم این قضایا را، تمام این‌ها را از بین ببریم، این کاری ندارد، اما این محذور هست که برادرها و خواهرهای آن‌ها اگر جدا بشوند از آن‌ها و آن‌ها را از خودشان جدا بکنند که آن‌ها بروند بیرون شهرها، بروند در جنگل‌ها آن وقت جنگل‌ها را ممکن است که ما با یکی دو روز تمام کنیم قضیه را. در هر صورت باید برادران کُرد ما متوجه باشند، که این‌ها یک طایفه‌ای هستند اخلاص می‌خواهند بکنند، نه این که می‌خواهند خدمت بکنند. همین‌ها هستند که شماها را در فشار قرار دادند و همین‌ها هستند که جوان‌های ایران را می‌کشند و همین‌ها هستند که خرمن را آتش می‌زنند و همین‌ها هستند که کارگرها را از کار باز می‌دارند و می‌خواهند اصل چرخ اقتصادی مملکت گردش نکند و قصد این‌ها خدمت به اجانب است و ایجاد فتنه و فساد است. ان شاء الله امیدوارم که به زودی قطع بشود این ریشه‌ها.

هوشیاری در مقابل تبلیغات دشمن^۱

مطرح نبودن نژاد در اسلام

...مثلاً یکی از مسائلی که خوب، اخیراً به آن مبتلا هستید و هستیم مسائل کُردستان است، در کُردستان اشخاصی که منحرف هستند، می‌روند و تبلیغات می‌کنند که این‌ها اصلاً کُردها را می‌خواهند نباشند. این‌ها می‌خواهند کُردستان [را] اصلش کُردها را، همه را می‌خواهند از بین ببرند با تبلیغات مختلفی. آن اشخاصی تبلیغ می‌کنند که با نه کُرد رفیق هستند، و نه ترک و نه فارس، این‌ها عمال خارجی هستند، و برای آن‌ها می‌خواهند کار بکنند.

ما کراً عرض کردیم به همه‌ی برادرهای کُردمان که آمدند این‌جا، برادرهای بلوچمان که آمدند این‌جا، که اسلام این‌طور مرزهایی که در سایر مسلک‌ها هست ندارد. اسلام با صراحت می‌گوید که آنی که پیش خدا کرامت دارد، آدم مُتقی است. آدمی است که روشش صحیح باشد؛ تقوا داشته باشد، فاسد نباشد؛ مُفسِد نباشد. و نسبت به همه‌ی عرب و عجم و کرد و ترک و این‌ها به طور علی‌السواء^۲ به همه نظر دارد. همان‌طور که خدای تبارک و تعالی در ایجاد یک طایفه با طایفه دیگری فرق نگذاشته، همه را نعمتِ ایجاد داده است و همه را نعمت‌هایی در دسترس‌شان گذاشته است که خودشان باید با فَعَالِیَّت [کسب کنند] البتّه موادش را گذاشته است. فرق نگذاشته است بین این ناحیه که کُرد می‌نشینند؛ آن ناحیه که تُرک می‌نشینند؛ آن ناحیه که عرب هست؛ آن ناحیه که عجم است، این حرف‌ها نیست در کار.

۱- سخنرانی در جمع کارکنان صداوسیما.

۲- به طور مساوی و برابر

پیغمبر اکرم در عین حالی که خودشان عرب بودند، از ایشان نقل می‌کنند که فرموده‌اند که فخری از عرب بر عجم نیست؛ و از عجم بر عرب نیست. هیچ کدام به دیگری تَفَوُّقی ندارد. همه‌ی آن‌ها از یک پدرند و از یک مادرند، و علی السواء هستند. در عین حالی که اسلام این معنا را می‌گوید، جمهوری اسلام همین معنا را می‌خواهد پیاده بکند، ما همین معنا در رأس برنامه هایمان هست، مع ذلک خوب، تبلیغات می‌کنند.

تبلیغات سوء برای تفرقه افکنی

در خارج ایران به یک جور تبلیغ می‌کنند؛ در داخل ایران به یک جور تبلیغ می‌کنند. در خارج ماها را یک دیکتاتوری مثل هیتلر، یا بدتر از هیتلر، معرفی می‌کنند که این یک آدمی است که پستان‌های زن‌ها را داده بریده‌اند! خوب، البتّه آن‌ها تبلیغ می‌کنند. اما این کُردستان که پیش ماست؛ این جا هم که در آغوش ماست؛ پیش ماست. این‌ها هم می‌روند مع الأسف تبلیغ می‌کنند. و یک دسته‌ای از مردم ساده، باور می‌کنند. ما برادر همه هستیم. آن‌ها برادر ما هستند. آن‌ها حمله می‌کنند و برادرها را می‌کشند، از این طرف می‌روند برای دفاع از این کُردستان که نگذارند که مفسدین که از خارج الآن دارند هم فوج فوج می‌آیند؛ و هم اسلحه می‌فرستند و هم مُبَلِّغ می‌فرستند و هم چریک درست می‌کنند و می‌فرستند و می‌خواهند یک منطقه را به آتش بکشند از این طرف وقتی که می‌روند برای دفع آن‌ها، تبلیغات می‌کنند به این که این‌ها اصلاً می‌خواهند جوان‌های کُرد را بکشند! خود آن‌ها می‌ریزند می‌کشند، وقتی این‌ها دفاع از آن‌ها می‌کنند، همان معنائی که خودشان کردند گردن این طرف می‌گذارند! در بیمارستان‌ها آن طور فضاحت را این‌ها درآوردند؛ و این‌ها رفتند جلوگیری کردند، عین همین معنا را به این طرف نسبت دادند! همین دیروز چند تا ورقه با امضای «چریک‌های فدایی خلق» این جا پیش من آوردند، که این‌ها را منتشر کردند در آن جا، چه چیزهایی

را نسبت دادند به جمهوری اسلام، چه حرف‌هایی نسبت دادند. خوب، جمهوری اسلام اگر اسلام نباشد که دیگر جمهوری اسلام معنا ندارد. ما همه فریادمان و همه‌ی ملت‌مان فریادشان این بود که ما اسلام را می‌خواهیم. ما هم الآن تمام کوشش‌مان این است که احکام اسلام را پیاده بکنیم. می‌خواهیم تفاوت مابین طبقات را، که یکی مثلاً کُرد است در کُردستان است به او نرسیدند سابق، یکی فرض کنید که جای دیگر است به او نرسیدند سابق و آقا می‌گویند که کُردستان از همه جا عقب‌تر است.

عقب‌ماندگی ایران در رژیم شاه

و این را من کراراً عرض کردم که شما کُردستانش را اطلاع دارید. بختیاری‌ها هم که پیش ما می‌آیند، می‌گویند که بختیاری از همه جا عقب‌مانده‌تر است. برای این که آن‌ها همان محیط را دیدند. بلوچ هم وقتی که می‌آید، می‌گویند از همه عقب‌افتاده‌تر و گرسنه‌تر و بیچاره‌تر بلوچ‌ها هستند. برای این که آن‌ها هم همان جا را دیدند. تبلیغات آن‌ها به گوش‌شان خورده. آنی که وجداناً دیدند، دیدند که کُردستان هیچ برایش کاری انجام نشده است. نه بیمارستان دارد؛ نه اسفالت دارد؛ نه چه دارد. خیال می‌کنند که فقط این‌جا ندارد، جاهای دیگر همه، روی آن تبلیغات که کردند، همه را درست کردند! این‌جا را نکردند. بلوچ‌ها هم خیال می‌کنند، که این تبلیغاتی که شده است، و آنی که خودشان به چشم می‌بینند، عیناً می‌بینند، می‌بینند که این خوب، با هم مخالف است، می‌گویند پس جاهای دیگر درست است. و حال آن‌که در مدتی که ما به ایران آمدیم و طوایف مختلفه آمدند این‌جا و همه این مسائل را گفتند، من گفتم درست شما می‌گویید، برای این که یک چیزی را آدم با چشمش می‌بیند؛ یک چیزی را می‌شنود. شما گوش‌های‌تان پُر شده از تبلیغات که «تمدن بزرگ» و «دروازه‌ی تمدن بزرگ»! گوش‌ها را پُر کرده‌اند. از

آن ور، می بینید که خوب، این جا که نیست. خیال می کنید که همین جا نیست؛ دیگر جاها به تمدن بزرگ رسیده! آن ها هم خیال می کنند همه جا هست الا این جا! وقتی برگردیم می بینیم هیچ جایی نیست! خوب، تهران که پایتخت است شما بروید تهران در این زاغه ها، ببینید که کُردها و عرض کنم بلوچ ها کارشان بدتر است، یا این زاغه نشین های اطراف تهران؟ این هایی که الآن در حاشیه ی تهران هستند. من این ها را گاهی وقت ها در تلویزیون می بینم خانه های شان را نشان می دهند؛ سوراخ هایی که از این سوراخ ها بیرون می آیند! بچه ها شان و زندگی شان را، این ها را من باید بگویم خیلی بدتر از کُردستان، خیلی بدتر از بلوچستان، در حاشیه ی تهران هستند.

آقا، بنا بر این بود که این مملکت را این طوری بزرگ کنند؛ نگذارند اصلاً یک رشدی بکند. اصلاً بنا بر این بود که ما ذخایر زیر پای مان [را] آن ها ببرند، ذخایر ما را ببرند؛ و ملت ما خودشان گرسنگی بخورند؛ خودشان بدبختی بکشند. شما گمان نکنید که کُردستان بدتر از همه جاست. بلوچستان از کُردستان می گویند بدتر است. بلوچ می گوید بلوچستان بدتر، شما می گویند کُردستان بدتر! هر دو درست می گویند. برای این که می بینید قضایا را. می بینید از این بدتر که چیزی نمی شود. و من که اطراف تهران را، از نجف که بودم، به من هی اطلاع دادند، و این جا هم که آمدم، در تلویزیون چند دفعه تا حالا دیدم، می بینم خوب، دیگر زندگی از این بدتر؟ باید چه بگوییم اسمش را. یک سوراخ! توی این سوراخ آدم می بیند که یک مرد آمد بیرون، یک زن آمد و چند تا بچه آمدند، یک سوراخ! اصلاً بنابراین بوده است که این طور بکنند. و حالا هم بنابراین است که نگذارند این نهضت به ثمر برسد؛ برنامه هایی که در اسلام هست پیاده بشود. چه کنند که نگذارند، می روند در هر جا که ببینند چند تا گوش هست، آن ها به آن می خوانند به این که نه، این

اسلام بدتر از سابق! این‌ها همان مسائل است، اسمی رُویش گذاشتند. این‌ها دیکتاتورتر هستند از دیگران! دیکتاتوری عمامه بدتر از دیکتاتوری کذا! کدام دیکتاتوری؟ خوب من یک عمامه ای هستم، کدام از ما، چه دیکتاتوری؟ آقایان دیدند که دارند ترویج می‌کنند. البته این‌ها چیزهایی که داشتند از دست‌شان رفته، و می‌خواهند تبلیغ بکنند بر ضدّ ما.

هوشیاری در برابر توطئه‌ها و تبلیغات دشمن

آقا، من دارم عرض می‌کنم به گُردها، عرض می‌کنم به تُرک‌ها، عرض می‌کنم به بلوچ‌ها عرض می‌کنم، به همه‌ی قشرها عرض می‌کنم، گول این حرف‌هایی که این‌ها می‌زنند نخورید. بگذارید این خونی که از جوان‌های ما رفته است به ثمر برسد. کاری نکنید که تمام خون‌ها هدر برود، و ما باز برگردیم به رژیمی که یا مثل آن رژیم شاهنشاهی یا بدتر از او بیاید و حکومت کند این‌جا. باز گُردستانش تا آخر عقب؛ و بلوچستانش تا آخر عقب؛ و همه جا عقب. باید همه بنشینید، با هم فکر کنید، توجه کنید؛ گول این حرف‌هایی که این‌ها می‌آیند می‌زنند نخورید. این‌هائی هستند، همین‌هایی که هی می‌گویند خلق، خلق، برای خلق عرض می‌کنم که دارند نوحه‌سرایی می‌کنند، خوب، همین‌ها ایند که خرمن‌ها را آتش می‌زنند! همین‌ها ایند که یک کشاورز یک عمر برای خودش یک سال زحمت می‌کشد یک خرمن درست می‌کند که نان بچه‌هایش را بدهد، یک کبریت می‌زنند آتشش می‌زنند. همین‌ها می‌گویند ما برای خلق داریم چه می‌کنیم و چه می‌کنیم! گول این‌ها را نخورید.

توطئه دشمن در تجزیه‌ی ایران

این مصیبت‌هایی است که ما الآن مبتلا به آن هستیم. من مصیبت‌های زیاد دارم؛ ولیکن نمی‌توانم همه‌ی مصیبت‌هایم را بگویم. شما فکر بکنید، شما توجه بکنید. این‌ها می‌خواهند گُردستان را از ایران اصلاً کنار بگذارند



و ببرند سراغ یک چیزهای دیگری. نمی‌خواهند خدمت به شماها بکنند، قصد خدمت نیست. قصد این است که ایران را تکه تکه اش بکنند، و بعد هم یک کودتا درست کنند و تماشش کنند، همه اش تحت نظر دیگران، و همان برنامه‌های سابق و همان بساط سابق را می‌خواهند درست بکنند. بیدار بشوید! ملت ما باید بیدار بشود. ملتی که توانست با توانایی خودش و با مشت محکم خودش، توی دهن تمام قدرتمندها بزند، این ملت قدرتمند است؛ لکن باید وحدتش را حفظش بکند. اگر وحدتش را حفظ کند، قدرتمند است؛ یعنی خدا همراه او است. اگر شما وحدت‌تان را حفظ کنید «يُدَاللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ»^۱. با جماعت شما خدا هست؛ و شما همه را از بین خواهید برد. نرسید از این هیاهوی این‌ها! این چهار تا اشخاص منحرف هستند که می‌شود بزودی این‌ها را از بین برد. من این را گفتم قبلاً، که قضیهٔ کردستان را اگر نبود اختلاط این‌ها با برادرهای کرد، که اگر بخواهند یک وقتی این‌ها را از بین ببرند، بسیاری از زن و بچه‌ی کرد از بین می‌رود، این‌ها یک روز، ده روز، چند روز، از بین می‌رفتند. لکن ما چه بکنیم؟ این‌ها حالا مختلط شدند و جمعیت‌شان در بین جمعیت این‌ها مختلط است. اگر بخواهند خدای نخواستہ یک کاری بکنند، خوب، همه‌ی افراد از بین می‌روند، و ما نمی‌خواهیم یک هم‌چو چیزی بشود.

اصلاح امور از طریق مسالمت و ملایمت

ما می‌خواهیم کردها محفوظ بمانند. مسلمان‌ها را ما می‌خواهیم حفظ‌شان بکنیم. و این‌ها مع‌الأسف چون مختلط با آن‌هاست، ما دست‌مان الآن بسته است که نمی‌توانیم به طور قاطع عمل بکنیم، والاّ کاری ندارد این‌ها را از بین بردن. از اطراف ایلات، بعضی ایلات و عشایر، به من

۱- رسول اکرم (ص) فرمودند: «دست خدا با جماعت است» صحیح ترمذی ج ۳، ص ۳۱۶.

می‌نویسند که شما بگویید ما می‌رویم کار را انجام می‌دهیم. و من چه بکنم؟ خوب ما به ایلات بگوییم بروید بجنگید، یک وقت یک جنگ برادرکشی بشود؟ ما نمی‌خواهیم این کار بشود. خود گردستان باید این‌ها را تصفیه بکند، راه‌شان ندهند توی دهات‌شان، راه‌شان ندهد توی شهرستان‌هاشان، خودشان باید این کار را بکنند. نگذارند که یک وقتی خدای نخواستہ دیگر کارد به استخوان بکشد و یک کشتاری بشود که دیگر تر و خشک -خدای نخواستہ- با هم بسوزد. باید خودشان جلوگیری کنند. خودشان این اشخاص را معرفی کنند. ما گفتیم که غیر از یک چند نفر از این سران، که دیگر خیانتکار و آدمکش هستند، تمام‌شان مورد عفو هستند، تمام‌شان برادرهای ما هستند. آن‌ها هم که در حزب دمکرات هستند، برادرهای ما هستند، بیایند برگردند به آغوش ملت، بیایند با خود ملت بشوند، شلوغی نکنند، این قدر کارهای خلاف نکنند. این قدر گمان نکنند که نمی‌شود این‌ها را از بین برد. نمی‌خواهیم که -یک وقت خدای نخواستہ- در بین آن‌ها اشخاصی که گناه ندارند، زن و بچه‌ی مردم گرد که از خود ما هستند، به منزله‌ی اولاد ما هستند، ما نمی‌خواهیم که صدمه به آن‌ها وارد بشود، والاّ کاری ندارد که این‌ها را از بین بردن. هم ارتش قوی است؛ و هم ژاندارمری قوی است؛ و هم سپاه پاسداران. این سپاه پاسداران از اطراف، یک وقتی اگر صحبت بشود، از اطراف می‌ریزند و کار را تصفیه می‌کنند. ما نمی‌خواهیم که برادرکشی بشود. ما می‌خواهیم با مسالمت، با ملامت، با برادری، کارها درست بشود. شما این عده‌ی فاسدی که نمی‌گذارند زندگی شما، زندگی صحیح باشد و می‌خواهند گردستان را به خون بکشند، و بعد هم بلوچستان را به خون بکشند، بعد هم هر جا توانستند؛ شما خودتان این‌ها را تصفیه کنید. نگذارید که کسی دیگر بیاید تصفیه کند. خودتان، جوان‌های محترم خودتان، جوان‌های برومند

خودتان، تصفیه کنند این‌ها را.

نیاز کردستان به آرامش و سازندگی

خداوند ان شاء الله همه‌ی شما را حفظ کند. موفق باشید. مؤید باشید. و باز هم تکرار می‌کنم که برنامه‌های‌تان را برنامه‌های خوب قرار بدهید، برنامه‌های گُردی که قرار می‌دهید. درست با زبان کردی مسائل را بگویید برای آن‌ها. این مفاسدی که در آن‌جا هست، آن اشخاصی که در آن‌جا مفسده‌گو، مفسد، هستند اصحاب مفسده هستند این‌ها را بگویید به آن‌ها معرفی کنید. این‌ها نمی‌خواهند که^۱ آرامش در این مملکت پیدا بشود. به زبان‌های خارجی چنان‌چه پخش می‌کنید، بگویید مسائل ایران را. مسائل ایران، مسائلی نیست که مثلاً یک مسائلی باشد که بخواهند مردم را زیر بار ستم مثلاً چه بکنند. همین چند وقتی بود که باز اسلام تحقق پیدا نکرده است؛ مهلت نمی‌دهند که برنامه‌های اسلامی تحقق پیدا بکند؛ مگر می‌شود یک جایی را اصلاح کرد وقتی شلوغ است و به‌هم ریخته. وقتی جنگ است در یک جایی که نمی‌شود رفت خانه ساخت؛ نمی‌شود رفت اسفالت کرد؛ نمی‌شود رفت مریض‌خانه درست کرد. خوب، نمی‌گذارند این‌ها. این‌ها را بیرون کنید از مناطق خودتان، آن وقت ببینید چه خواهد شد در این‌جا، و همین طور سایر مناطق. شما هم که هر کدام‌تان برنامه‌های خارجی دارید، مسائل ایران را درست آن طوری که هست بگویید، مطالبی که آن‌ها در روزنامه‌های‌شان می‌نویسند، مطالبی که آن‌ها در رادیوهای‌شان می‌گویند، بفهمانید به مردم خارج که این‌ها دروغ دارند می‌گویند. این‌ها همان عمال ساواکی سابق‌اند، یا از اجانب هستند، از ابرقدرت‌ها هستند که می‌خواهند که

۱- از این قسمت به بعد به علت قطع و وصل نوار، بعضی از جملات مفهوم نیست.

مملکت ما به همان حال باشد، و این‌ها همه چیز آن را ببرند؛ از این جهت، این‌طور تبلیغات را می‌کند. ان‌شاءالله خداوند همه‌تان را تأیید کند؛ و مؤید و موفق باشید.

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، صص ۳۹۱-۳۹۹، قم (۱۳۵۸/۰۷/۳۹)

نجات جوانان فریب خورده

...جوان‌های ما را نجات بدهید. دولت‌ها موظف‌اند جوان‌های ما را نجات بدهند. دانشگاه‌ها موظف‌اند این جوان‌ها را نجات بدهند. مع‌الأسف افرادی که از خود آن‌ها، وابسته به آن‌ها، وابسته به آمریکا و امثال این‌هاست، الان در بین دانشگاه‌ها موجود، در بین دانشسراها موجود، در صحراها موجود، در گُردستان موجود، در بلوچستان موجود، این‌ها اشخاصی هستند که از آن‌ها ارتزاق می‌کنند و برای آن‌ها خدمت می‌کنند والا جوان‌ها پول از کجا آوردند که یک وقت بگویند به دوهزار نفر، سه‌هزار نفر کارمند، نفری چقدر ما می‌دهیم که کار نکنند. پول‌شان کجا بود؟ از کجا آمده این پول؟ این‌ها که پول ندارند خودشان. این‌ها از آن‌جا دارد برای‌شان می‌آید. این اسلحه‌هایی که الان در گُردستان به کار می‌رود، از کجاست؟ اگر این‌ها خودشانند، واقعاً مردمی هستند که برای مملکت خودشان دارند خدمت می‌کنند، اسلحه‌ها را باید بپرسیم از آن‌ها که شما از کجا آوردید. ای فدائیان خلق! شما از کجا اسلحه آوردید؟ شما وقتی گُردستان فساد هست می‌روید به گُردستان، حالا که گُردستان می‌بینید که نمی‌توانید عمل بکنید از قراری که می‌گویند راه افتادند راه افتادند طرف رشت و آن حدود انزلی و آن‌جا. اسلحه را از کجا، پول را از کجا می‌آورید

شما؟ جز این است که از خارج است؟ از هر خارجی وقتی که جوان‌های ما استفاده بکنند خائن‌اند. از هر خارجی، پول از خارج بگیرند برای فلج کردن مملکت، اسلحه بگیرند برای فلج کردن مملکت، بالاترین خیانت این است. مع‌ذلک خودشان را روشن فکر و از آن طرف مردم را می‌کشند، از آن طرف منتشر می‌کنند که جمهوری اسلامی دارد کُرد را می‌کشد. جمهوری اسلامی می‌خواهد کُرد را نجات بدهد از دست شما، نمی‌خواهد که کُرد را بکشد. این‌ها گرفتاری‌هاست و گرفتاری زیادتر از این است لکن من به شما مژده می‌دهم که ما پیروز هستیم من به شما مژده می‌دهم که این حالی که ملت ما الان پیدا کرده است و این حال بیداری که ملت ما پیدا کرده است، نتوانند آن‌ها پیروز بشوند و خود شما خواهید پیروز شد.

با قدرت فکر و تصمیم، با قوه به پیش بروید که شما پیروزید.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، ص ۳۶۲، (۱۳۵۸/۸/۴)

اسلام خار چشم دشمنان انقلاب^۱

اگر در کردستان این مشکلات را ایجاد نکرده بودند، حالا مثل سایر جاها آرام بود و توانستند مسلمین که در آن‌جا هستند، دولت و ملت، آن‌جا را آباد کنند لکن آن‌ها که نمی‌خواهند این آرامش پیدا بشود و حقیقت مطلب این است که اسلام را نمی‌خواهند، در آن‌جا به یک طوری فتنه‌گری می‌کنند و در هر مرکزی با یک اسمی. همان‌ها باز اسلام را نمی‌خواهند، بعضی‌شان هم اگر اسلام را بخواهند یک اسلام وارونه می‌خواهند. آن اسلامی که اسلام پیغمبر اکرم است و آن اسلامی که به وحی الهی آمده است، وحی را هم در آن تصرف می‌کنند و به صورت دیگر درمی‌آورند.

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، ص ۴۵۹، تهران (۱۳۵۸/۸/۱۲)

۱- سخنرانی در جمع فرماندهان کمیته‌ها و سپاه خراسان.

تذکرات به مردم مسلمان گُردستان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر خواهران و برادران گُرد که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئه‌ی خائنین به کشور جلوگیری کردید. گزارشات هیأت ویژه همان‌طور بود که متوقع از برادران و خواهران گُرد بود که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمی‌دانند و آنچه بدخواهان به آنان نسبت می‌دهند، چیزی جز افساد و توطئه‌گری نیست. اکنون من باید به شما برادران و خواهران گُرد و سایر برادران مطالبی را تذکر دهم:

۱- در این موقع حسّاس که ملت ما با چپاول‌گران که در رأس آن‌ها

آمریکا مواجه هست و برای احقاق حقّ خود و به دست آوردن ذخائر هنگفتی که محمّد رضا پهلوی به غارت برده و به محاکمه کشیدن این جانی قیام نموده و همه‌ی قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و هم‌صدا شده‌اند، برادران و خواهران گُرد ما هر جا هستند باید به طور اولویّت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند و لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد می‌کنند به طور قاطع جلوگیری کنند. برادران من! امروز هر اختلافی به نفع آمریکا و دیگر اجانب است. آنان هستند که از اختلاف ما بهره‌گیری می‌کنند و ما را می‌خواهند به اسارت بکشند. بپاخیزید و توطئه‌گران را نصیحت کنید و در صورت عدم قبول از خود برانید و از مناطق خود بیرون کنید، یا آنان را گرفته تسلیم مقامات دولتی کنید.

۲- این‌جانب و همه‌ی ملت از ستم‌هایی که به شما برادران گُرد در

۱- پیام به خواهران و برادران گُرد.

طول حکومت استبدادی شده است و از تبعیض‌هایی که بر خلاف اسلام بر شما روا داشته‌اند مطلع هستیم، لکن باید بدانید که این شما برادران نبودید که مورد ستم و ظلم واقع شدید، سایر برادران تُرک و لُر و عرب و بلوچ و فارس و ترکمن هم با شماها شریک بوده‌اند و همه محروم بودند از آنچه شما محروم بودید. شما اگر به زاغه‌نشینان و گودنشینان تهران توجّه نمائید، خواهید دید آنان از همه محروم‌ترند. این جانب می‌دانم که در حکومت موقت هم آن طور که خواست شما و ملت است رسیدگی نشده لکن باید بدانید باز در این امر همه‌ی برادران شما شریک می‌باشند و دولت موقت با کمال جدیت اشتغال به کار و سامان دادن بود، لیکن آشفتگی‌ها به قدری زیاد است که اصلاح محتاج به زمان است. و من امیدوارم که برای همه ملت و برای شما برادران کُرد وسائل رفاه حاصل شود.

۳- شما برادران می‌دانید که نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است و مردم در امان نیستند، مشکل یا غیرممکن است. شما برادران غرب کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید و بدانید که با آرامش کارها اصلاح می‌شود و به صلاح شما و به صلاح اسلام و مسلمین است.

۴- از هیأت ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود با کمال حسن نیت ادامه دهند و با شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند تا تأمین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست به طور دل‌خواه بشود و آرامش و امن که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است در منطقه برقرار گردد و شما برادران کُرد در کنار سایر برادران به طور رفاه و آسایش زندگی نموده و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.

۵- اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی و ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد اسلام تنها کرامت انسان‌هاست و

در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است من جمله برادران کُرد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می‌باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن به زودی ان‌شاءالله تعالی تدوین می‌شود.

۶- اخیراً باز نظر شریف علماء اعلام و مشایخ عظام و روشن‌فکران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضع حسّاس امروز ایران و جبهه‌گیری‌های دشمنان میهن و اسلام در مقابل ملت عزیز و تشبّثات همه‌جانبه‌ی آنان برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعاده‌ی سلطه‌ی همه‌جانبه بر کشور اسلامی ما جلب می‌کنم. آیا در این موقع تقاضای متواضعانه‌ی این خدمت‌گزار که روزهای آخر عمرش را می‌گذراند بجا نیست؟

۷- خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور! من دست خود را به پیش شما دراز می‌کنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور عاجزانه می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان به کار برید و اسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه‌گیری به روی یکدیگر منحرف و به سوی دشمن‌های انسانیت - که در رأس آن آمریکاست - نشانه روید.

بارالها! من مأموریت خود را که نصیحت به ملت است به قدر توان ضعیف خود انجام دادم و تو ای خدای بزرگ با قدرت لایزال خود قلوب ملت ما را پیوند برادرانه عطا نما «انک قریب مجیب»، سلام گرم من به ملت عزیز و برادران کُرد و رحمت خداوند بر همه.

روح‌الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۱، صص ۵۵ الی ۵۷، (۱۳۵۸/۸/۳۶)

اعتصام به حبل الله

... بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت کلمه و اعتصام به حبل الله در هم کوبند و نزاعهای شخصی و گروهی را که جز از هوای نفس بر نمی خیزد و در صورت رشد همه را به تباهی کشد و کشور را به خرابی سوق می دهد کنار گذارند و گویندگان و روشن فکران و متفکران و دانشگاہیان و دانشمندان، همه توان خود را صرف قطع امید دشمنان اصلی ما آمریکا کنند که با سلطه‌ی دشمن قدرتمند، برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند.

من از برادران و خواهران کُردستانی می‌خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید و ارتش و سایر قوای انتظامی را که خدمت‌گزاران به کشور و برای امنیت و رفاه ملت تحمّل زحمت و مشقّت می‌کنند، چون برادران خود را پذیرا شوید و به منحرفین که به اسم کُرد و ملت کُرد می‌خواهند کشور شما را به دامن قدرت‌های شیطانی بیندازند و گرفتاری‌ها و رنج‌های سابق را اعاده کنند و از اسلام عزیز و احکام آن اطلاعی ندارند و با آن دشمن هستند، گوش فرا ندهید که با استقرار حکومت اسلامی همه‌ی قشرهای ملت در کنار یکدیگر با امن و امان و رفاه، به خواست خدای متعال ادامه زندگی می‌دهند.

برادران من! اگر خدای نخواست نهضت اسلامی به شکست گراید، نه کُردستان باقی می‌ماند و نه خوزستان و نه استان‌های دیگری. بیایید برای رضای خداوند، دست از اختلاف بردارید و با برادران دیگر خود با صلح و

صفا رفتار کنید و با تمسک به قدرت الهی از کشور خودتان دفاع نمائید که در این صورت خدا با شماست و هیچ قدرتی نخواهد توانست بر شما غلبه کند. از خداوند متعال پیروزی اسلام و مسلمین و هدایت منحرفین را خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، ج ۱۲، ص ۳۰، (۱۳۵۹/۱/۱۲)

تذکر به خراب‌کاران کُردستان^۱

... شما به طرفداران آمریکا که مع‌الأسف در این به اصطلاح روشن‌فکران خودمان فراوان‌اند و به جوانانی که فریب این گروه‌ها را خورده‌اند تذکر دهید که خود را عوض کنند و به ملت خود پیوندند و برای دیگران و اجانب جان خود را تباه نکنند و به نصیحت ما گوش دهند که خیر و صلاح خودشان در این است. شما به قشرهائی مثل خراب‌کاران کُردستان و آشوبگران دانشگاه‌ها تذکر دهید که در این موقع حسّاس از این اعمال خلاف ملیّت و اسلامیت و انسانیت که کشور را ممکن است به تباهی کشد دست بردارید که امروز هر صدائی و هر عملی بر خلاف جریان انقلابی ایران خدمت به جهان‌خواران است و دلیل بر وابستگی اینان به آنان است. والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

روح‌الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲، ص ۲۵۹، تهران (۱۳۵۹/۲/۷)

بیان خیانت‌های گروه‌های فاسد در کردستان^۱

... شما ملاحظه کنید در کردستان یک دست‌هایی از مردم هستند که این‌ها تابع اجانب هستند و به مملکت خودشان خیانت می‌کنند و به افرادی که در محیط خودشان و از جنس خودشان هستند، خیانت می‌کنند و دسته‌بندی می‌کنند برای این که مردم را ناراحت کنند و دیدید که در این مدتی که گذشت بر این‌ها، چه جنایاتی کردند و چه غارتگری‌هایی از همان‌هایی که می‌گویند ما طرفدار آن‌ها هستیم، ادعا می‌کنند که ما طرفداریم، طرفدار خلق هستیم، لکن روند خرمن‌های آن‌ها را آتش می‌زنند، خانه‌های آن‌ها را خراب می‌کنند. حالا هم که شکست خورده‌اند، از قراری که اطلاع می‌دهند شروع کرده‌اند به اذیت و آزار مردم و غارتگری و کارهای رذالت دیگر. یکی هم شغل پاسداری را برای خودش انتخاب می‌کند، یکی هم شغل ژاندارمری را برای خودش انتخاب می‌کند، یکی هم شغل ارتشی را انتخاب می‌کند. این‌ها اگر چنان‌چه به وظایف خودشان عمل کنند، به وظایف انسانی خودشان عمل کنند، به اعتبار این که خدمت‌گزار اسلام هستند، خدمت‌گزار مملکت اسلامی هستند، حافظ کشور هستند، شغل‌شان یک عبادت است، و اگر خدای نخواستہ کشته شدند، یک شهادت. اشخاصی که الان در این کردستان کشته شده‌اند و مع‌الأسف زیاد هم هستند از سپاه پاسداران، از ژاندارمری، از لشکری‌ها و آن‌ها و از سایر مردم، این بسیار موجب تأسّف من است که یک دست‌های این طور از انسانیت دور باشند که جمعیتی که، ارتشی که آمده است برای حفاظت آن‌ها، برای حفاظت

کشور آن‌ها و پاسدارانی که آمده‌اند برای حفاظت شهر آن‌ها، برای حفاظت مملکت آن‌ها، آن‌ها در عین حالی که در گفته‌های‌شان می‌گویند که ما می‌خواهیم با ارتش همراه باشیم و برویم و سرحدات را حفظ کنیم، راه نمی‌دهند به این ارتش برود سراغ سرحدات که سرحدات در خطر هست. این چه جور جمعیتی هستند؟ چقدر انسان باید متأسف باشد از این مردم که این طور تربیت شده‌اند و این طور از انسانیت دور شده‌اند و یک حال سبعیت به خودشان گرفته‌اند که اصلاً نصیحت به آن‌ها هیچ اثر ندارد. من از اوّل این بساطی که این‌ها درآورده‌اند نصیحت کردم آن‌ها را، سفارش کردم به ارتش، به سران ارتش سفارش کردم، به سران ژاندارمری که با مسالمت رفتار کنید با آن‌ها با خشونت رفتار نکنید و عمده هم نظر این بود که خوب، اشخاص بی‌گناهی در این محیط‌ها هست، لکن ژاندارمری و لشکری و پاسداران یک قدری که دست نگه داشتند آن‌ها حمله کردند. دائماً در صدد این هستند که گول بزنند طرف را، دائماً در صدد این هستند که در قراردادهای‌شان خیانت بکنند، دائماً در صدد این هستند که راه را باز کنند برای اجانب، راه را باز کنند برای آمریکا یا برای شوروی، فرق ندارد. این چه جور جمعیتی هستند؟ من متأسف هستم از این که چرا باید انسان این قدر منحط باشد، این قدر بدطینت باشد که در کشور خودش، اهل مملکت خودش، اهل دین خودش را این طور در زحمت واقع کند و این طور خرابی بار بیاورد و مملکت را بخواهد به باد بدهد و به دست دشمن‌های اسلام بسپارد، دشمن‌های ایران بسپارد. من تأسفم از آن‌ها از باب این است که چرا آدم نیستند و تأسف دیگرم راجع به این کشتن‌هایی که، این شهدائی است که در راه اسلام شهید شدند که عده‌اشان خیلی زیاد است در همین کردستان و در سایر مناطق عده‌اشان هم خیلی زیاد است. هر روز به ما اطلاع می‌دهند که در کجا کی را کشته‌اند، چند نفر، در کجا چند

نفر. و این اسباب تأسّف است از طرفی و اسباب مباهات است از طرف دیگر. این نهضت اسلامی برای این دسته این تحوّل را به بار آورده است که اشخاصی که اصلاً وارد در این کارهای جنگی نبوده‌اند یک دفعه متحوّل شده‌اند و اشخاصی که جنگی شده و اشخاصی که در راه اسلام فداکاری کرده‌اند و شهید داده‌اند و من در عین حالی که بسیار متأسّف هستم از این عزیزی که از دست ما رفته است و لیکن مباهات می‌کنم به این تحوّل که از برای آن‌ها پیدا شده و آن‌ها بحمدالله به وظایف شرعی و دینی خودشان عمل کرده‌اند و جان خودشان را برای خدا فدا کرده‌اند و خدای تبارک و تعالی به آن‌ها هر چه بخواهند در آن عالم می‌دهد برای این که هر چه داشته‌اند داده‌اند و خدا هر چه بخواهد به آن‌ها خواهد داد....
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲، ص ۲۸۷، (۱۳۵۹/۲/۲۳)

اشرار باید از گُردستان تصفیه شوند^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

... من امیدوارم که به خواست خدا و همّت ارتش و پاسداران، گُردستان به زودی تصفیه و درست شود. من از فداکاری‌های شما برای کشور خود و برای اسلام تشکّر می‌کنم. حال که اشرار را از آن‌جا رانید باید توجّه به این معنا داشته باشید که آنان شما را رها نخواهند کرد. من به شما ارتشیان دلیر و سپاه پاسداران و شورای انقلاب و فرمانده کلّ قوا هشدار می‌دهم که اشرار باید از گُردستان تصفیه شوند، آنان گُردستان را به فساد کشیدند و مردم گُردستان را به طرز وحشتناکی اذیت و آزار کردند، آنان مردم را غارت کردند و همه را کشتند، دیگر نباید به

۱- سخنرانی در حضور سرهنگ صدری فرمانده لشکر ۲۸ گُردستان.

این‌ها مهلت داد، باید منطقه درست پاکسازی شود تا دست آن‌ها کوتاه و امیدشان قطع شود...

اگر این حرف‌هایی که من زدم ممکن است منعکس بکنند. من واقعاً شاید همیشه در فکر این گُردستان بوده‌ام. در فکر این که یک دسته فاسد آمدند و یک ناحیه از مملکت را آن‌طور کردند. به اسم این که ما می‌خواهیم برای مردم کار بکنیم. و حال این که دیدیم و شما دیدید که این‌ها فاسد بودند و می‌خواستند گُردستان را خراب کنند. مردم را به بدبختی بکشند. و الحمدلله با روحیه‌ای که شما داشتید غلبه کردید بر آن‌ها. من به همه‌ی سربازانی که در گُردستان برای اسلام سربازی کرده‌اند، و همه‌ی پاسدارانی که برای اسلام پاسداری و فداکاری کرده‌اند، دعا می‌کنم و از همه‌ی شما و از همه‌ی آن‌ها متشکرم. من خود را منفعل می‌دانم که چرا نمی‌توانم بروم به همراه آنان جنگ کنم، برای این که من ضعیف هستم. امیدوارم که آن‌ها موفق و مؤید باشند و پیش خدا روسفید، چنان‌چه هستند. و در پیشگاه اسلام از سربازهای اسلام و پاسداران محسوب شوند. با سلامت و سعادت و عزت و عظمت، مملکت خود را اداره کنید و به پیش بروید، ان‌شاءالله مؤید باشید. صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲، صص ۳۹۴ و ۳۹۷، تهران (۱۳۵۹/۳/۲۶)

والا بودن ارزش فداکاری در راه خدا^۱

... از خدا بخواهید، از خدا اجر بخواهید. آن چیزهایی که در دنیاست اجر این نیست که شما جان‌تان را فدا کردید و در طبق اخلاص گذاشتید. حالا عوض این که جان‌تان را فدا کردید یک خانه می‌خواهید، یک دکان

۱- سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران.

خواهید، یک پست می‌خواهید، اصلاً می‌شود این عوض او باشد؟! کسی که همه چیزش را، خودش را، جوانش را، همه چیزش را فدا کرده است، این حالا بیاید بگوید که یک خانه‌ای بدهید عوض این، این عوض دارد اصلش؟! این فداکاری جز خدا کسی نمی‌تواند عوض بدهد، اگر همه‌ی این دنیا را به شما بدهند، عوض او نیست. آن حال را حفظ کنید، برگردید به آن حال، دوباره شما تحت رهبری شیطان نباشید، ولی شما طاغوت نباشد. آن حال اگر حفظ بشود، الان هم شما، همان ولایت خدا در شما حکومت می‌کند و هیچ چیز هم عوض این نمی‌شود. شمائی که می‌روید در کردستان و فداکاری می‌کنید، این فداکاری در دنیا عوض ندارد که شما عوض بگیرید. اگر توی ذهن‌تان آمد برویم یک عوضی بگیریم، معلوم می‌شود برای خدا نبوده، برای دنیا بوده اگر قضیه‌ی تقسیم اموال است این معلوم شد مال دنیا بوده که حالا می‌خواهند تقسیم اموال بکنند. در جنگ حنین که مسلمین پیش بردند و غنائمی به دست آوردند، پیغمبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) تمام این غنائم را داد به همین اهالی مکه و ابوسفیان و امثال این‌ها، همه غنائم را به آن کسانی که مخالفش بودند داد بعضی‌ها گله کردند که آخر مثلاً چه، ما هم بودیم. فرمود: که شما حاضر نیستید که آن‌ها شترها را ببرند و شما پیغمبر همراه‌تان باشد آن‌ها شتر ببرند، قسمت شما پیغمبر است. حیف است انسان فداکاری بکند آن وقت شتر بخواد. شمائی که الان بعضی‌تان در، شاید خودتان هم بودید در کردستان و آن وقایع کردستان و آن فداکاری‌ها، جان‌تان را در طبق اخلاص گذاشتید و هدیه کردید، شما که الان بعضی‌تان در، شاید خودتان هم بودید در کردستان، و آن وقایع کردستان و آن فداکاری‌ها، حالا که برگردید شتر می‌خواهید؟! برای خودتان یک چیزی می‌خواهید؟! چیزی می‌تواند مقابل این فداکاری باشد؟! بگذرید از این علایق. این‌ها، این علایق همه اش ظلمت است. همان ظلماتی است

که خدا می‌فرماید: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الظَّالِمُونَ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ الثُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ...»^۱. فطرت همه بر نورانیت است، فطرت شما فطرت نورانی است، فطرت توحید است. به دست خود ما آن فطرت به جهالتها، به ظلمات کشیده می‌شود....

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۲، صص ۳۵۷-۳۵۸، تهران، حسینیه‌ی جماران (۱۳۵۹/۳/۸)

احتراز شیعه و سنی از اختلاف^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

یک دسته از مسلمانان شیعه هستند و یک دست‌های از مسلمانان سنی، یک دسته حنفی و دست‌های حنبلی و دست‌های اخباری هستند. اصلاً طرح این معنا، از اوّل درست نبود. در یک جامعه‌ای که همه می‌خواهند به اسلام خدمت کنند و برای اسلام باشند، این مسائل نباید طرح شود.

ما همه برادر هستیم و با هم هستیم منتها علمای شما یک دسته فتوا به یک چیز دادند و شما تقلید از علمای خود کردید و شدید حنفی، یک دسته فتوای شافعی را عمل کردند و یک دسته دیگر فتوای حضرت صادق را عمل کردند این‌ها شدند شیعه. این‌ها دلیل اختلاف نیست، ما نباید با هم اختلاف و یا یک تضادی داشته باشیم. ما همه با همه برادریم. برادران شیعه و سنی باید از هر اختلافی احتراز کنند. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هائی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق. آن‌ها می‌خواهند نه این باشد نه آن، راه را این طور می‌دانند که بین شما و ما اختلاف بیندازند.

۱- سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۵۷.

۲- سخنرانی در جمع فرهنگیان نوسود و فرماندهان سپاه پاوه.

ما باید توجه به این معنا بکنیم که همه‌ی ما مسلمان هستیم و همه‌ی ما اهل قرآن و اهل توحید هستیم و باید برای قرآن و توحید زحمت بکشیم و خدمت بکنیم. امیدوارم که شما در این جمهوری - که مال خودتان است - به یک دسته‌ی خاص، چون جمهوری اسلامی است هیچ خدشه‌ای واقع نشود. موفق و مؤید باشید. و البته راجع به این مسائلی که در کردستان و یا در اطراف منطقه‌ی شما هست این مسائل حل می‌شود و می‌آیند اصلاح می‌کنند و تمام می‌شود. من دعاگوی تمام شما هستم و امیدوارم که همه‌ی ما در زیر سایه‌ی اسلام و بیرق توحید، با هم مقابل آن‌هائی که برادرهای ما را در آن‌جا بازی دادند و کشاندندشان به جاهای دیگر بایستیم و البته اعلام شده است که هر کدام به آغوش اسلام برگردند و اسلحه را زمین بگذارند، از خود ما هستند و همان‌طور که من اسلحه ندارم دعاگوی شما هستم آن‌ها هم اسلحه نداشته باشند. هیچ ابداً اختلافی نیست و دیگر تعرضی به وجود نخواهد آمد.

موفق باشید - ان شاء الله

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، صص ۵۴ و ۵۵، تهران، بهارن (۱۳۵۹/۴/۳۱)

دست به دست هم برای رفع غائله‌ی کردستان^۱

... الان یک مملکت اسلامی به ما سپرده شده است یعنی این مردم با فریادهای شان سدها را شکستند و رأی به همه شماها دادند و به وکلا و به عرض می‌کنم که به رئیس‌جمهور و بعد هم وکلای آن‌ها به شما و این‌ها، این مردمی که با این زحمت رأی به شما دادند و شما را بر سر مسند نشانند، حالا شما بخواهید سر مسند با هم اختلاف کنید، ببینید

۱- سخنرانی در جمع هیأت دولت.

پیش خدا چه هست. یک دسته زحمت کشیدند و جوان‌های‌شان را دادند و الان هم شما گُردستان را می‌دانید چه جور هست و این پاسدارها در گُردستان و این ارتشی‌ها در آن‌جا هر روز دارند جان می‌دهند، هر روز دارند خون می‌دهند، مردم آن‌جا دارند بمباران می‌شوند، دشمن‌های ما مشغول فعالیت زیاد هستند، در این حالی که همه‌ی جوانب بر ضدّ ما هست، همه‌ی قدرت‌های بزرگ و کوچک بر ضدّ ما هست و این ملّتی که با این زحمت به دست شما این مملکت را داده است، شما حالا بنشینید سر این که من چطور، شما چطور و همه‌اش هم از شیطان است. هیچ شکی در این نکنید که هر که گفت من، این من، شیطان است. هر که گفت که باید به من اطاعت کنید، این شیطان است. ما بنشینیم سر این معنا که شما بگویید که من، آن هم بگوید من، آن هم بگوید من، این سر سفره‌ی شیطان بنشینیم و با هم تسابق بکنیم به این که آن طعمه‌ی شیطان را که خودخواهی است هی تقویّت کنیم. شما ببینید که در بارگاه خدا این چه جور، چه صورتی دارد و در پیش ملّت که بشنود یک هم‌چو چیزهائی هست، ببیند یک هم‌چو مسائلی طرح است، خوب، این ملّت بر فرض این که حالا صحبت هم نکند، امّا این زن داغدار که بچه‌اش را برای این جمهوری داده و برای اسلام داده، حالا در ذهنش چه می‌آید، چه ناراحتی در این زن‌های داغدار و در این پدرهای جوان مرده، چه وضعیتی در قلب آن‌ها پیدا می‌شود ولو حرفی نزنند، ولو هیچ صحبت نکنند، برای خدا آن‌ها صحبت نکنند، برای آن‌ها، آن‌ها قیام بر ضدّ نکنند امّا ببینید چطور داغدارها چه حالی پیدا می‌کنند که ببینند که جوان‌های‌شان را برای جمهوری اسلامی دادند و حالا در جمهوری اسلامی داد و قال است سر این که من جلو باشم یا شما جلو باشید.

این روزنامه‌هائی که من امروز دیدم و بعضی‌شان را هم دیروز

دیدم، این روزنامه‌ها ببینید که در آن چه مسائلی هست که مردم وقتی این روزنامه‌ها را بخوانند چه خواهند گفت. یک قدری توجّه داشته باشند همه کسانی که متصدّی امرند. این‌ها خیال نکنند که ما حکومت هستیم و ما رأس هستیم و ما وزیر هستیم و ما نخست‌وزیر هستیم و ما رئیس‌جمهور هستیم و ما باید هر کاری دل‌مان بخواهد بکنیم. نه، مملکت اسلامی است، نه طاغوتی. مملکت اسلامی را به طاغوت نکشید. من خوف این را دارم که خدای نخواسته اگر چنانچه این امور زیاد انباشته بشود، یک وقت همان مسائلی پیش بیاید که مردم با طاغوت عمل کردند. طاغوت برای خاطر این که پسر کی بود و نوهی کی بود که نبود، برای اعمالش بود. اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی باشد، برای خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت، این همان طاغوت است منتها به یک صورت دیگری درآمده اما طاغوت است، طاغوت هم مراتب دارد، یک طاغوت مثل رضاخان و محمدرضا خانمان و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنهاست، یک طاغوت هم مثل ماهاست. همه از جند ابلیس می‌شویم شما فکر این ملت، فکر این زاغه‌نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شما را به مسند نشانند، فکر آن‌ها را بکنید. شب وقتی خلوت می‌کنید فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کردم یا برای مردم، امروز که صحبت می‌کنم برای خودم صحبت می‌کنم یا برای مصالح کشور. در هر صورت من از همه‌ی شما خواهان این برادری‌ای که سفارش خدای تبارک و تعالی است و خدا شما را، مؤمنین را برادر قرار داده و با هم برادر باشید، برابر باشید و با هم برای این مملکت کار بکنید و در رأس برنامه‌تان برای این بیچاره‌ها و این مستضعفینی که هستند برای این‌ها کار بکنید، امنیت کشور را ایجاد بکنید. این غائله‌ی کُردستان را هم جمع بشوید با هم طرح

بدهید کار بکنید تا این غائله رفع بشود، نه این که وقتی در گُردستان، فرض کنید که یک جوان‌هایی می‌خواهند فداکاری کنند، یک هلیکوپتر هم به آن‌ها ندهند که این کار را بکنند. امروز نظارت می‌خواهد، باید این کار بشود، این‌ها باید نظارت بشود، باید توبیخ بشوند، باید محاکمه بشوند آن‌هایی که نمی‌گذارند کارها انجام بگیرد. خداوند ان‌شاءالله همه‌ی شما را موفق کند و همه‌ی شما را سلامت و رفاه بدهد که برای ملت کار بکنید و پیش خدای تبارک و تعالی آبرومند بروید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، ص ۱۹۶، تهران (۱۳۵۹/۶/۳۰)

پیام یازده ماده‌ای امام/ امید امام به مردم

...

۹- این جانب به حسب وظیفه‌ی اسلامی و اخلاقی، به گروه‌های داخل کشور اعم از تهران و گُردستان و سایر نواحی ایران، در هر نقطه که هستند، پدرانۀ توصیه می‌کنم که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید و سلاح‌های خود را کنار گذاشته، با برادران و خواهران خود آشتی کنید. در این صورت، این جانب به همه‌ی آنان تأمین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید، هیچ کس مزاحم شما نخواهد شد. چه چیز بهتر از این که در محیط صلح و صفا، همه‌ی قشرهای ملت، در بازسازی کشور عزیزمان که در اثر حکومت سال‌های طولانی رژیم منحط پهلوی به خرابی کشیده شده است، با کار و کوشش اقدام نمایند و چه تأسف آور است که برادران ارتشی و سپاهی و دیگر قشرهای متعهد، در راه خداوند

و کشور عزیز اسلامی مان فداکاری کنند تا دشمن اسلام و وطن، از خاک خود برانند. گروه‌هایی که بازی خورده، تحت تأثیر بعضی منحرفین واقع شده و کارشکنی کنند و به دشمن کمک مستقیم یا غیرمستقیم نمایند و بر روی برادران مسلمان خود اسلحه بکشند، من بار دیگر یادآوری می‌کنم که روزی می‌رسد که از کردار خود پشیمان می‌شوید و در آن روز که خیلی هم طولانی نیست، پشیمانی فایده‌ای نخواهد داشت. چه بهتر امروز که درهای رحمت خداوند بزرگ بر روی شما باز است، به صفوف فشرده‌ی مِلّت پیوندید و در پناه اسلام، آسوده‌خاطر به زندگی شرافت‌مندانه‌ی خود ادامه دهید.

والسلام علی عبادالله الصالحین
روح‌الله الموسوی الخمینی
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، صص ۵۴۱ و ۵۴۴ (۱۳۵۹/۱۱/۱)

پیام به رزمندگان اسلام در قرارگاه حمزه سیدالشهدا^(ع)؛ (تبریک پیروزی رزمندگان)

بسم الله الرحمن الرحيم
از قول من به کلّیه‌ی رزمندگان اسلام به ویژه رزمندگانی که در منطقه عملیات قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه السلام با دشمنان اسلام مبارزه می‌کنند تبریک بگوئید. اسلام و مسلمانان متعهد، به این پیروزی‌های چشمگیر شما چشم دوخته‌اند و از یاد هیچ یک از ما نخواهید رفت. شما فرزندان عزیز مِلّت هستید. فتحی که به دست شما صورت گرفت، برای مِلّت سرافرازی بود. امیدوارم این پیروزی تا آخرین مرحله موفق باشد. سلامت و سعادت تمام رزمندگان را از خداوند خواهانم و از دعا شما را فراموش نخواهم کرد.

روح‌الله الموسوی الخمینی
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۷، ص ۹۴، تهران، بهارن (۱۳۶۱/۸/۳۵)

تجلیل از افتخارآفرینی‌های رزمندگان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

من امروز بنا نداشتم که صحبت بکنم و حالا هم به طور اختصار یک کلمه می‌گویم و دعا می‌کنم به شما. من الفاظ را و گفتار را ناقص‌تر از این می‌دانم که در ستایش از شما جوانان عزیز و همه‌ی ارگان‌هایی که در ایران خدمت می‌کنند، از ارتش و سپاهی و کمیته و بسیج و هم این‌ها، الفاظ کوتاه هستند که از شما برادران و از این چهره‌های نورانی مستعد برای شهادت مدیحه بگویند. شما آبروی اسلام را و آبروی رسول خدا را در پیشگاه مقدس حقّ تعالی حفظ کردید و شما برادران موجب سرافرازی حضرت امام زمان -سلام الله علیه- در پیشگاه خدای تبارک و تعالی شدید. حماسه‌هایی که شماها در گُردستان و نیز دوستان شما در جاهای دیگر از قبیل جبهه مسلم و محرم و سایر جبهه‌ها آفریدید، قابل توصیف نیست و شما مستعد این باشید که امام زمان سلام‌الله علیه از شما توصیف کند و خدای تبارک و تعالی به شما عنایات خاصه خودش را بکند و ان‌شاءالله خواهد کرد. شمائی که از جان خودتان در راه اسلام گذشته‌اید و در میدان‌های نبرد حقّ بر باطل پیش‌قدم شدید و سرکوبی کرده‌اید از این دشمنان اسلام و دشمنان ملّت و دشمنان ملّت گُرد و غیرگُرد، شماها موجب سرافرازی همه‌ی ملّت شدید. ما به وجود شما افتخار می‌کنیم و من از خداوند تعالی سعادت شما را در این دنیا و آن دنیا و سلامت شما را و رحمت بر شهیدان شما را خواستارم و امیدوارم خدای تبارک و تعالی به شما عزیزان پیروزی عنایت کند و ثواب شهداء

۱- ارزش معنوی حماسه‌آفرینی رزمندگان اسلام (سخنرانی در جمع رزمندگان و خانواده شهدا).

را به شما مرحمت فرماید. خداوند تمام رزمندگان ما را در همه‌ی جبهه‌ها از بلیات حفظ کند و پیروزی آن‌ها را که پیروزی اسلام است، پیروزی قرآن مجید است، ثبت کند در لوح محفوظ.

مخالفت اسلام با نژادپرستی

من یک کلمه به شما و اهالی کردستان عرض می‌کنم که شما اهالی کردستان و دیگرانی که در آن نواحی هستند گول این گروهک‌ها را نخورید. این‌ها نغمه‌ای بلند کردند بر خلاف قرآن مجید و بر خلاف اسلام. نغمه‌ی نژادپرستی، طرح این که کُرد، لُر، فارس، این‌ها باید از هم جدا باشند و هر یک مستقلاً برای خود چیزی داشته باشند، این آن است که اسلام آمده است که بردارد از میان، این دیوارها را اسلام آمده است که خراب کند و همه شما و همه‌ی ما و همه‌ی مسلمین در تحت لوای لا اله الا الله و توحید هم‌قدم باشیم و هم‌نفس باشیم و اسلام را به پیش ببریم. و امیدوارم که موفق بشوید به این که اسلام را در همه‌ی کشورهای اسلامی و حقایق اسلام را در همه دنیا پیاده کنید و شما بحمدالله الگو هستید برای تمام کشورهایی که هستند و مسلم بدانید که چشم همه‌ی کشورها یعنی مسلمان‌های کشورها و مستضعفان کشورها به شما دوخته شده است و دعای ما بدرقه شماست.

و خدایا! تو را به اولیایت قسم می‌دهیم که این عزیزان ما را حفظ کن، این دوستان خدا و دوستان امام زمان را پیروز کن.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹، تهران، حسینیه جماران (۱۳۶۱/۹/۳)

برخورد دوگانه رسانه‌های وابسته در سرکوبی گردها

...از مسائل مهمی که هست و من از یک جنبه‌اش می‌خواهم صحبت کنم، جنبه‌های دیگرش حالا صحبت از آن نمی‌شود من فقط یک جنبه‌اش را خواهم صحبت کنم، آن قضیه‌ی ورود ترکیه در عراق است، برای گردها سرکوبی گردها. آنی که من می‌خواهم صحبت کنم این است که گردها ایران و گردها عراق و گردها ترکیه همه گردها هستند. تفاوت این است که در گردهای ایران اکثریت‌شان با جمهوری اسلامی موافق‌اند و با این چند دسته فاسدشان مخالف‌اند. الان سرتاسر گردها ائمه‌ی جمعه‌شان، علمای آن‌جا، مردم‌شان با جمهوری اسلامی موافق‌اند، آنی که فساد کنند عبارت از یک دو تا دست‌های است که بعض‌شان کمونیست‌اند و بعض‌شان بدتر از کمونیست. چی شد که تمام رسانه‌های گروهی عالم راجع به گردهای ایران این قدر حساس هستند که از خود گردها هم حساس‌ترند. خود گردها می‌گویند که ما می‌خواهیم که این فاسدها از بین بروند، لکن رسانه‌های گروهی همیشه ایران را محکوم می‌کنند و لحن‌شان نسبت به ورود ترکیه در عراق برای سرکوبی گردها یا هم‌فکری عراق با آن‌ها اگر راست باشد، این دیگر مسأله‌ای نیست، خوب آن‌ها آمده‌اند خواهند مملکت‌شان را نگذارند که چیز بشود، آنی که مسأله است این است که گردها ایران چرا؟ اگر مسأله‌ای است که آن‌ها می‌گویند تجزیه‌طلب‌اند، خوب گردهای فاسد ما بیشتر هستند، چی شد که همه عالم سنگینی‌شان را انداخته‌اند روی ایران که این ایران است که گردها را چه می‌کند و چه، چقدر می‌کشد. و همین فاسدهایی که در خارج نشسته و نسبت به گردهای ایران سینه چاک می‌کنند، این‌ها چطور شد که راجع به قضیه ۱- سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس و مسئولین بنیاد ۱۵ خرداد (مجلس و اهمیت آن).

کردهای عراق و کردهای ترکیه صحبتی این قدرها ندارند، اگر باشد هم یک کلمه ای می گویند و می گذرند. این گرفتاری هایی که بشر به آن مبتلاست این نحو گرفتاری هاست، این طور حق کُشی هاست که سرتاسر عالم را فرا گرفته است و اگر چنانچه یک منجی برای این بشر پیدا نشود (و ان شاء الله امیدوارم که به زودی پیدا بشود و خداوند منجی بزرگ را به داد بشریت برساند) اگر دیر بشود اصلاً هلاکت در بین همه شان یک امر ساده عمومی می شود. یک دسته بیچاره مظلوم در سرتاسر دنیا زیر لگد دارند پایمال می شوند، از هیچ جا خبری نیست که راجع به آنها صحبتی بشود. در آمریکا آن قدر مظلومین دارند پایمال می شوند اصلاً راجع به آمریکا صحبتی نیست که این چرا این کار را می کند. در شوروی هم آن قدر مظلومین پایمال می شوند، صحبتی از آن هم نیست. در منطقه هم همین طور، آن قدر مردم و ملت های خودشان را، آن هم صحبتی نیست. این فقط این جاست، ایران است که حکومتش دارد اختناق ایجاد می کند و مردم همه شان مخالف با حکومت هستند، لکن سرنیزه است که این ها را حاضر کرده و این ها می آیند در خیابان ها، که این در دنیا باید اسم این را چی گذاشت؟ آنی که قلم دستش می گیرد و این ها را می نویسد، باید چه اسمی رویش بگذاریم؟ آنی که دستور می دهد به این رسانه ها و همه را هماهنگ می کند یک وقت می بینی از همه جا یک صدا بلند می شود، این را باید چی اسم بگذاریم رویش که این ها چی می گویند؟ این ها چه جور جمعیتی هستند؟ بافت مغزی این ها چه جور است؟ این گرفتاری هاست که جمهوری ما در این چند سالی که تحقق پیدا کرده است داشته و مجلس هم داشته و همه دولت و دیگران هم داشتند. اگر چنانچه این گرفتاری های مرتفع بشود و دنیا سر عقل بیاید و آن چیزی که واقعیت است بگوید، آن چیزی که واقعیت است تبلیغ بکند، کار ما آسان است.

محرومیت ملت به دست رژیم پهلوی^۱

محرومیت، زاغه‌نشینی و بی‌سامانی، هدایای رژیم گذشته

بسم الله الرحمن الرحيم

ما در این مدّت که یک روابطی پیدا کردیم با طوایف مختلف مملکت و اقشار مختلف پیش ما می‌آیند، می‌بینیم که هر طایفه‌ای در هر جا که هستند می‌گویند که با ما بدتر از همه جا رفتار شده. از بختیاری‌ها می‌آیند می‌گویند که با ایل بختیاری بدتر از همه جا عمل شده است و این‌ها بیچاره‌تر از همه هستند. از هر طرفی از اطراف ایران که می‌آیند، از شهرستان‌ها یا از دهات، خصوصاً از عشایر مختلفی که ایران دارد همه این مطلب را گویند که هیچ جا بدتر از منطقه‌ی ما نیست و این برای این است که هر کسی منطقه‌ی خودش را می‌بیند. همه مناطق این طوری است. شما تهران را ملاحظه کنید که مرکز ایران است و هر چه باشد باید در این جا بهترش باشد، قریب سی محله - یا یک قدری بیشتر - در تهران هست یعنی در شهر هست، کنار شهر که این‌ها زاغه‌نشین، چادرنشین هستند و عائله‌شان پنج نفر، بیشتر، کم‌تر در یک سوراخی زندگی می‌کنند و نه برق دارند و نه آسفالت دارند، نه آب دارند این‌ها. آن طوری که به من گفتند و مکرّر می‌آمدند و گفتند در یک گودال‌های منزل‌شان هست که از این گودال‌ها پنجاه [تا] بیشتر پله می‌خورد، پله‌های گلی می‌خورد و می‌آید لب خیابان، آن‌جا آن زن بدبخت بیچاره که در این زاغه هست کوزه اش را، برمی‌دارد که برود آب بیاورد، از پنجاه-شصت پله باید بالا برود و در زمستان، آن‌جا کوزه‌اش را آب بکند، پنجاه-شصت پله پایین

۱- سخنرانی در جمع نمایندگان روحانی‌گُرد.

بیايد، چند دفعه زمين بخورد تا ببرد آن جا. هيچ از آثار تمدن از قبيل آسفالت و از قبيل آب و از قبيل برق در آن جا نيست، خانه شان هم اين جور است كه مي بينيد، اين در تهران است، ساير شهرها همين جورها در آن زياد است، قصبات بيشتري، دهات بدتر، عشاير بالاتر. اين خيال نكنيد كه فقط شما هستيد كه محروم هستيد و محروم بوديد، اين رژيم همه را محروم كرد. فشار اين رژيم بر شهرستان ها به يك نحوي بود و بر عشاير به يك نحوي بود و بر دهات، قرا و قصبات به يك نحوي. همه در فشار بودند، همه در سختي زندگي مي كردند. اين شهرستاني ها خيال نكنيد كه خانه دارند چه دارند و در آن وقت خوب بود جاي شان، آن ها هم فشارها داشتند، گرفتاري ها داشتند، حبس ها داشتند، زجرها داشتند، در حبس ها اين ها را پاهاشان را اره مي كردند از روحانيون ما، خيال نكنيد كه روحانيون، فقط روحانيون شما گرفتار بودند، روحانيون ما كه ما انگشت روي آن ها مي گذاريم كه فلان و فلان، پاهاي شان را اره كردند، بعضي از محبوسين را توي تابه گذاشتند و بو دادند؛ زيرش آتش زدند و به آن برق متصل كردند! در حال حيات اين را ... توي يك تابه اي گذاشتند، بو دادند آدم را! اين طرز [برخورد] رژيم بود. و ما و شما و همه ي اقشار ملت پنجاه و چند سال به اين مبتلا بوديم. قبل از اين كه [عامل بدبختي] شما... باشد، در اين رژيم بيشتري از همه به اين گرفتاري هاي همه جانبه مبتلا بوديم.

دو خاطره از دوران رضاخان

اين گرفتاري هاي شخصي خودمان كه شما مي گوئيد كه سلام كه مي كنيد، من خاطره دارم از اين، دو خاطره خودم دارم يعني يكي را دوست من، خدا رحمت كند مرحوم حاج شيخ عباس تهрани نقل كرد كه

من در اراک بودم و از آن‌جا می‌خواستم بیایم به قم، رفتم اتومبیل بگیرم شوفر گفت که ما به دو طایفه بنا گذاشتیم که سوار اتومبیل نکنیم، یکی فواحش، یکی معّمین. این در زمان آن خبیث اوّل^۱ بود که با روحانیون این طور کرد، تبلیغاتش این طور و عمالش این طور کردند. یکی هم خود من در اتومبیل، در یک اتومبیلی که جمعیت در آن بود نشسته بودیم، بنزین تمام شد بین راه، من سیّد بودم، یک شیخی هم همراه بود، شوفر برگشت گفت که این از اثر این که این شیخ را سوار کرده بودیم بنزین تمام شده، تمام شدن بنزین را اثر نحوست یک روحانی می‌دانست. این طور بود آقا!

اطلاعات ناگفتنی از عصر پهلوی

خیال نکنید که، شما برادرهای اهل سنت ما هم مبتلا بودید، ما هم مبتلا بودیم. در شهرها، در دهات، در قصبات، اطلاعاتی که گفتنی نیست توجه کنید توجه کنید اطلاعاتی ما داشتیم که گفتنی نیست، بانوان ما اطلاعاتی داشتند که روی تاریخ را سیاه کرده است، نمی‌دانید چه قضایایی بوده در این‌جا واقع شده است، در همین قم -مرکز روحانیت- نمی‌دانید چه بساطی این‌ها درست کردند و زن‌ها را چطور بیرون آوردند که بروند جشن بگیرند، با زور بروند جشن برای کشف حجاب بگیرند. نمی‌دانید این‌ها با ما چه کرده‌اند، حالا بحمدالله با قدرت الهی و با همت همه اقشار ملت است که دیگر کسی نمی‌تواند بگوید من بودم، همه بودند، همه با هم و همه هم نمی‌توانند بگویند ما بودیم. ایمان بود، قدرت خدا بود، اگر قدرت خدا نبود، دست خالی نمی‌توانستند این قدرت‌های بزرگ را بشکنند. ملت چیزی دستش نبود، مشّت و خون داشتند، غیر

از این چیزی نداشتند مع ذلک قدرت ایمان نبود که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند این قدرت - که شهادت را برای خودش فوز بداند - این غلبه داد ایران را بر قدرت های بزرگ دنیا، همه پشت سرش ایستاده بودند، همه ی قدرت ها، من داخل کار بودم، پیغام ها به من بود که از آمریکا مکرر و همه پشت سرش ایستاده بودند مع ذلک قدرت ایمان این مردم غلبه کرد.

زندان ۳۵ میلیون نفری

حالا این ملت ما، سی و پنج میلیون ملت ما از یک حبسی بیرون آمدند و اگر چنانچه یک حبسی باشد که مثلاً سی و پنج میلیون را حبس بکنند، درهایش بسته باشد، دیوارهایش چه باشد، یک روز بشکند این قفس و بیرون بریزند، چه حالی پیدا می کنند؟ یک حال اغتشاش، یک حال به هم خوردگی، الان وضع ایران این است، یک حال اغتشاش است، یک حال به هم خوردگی است، همه چیز ما را از بین بردند و رفتند، یعنی خزانه را خالی کردند، بانک ها را همه را خالی کردند و رفتند. الان هر بانکی از این غائله چند صد میلیون دلار طلبکار است، همه چیز را بردند، فرهنگ ما را بردند عرض بکنم روحانیت ما را تضعیف کردند و رفتند، فرهنگ ما را از بین بردند و رفتند، اقتصاد ما را خراب کردند و رفتند، کشاورزی ما را به کلی از بین بردند و رفتند، همه چیز ما را بردند، حالا که همه چیز ما را بردند و ما مثل یک حبسی هایی که از حبس یک دفعه قفس شکسته و بیرون آمدیم و هر کدام یک طرف، یک جایی می پریم، همه متوجه شدیم به گرفتاری خودمان.

همکاری اقشار ملت در سازندگی

توجه [کنیم] به این که یک هم چو گرفتاری نمی شود فوراً رفع

بشود، یک شب نمی‌شود یک هم‌چون گرفتاری یک قرن، یک نیم قرن، یک پنجاه و چند سال را که برای ما گرفتاری درست کردند و برای ما خانه‌خرابی درست کردند، این را با یک ماه، دو ماه، چهار ماه نمی‌شود... آن را درست کرد. شما خیال نکنید که به فکر شما نیستند، الان نمی‌توانند به فکر هیچ کس باشند. شما خیال می‌کنید که این‌ها مثلاً راجع به سایر بلاد هم کاری کردند و برای شما نکردند. نمی‌توانند آقا، مطلب، مطلب بزرگی است، همه با هم باید دست به هم بدهیم، یک مقدار باید فرصت بدهیم، یک مقدار باید همراهی کنیم، همه‌مان همراهی کنیم، اگر من طلبه با این آقایان علما، با شما علما، با شما آقایان دست هم ندهیم و دولت را تأیید نکنیم و همه با هم نشویم نمی‌توانیم این خرابی‌ها را درست بکنیم. خرابی است الان، همه خراب است. عمده‌ی مطلب ایران کشاورزی بود این‌ها به اسم «اصلاحات ارضی» کشاورزی را به کلی از بین بردند و ایران شد یک بازاری که دستش را هی دراز می‌کند پیش دولت‌های خارجی -خصوصاً آمریکا- [که] گندم بده، جو بده، نمی‌دانم چه، با این که ایران اگر خودش کشاورزی را بکند، باید صادر بکند به سایر ممالک، نباید بگیرد از آن‌جا. همه چیز ما را از بین بردند، دامداری ما را از بین بردند، مراتع ما را، مراتعی که -به تصدیق خود خارجی‌ها- گفتند بهترین مراتع برای دامداری، غنی‌ترین مراتع برای دامداری، مرتع فلان جاست -و من هم اسمش را یادم نیست- این را دادند به ملکه‌ی انگلستان و چند نفر از دوستان او، این را به او دادند و الان نمی‌دانم حالا الان وضع‌شان چگونه است. تمام مراتع ما را از بین بردند به اسم ملی کردن، مردم را دست‌شان را منقطع کردند و خودشان چاپیدند و رفتند و همین طور جنگل‌های ما را به اسم ملی کردن، به اشخاص خارج فروختند و استفاده‌اش را کردند، نفت را هم که همه می‌دانید که چگونه بردند و

هیچ چیز هم ندادند به ما، الان باز به دولت ما پول نفت نرسیده، نفت صادر شده اما پول نفتش بعد باید برسد، تا چندم، تا کی باید برسد. این جور نیست که الان دولت به فکر شما نباشد به فکر ما باشد، به فکر مثلاً بلوچستان نباشد به فکر تهران باشد، به فکر کردستان نباشد، به فکر همه جا هستند، اما نارساست مطلب، صبر می‌خواهد. ما پنجاه و چند سال صبر بر این بلیات کردیم و سوختیم و ساختیم، حالا یک مقداری باز باید بسوزیم و بسازیم و مهلت بدهیم و کمک کنیم تا درست بشود، کارگری درست بشود. الان تو کارخانه‌ها می‌ریزند نمی‌گذارند کارگری درست بشود، تو کشاورزها می‌ریزند نمی‌گذارند کشاورزی صورت پیدا بکند و تو مدارس می‌ریزند نمی‌گذارند مدرسه درست باز باشد. همه جا را این‌ها خراب کردند، حالا هم تتمه‌ای که مانده است نمی‌گذارند که ما راحت باشیم، دولت راحت باشد تا کار انجام بدهد.

نبودن تبعیض در اسلام

شما این را بدانید که اسلام برای یک قشر نیست، اسلام برای یک طایفه نیست، اسلام برای همه است، اسلام برای بشر است، برای انسان است، برای همه است. خیال نکنید که یک تبعیضی در اسلام باشد در اسلام تبعیض نیست. خیال نکنید که کسانی که در مرکز هستند یا علمایی که در مراکز علمی هستند تبعیض قائل باشند، این حرف‌ها نیست در کار، ما همه هستیم و با هم هستیم و برادر هستیم و ما را این نهضت هم‌چو -عرض کنم که- توفیق داد که الان شما برادرها با ما برادرها همه با هم نشستیم، همه با هم تفاوت‌مان را می‌گوئیم لکن شما فکر این را نکنید که ما در فکر شما نیستیم و نشستیم خودمان داریم یک کاری می‌کنیم برای خودمان، نه، برای شما ابداً این مطلب، طرح نیست این مطلب. در

جمهوری اسلامی این مسائل طرح نیست اصلاً، لکن اوضاع، اوضاع
اغتشاش و در هم و برهمی است که باید با مهلت انجام بگیرد.

حکومت انتقالی

من به شما اطمینان می‌دهم که وقتی که استقرار پیدا کرد حکومت
ما - الان بین راه هستیم، ما الان حکومت مستقر نداریم، حکومت انتقالی
است -^۱ یک حکومت مستقر پیدا کنیم که همه شما رأی بدهید، همه شما
سرنوشت خودتان را تعیین کنید، بعد از این که تعیین کردیم سرنوشت
خودمان را، همه را، همه‌مان را، همه‌مان را، همه‌مان را دادیم به اشخاص که دل‌خواه
خودمان هستند و این‌هاست آن وقت آن اشخاصی که از طرف ما رأی
دادند درست می‌کنند یک حکومتی که مال همه ملت است، همه ملت
حکومت‌شان عبارت از یک حکومت صحیح است و اسلامی ان‌شاءالله،
ان‌شاءالله قدرت اسلامی، احکام اسلامی و آن وقت خواهید دید که قضیه،
قضیه تبعیض و تجزیه و این‌ها هیچ ابدا مطرح نیست، نه از اول اسلام
مطرح بوده، نه حالا مطرح است. اگر چهار روز یک نفر آدم قاچاق آمد
در این مملکت و خراب‌کاری کرد، این را نباید ما به اسم این بگذاریم که
مثلاً مسائل باید این طور باشد. نخیر، وقتی که دولت اسلامی ان‌شاءالله
استقرار پیدا بکند، ان‌شاءالله همه ما، همه شما در رفاه هستیم و من سلام
خودم را به برادرهایی که شما از پیش آن‌ها آمدید اعلام می‌کنم و از
آن‌ها می‌خواهم که یک قدری حوصله داشته باشند، صبر داشته باشند.
ان‌شاءالله خداوند همه‌تان را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۷، صص ۷۴-۷۹، قم (۱۳۵۸/۲/۳)



نارسیایی‌ها و نابسامانی‌های کشور و چگونگی آبادی خرابی‌ها- شوراها منطقه‌ای^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

از آثار این نهضت و برکاتش یکی این است که ما با گروه‌های مختلفی از مسلمانان ایران مواجه می‌شویم و با هم درد دل می‌کنیم. ما مع‌الأسف با هر گروهی که مواجه می‌شویم، با کردستانی‌ها، با بلوچ‌ها، با بختیاری‌ها، با قشقایی‌ها و سایر عشایری که در اطراف ایران هستند و گروه‌هایی از آن‌ها گاهی پیش ما می‌آیند، با هر گروهی که مواجه می‌شویم می‌بینیم که همین درد دل‌های که شما دارید آن‌ها یا بیشتر دارند، یا همین طور هست. بختیاری‌ها می‌آیند، می‌گویند که هیچ جا بدتر از بختیاری نیست، ما از همه مواهب تمدن محروم هستیم. بلوچ‌ها می‌آیند همین مطلب را آن‌ها هم می‌گویند که ما محرومیم و هیچ یک از اقشار ملت مثل ما محروم نیست. شما آقایان هم همین مطلب می‌گوئید. من باید بگویم که مطلب همین طور است که گفته می‌شود، همه‌ی ملت محروم‌اند از همه‌ی مواهب. شما الان تهران که مرکز است و همه‌ی همّت‌های دولت‌های سابق هم نسبت به مرکز بوده است و مع‌الأسف توجه به جاهای دیگر کم بوده است و یا نبوده است، همین تهران را شما تشریف ببرید و قریب سی محله یا بیشتر که این‌ها یا چادر نشین هستند یا زاغه‌نشین هستند و یا حصیرنشین هستند. محله‌ی حصیرنشین‌ها، زاغه‌نشین‌ها از همه مواهب تمدن محروم‌اند، آب ندارند باید بیایند از پله‌های زیادی بالا، از آن گودال‌هایی که منزل دارند خودشان و بچه‌های‌شان باید بیایند بالا یک

کوزه آب از سر خیابان که شیر آب هست ببرند، از آسفالت هیچ خبری نیست، از مریض‌خانه هیچ خبری نیست، از مدرسه هیچ خبری نیست، برق ندارند، هیچ ندارند، این تهران که مرکز است و باید از همه جا به قول آن‌ها آبادتر باشد.

رژیم پهلوی عامل فقر ملت

وقتی که ملاحظه می‌کنید در اطراف خوزستان، در اطراف فارس، جاهایی را به ما بعضی‌ها گفته‌اند که این‌ها اصلاً آب ندارند، هیچ ندارند، آب هم حتی ندارند و در زمستان‌ها و بهار وقتی که باران می‌آید، یک گودال‌هایی هست در آن‌جا که آب در آن‌جا جمع می‌شود و زن‌ها از یک فرسخ باید بروند و آب از آن‌جا بیاورند برای بچه‌های‌شان، که من وقتی که نجف بودم بعضی از اهل خیر کویت که با من آشنا بودند به من توسّل کردند که شما یک کمکی بکنید و ما هم کمک می‌کنیم یک آب انبار درست بشود که این آب باران را این آب انبار حفظ بکند و این بیچاره‌ها وقتی می‌خواهند آب ببرند آب داشته باشند. شما خیال نکنید که همان شماها محروم بودید، این خانه‌خواب‌ها همه‌ی ایران را خراب کردند، همه محروم بودیم، حتی قشرهایی که شما در صورت می‌بینید که این‌ها مثلاً مرفه هستند، در زمان این‌ها زحمت‌های داشتند که بیشتر از زحمت بی‌آبی بود. این حبس‌های طولانی و این زجرهای فوق‌العاده، این شکنجه‌های طاقت‌فرسا برای یک دسته از روشن‌فکران، یک دسته از علما، یک دسته از فرهنگی‌ها، از وکلای دادگستری، از قضات دادگستری، امثال این‌ها در تحت این شکنجه‌ها بودند و بحمدالله بعد از این که خدا خواست و خداوند تایید کرد، ملت ما بیدار شدند و با هم اجتماع کردند و در تحت لوای اسلام این سدّ را شکستند. این سدّی که مانع بود از این که هم فرهنگ ما، اقتصاد ما، ارتش ما، همه چیز ما ترقّی

و رشد بکند و مانع بودند، این مانع برداشته شد اما پشت این سد چه برای ما ماند؟ پشت این سد یک بدبختی‌های مانده است. صندوق دولت خالی است، از تمام بانک‌ها (آن طوری که دولت به ما اطلاع دهد و آن طور هست). این‌ها هر چه توانستند قرض کردند، صدها میلیون دلار از بانک‌های مختلف ایران این‌ها قرض کردند و فرار کردند. هم‌چو نیست که خیال کنید که این‌ها هم ساده رفتند. جواهرات ایران را یک مقداریش را آن پدر برد، یک مقداریش را این پسر. بانک‌های ما را خالی کردند و رفتند. ملت را فقیر گذاشتند و رفتند و نفت ما را سال‌های طولانی دادند به آمریکا و پول نگرفتند، یعنی برای آمریکا پایگاه درست کردند و به عوض پول نفت که باید پول به ما بدهند، اسلحه دادند، اسلحه‌های که به درد خود آمریکا می‌خورد و نه به درد ما. این یک توطئه‌ای بود بین این مرد (این مرد خبیث، این مرد خائن) با آمریکا که نفت می‌داد، آن هم آن طور زیاد و در ازای آن باید پول بدهد یا اسلحه‌ای که به درد ما بخورد بدهد. در قبال آن یک اسلحه‌های این‌ها فرستادند، برای خودشان پایگاه درست کردند مقابل شوروی، یعنی ایرانی‌ها نمی‌توانستند استعمال کنند این اسلحه‌ها را، تخصّص نداشتند. برای خودشان پایگاه درست کردند، پایگاه‌های‌شان الان هم هست در ایران.

آبادی خرابی‌ها با همّت ملت

الان که شما این سد را به همّت خودتان و به برکت اسلام شکستید، پشت این سد یک خرابه است، نه تنها کردستان خراب است لرستان هم خراب است، خوزستان هم خراب است، بلوچستان هم خراب است، خراسان هم خراب است، همه خراب است. این خرابه را چه کسی باید آباد کند؟ این خرابه را دولت می‌تواند تنها؟ نه، دولت هم‌چو بودجه‌ای ندارد، نمی‌تواند. ملت هر قشرش می‌تواند؟ نه، اما همّت ملت همه با هم،

اجتماع با هم و همه اتکاء به خدا، اتکاء به قرآن کریم، همه با هم باید قیام بکنیم، همه با هم تشریک مساعی بکنیم تا این خرابه را آبادش کنیم. شما خیال نکنید که دولت توجّه ندارد به گُردستان، دولت نمی‌تواند. الان گرفتاری‌هایی برای دولت گذاشته‌اند که هر جای مملکت را که ملاحظه می‌کنند، همین گرفتارهایی را که شما دارید آن‌ها هم دارند. دولت نه این که نخواهد توجّه بکند، دولت خواهند، شب و روز این‌ها در کار هستند، من اطلاع دارم شب و روز این‌ها در زحمت هستند و می‌خواهند این خرابه را آبادش کنند، لکن خرابی این قدر است که بدون این که مدّتی بگذرد، مهلتی باشد، نمی‌شود.

رشد گروهک‌ها در سایه ناآرامی‌ها

مع‌الأسف این مهلت را این خائن‌ها نمی‌دهند، نمی‌گذارند. کارخانه‌ها باید راه بیفتند تا این که چرخ این مملکت به جریان بیفتد، به گردش بیفتد. می‌روند کارخانه‌ها را نمی‌گذارند کار بکنند. کشاورزی باید راه بیفتد تا این که این مملکت آباد بشود، کشاورزی را همین خائن‌های که تتمه‌ی آن رژیم فاسد هستند نوکرهای آمریکا و غیر آمریکا هستند نمی‌گذارند، کشاورزی را هم مانع می‌شوند. مدارس باید کار خودشان را ادامه بدهند فرهنگ را اداره کنند، می‌روند فرهنگی‌ها را هم نمی‌گذارند، مدارس را هم تعطیل می‌کنند. هر چه بخواهید شما، هر چیزی را که ببینند برای این مملکت فایده دارد و برای گرفتاری این اقشار مملکت فایده دارد، این عمّال آمریکائی‌ها که تتمه‌شان مانده‌اند حالا در این‌جا، این‌ها مانع می‌شوند، هر روزی با یک صورتی مردم را بسیج می‌کنند و توی خیابان‌ها می‌کشند و داد و فریاد و زنده‌باد و مرده‌باد. برای این که این‌ها نمی‌خواهند آرام بشود این مملکت. اگر آرام بشود این

مملکت، کارهایش را اداره می کنند، اگر کارهایش را اداره بکند و آرامش حاصل بشود دست آن ها دیگر کوتاه می شود. وقتی یک مملکتی آشفتگی نداشت، دست آن ها کوتاه می شود، لکن مملکت اگر آشفته بود (و این ها هم دارند آشفته اش می کنند) اگر آشفته بود، آن ها باز طمع شان هست که با یک صورت دیگری، با یک فرم دیگری به این مملکت سلطه پیدا کنند و همان مسائل سابق و بدبختی های سابق را عود بدهند.

طرح های سازندگی

شما برادرهای ما گمان نکنید که به حال شما رسیدگی نمی شود، نمی خواهند رسیدگی کنند، نمی توانند به زودی درست بکنند، مشغول اند، مشغول برنامه ریزی هستند، مشغول مطالعه هستند. مسائل باید به تدریج حل بشود. الان، دیروز که روز پنجشنبه آقای بازرگان آمدند این جا، آن نقشه هایی که راجع به راه سازی داشتند، نقشه های زیادی درآوردند نشان دادند که ما در همه ی اقشار مملکت می خواهیم راه سازی بکنیم و شروع می کنیم. و من سفارش کردم که روستاها و جاهای دور دست زودتر باید شروع بشود و قبل از جاهای دیگر. آن ها هم همین مطلب را قبول کردند. راجع به کارگر، این ها هم مشغول اند برای این که کار درست کنند و کارگر را به کار وادارند و عرض می کنم که این قشر را هم به کار وادارند و وقتی که به کار وادار شدند، هم برای خودشان خوب است و هم مملکت راه می افتد، لکن یک صبر انقلابی شما لازم دارید و ما. همه بدبختی داریم لکن باید یک قدری صبر بکنیم، یک قدری تحمل بکنیم، این را حمل نکنید به این که یک قشری را به قشر دیگر مقدم داریم. خدا می داند که اسلام و آنی که ما می خواهیم و همه مان تابع اسلامیم بین هیچ یک فرقی نمی گذارند، همه حقوق را ملاحظه می کنند. مسلمین همه ید واحده

هستند، مسلمین همه برادر هستند. این که مسلمین یک طایفه‌شان به یک طایفه دیگر مقدّم باشد، این‌ها نیست در کار، حقوق همه، همه‌ی مسلمین، بلکه هر کس که در مملکت اسلامی زندگی می‌کند یک حقوقی دارد، اسلام به آن حقوق می‌رسد، این اقلّیت‌های مذهبی از قبیل زرتشتی، از قبیل یهودی، از قبیل نصاری که در ایران گروه‌های فراوانی هستند، این‌ها را هم اسلام برای شان احترام قائل است، می‌خواهد که این‌ها هم به حقوق خودشان برسند. اما این را توهم این معنا نشود و من احتمال می‌دهم که خدای نخواستہ باز یک دست‌هایی در کار باشد که پیش برادرهای کُرد ما بروند بگویند که ببینید دولت اسلامی شد و کاری نشد، پیش برادرهای بلوچ ما بروند همین حرف را بزنند، پیش برادرهای بختیاری ما بروند همین حرف را بزنند، پیش قشقائی‌ها بروند همین حرف را بزنند. همه برای این که یک آشوبی باشد، آرامش نباشد که ما مملکت‌مان را به طور عاقلانه و به طور عدالت اداره کنیم. این‌هایی که می‌آیند و این حرف را می‌زنند، این‌ها قصد این را ندارند که اصلاح بشود، این‌ها قصد افساد دارند، خود شما هم می‌دانید که این‌ها می‌خواهند فساد بکنند، الان هم تذکّر دادید که مفسدین هستند که این کار را می‌کنند. باید یک قدری صبر کرد، ملاحظه کرد. ببینید که دولت برای یک جایی کار می‌کرده که برای شما نکرده؟ یک جایی را آباد کرده جای شما خراب است؟ الان مسأله‌ی خانه‌سازی، همه‌ی اقشار ملّت علی‌السواء برای شان کسانی که مستمند هستند و خانه‌دار نیستند، برای شان خانه‌سازی می‌شود. آن وقت که راه‌سازی بشود، برای همه کشور می‌شود. آن وقتی که این‌ها بتوانند دارو برسانند، طبیب برسانند عرض بکنم دانشگاه درست کنند، این‌ها محتاج به یک مهلتی است. بله اگر این خانه‌خراب‌ها رفته بودند و خزینہ مملکت سر جایش بود، آن وقت می‌گفتیم به دولت که خوب شما

که پول دارید و خزینه دارد، و یا الله چرا نمی کنید؟ اما تهی کردند خزینه را رفتند، بردند همه را دزدیدند، غارت کردند، خودشان و آن وابستگان شان بانک ها را خالی کردند، همه چیز ما را بردند و ما را به این حال فلاکت نشانند. لکن من امیدوارم که به خواست خدا و به عنایتی که خدا به این مملکت دارد، به این مملکت اسلامی دارد، با خواست خدا، با همت همه ی برادرها، همه ی اقشار، این اشکالات رفع بشود با یک مهلتی. باید ما همه صبر کنیم و مهلت به ما داده بشود.

مسأله ی شوراها

اما قضیه ی این که کارهای هر کسی به خودش باید [...]، باز به هر جایی به خودش، این جزء برنامه های اسلام است و ما هم بنا بر همین هست. نه تنها شما، در هر جا، در هر استانی، در هر جایی که هست باید همان طوری که از اوّل قانون هم همین معنا بوده است که باید شوراهای ولایتی باشد، این ها باید بشود و می شود و در صدد هستند. الان مشغول طرح ریزی آن هستند که شما را برای خودتان، مسائل خودتان باشد، انتخابات مال خودتان باشد، خودتان انجام بدهید، کارهای تان محوّل به خودتان باشد. نه شما تنها، خراسان هم همین طور، اصفهان هم همین طور، همه جا همین طور. این شوراها باید همه جا باشد و هر جایی خودش اداره کند خودش را. این، هم برای ملت خوب است، هم برای دولت خوب است. دولت نمی تواند همه جا را خودش تحت نظر بگیرد، وقتی محوّل کرد کار را به خود مردم، هم مردم در هر منطقه ای که هستند برای خودشان دلسوزتر هستند، بهتر اطلاع دارند به احتیاجات خودشان. این ها یک برنامه های است که در دست اجراست گمان نکنید که حالا این برنامه ها در جای دیگر پیاده شده است و شما محروم مانده اید، این را هم

چنین گمانی نکنید و من از شماها تمناً دارم که سوءظن به برادرهای‌تان نبرید، چنان‌چه ما نداریم سوءظن نسبت به شما، شما هم نسبت به دولت‌تان، نسبت به ما سوءظن نداشته باشید که ما می‌خواهیم خیر، یک قشری را بالا ببریم، این مال طاغوت بود، این که یک دست‌های، نوکر برای خودشان می‌خواستند درست کنند، برای خودشان دار و دسته درست کنند و چه. ما همه ملت از خودمان است و ما خودمان هم از همه ملت هستیم و ما همه خدمت‌گزار شما و ملت هستیم و من اطمینان می‌دهم به شما که همه این مسائلی را که شما دارید، حل بشود. قضیه این که آن‌جا امن و امان باشد و قضیه امنیت آن‌جا باشد، البته تماس می‌گیریم با ستاد ارتش، با ژاندامری و سفارش می‌کنیم راجع این مسأله، ان‌شاءالله همه موفق و موید باشید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۷، صص ۱۴۶-۱۵۲، تهران (۱۳۵۸/۲/۷)

لزوم اخوت و برادری میان ملت و مقابله با گروهک‌ها

بسم الله الرحمن الرحيم

من از برادرانم متشکرم که از راه دور آمده‌اند که از نزدیک با هم صحبت کنیم و مطالبی که مورد نظر است به گوش یکدیگر برسانیم. آقایان می‌دانند که در این پنجاه و چند سال حکومت غاصب سلسله‌ی پهلوی به اقشار ملت چه گذشت. شما مرزنشین‌ها در مرز مورد تجاوز و تعدی بودید و آن‌هایی که در مرکز بودند، در مرکز مورد تعدی بودند،

منتها هر کس در هر جا که هست آن تعدّیات آن‌جا را خوب ادراک می‌کند، ماها که این‌جا هستیم، در طول مدّت سلطنت غاصبانهای این‌ها، این‌جا را مشاهده کردیم و از مرزها چند خبری گاهی شنیده می‌شد لکن اطلاع صحیح نداشتیم. شما آقایان هم که در مرزها بودید همان مرزها را و محل خودتان را و گرفتاری‌ها را می‌دانستید و مشاهده می‌کردید لکن از این مراکز اطلاعی نداشتید، مگر این که آن چیزی که می‌شنیدید. همه‌ی اقشار ملت در زحمت و رنج بودند، همه گرفتار بودند.

وحدت زیر لوای توحید

در این دو سال اخیر که ظلم آن‌ها اوج گرفت و ملت هم کم‌کم طاقتش تمام شد و قیام کرد، نهضت کرد، یک نهضت اسلامی برای اسلام، برای احیای سنت رسول‌الله (ص) و یک وحدتی به خواست خدای تبارک و تعالی در همه جا از مرزها گرفته تا مراکز، از شهرستان‌ها تا دهات و قصبات، یک وحدت کلمه حاصل شد و این وحدت کلمه زیر لوای اسلام و پرچم توحید حاصل شد که اگر اسلام نبود و یک جنبش ملی، فرض کنید یک جنبش سیاسی بود، به این طور گسترش نمی‌شد. جنبش‌های سیاسی، جنبش‌های ملی از باب این که به اسلام ارتباطی ندارد، در یک محدوده کوچکی یک اشخاص محدودی گسترش پیدا می‌کنند این طور گسترش که بچه‌های کوچک تا پیرمردها احزاب، قشرهای مختلف بدون این که یک طایفه‌ای بین طایفه‌ای باشد، این نهضت گسترش پیدا کرد این نبود الا این اراده خدای تبارک و تعالی، برای این که ملت اسلام را می‌خواست، همه، در هر جا که ملاحظه کردید می‌گفتند که ما جمهوری اسلامی می‌خواهیم، ما سلسله پهلوی نمی‌خواهیم، از این جهت این نهضت پیش برد و یک مطلبی که همه،

همه‌ی متفکرین، سیاسیون محال می‌دانستند، به اراده‌ی خدا تحقق پیدا کرد و الان که ما با هم مجتمع هستیم همه در قم و شما از مرز، بدون این که خوفی از کسی داشته باشید از سازمان امنیتی و از ارتشی و از دولتی خوف داشته باشید آمدید با ما در این اطاق مجتمع شدید.

هوشیاری در مقابل توطئه‌ی منحرفین و ریشه‌های گندیده‌ی رژیم سابق
و این از برکات این پیشرفت است که این سدّ طاغوتی شکسته شد و قشرهای ظالمانه فرو ریخت و ما آزاد شدیم و مملکت ما از دست چپاول‌گرها هم بیرون رفت.

اختلاف‌افکنی با حربه‌های نژادی و مذهبی

حالا که ما آزاد شدیم و مملکت‌مان را از دست دیگران گرفتیم آن‌ها آرام نمی‌نشینند، آن‌ها الان در صدد هستند که توطئه‌هائی بکنند، یک اشخاصی را مأمور کردند که در اطراف مملکت طرف شما بیایند یک چیزی بگویند، در تهران یک جور، در خوزستان یک طور، در گُردستان یک طور، در بلوچستان یک طور، در خراسان، در کرمان، این‌ها مأمورهایی هستند که از طرف اجانب منتشرند الان و یک ریشه‌هائی از همان رژیم سابق‌اند و یک مقدار هم از همین منحرفین با اسم‌های مختلف، این‌ها مأمورند که نگذارند مملکت آرام باشد، اختلاف ایجاد کنند هر جا به یک صورتی، طرف مرزها که برادرهای ما در آن‌جا هستند به صورت این مذهب و آن مذهب اختلاف ایجاد می‌کنند، در آن‌هائی که لسان‌شان تُرک است، با آن‌هائی که لسان‌شان کُرد است، با آن‌هائی که لسان‌شان فارس است به عنوان عشیره‌ای، به عنوان این که این گروه با آن گروه دو زبان دارند، دو فرهنگ دارند، از این راه، گُردستان علی‌حده، آذربایجان علی‌حده،

خراسان علی حده، به این اسباب مختلف و تشبثات مختلفه می خواهند که بین برادرها را به هم بریزند. در تهران که هم بیائید می بینید که به یک صورت های دیگری می ریزند توی دانشگاه ها، نمی گذارند دانشگاه ها باز بشود، هر چند روزی یک بهانه ای درست می کنند با این بهانه یک تظاهراتی می کنند و یک اجتماعی می کنند و یک اختلافاتی می خواهند ایجاد بکنند. الان که ما و شما برادرها با هم نشستیم این جا، باید با هم در ددل مان را بگوئیم که چی است درد ما و درمان چی است. درد فعلی ما همین ریشه هائی است که، ریشه های گندیده ای که از رژیم سابق مانده است و مشغول مفسده هستند، در کارخانه ها می روند نمی گذارند کارخانه ها به کار بیفتد، در صحراها و بیابان ها و کشاورزی می روند نمی گذارند کشاورزی به راه بیفتد، بین رعایا اختلاف می اندازند در هر جا به یک صورتی این ها دارند اختلاف می اندازند. این درد است اگر این درد خدای نخواستۀ علاج نشود، من خوف این را دارم که همان مسائلی که ما پنجاه و چند سال به آن مبتلا بودیم و همه ی شما تلخی آن را چشیدید به صورت بدتری باز بر گردد به صورت غیر صورت شاهنشاهی یک صورت دیگری، یا اگر بتوانند به همان صورت. من خوف این را دارم که اگر ما علاج این مصیبت را، این درد را نکنیم همان مسائل برگردد دوباره، همان سازمان امنیّت و همان مأمورین دولت و همان بساط که امکان نداشت برای ما یک هم چو روزی با هم بنشینیم صحبت کنیم. اگر رژیم سابق بود حالا شما همه توی حبس بودید، از دم این در که آمده بودید همه را گرفته بودند و بعد هم ریخته بودند ما را برده بودند. به شکرانه این نعمتی که خدای تبارک و تعالی به ما اعطا فرمود و ما را بر طاغوت غلبه داد و برای علاج این دردی که الان هست، هیچ چیز علاج نیست و هیچ چیز شکرانه ی این نعمت نیست الا این که ما با هم برادر وار مجتمع باشیم.

شناسایی دست‌های پشت پرده

حفظش به این است که با کمال هوشیاری ملاحظه کنید که این‌هائی که می‌آیند و می‌گویند که شما با کی دو طایفه‌اید، شما کُردستانی هستید، آن‌ها کُردستانی هستند، آن‌ها کجا، با کمال هوشیاری ببینید که این‌ها کی هستند، چرا این حرف را حالا می‌زنند یک ملت‌ی که همه با هم پا شدند می‌خواهند زندگی خودشان را اداره کنند، می‌خواهند دست اجانب را از مملکت خودشان کوتاه کنند و کوتاه هم کردند، آنی که حالا می‌آید می‌گوید که شما سُنّی هستید شیعه هستند، شما کُردستانی هستید و آن‌ها کُردستانی هستند و شما جبهه‌ی کذا هستید، در شهرها هم شما جزء چه حزبی هستید، فلان توی چه حزبی هست، این‌ها را ما باید با هوشیاری دقّت کنیم، ملاحظه کنیم، مطالعه کنیم در حال‌شان که این‌ها از کجا الهام می‌گیرند که می‌آیند مردم را نمی‌گذارند آرام باشند، این‌ها را کی وادار می‌کند، پشت پرده چه دستی هست که این‌ها را وادار می‌کند که (نگذارید کارخانه‌ها راه بیفتد) در صورتی که اگر کارخانه‌ها راه بیفتد، خوب، زندگی روزمره‌ی مردم اداره می‌شود (نگذارید کشاورزی تحقّق پیدا کند) اگر کشاورزی تحقّق پیدا کند به صلاح ملت است. چه اشخاصی این‌ها هستند؟ از کجا این‌ها الهام می‌گیرند؟ از کجا آمدند؟ از آن طرف مرز بسیاری از این‌ها در آن وقتی که شلوغ شد و انقلاب شد و و جلو افتادند مسلمین و ریشه‌ی این‌ها را خواستند بکنند، این اشخاصی که تهیه شده بودند برای آشوب، هی از آن طرف مرز با تذکّره‌های ساختگی و امثال ذلک، خیلی‌شان این جوری آمدند، یک اقشاری هم بودند که در خود آن‌جاها بودند و از تنمهی همان دستگاه بودند و جیره‌خوار آن‌ها بودند، دیدند که الان خطر برای‌شان هست وقتی دست ارباب‌ها کوتاه شد، نوکرها هم محروم شوند، این‌ها هستند که افتادند توی جمعیت، بین شما

می آیند یک حرف را زنند، بین دسته‌ی دیگر می‌روند دیگر می‌روند یک حرف می‌زنند، آذربایجان یک جور حرف می‌زنند، کردستان یک جور حرف می‌زنند، هر جا یک طور. ماها اگر تحت تأثیر این‌ها واقع بشویم که دنبال آنی را که آن‌ها می‌خواهند که همه به هم بریزند و برادرها بریزند به جان هم، اگر یک هم‌چو چیزی بشود، آن‌ها قدرت پیدا می‌کنند و از پشت خنجر می‌زنند به ما.

دوری از اختلاف، رمز تداوم انقلاب

ما باید همه با هم توجّه به این بکنیم که همان‌طوری که اسلام فرموده است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» همه با هم دست به هم بدهید و اعتصام به حبل خدا بکنید و برای خدا اجتماع کنید و تفرقه نباشد در کار، از تفرقه بترسید، همه‌مان، این مسأله واضحی است که امروز آن‌چه ما را پیش برد این وحدت کلمه بود، تفرقه این وحدت کلمه را از بین می‌برد، وقتی که از بین برد این رمزی که رمز پیروزی ما بود از دست‌مان گرفته می‌شود، گرفته که شد شکست می‌خوریم. اگر خدای نخواسته ما در این نهضت شکست بخوریم دیگر ایران به حال استقلال بر نخواهد گشت، دیگر ایران به حال آزادی بر نخواهد گشت برای این که یک نمونه بود این نهضت، یعنی شاید در طول تاریخ یک هم‌چو نهضتی تحقق نداشته است. این یک امر نمونه‌ای بود و یک چیزی نیست که بشود تکرار بشود، دوباره از سر گیرد، کسی بتواند یک هم‌چو نهضتی را ایجاد بکند، باید آن وقت ما تن در بدهیم به اسارت تا آخر، نسل‌های بعد هم همین‌طور تا آخر. بنابراین عقل و دین و وجدان انسان اقتضاء می‌کند همان‌طور که اسلام فرموده است که همه برادرید، (المؤمنین اخوه) برادرند همه، همان‌طور که اسلام دستور داده است که شماها برادرید با هم، باید

به برادری رفتار کنید یعنی اگر دو تاب‌رادر را یک کسی به او حمله بکند، دوتائی با هم آن را دفع و نابود می‌کنند. الان ما مورد حمله این قشر قلیلی که از این‌ها مانده است هستیم، حمله‌شان یک حمله سیاسی است که بریزند نگذارند ما مجتمع بشویم، متفرق از هم باشیم. شماها باید بیدار بشوید، همه با هم دست برادری بدهید و برای خاطر قرآن، برای خاطر حفظ احکام خدا، برای خاطر خدا دست از اختلافات و حرف‌هایی که این‌ها منتشر می‌کنند دست بردارید، همه با هم برادروار این اقشار را هم بیرون بریزیم، همه با هم در هم در یک محیط انسانی اسلامی آرام زندگی بکنیم.

مسئولیت سنگین مرزنشینان

من از خدای تبارک و تعالی خواستارم که همه مسلمین را در هر جا هستند ارشاد کند، همه مسلمین را در هر جا هستند سعادت‌مند کند، وحدت کلمه را بین همه مسلمین در هر جا هستند متحقق گرداند و خصوصاً برادرهای ایرانی ما. از خدا می‌خواهم که این برادرهای ایرانی ما را هم هوشیار کند، هم توجه به ایشان بدهد که گوش به این حرف‌هایی که این‌ها می‌آیند می‌زنند، این‌ها همه غرض دارند، مرض دارند، گوش به حرف این‌ها ندهند، همه با هم برادرواران شاء الله به زندگی خودشان ادامه بدهند و آن‌جا در سرحدات شما، در مرزهایی که شما هستید مسئولیت در مرز خیلی زیادتر هست، چنان‌که در مرکز هم زیاد است. این‌جا یک نحو مسئولیتی است برای اهل مرکز، آن‌جا یک نحو مسئولیتی است برای اهل مرز. مرزنشین‌ها به وظیفه‌ی شرعی مرزنشینی‌شان عمل بکنند و مرکزین‌ها به وظیفه‌ی شرعی مرکزینشینی‌شان عمل بکنند تا ان شاء الله با وحدت کلمه و رفع اختلافات و نبودن اختلافات و نترسیدن، این‌ها

می ترسانند، منتشر کرده بودند که مسلمانان می خواهند یهودی ها را قتل عام کنند، چند روز پیش از این یهودی ها رؤسای شان آمده بودند این جا، گفتیم که خوب، شما دیدید که مسلمان ها پیروز شدند، یهودی ها هم دارند زندگی شان را می کنند، به یهودی ها کاری ندارند. این ها می خواهند نگذارند که دو نفر با هم باشند و ما باید علاج کنیم این درد را به این که در مقابل آن ها بایستیم و با هم باشیم. از خدای تعالی خواستارم که همه مسلمین را در هر جا هستند ارشاد کند، همه مسلمین را در هر جا هستند سعادت مند کند، وحدت کلمه را بین همه مسلمین در هر جا هستند متحقق فرماید و خصوصاً برادرهای ایرانی ما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
صحیفه ی امام، جلد ۷، ص ۳۴۴-۳۵۰، تهران (۱۳۵۸/۲/۲۸)

توطئه در بد جلوه دادن نهضت اسلامی^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

خطر زیر سوال رفتن مکتب

از برکات این نهضت یکی این است که طوائف مختلفه را زیر یک سقف توی یک اطاق کوچک جمع کرده است، فارس و کُرد و عرب و عجم، همه برادرها را در یک جا مجتمع کرده است تا مسائل و مطالبی که دارند بگویند و ما هم اگر عرائضی داریم به آن ها عرض می کنیم. آن چه که الان به نظر من اهمیّت دارد و اهمیّت حیاتی دارد یعنی حیات اسلام به آن بستگی دارد این است که از حالا به بعد ما چه بکنیم، تکلیف حالا را معین کنیم. آن چه که گذشت، گذشت و بحمدالله به خیر گذشت، ما چه بکنیم که از این به بعد هم به خیر بگذرد، به نفع اسلام بگذرد. آن

۱- سخنرانی در جمع هیأت بحرینی و روحانیون کُردستان (توطئه علیه نهضت اسلامی).

که الان ما را تهدید می‌کند و موجب نگرانی است و نگرانش بیشتر از نگرانی‌ای است که سابق داشتیم راجع به مبارزه با طاغوت این است که الان یک قشرهایی هستند، یک اشخاصی در بین ملت هستند که این‌ها می‌خواهند این نهضت اسلامی را با این که اسلامی است بد نمایش بدهند، یعنی مکتب ما را یک طوری نمایش بدهند به دنیا که این مکتب اسلامی هم مثل همین مکاتب دیگر و مثل همین رژیم‌های فاسد دیگر است، منتها آن وقت قدرت دست یک طائفه‌ای بود و کارهای خلاف می‌کردند، حالا دست یک طائفه دیگر آمده ولی همان کارها را می‌کنند. ما اگر چنانچه در این مبارزه که با طاغوت می‌کردیم و همه شما جوان‌های عزیز و همه طبقات ملت با هم مجتمع شدند و به پیش رفتند اگر در آن رژیم ما شکست می‌خوردیم، قتل عام می‌شدیم چیز مهمی نبود برای این که در راه حق بوده است و مکتب ما محفوظ بود و کوشش خودمان را آن قدری که می‌توانستیم کردیم، منتها زورمان نرسید آن‌ها غلبه کردند، چنانچه اولیاء حق هم بسیاری‌شان مغلوب شدند، لکن مکتب محفوظ ماند. سیدالشهدا سلام‌الله علیه با همه اصحاب و عشیره‌اش قتل عام شدند، لکن مکتب‌شان را جلو بردند. شکست در مکتب نبود پیشروی بود، یعنی بنی‌امیه را تا ابد شکست داد، قتل سیدالشهدا، یعنی این اسلامی که بنی‌امیه می‌خواست بد نمایش بدهد و با ادعای خلافت بر خلاف موازین انسانی عمل بکند آن را، سیدالشهدا سلام‌الله علیه با نثار خون خودشان آن رژیم را، رژیم فاسد را شکست داد و خود مقتول شد. ما اگر در این رژیم سابق در این مبارزه شکست می‌خوردیم و آن مکتب‌مان محفوظ می‌ماند، دست نخورده می‌ماند و خودمان از بین می‌رفتیم خیلی اهمیّت نداشت برای این که سیدالشهدا هم کشته شد، امیرالمؤمنین هم در جنگ با معاویه شکست خورد.

توطئه با قلم‌های زهرآلود

اما حالا سر دوراهی واقع شدیم این اهمّیت دارد. این دو راهی آن است که چه بکنیم که مکتب‌مان محفوظ باشد، و چه اعمالی مکتب ما را به باد می‌دهد، شما پاسدارهای عزیز محترم که علاقمند هستیم ما همه به شما، چه بکنید؟ چه اعمالی از شما صادر بشود که این اعمال در این رژیمی که الان رژیم اسلامی است، الان جمهوری اسلامی است، مملکت ما رژیمش الان با رفراندم، جمهوری اسلامی شده، اگر الان یک اعمالی بجا بیاوریم، ارتکاب یک کارهایی بکنیم که بر خلاف موازین شرعیّه باشد، بر خلاف موازین عدالت باشد مثلاً فرض کنید که جوانی از ما بر خلاف موازین یک تعدّی به غیر بکند، یک جوانی که به عنوان پاسبان اسلام است بریزد در خانه یک کسی و یک کار زشتی بکند، امروز این کار را دیگر پای این شخص حساب نمی‌کنند می‌گویند پاسبان، پاسدار اسلام هم این طوری است، در رژیم سابق ساواکی‌ها این کارها را می‌کردند، در رژیم حالا هم پاسداران اسلام این کارها را می‌کنند. اگر به پای شخص حساب می‌شد و مکتب محفوظ می‌ماند و نسبت به اسلام نمی‌دادند اشکال خیلی نبود. آدم فاسد در عالم خیلی هست، آدم مخالف با موازین عمل کن زیاد است، اما اگر ما خودمان را پاسدار اسلام بدانیم ما که در لباس روحانیت هستیم، این صفّ و شما که پاسداران اسلام هستید و همه‌مان ان شاء الله پاسداران اسلام باشیم، اگر امروز از ما از این طبقه و از شما و این طبقه و از آقایان و آن طبقه اگر امروز یک خلافتی صادر بشود، این اشخاصی که با قلم‌های زهرآلود چشم‌ها را دوخته‌اند که یک چیزی پیدا بکنند برایش، یکی را هزار تا اضافه بکنند و به اسلام نسبت می‌دهند نه به شما نه به من، اگر یک کاری یک وقتی من کردم می‌گفتند خمینی یک آدم مخالف با عقل و اسلام است، این اشکالی

نداشت، خوب، خیلی اشخاص مخالف بودند یکی‌اش هم من، اما اگر من حالا یک کاری بکنم و بگویند که رژیم اسلام این طوری است، یا آقا خدای نخواستہ یک کاری بکنند که نسبت داده بشود به این که این حکومت اسلام هم همین است.

شکست مکتب، مصیبت بزرگ

این‌هائی که نشسته‌اند و الان در داخل و خارج چشم‌ها را دوخته‌اند که یک مناقشه‌ای بکنند، یک چیزی از شما، از من، از آقا ببینند، از روحانیون، از پاسداران، از کمیته‌ها، از دادگاه انقلاب، از حکومت -عرض می‌کنم که- ملی، از همه این‌ها یک چیزی ببینند یکی را هزار می‌کنند، آن هم پای من و آقا حساب نمی‌کنند، پای اسلام حساب می‌کنند. امروز مکتب ما در خطر است و آن وقت که رژیم بود، مکتب‌مان سر جایش بود، خودمان در خطر بودیم. اگر در زمان طاغوت ما با آن‌ها مبارزه می‌کردیم و ما را می‌کشتند اشکال نداشت شکست خورده بودیم و اگر در زمان طاغوت از یک معمم یک چیزی صادر می‌شد، نمی‌گفتند اسلام، می‌گفتند این ساواکی هست، به اسلام نسبت نمی‌دادند. الان اگر از پاسدارهای اسلام، چه شما که پاسدارید و چه ما که پاسداریم یک مطلبی صادر بشود، این اشخاصی که در صددند که تخطئه کنند مکتب ما را، اسلام را تخطئه کنند، این‌ها قلم‌ها را برمی‌دارند این‌جا به کنایه و در خارج به صراحت می‌نویسند و مکتب ما یک وقت در دنیا شکست می‌خورد. شکست مکتب مصیبت بزرگ است. امروز مسؤولیت طبقه‌ی روحانی، مسؤولیت پاسدارهای اسلام، مسؤولیت حکومت است، رئیس‌الوزراء اسلام، نخست‌وزیر اسلام، مسؤولیت امروز مثل سابق نیست، امروز مسؤولیت زیاد است. مسؤولیت این است که اگر یک کاری ما بکنیم،

روحانی خدای نخواستہ یک کاری بکند، در کمیته‌ها یک کاری بشود، در دادگاه‌های انقلابی یک کار خلافی بشود، پاسدارهای انقلاب یک کاری بکنند، مردم یک کاری بکنند، بازار یک بازار غیراسلامی باشد، آن‌هایی که برای مناقشه نشسته‌اند و چشم‌های‌شان را دوخته‌اند به ما، آن‌ها برای ما یک کاری می‌کنند که اصل مکتب ما شکست بخورد، یعنی تا ابد اسلام دفن بشود. مصیبت این است و الا مصیبت کشته شده که مصیبتی نیست، خوب، جوان‌های ما کشته شدند، در راه اسلام کشته شدند، شهید شدند، «هینئا لهم»^۱، اما کشته شدن، دفن شدن مکتب اهمیت دارد، این را حفظش کنید.

کژی‌ها و نادرستی‌ها، به پای اسلام

ای برادرهای پاسدار من! ای عزیزان ما! مبدا از شما یک مطلبی صادر بشود که قلم‌ها برداشته بشود و نوشته بشود که اسلام این جوری هست، این‌ها مثل ساواکی‌هایند. ای آقایان روحانیون! مبدا از روحانیون یک وقتی، حالائی که یک قدرتی پیدا شده است یک چند نفر تفنگ‌دار دور خودشان جمع کنند و یک کاری بکنند که اسلام را لکه‌دار بکنند.

امروز اگر از یک روحانی یک مطلبی صادر بشود که بر خلاف موازین باشد، آن‌هایی که باید ما را لکه‌دار کنند می‌گویند این‌ها هم، آخوندها، الان دیکتاتوری کفش و عمامه است. بهانه دست مردم ندهید، اسلام دیکتاتوری نیست، آن که دیکتاتور است مسلم نیست، روحانیت دیکتاتور نیست، آن که دیکتاتور است روحانی نیست، لکن قلم برداشته می‌شود و نوشته می‌شود این‌ها همان‌ها هستند، آن وقت ساواک بود،

حالا پاسدار هست. نکند خدای نخواستہ یک وقت یک چیزی از شما صادر بشود، از ما صادر بشود، از روحانیون صادر بشود، از کمیته‌ها صادر بشود. این‌ها هم الان اجزاء مملکت اسلام است. ما ادعا داریم که یک مملکت اسلامی حالا داریم. الان این‌هائی که به اسم دادگاه اسلام و کمیته اسلام عرض می‌کنم پاسداران اسلام و روحانیون اسلام الان دیگر آن طور نیست که مثل رژیم سابق باشد که اگر شما یک کاری می‌کردید به شما نسبت بدهند، اگر من یک کاری می‌کردم به من نسبت بدهند الان یک وضعی داریم که اگر خدای نخواستہ یک قدم کجی برداریم این را به اسم اسلام تمام می‌کنند.

نابکاری‌های ما و سرشکستگی اولیای خدا

این راجع به دشمن‌های ما، و اما اولیاء خدا و خداوند تبارک و تعالی مراقب ما هستند. ما رقیب داریم، خدای تبارک و تعالی رقیب ما هست، ملائکة الله رقیب ما هستند یعنی پاسداری از ما می‌کنند، مبدا یک وقتی نامه عمل شما برود پیش امام زمان سلام الله علیه و آن‌جا گفته بشود به امام زمان که این پاسدارهای شما، و ایشان سرشکسته بشوند، آقا مسأله‌ی مهم است. قضیه، قضیه‌ی کشت و کُشتار نیست، قیام و نهضت ما، نهضت یک رژیم طاغوتی نیست، قیام و نهضت ما یک نهضت انسانی است، یک نهضت اسلامی است، ما به کتاب و سنت می‌خواهیم عمل بکنیم، شما به کتاب و سنت باید عمل بکنید. اگر یک وقت نامه عمل یک روحانی را بردند و به امام زمان سلام الله علیه دادند و آن ملائکة اللهی که بردند دادند گفتند که این هم روحانی شماست، این‌ها پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد نعوذ بالله، او علاقه دارد به شما. شما ببینید اگر این خودشان

خیلی منزّه است از پسرشان یک چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می‌شوند، اگر از خادم‌شان یک چیزی صادر بشود خودشان سرافکنده می‌شوند. ما همه خادم هستیم، از ما توقّع هست، از شما توقّع هست

شکست‌ناپذیری حکومت‌های مردمی

امروز روزی است که باید حفظ کنید شما اسلام را، اسلام را باید حفظ کنید. حفظ اسلام به این است که اعمال‌تان را تعدیل کنید، با مردم رفتار خوب بکنید، برادر باشید با مردم، مردم را این طور حساب نکنید. رژیم‌های سابق مردم را از خودشان جدا می‌دانستند. آن‌ها در یک طرف بودند، مردم هم در یک طرف بودند. آن‌ها مردم را می‌کوبیدند، مردم هم آن‌ها را اگر می‌توانستند. امروز که مردم جدا نیستند از پاسداران اسلام، حکومت اسلام که از مردم جدا نیست، تو مردم است، از همین مردم و از همین جمعیت است شما هم از همین مردم‌اید، از همین جمعیت‌اید، شما کاری نکنید که مردم از شما بترسند، شما کاری بکنید که مردم به شما متوجّه بشوند، کاری بکنید که مردم محبّت به شما بکنند، پشتیبان شما باشند. اگر مردم پشتیبان یک حکومتی باشند، این حکومت سقوط ندارد، اگر یک ملت پشتیبان یک رژیمی باشند، آن رژیم از بین نخواهد رفت این که رژیم سابق از بین رفت برای این که پشتیبان نداشت، ملت پشتیبانش نبود، ملت پشت به او کرد بلکه خود ملت او را بیرونش کرد. رضاخان را وقتی متفقین از این مملکت بیرون کردند، مردم شادی می‌کردند با این که در خطر بودند، جان‌شان در خطر بود، لشکر غیر بود، لشکر اجنبی بود، لشکرهای اجنبی بودند ریختند به ایران ولی چون رضاخان را بردند، مردم خوشحالی می‌کردند. ما خودمان مطلع بودیم در بین مردم این مردم هم که رفت که دیدید که چه شادی‌ها کردند برای این که پشتیبان

نداشتند کاری نکنید که مردم بگویند که ای کاش نبود این پاسدار، کاری نکنیم که مردم بگویند ای کاش روحانیتی در کار نبود. مسأله مهم است. قضیه این نیست که من ساقط باشم، قضیه این نیست آقا ساقط باشند، قضیه این است که اسلام در خطر است. امروز این طوری است وضع ما.

از وظایف پاسداری

همه ان‌شاءالله با هم متوجه به اسلام و وظائف پاسداری [بشویم] شغل بسیار شریف و بسیار پُرمسئولیت است. شما تا صبح بیدارید و از این مردم پاسداری می‌کنید و برای خداست و در خطر هم هستید. چه چیزی بالاتر از این، لکن کاری بکنید که مقبول درگاه خدا باشید این زحمتهای شما خدای نخواستہ هدر نرود و آن این است که به وظائف پاسداری عمل بکنید و این است که خودتان پاسدار خودتان هم باشید. این جنود ابلیسی که به باطن انسان هجوم می‌کنند، پاسداری کنید نگذارید، ردشان کنید، طردشان کنید، نگذارید که وسوسه بکنند شیاطین و خدای نخواستہ یک عملی از شما صادر بشود که اجر شما را از بین ببرد. شما خیلی اجر دارید پیش خدا، نگذارید این از بین برود.

و من امیدوارم که همه طبقات این ملت در تحت لوای اسلام با رفاه، با سلامت، با سعادت، همه با سعادت باشند. اگر اسلام بیاید، در اسلام این حرف‌ها نیست که این سفید است آن سیاه است، آن کرد است و آن لر است، آن روحانی است و آن چپی، تقوا میزان است، اسلام اگر آمد انسان باید از خودش فقط بترسد، نه از حکومت می‌ترسد، نه از ارتش اسلامی کسی می‌ترسد، نه از ژاندارمری‌اش می‌ترسد، نه از پاسبانش می‌ترسد، نه از پاسدارش می‌ترسد، هر کسی باید از خودش بترسد که اعمالش مبدا بد باشد. و من امیدوارم اسلام به آن طوری که ما می‌خواهیم به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد، در ایران پیاده بشود و همه اقشار

بدون این که فرقی باشد ما بین مرزنشین و ما بین مرکز نشین، بین فارس و کُرد، بین عرب و عجم، بین کُرد و غیر کُرد، هیچ فرقی در اسلام نیست و همه به حقوق خودشان می‌رسند. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه را می‌خواهم و خداوند همه را حفظ کند، غلبه بدهد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۸، صص ۳۶۷ تا ۳۷۳، تهران (۱۳۵۸/۴/۱۳)

احکام مترقی اسلام^۱

بسم الله الرحمن الرحيم
ترس دشمنان از اسلام

شما می‌دانید که الان موقع حسّاسی است که باید ما این مراحلی که پیش داریم، جلو برویم و باید در این مراحل اولیّه که قانون اساسی و خبرگان و مجلس شورای ملی و رئیس‌جمهور و این‌هائی که اساس یک مملکت است، این‌ها را ما الان جلو داریم و باید همه برادرها با هم متحد باشیم و این مسائل را پیش ببریم. در یک هم‌چو موقع حسّاسی دشمن‌های شما و ما در صدد هستند که نگذارند این مراحل پیش برود و لهذا دیدید که در فرماندم شلوغ‌کاری کردند و الان هم می‌خواهند شلوغ بکنند و نگذارند مسائل اسلامی پیش برود.

این‌ها از اسلام می‌ترسند برای این که اسلام دین برابری و برادری است و در آن اصلاً نژاد مطرح نیست. کُرد و فارس، تُرک و عرب و فارس ابداً در اسلام مطرح نیست و آن چیزی که در اسلام مطرح هست تقوا و صفا و برادری و برابری است. و این‌ها می‌دانند که اگر اسلام به آن طوری که هست، در این مملکت تحقّق پیدا بکند، دست‌شان

۱- سخنرانی در جمع اهالی میوان و سنج و پرسنل گردان ۶۲

کوتاه خواهد شد. آن‌ها می‌خواهند که همان قلدری‌هایی که در سابق می‌کردند، همان چپاولگری‌هایی که می‌کردند همان‌ها را ادامه بدهند یا برگردانند و تنها اسلام است که می‌تواند جلو این‌ها را بگیرد از این جهت این‌ها می‌خواهند یک شلوغی‌هایی بکنند، یک نفاق‌هایی ایجاد کنند، یک اختلاف‌هایی ایجاد کنند که این مراحل ابتدائی نگذرد و منعکس کنند در خارج که ایران نمی‌تواند خودش را اداره کند. با تبلیغاتی که در خارج و در خارج از مرزها و در داخل هم یک مقداری بکنند این است که این‌ها رشد ندارند. ایران باز رشد این که خودش. خودش را اداره بکند ندارد محتاج به این است که یک کسی، یک قیمی بیاید او را اداره بکند، و می‌خواهند همان مسائل را برگردانند.

تلاش برای استقرار حکومت اسلامی

امروز روزی است که ما، همه برادرها، برادرهای مرزنشین و مرکز نشین با هم همان‌طوری که در ابتداء نهضت همه با هم بودید و همه با هم این نهضت را پیش بردید از حالا به بعد هم این نهضت را پیش ببرید به طوری که یک حکومت اسلامی مستقر شود. الان یک حکومت انتقالی است، باید قدرت را انتقال بدهد، یک حکومت اسلامی مستقر ما پیدا بکنیم با قوانین اسلام آن وقت خواهید و خواهند دنیا فهمید که آن رژیم که عدالت‌پرور است، آن رژیم که برای دهقان بیشتر مقام قائل است تا برای بالاتری‌ها آن رژیم اسلام است. آن رژیم که اصلاً در آن گروه‌ها و زبان‌ها هیچ در آن مطرح نیست اسلام است. ما باید کوشش کنیم که این مطلب را به دنیا ثابت کنید که مملکت ما یک مملکتی است که متحول شد از رژیم طاغوتی به رژیم اسلامی انسانی و محتوایش، واقعش تغییر کرده، تحول واقعی. فقط اسم نبود که ما بگوئیم جمهوری اسلامی، نه ما می‌خواهیم تمام قواعد اسلامی همان‌طور که در صدر اسلام بوده است در ایران تحقق پیدا بکند

و ما ارائه بدهیم به دنیا که اسلام این است، اسلام مترقی این است، احکام مترقی اسلام این است. آن که به حال مستمندان و ضعفا بیشتر عنایت دارد تا به حال دیگران، آن که طرفدار مستضعفین است، آن رژیمی که می‌خواهد مستضعفین را از قید و بند آن گرفتاری‌ها بیرون بیاورد آن اسلام است. آن که پیشش اصلاً مطرح نیست مرزنشینی و مرکز نشینی، بالانشینی و پائین نشینی پیشش مطرح نیست اسلام است آن که وقتی حکومتش، رأسش مثل رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله و سلم) وقتی که با این که رأس بود، با این که اداره یک کشور می‌کرد وقتی که می‌آمدند در یک مجلسی که نشسته بودند اصحاب حضرت و حضرت نشسته بودند، بالا و پائین معلوم نبود چیه. می‌آمد می‌گفت کدام یکی تان پیغمبر هستید؟ از باب این که دور می‌نشستند اصحاب‌شان با خودشان، همه با هم دور هم می‌نشستند. یکی بالا و یکی پائین، یکی این زیرش باشد نبوده است، روی همان زمین و اگر هم یک بوریائی بوده، بوریای آن وقت برای مسجد بوده روی آن بوریا همه می‌نشستند دور هم و از همان مسجد که این طور زندگی می‌کردند تجهیز قوا می‌کردند و ممالک را می‌گرفتند. یک هم چون حکومتی ما می‌خواهیم که این طور باشد که این طبقات مختلفه‌ای که چپاولگرند یک دسته‌شان، این‌ها نباشد و این دهقان‌ها به حال‌شان رسیدگی بشود، این مستمندها، این زاغه‌نشین‌ها. شما بدانید که در خود تهران الان زاغه‌نشین‌هایی هست که در گردستان شبیه‌اش را نمی‌بینید، در اطراف خودتان شبیه‌اش را نمی‌بینید، آن قدر این‌ها مستمند هستند و همه این‌ها را این شاه مخلوع ایجاد کرد، به اسم اصلاحات ارضی همه این گرفتاری‌ها را برای این مستمندها پیش آورد.

وحدت کلمه در اسلام‌خواهی

من امیدوارم که بعد از این که ما الان بنا بگذاریم همان‌طور که تا حالا بوده است که الان صفّ خودمان را محکم نگه داریم، شما که در

مرز هستید و امیدوارم که مرزها را شما خودتان با قدرت خودتان حفظ کنید و ماها که در این‌جا هستیم همه یک کلام داشته باشیم و او اسلام، جمهوری اسلامی، برگشت به صدر اسلام. وقتی که این را داشته باشیم این مسائل خود به خود حل می‌شود دیگر آن مسائلی که این‌ها بخواهند پیش بیاورند، وقتی قوانین اسلام آمد آن‌ها حل است، آن قدرت‌ها از بین خواهند رفت. قدرت، قدرت اسلام است، قدرت ملت اسلامی است.

من از شما و همه‌ی دوستان این‌جا می‌خواهم که این وحدت را حفظ کنید و این اراده و تصمیم قوی‌تان را حفظ کنید و با این بازوهای قدرتمند جلو این حشیش‌هائی که هست و این حشاش‌هائی^۱ که هست، بگیرید. ان‌شاءالله مملکت خودتان برای خودتان باشد و همه‌ی این‌هائی که می‌خواستند، می‌خواهند باز یک سلطه‌ای پیدا کنند بر امثال شماها، همه‌ی این‌ها از بین خواهند رفت.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۹، صص ۴۹ الی ۵۱، قم (۱۳۵۸/۴/۳۱)

توطئه‌ی احزاب و گروه‌های فاسد، آزادی و دموکراسی، همراهی نمایندگان با مردم^۲

بسم‌الله الرحمن الرحیم

توطئه‌های دشمنان در مواقع حساس

من می‌خواستم اظهار تأسّف کنم از اوضاعی که پیش آوردند و همیشه این اوضاع، این طور خراب‌کاری‌ها قبل از یک کاری که بنا بود انجام بگیرد، انجام می‌دهند. وقتی که فرارند می‌خواست بشود، یک

۱- نیم جانی در شخص بیمار یا مجروح، در این‌جا منظور، باقیماندگان رژیم سابق است.
۲- سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس خبرگان.

شلوغی‌هایی ایجاد می‌کردند. آن‌جا که شکست خوردند بعد در هر مورد این‌ها با شکست مواجه می‌شدند و حالا هم که بناست این مجلس محترم تحقق پیدا کند، این خراب‌کاری‌ها را پیش آوردند برای این که اذهان را متوجّه کنند به جای دیگر و شاید به خیال خودشان نتوانند آقایان به کار خودشان ادامه بدهند، بعد هم که این کار درست شد، بعد که بخواهیم مجلس شورای ملی درست بشود و رئیس‌جمهور، باز هم منتظر هستیم که این مسائل پیش بیاید، لکن ملت راه خودش را پیدا کرده است و ملت و دولت و همه قشرها به این راه ادامه دهند، چه این شلوغ‌کاری‌ها را این‌ها بکنند و چه نکنند و سرکوبی این‌ها هم خیلی دشوار نیست، ما می‌خواهیم حتی‌الامکان با ملایمت با این‌ها رفتار بکنیم، خون‌ریزی نشود. در هر صورت ما منتظر این هستیم که این خراب‌کاری‌ها به دست این خراب‌کارها و به دست این اجانب که این‌ها را آلت قرار دادند بشود. این‌ها برای مقاصد خودشان با این اسماء مختلف، مثل حزب دمکرات، دمکرات کذا، حزب فدائیان خلق و این طور الفاظ بی‌معنا به این کارهای خلاف انسانی ادامه دارند می‌دهند، با قلم گاهی، با عمل گاهی، و این همان‌طور که من پیروز عرض کردم این گناهش گردن ماست، انقلاب نباید این طور باشد.

سوءاستفاده گروهک‌ها از آزادی

ما می‌خواستیم که آقایان خواستند که بعد از انقلاب هم خیلی با ملایمت رفتار کنند، آزاد کردند، مرزها را باز گذاشتند، آزاد کردند همه را، قلم‌ها را آزاد کردند، گفتارها را آزاد کردند، احزاب را آزاد کردند، به خیال این که این‌ها یک مردمی هستند که لااقل اگر مسلمان نیستند، آدم هستند، برای یک مملکتی که برای خود آن‌ها ملت زحمت کشیده

است، لااقل آن قدر ادراک دارند که اگر دوباره اوضاع برگردد، برای همه بد است لکن معلوم شد خیر، قضیه این حرف‌ها نیست و این‌ها عمال خارجی‌ها هستند، حالا یا عمال آمریکا هستند یا عمال جاهای دیگر هستند، حالا برای ملت ماهیت این‌ها، ماهیت این نویسنده‌ها، ماهیت این احزاب، ماهیت این الفاظ فریبنده‌ی بی‌معنا برای ملت حالا روشن شد.

آزادی در چهارچوب قانون اساسی

اگر ما الان دیگر انقلابی رفتار کنیم، نمی‌توانند بگویند که شما آزادی ندادید. ما آزادی دادیم، سوءاستفاده شد و آزادی نخواهیم دیگر داد. آزادی به آن معنا که این‌ها بخواهند خراب‌کاری بکنند، این آزادی نخواهد داده شد. آزادی در حدودی که قوانین اقتضاء کند، در حدودی که اسلام به ما اجازه می‌دهد، اسلام اجازه نمی‌دهد که ما آزاد بگذاریم که هر کس هر غلطی بخواهد بکند، هر توطئه‌ای می‌خواهد بکند، هر کاری می‌خواهد بکند که بکشد به خاک و خون. ما باید از دولت و از وزیر کشور هم باید گلایه کنیم که در آن روزی که این‌ها سیصد نفر را (آن طور که گفتند) زخمی کردند، از طرف دولت جز اظهار تأسف، ما چیزی ندیدیم، از رادیو هم ندیدیم چیزی. اگر بنا بود این‌ها با یک اظهار تأسفی، با یک مثلاً نصیحتی از کارهای خلاف خودشان دست برمی‌داشتند، حالا چند ماه است نصیحت شده است، توصیه شده است، التماس شده است، همه چیز با این‌ها رفتار شده است و این‌ها اهل این نیستند که با نصیحت دست از کار خودشان بردارند. باید با شدت با آن‌ها عمل کرد و من شاید امروز و فردا بسیار از این احزاب را ممنوع اخطار و اعلام کنم و نگذاریم هیچ نوشته‌ای از این‌ها در هیچ جا و هیچ اثری از این‌ها در هیچ جای مملکت نگذاریم که خروج کند، تمام نوشته‌های‌شان را از بین می‌بریم

برای این که وقتی ملت فهمید که این‌ها خراب‌کارند، این‌ها اشخاصی نیستند که بشود با آن‌ها با ملایمت رفتار کرد. حزب دمکرات کردستان یک جمعیت خراب‌کار هستند، یک جمعیت فاسد هستند، یک جمعیت مفسد هستند، این‌ها را ما نمی‌توانیم بگذاریم که همین طور هر کاری که دل‌شان می‌خواهد بکنند، حالا هم اعتراض کرده‌اند که خود شماها دارید این کارها را می‌کنید. نظیر آن‌ها که در پیروز و در چند روز پیش، آن خراب‌کاری را کردند و بعد گفتند که خود مردم این کارها را کردند. خودشان ایجاد غائله می‌کنند، بعد گردن این‌ها می‌گذارند. حالا هم در روزنامه دیدم که آن‌جا عزالدین حسینی فاسد و همین طور قاسملوی فاسد (که نیست لابد این‌جا) این‌ها می‌گویند خود پاسدارها که آمدند، این‌ها مردم را چه کردند، در صورتی که سر پاسدارها را بریدند، سر مردم را بریدند، بچه‌ها را چه کردند. یک هم‌چو مردمی هستند این‌ها، با این‌ها نمی‌شود با آشتی و مصالحه و با این چیزها با این‌ها نمی‌شود رفتار کرد، با این‌ها باید با شدت رفتار کرد و با شدت رفتار می‌کنیم، ان شاء الله.

برخورد انقلابی با توطئه‌گران

ما یک حزب را، یا چند حزب را که صحیح عمل می‌کنند می‌گذاریم عمل بکنند و باقی همه را ممنوع اعلام می‌کنیم و همه نوشته‌جاتی که این‌ها کرده‌اند و بر خلاف مسیر اسلام و مسیر مسلمین است، ما همه این‌ها را از بین خواهیم برد. ما بعد از این که فهمانیدیم به این‌ها که شماها دیکتاتور هستید، ما آزادی‌خواه بودیم و شما نگذاشتید، ما آزادی دادیم و شما نگذاشتید این آزادی باقی بماند، حالا که این طور شد ما انقلابی با شما رفتار می‌کنیم، هر چه می‌خواهند روزنامه‌های خارج بنویسند، هر چه می‌خواهند توابع صهیونیست‌ها و امثال این‌ها هر چه دل‌شان

می‌خواهد فریاد بزنند. این‌ها هم اگر چنان‌چه هر چه دل‌شان می‌خواهد
توی خانه‌های‌شان بروند فریاد بزنند لکن بیرون دیگر نمی‌توانند، این‌ها
باید منزوی بشوند.

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، صص ۲۹۶ الی ۳۰۰، قم (۱۳۵۸/۵/۲۷)

خرابی و ویرانی همه‌جاگیر، میراثی از رژیم ۲۵۰۰ ساله^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از برکات این نهضت، اجتماع علمای این حدود، آن حدود،
علمای تشیع و علمای تسنن در زیر یک سقف، یک سقف کوچک، تا
مسائلی که ما داریم و خلاف آن مسائل دارد تبلیغ می‌شود به گوش
آقایان برسانید. دیروز چنان‌چه من قبلاً هم اعلام کردم شاید همه شنیده
باشید یک تلگرافی با امضای ۱۸ نفر از ائمه‌ی جماعت مهاباد یا مهاباد
و اطراف و رونوشت به پانزده نفر از مقامات آمد و در آن این بود که ما
اهالی کردستان در این نهضت شریک بودیم و زحمت کشیدیم و حالا
اشخاصی ذهن شما را مشوش کردند و نسبت به اهالی کردستان بدبین
کردند و شما همه‌ی ایرانی‌ها را بر ضد کردستان بسیج کردید. خوب من
می‌دانم که علمای آن‌جا هم چو چیزی نمی‌گویند. این یک مطلبی است
که یا ائمه‌ی جماعت را اسم‌شان را نوشته‌اند آن‌ها هم بی‌اطلاع‌اند، یا با
سر نیزه رفتند آن‌جا و گفتند باید این را امضاء کنید و نمی‌توانستند نکنند.
ما می‌خواستیم ببینیم که علمای کردستان و اهالی کردستان و علمای
سایر بلاد ما که برادران ما هستند و اهل سنت هستند، تا حالا چه مطلبی
دیدند که در این پنج، شش ماهی که جمهوری اسلامی هست که نسبت

به کردستان، بلوچستان، سیستان، سایر جاها یک عملی شده باشد که بر خلاف باشد، بر خلاف مصالح آن‌ها باشد یا یک امتیازی در این مدّت گذاشته شده باشد بین اهالی کردستان یا بلوچستان با اهالی تهران. یک گرفتاری‌هایی شما دارید و همه قشرهای مملکت دارند که هر کدام همان محیط خودشان را دیده‌اند، مشاهده کرده‌اند و گرفتاری‌های خودشان را دیده‌اند و شاید در ذهن‌شان این آمده باشد که جاهای دیگر این طور نباشد.

مشکلات فراگیر کشور

من در این مدّتی که این جا بودم و گروه‌های مختلف آمده‌اند، چه از کردستان، چه از جاهای دیگر، از بختیاری، از قشقایی، از همه این‌ها، این گروه‌های مختلف آمده‌اند این جا و هر دست‌های ادعا کرده‌اند که آن قدری که به ما ظلم شده است به دیگران نشده، آن قدری که ما عقب مانده هستیم دیگران نیستند، ما نه آب داریم، نه اسفالت داریم و نه برق داریم، نه کذا. من به آن‌ها گفتم به این که آقا شما محیط خودتان را می‌بینید، شما بروید جاهای دیگر هم ببینید، ببینید آن‌ها دارند و شما ندارید، یا همه ندارید؟ اصلاً بنابر این بوده که نداشته باشید. من نمی‌گویم بروید عشایر را ببینید، دوردست‌ها را، حالا به شما عرض می‌کنم شما بروید تهران، این محل‌هایی که در دور و بر تهران الان واقع است که من در نجف بودم، یک کاغذی به من نوشته بودند و صورت محل‌ها را نوشته بودند، در ذهن من این است که حدود سی تا محل نوشته بودند که در تهران هست، این‌ها نه آب دارند، نه برق دارند و نه اسفالت دارند و نه خانه دارند. خانه هم ندارند. اگر تلویزیون را ملاحظه کرده باشید، من یک دفعه، یک دفعه، دو دفعه، تلویزیون را که این را نشان می‌دادند نگاه کردم هفت، هشت، ده نفر بزرگ و کوچک مثلاً از یک سوراخی در

می‌آیند که این‌ها اسمش را خانه گذاشته‌اند. یک سوراخی بود یک عده بچه و بزرگ و به من گفتند که این‌جا، اگر بخواهد این مثلاً زنی که مادر این بچه‌هاست آب برای این بچه‌ها بیاورد، باید کوزه را بردارد پنجاه پله، چند پله زیادت‌تر از این گودال برود تا برسد به آن‌جائی که شیر آب است، کوزه را آب کند و برگردد. در زمستان شما ملاحظه کنید که چه خواهد شد. شما خیال نکنید که اطراف شما خراب است، این خرابی است که همه جا بوده و این ارثی است که به ما رسیده است.

در جمهوری اسلامی کوشش دارند می‌کنند برای این که آباد کنند لکن این قدر خراب است که به این زودی نمی‌شود آباد کرد.

توجهات دولت به مناطق محروم

الان برای گُردستان، خوب، یک بودجه چهارصد و پنجاه میلیون تومانی تصویب کرده‌اند و یک هیأتی هم بناست بروند برای آن‌جا. برای هر یک از این استان‌هایی که هستش مثل بلوچستان، سیستان، فلان، برای هر کدام هم یک روز نفت را که چهارصد میلیون، شاید چهارصد و پنجاه میلیون آن هم باشد، آن هم قرار داده‌اند برای تعمیر آن جا یعنی درست کردن مدرسه، درست کردن زمین‌ها، درست کردن خانه، درست کردن کشاورزی. همه این‌ها مسأله‌ای است که در فکر هستند. این طور نیست که بی‌فکر باشند، در فکر هستند، لکن خوب، الان جمهوری اسلامی یک بچه پنج ماهه است، شش ماهه است، از یک بچه شش ماهه آن هم اسم بردن یک خرابی دو هزار و پانصد ساله اولاً و پنجاه و چند ساله اخیر که همه ما شاهد، البته همه که من می‌گویم آن‌هائی که سن‌شان سن من است والا شما آقایان همان زمان پسر را یادتان است، زمان پدر را کم‌تان هستید که یادتان باشد. اسم بردن از یک خرابی که همه دست به هم

داده بودند برای این که بچاپند و ببرند و این ملت را عقب نگه دارند و فرهنگ را عقب نگه دارند و -عرض کنم که- اقتصاد را به تباهی بکشند و مردم را ناراضی و چه بکنند لکن هیاهویی کردند، هی می گفتند ما چه کردیم و چه کردیم، چه می کنیم، مملکت کذا درست می کنیم تمدن بزرگ می کنیم.

دولت باید خدمات خود را به اطلاع ملت برساند

در جمهوری اسلامی کوشش دارند می کنند برای این که آباد کنند لکن این قدر خراب است که به این زودی نمی شود آباد کرد. الان -در- برای کردستان، خوب، یک بودجه چهارصد و پنجاه میلیون تومانی تصویب کرده اند و یک هیأتی هم بناست بروند برای آن جا. برای هر یک از این استان هایی که هستش مثل بلوچستان، سیستان، فلان، برای هر کدام هم یک روز نفت را که چهارصد میلیون، شاید چهارصد و پنجاه میلیون آن هم باشد، آن هم قرار داده اند برای تعمیر آن جا یعنی درست کردن مدرسه، درست کردن زمین ها، درست کردن خانه، درست کردن کشاورزی. همه این ها مسأله ای است که در فکر هستند. این طور نیست که بی فکر باشند، در فکر هستند لکن خوب، الان جمهوری اسلامی یک بچه پنج ماهه است، شش ماهه است، از یک بچه شش ماهه آن هم اسم بردن یک خرابی دو هزار و پانصد ساله اولاً و پنجاه و چند ساله اخیر که همه ی ما شاهد، البته همه که من می گویم آن هائی که سن شان سن من است والا شما آقایان همان زمان پسر را یادتان است، زمان پدر را کم تان هستید که یادتان باشد. اسم بردن از یک خرابی که همه دست به هم داده بودند برای این که بچاپند و ببرند و این ملت را عقب نگه دارند و فرهنگ را عقب نگه دارند و -عرض کنم که- اقتصاد را به تباهی بکشند

و مردم را ناراضی و چه بکنند لکن هیاهوی کردند، هی می گفتند ما چه کردیم و چه کردیم، چه می کنیم، مملکت کذا درست می کنیم، تمدن بزرگ می کنیم. من تا حالا چند دفعه به آقای نخست وزیر که آمدند این جا و سایر وزرا بودند، گفتم که آقایان شما کار می کنید و حرف نمی زنید و تبلیغ نمی کنید. کار کردند این ها لکن تبلیغ نکردند. کار هم می خواهند بکنند لکن نمی گویند که ما چه می خواهیم بکنیم. تازه آقای نخست وزیر دیروز مثلاً این کار آخری را که تصویب، این که برای هر استانی یک روز نفت که تقریباً چهارصد میلیون یا چهارصد و پنجاه میلیون تومان است، تازه ایشان گفتند. نه این است که کار نکردند، کار می کنند، مشغول اند، همه مشغول اند، با حسن نیت هم مشغول اند لکن کار، این قدر آشفتگی است که نمی توانند بکنند. آن وقت این دموکرات ها که این کاغذ را درست کردند، این تلگراف را درست کرده بودند و یا به اسم آقایان اسم گذاری کرده بودند یا الزام کرده بودند که آقایان چیز بکنند که البته بعد خودشان نسخ آن را خواهند داد ان شاء الله.

این مردمی که، مثلاً پاسدارها و ارتشی و ژاندارمری را که ما بسیج کردیم برای آن جا، برای چه بسیج کردیم؟ بسیج کردیم که گُردها را سرکوب کنند؟ یا بسیج کردیم که آن هایی که آمدند گُردها را سرکوب کنند، سرکوب کنند. اگر بسیج کرده بودیم که گُردها را سرکوب کنند، خوب وقتی که آن ها می رفتند آن جا خوب بود آن گُردهائی که آن جا باشند سرکوب کنند، چطور آن گُردها را هم با آغوش باز پذیرفتند، هم این ها آن ها را، هم آن ها دارند تشکر می کنند از وضع معاشرت این ها با آن ها. همین دیشب در رادیو راجع به آقای چمران بود که از آن تعریف کرده بودند که چقدر با ما خوش رفتاری می کند. لشکر اسلام است دیگر، لشکر اسلام که بدرفتاری نمی کند. آن که بدرفتاری می کند می خواهد



جیب خودش و جیب اربابانش را پر کند و آن، این حزب‌ها و این سران این‌ها هستند که می‌خواهند این کار را بکنند. آن‌ها خرابی کردند. ما فرستادیم که خرابی آن‌ها را نگذاریم بشود، ترمیم کنیم آن‌ها حالا فریادشان در آمده است که چه شده است که شما کُردستان را، سنی‌ها، شیعه‌ها چه می‌کنند.

اسلام: دین برادری و برابری

سنی و شیعه مطرح نیست در اسلام، کُرد و فارس مطرح نیست، در اسلام همه برادر با هم هستیم الان همه‌مان با هم نشستیم، برادر هستیم. ما با شما دشمنیم؟ شما با ما دشمن هستید؟ نیستیم هیچ کدام. اسلام برادری است، برابری است. بنابراین آن که شما می‌بینید که در آن‌جاها کم کار شده است، برای این که از بس کار زیاد است. در جاهای دیگر هم کار کم شده است. کار زیاد است مشکلات زیاد است. طرح الان هست، هم برای اطراف شماس است هم برای اطراف کُردستان هم بلوچستان هم سایر جاها. طرح‌ها هست، تصویب هم شده است و ان شاء الله عمل خواهند کرد، خواهند کرد اگر این مفسدین بگذارند. خوب کار کردن باید یک محیط آرام باشد تا بشود در کُردستان یک کاری کرد وقتی محیط را این طور متشنج می‌کنند، می‌ریزند مریض‌خانه خراب می‌کنند، مریض‌خانه را به آتش می‌کشند، سر این اشخاصی که مجروح بودند سرشان را می‌برند، این قدر آدم را کشته‌اند، این قدر مردم را در مضیقه گذاشتند، خوب با این وضع که نمی‌شود کار کرد. حالا ان شاء الله وقتی سر این‌ها کنده شد کارها شروع می‌شود و ان شاء الله همه چیز مطابق میل آقایان عمل خواهد شد.

اتحاد در راه سازندگی، هوشیاری در مقابل توطئه‌ها^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که زحمت کشیدید و برای تفقّد از من تشریف آوردید تشکر می‌کنم. شما می‌دانید که در ظرف پنجاه و چند سال حکومت این سلسله به همه اقشار ملت چه گذشت، چه مصیبت‌هایی که ملت ما از این سلسله ندید و چه جنایاتی که این‌ها نکردند و چه خیانت‌هایی که به بیت‌المال نکردند. این‌ها تمام خیانت‌ها و جنایت‌ها را به همه‌ی اقشار ملت کردند و ذخایر ما را برداشته و فرار کردند. ما الان در یک وضعی واقع هستیم که همه‌ی اوضاع ایران، از اقتصاد تا فرهنگ تا ارتش همه چیزش در خطر و آشفته است. بر همه‌ی ما اقشار ملت در هر مقامی که هستیم واجب است، واجب الهی است که با هم پیوسته باشیم و با هم یک‌دست و یک‌دل و یک‌جهت برای ساختن این ایران خراب. تاکنون ما دزدها را بیرون کردیم، قلدری‌ها را ملت ایران شکست درهم به قدرت ایمان و اسلام، الان وقت سازندگی است که اهمیتش بیشتر از آن قدم اول است و امروز است که یک روز حسّاسی است بر ملت ایران می‌گذرد و بر کشور ما که باید همه با هم هم‌صدا، بدون هیچ اختلاف، بدون هیچ اغراض شخصیّه قیام کنیم و این کشور را از سر و از نو بسازیم. بر شما مأمورین گُردستان و علمای گُردستان بر حسب وظیفه‌ی ملّی و شرعی است که اگر چنان‌چه آن‌جا نغمه‌ای از جهال یا از مفسده‌جوها در این امور بلند شد، بدانید که این از حلقوم اجانب است.

آن‌ها می‌خواهند این اختلاف را ایجاد کنند تا باز برگردند به حال اوّل
منتها به فرم دیگر. باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، اسلام را در نظر
بگیرید، همه با هم به دست واحد و ید واحد، همه با هم قیام کنید و
اسلام را تقویّت کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، ص ۱۶۳، قم (۱۳۵۸/۷/۴)

عدم اعتنا به تبلیغات دشمن^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

دروود بر شهیدان

من به همهی شهدائی که در راه اسلام جان خودشان را فدا کردند،
سلام می‌فرستم و از خدای تبارک و تعالی برای همه رحمت و آمرزش
از خدا طلب می‌کنم و به همهی بازماندگان آن‌ها تسلیت عرض می‌کنم و
من شریکم در غم همه و من خدمت‌گزار به همه هستم و دعاگو.

البته مصیبت برای بازماندگان زیاد است، لکن چون در راه خداست
و شما خودتان را با صاحب شرع، با ولی اعظم، با رسول اکرم^(ص) در بین
آن‌ها خودتان را وارد کردید، آن‌ها هم عزیزان خودشان را در راه اسلام
داده‌اند و شما هم عزیزان خودتان را داده‌اید و خواهرها هم همین طور. و
آن چیزی که آسان می‌کند مصیبت‌ها را، این است که همه انسان‌ها رفتنی
هستند و همه ماها رفتنی هستیم و چه بهتر که در راه خدا فدا بشویم و
فدا شدند آن‌هائی که رفتند به جوار رحمت خدا.

و من امیدوارم که این نهضت تا این‌جا که آمده است و با همّت
جوان‌های برومند ما و با همّت ملت بزرگ ما به این‌جا رسیده است، از

۱- سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای سردشت.

این به بعد هم با همّت آن‌ها، این راه را طی بکنیم و ان‌شاءالله اسلام به آن طوری که هست، به آن مترقی که هست در ایران تحقق پیدا بکند.

بی‌توجهی به تبلیغات سوءدشمنان

می‌دانید که دشمن‌های اسلام الان به دست و پا افتاده‌اند که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند. در گُردستان آن همه غائله را درست کردند و این‌ها دشمن‌های اسلام‌اند که آن‌جا غائله‌ها را درست کرده‌اند و عزیزان ما را کشته‌اند و در عین حال در نوشته‌های‌شان نسبت می‌دهند به جمهوری اسلامی که جمهوری اسلامی این‌ها را کشته است و گُردستان را می‌خواهد قتل عام مثلاً بکند. این‌ها تبلیغاتی است که بر ضدّ جمهوری اسلامی می‌شود و برادرهای ما نباید گوش کنند به این تبلیغات و باید همان‌طوری که با قدرتمندی پیش رفته‌اند، از این به بعد هم با همان قدرت، قدرت ایمان، قدرت اسلام، با وحدت کلمه، همه با هم ان‌شاءالله با وحدت کلمه، با وحدت اسلام این راه را طی بکنیم. از این حرف‌هایی که این‌ها می‌زنند و از این دست و پائی که الان این‌ها می‌زنند هیچ وحشتی نیست، هیچ کاری این‌ها نمی‌توانند انجام بدهند. البته یک شلوغ کاری‌هایی می‌کنند، یک زحمت‌هایی تولید می‌کنند، لکن آن‌ها می‌خواهند باز رژیم سابق را یا شبیه او را برگردانند و این آرزویی است که به گور خواهند برد.

من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه‌ی شما را خواستارم و رحمت برای شهداء و سعادت و عافیت و اجر برای شما از خداوند تبارک و تعالی می‌خواهم و من خدمت‌گزار همه‌تان هستم و دعاگو.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۰، ص ۳۰۰، (۱۳۵۸/۷/۲۹)

بیانات امام خمینی (رحمة الله علیه) در جمع گروهی از نمایندگان سازمان پیشمرگان مسلمان کُرد

بسم الله الرحمن الرحيم

شکست ناپذیری لشکر اسلام

من از این جوان‌های پیشمرگ که به راستی اثبات کردند که فداکار اسلام هستند و لشکر پیغمبر اسلام هستند، تشکر می‌کنم. من به شما علاقه دارم، علاقه‌ی یک مسلم با مسلم و یک پدر با فرزند، و شما را دعا می‌کنم. از وقتی که شما قیام کرده‌اید در مقابل اشراک و در مقابل اشخاص که می‌خواستند نهضت اسلامی را سرکوب کنند، من از شما با تمام قوا پشتیبانی و هم دعا کردم. خداوند شما را ان شاء الله برای اسلام حفظ کند و شما جوان‌ها را در پیشگاه خدای مقدس، خدای بزرگ آبرومند کند. شما می‌دانید که ما غرضی در این مسائل نداشتیم جز این که حکومت جبار برود تا به جای آن حکومت اسلام برگردد. این‌هائی که در طول این مدت چه در کُردستان و چه در جاهای دیگر با این نهضت مقابله کردند، اشخاصی بودند که از اسلام اطلاعات نداشتند و نمی‌خواستند حکومت اسلام برقرار باشد. شما از طرز و شیوه حرکات این‌ها بهتر می‌دانید که عمال غیر بودند. از کیفیت سلاح‌هائی که داشتند شما دیدید که این سلاح‌ها از کجا می‌آمد. شما محکم و مستحکم باشید که برای اسلام دارید کار می‌کنید مثل سربازهای صدر اسلام هستید، شما باکی از این که شکست بخورید نداشته باشید برای این که برای لشکر اسلام هیچ وقت شکست نیست، شهادت شکست نیست، پیروزی هم شکست نیست. شما یا پیروز می‌شوید و یا شهید، در هر دو جهت پیروزی با شماست. من

امیدوارم که این ریشه‌های فساد که یک مقداری از آن‌ها از رژیم سابق هستند و یک مقداری هم از این افرادی هستند که الهام از خارج می‌گیرند، نتوانند کاری انجام بدهند.

شما دیدید در این دو سه روزی که گذشت بنا بود یک کودتائی مثلاً همه طرفه بکنند، خدای تبارک و تعالی با ما همکاری کرد و کشف شد و بسیاری از این جنایت‌کاران گرفتار شدند و بسیاری از آن‌ها در تعقیب‌شان هستند و باندهائی هم داشتند ان‌شاءالله این حکومت اسلام مستقر بشود تا دنیا بداند که حکومت اسلامی یعنی چه. خداوند ان‌شاءالله به شما توفیق عنایت کند و در همه جهان موفق باشید. و ما امیدواریم که گُردستان را قبل از این که به جاهای دیگر عنایت شود، به آن‌جا عنایت شود و دولت اسلام هم بنا بر همین دارد که گُردستان را ان‌شاءالله آباد کند و مثل سابق نباشد که حرف بود و خرابی. امیدواریم که این دفعه دیگر حرف نباشد و همه جهات مملکت اصلاح بشود. ان‌شاءالله خدا به شما جوان‌ها سلامتی عنایت کند و شما را برای اسلام ذخیره قرار بدهد و موفق و مؤید کند. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، صص ۲۲ و ۲۳، تهران، بهارن (۱۳۵۹/۴/۳۱)

ضرورت اتحاد در مقابل قدرت‌ها - رسیدگی به مناطق محروم^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

ظلم، اساس و پایه سلطنت طاغوت

من با این که از طرف اطباء محدود هستم به این که صحبت زیاد نکنم و امروز هم یک دفعه برای گروه مختلفی صحبت کردم لکن نتوانستم

۱- سخنرانی در جمع گروهی از روحانیون گُردستان.

که حرف اطبا را قبول کنم در صورتی که برادرهای ما از کردستان، از محلی که همه در زحمت بودند و خصوصاً روحانیون بزرگ کردستان این جا تشریف آورده‌اند، با آن‌ها بعضی صحبت‌ها را نکنم. شما می‌دانید که همان‌طور که کردستان بر آن ظلم شده بود، منتها شما که در کردستان بودید لمس می‌کردید ظلم زمان طاغوت را، در همه جا این ظلم بود، اختصاص به کردستان نداشت، در بلوچستان هم ظلم بود، در کرمان هم ظلم بود، در فارس هم ظلم بود، در خراسان هم ظلم بود، در همه جای این کشور ظلم بود و اساس سلطنت طاغوتی سابق بر ظلم به ملت و چاپیدن منافع کشور و ریختن در جیب مخالفین اسلام و مخالفین کشور بود، بحمدالله با همت والای همه‌ی ملت، از کردستان گرفته تا همه جای مملکت، با همت آن‌ها دست آن ظلم و ظالم قطع شد. و امروز اگر ظالمی باشد، از ریشه‌های همان ظلم است و در بعضی مناطق هم هست و خصوصاً در مناطق شما برادران کردستانی. ما از بعضی دسیسه‌هایی که الان هم در شرف تکوین هست بی‌اطلاع نیستیم و من به آن اشخاصی که ادعای اسلام می‌کنند و مشغول توطئه هستند بر ضد اسلام، به آن‌ها می‌گویم که شمایی که به مردم، پیش‌کردها، پیش‌کردستانی‌ها ادعای اسلام می‌کنید و مع‌ذلک مشغول توطئه هستید بر ضد همین ملت محروم کردستان و غیر کردستان، چطور ادعای اسلام می‌کنید؟ این اسلامی که شما ادعا می‌کنید که نتیجه این باشد که توطئه بکنید با دشمنان اسلام و بر ضد اسلام و ضد مسلمان‌ها و ضد ملت اسلام اقدام بخواهید بکنید، این اسلام، اسلام پیغمبر اکرم نیست، اسلامی که قرآن به او نازل شده است و برای او آمده است، پیغمبر اسلامی که قرآن را آورده است و قرآن و سنت او اساس اسلام است، اساس او بر اخوت و برادری است. مؤمن باید برادر مؤمن باشد، این حکمی است که در قرآن است یعنی آن‌چه را که

شما برای برادران از خیر و صلاح می‌خواهید، برای تمام ملت‌تان باید بخواید. همه مؤمن‌ها در همه اقطار عالم برادر هستند، همان‌طوری که اگر یک خطری برای برادر یک کسی پیش بیاید او نمی‌نشیند تماشا کند و خطر واقع بشود بر برادرش، اگر در یک گوشه دنیا یک خطری برای یک برادری پیش بیاید، برادر ایمانی پیش بیاید، نباید یک برادر دیگری که در آن طرف دنیا هست بی‌تفاوت باشد، می‌تواند، باید قیام کند، نمی‌تواند؛ باید زمینه فراهم کند که یک وقتی رفع ظلم کند. چطور یک کسی که ادعای اسلام می‌کند و می‌گوید که من مسلم هستم و ادعای این را می‌کند که من با ملت خوب هستم، آن وقت در یک مرکزی بنشیند و اشخاصی را دور خودش جمع بکند از این اشخاص منحرف، از این‌هایی که هیچ اعتقاد به اسلام ندارند، با آن‌ها رفت‌وآمد کند، با آن‌ها بست‌وبند کند که اجنبی را وارد کند در ایران و مسلط کند بر همین مسلمان‌هایی که هستند، چه کردستانی و چه غیر کردستانی.

ضرورت اتحاد مسلمانان در مقابل قدرت‌های شیطانی

این‌هایی که در صدد این معانی هستند بدانند که اگر همه قدرت‌های خودشان را هم جمع نکنند نمی‌توانند به یک ملتی که همه با هم فریاد الله اکبر می‌زنند، نمی‌توانند این‌ها با آن‌ها مقاومت کنند، بی‌خود در صدد تفرقه‌اندازی هستند، مسلمان برادرند و تفرقه پیدا نمی‌کنند با تبلیغات سوء بعضی عناصر فاسده. اصل این مسأله که شیعه و سنی، شیعه یک طرف و سنی یک طرف، این از روی جهالت و از روی تبلیغاتی که اجانب کرده‌اند پیش آمده است چنان که بین خود شیعه هم اشخاص مختلفی را با هم به مبارزه وامی‌دارند و بین خود برادرهای سنی هم یک طایفه‌ای را به طایفه دیگر، در مقابل هم قرار می‌دهند.

امروز روزی است که تمام طوائف مسلمین مقابل هستند با قدرت‌های

شیطانی که اساس اسلام را می‌خواهند از بین ببرند. این قدرت‌هایی که دریافته‌اند که آن چیزی که خطر برای آن‌ها دارد اسلام است، آن چیزی که خطر برای آن دارد وحدت ملّت‌های اسلامی است، امروز روزی است که تمام مسلمین تمام بلاد عالم با هم مجتمع بشوند. امروز روزی نیست که یک دست‌های در یک جا بگویند ما خودمان، یک دست‌های دیگر در جای دیگر بگویند ما خودمان. امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم با هم متحد باشند، تنازع نکنند. اگر تنازع با هم بکنند، به هر شیوه‌ای باشد، به حسب قرآن کریم ممنوع است این تنازع و اگر تنازع بکنند فشل می‌آورد و رنگ و بوی انسان را و ملّت را از بین می‌برد. این دستور خدای کریم است. این‌هایی که دارند کوشش می‌کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و مع‌ذلک ادعای اسلام می‌کنند، این‌ها آن اسلامی را که قرآن کتاب اوست، آن اسلامی را که کعبه قبله‌ی اوست، آن اسلام را نیافته‌اند و ایمان به آن اسلام نیاورده‌اند. آن‌هایی ایمان به اسلام آورده‌اند که قرآن را، و محتوای قرآن را قبول دارند، محتوای قرآنی که می‌فرماید که «مومنون اخوه» هستند، برادر هستند با هم. برادری هر چه اقتضا می‌کند باید این‌ها انجام بدهند. برادری اقتضا می‌کند که اگر به شما صدمه‌ای وارد شد همه برادرهایی که در هر جا هستند متأثر باشند. اگر شما خوشحال باشید همه خوشحال باشند. برادرها! متوجّه باشید که با اسم‌های مختلف، با چیزهایی که پخش کنند و تبلیغ می‌کنند، می‌خواهند بین برادرها را جدائی بیندازند که اثر این جدائی افکندن بین برادرها، سلطه اجانب است بر همه و برگشتن همان اوضاع سابق است که به همه‌ی شما، به همه‌ی ما از مرکز گرفته تا هر جا بروید ظلم شده است و همه را آزار داده‌اند. باید بیدار باشید شما برادرها، روحانیون محترم کُردستان باید متوجّه باشند، در مساجد خودشان، در جمعه‌ی خودشان، در جماعت خودشان، مردم محل خودشان

را بیدار کنند که گول نخورند از این اجانب پرست‌ها، از این‌هائی که می‌خواهند تفرقه بیندازند و بعد از این که تفرقه انداختند باز ما را برگردانند به آن حال اوّل و سلطه اجانب مستقر بشود. باید این توجّه را همه بکنید.

توجه و رسیدگی بیشتر به مناطق محروم

و شما می‌دانید که این گرفتاری‌هائی که الان برای کشور ما هست و برای دولت ما هست و بسیاری از این گرفتاری‌ها را همان اشخاصی که در طرف کُردستان بودند و بلوچستان بودند یا در طرف‌های دیگر بودند فراهم کرده‌اند، این‌ها مانع شدند از این که دولت فرصت پیدا بکند که به تمام معنا برسد به حال همه کشور. شما مطمئن باشید که امروز در کشور ما، در حکومت اسلامی، در مجلس اسلامی هیچ طرح این نیست که یک گروهی با گروه دیگر فرق داشته باشد، همان‌طوری که قرآن فرموده است مؤمنین با هم برادر هستند. حکومت اسلامی ما الان، جمهوری اسلامی ما الان، مجلس اسلامی ما همین معنا را دنبال می‌کند و گمان نکنید یک جائی را ترجیح به جای دیگر بدهد. بله جاهائی که مستمندترند زودتر به حال آن‌ها می‌رسند. تمام این مطالبی را که این آقای محترم گفتند، تمام این مطلب پذیرفته است و ما هم می‌دانیم که آن طوری که باید، تا حالا نشده است که رفع این مشکلات بشود لکن مجال ندادند که رفع مشکلات بشود. رفع مشکلات محتاج به این است که یک محلی درست امن بشود، بعد از این که امن شد مشغول بشوند، این‌ها مجال ندادند که باز یک درست امن بشود. الان هم می‌بینید که با این که بحمدالله کُردستان باز آرام است فی‌الجمله لکن اشخاص و گروه‌ها و مفسده‌جوها باز هم مشغول به فعالیت و آدم‌کشی هستند. شما بدانید که اوّلانظر به این است که امنیت در همه‌ی کشور تحقق پیدا بکند، خصوصاً در سرحدات که باید امنیت بیشتر پیدا

بشود و خصوصاً در مناطقی که مفسده‌جوها بیشتر هستند، بیشتر مورد توجه واقع بشود. امنیت ان شاء الله حاصل می‌شود و پس از امنیت تمام این مطالبی که این آقا فرمودند تمام مطالب در نظر است و ان شاء الله تحقق پیدا می‌کند و از کشور اسلامی و از قانون اسلام همین متوقع است که ما بین طایفه‌ای با طایفه دیگر اصلاً فرق نداشته باشد. همه با هم برادرند و همه با هم شریک‌اند، هم در غم با هم شریک‌اند هم در شادی با هم شریک‌اند. من امیدوارم که آقایان علماء اعلام آن بلاد، از سنج تا تمام کردستان و سایر برادرهای ما که علمای اعلام سایر بلاد، مردم را متوجه کنند به این معنا که ما پیروزی مان با وحدت کلمه و اتکاء به اسلام بود. الله اکبر ما را پیروز کرد حالا هم سلاح ما همان الله اکبر است و وحدت کلمه ما را پیروز کرد، حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است. من خدمت‌گزار به همه شما هستم و دعاگو. و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی سعادت برای همه‌ی شما و همه‌ی مستضعفین جهان مقدر فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، صص ۱۵۰ و ۱۵۱، تهران (۱۳۵۹/۶/۴)

حفظ وحدت و جلوگیری از ایجاد اختلافات^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح اختلاف‌انگیز طائف

توجه دارید که این طرح در طائف ریخته شد. بحمدالله شما توجه دارید، آن‌هائی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد

۱- سخنرانی در جمع روحانیون اهل سنت کردستان.

کنند نه سنی هستند و نه شیعه، آن‌ها اصلاً به اسلام کاری ندارد و الا کسی که به اسلام اعتقاد داشته باشد در زمانی که ما باید با وحدت مسلمین پیروز بشویم، به اختلافات و مسائل اختلافی دامن نمی‌زند. این‌ها نیست جز این که قدرت‌های بزرگ فهمیده‌اند آن چیزی که آنان را عقب زده است اسلام و وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است از این جهت شروع کرده‌اند اختلاف ایجاد کنند. شماها بحمدالله خودتان بیدار هستید و ملت را در آن‌جا بیدار کنید و به همه آن‌ها سفارش کنید که ما با هم برادر بوده و هستیم و خواهیم بود، مصلحت ما مصلحت شماست. ما همه باید اسلام و قرآن را حفظ کنیم. شما به آنان بگوئید که هر گونه اختلاف به ضرر اسلام و به نفع دشمن، به نفع آمریکا و شوروی است.

من از همه توقع دارم که به حرف مفسدین گوش نکنند و هر کس ایجاد اختلاف کند بداند که از خارج الهام گرفته است و مقصودش از بین بردن اسلام است تا باز مثل سابق شود که در تحت سلطه اجانب باشیم. از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت همه‌ی آقایان را خواهانم. موفق و موید باشید.

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۴، ص ۳۸۱ و ۳۸۲، تهران، حسینیه جماران (۱۳۶۰/۳/۹)

تلاش بیهوده منافقین و ضدانقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

...هی می‌گفتید اختناق است، کو اختناق؟ حرفش را هی می‌زدید، هی می‌گفتید اختناق است، ایران چگونه است، چماق دارند فلان. حالا وقتی که این خانه‌های تیمی شما را پیدا می‌کنند، می‌بینند یک دسته

۱- سخنرانی در جمع انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا.

چماق آن جا هست و یک دسته هم خنجر آن جا هست و یک دسته هم بمب آن جا هست و این ها، اما شما اگر پیدا کردید یک خانه ای از این هایی که به اسلام اعتقاد دارند، یک جایی که مربوط به آن هایی است که به اسلام اعتقاد دارند پیدا کردید که توی آن یک چماقی باشد، توی آن یک چیزی باشد؟ در آن قرآن هست و کتاب هست و امثال این ها. اگر به اسلام عقیده دارید، خوب، بسم الله بیایید بیرون، بیایید از بیغوله ها به اسلام خدمت بکنید. و شما هم که جوان هایی هستید که بازی خوردید و انسان خیلی متأسف از این هست، بیایید به دامن ملت خودتان، اسلام خودتان. تا کی برای دیگران می خواهید کار بکنید؟ شما می دانید که این ها روابطشان با خارج چقدر بوده است؟ یک شمه اش را دیشب در تلویزیون، خوب بسیاری از شما دیدید اشخاصی که روابطشان با قاسملو و با حزب دمکرات هست و با کومله و با چه، خوب این اشخاص برای شما می خواهند چه بکنند؟ این ها برای شما چه درست کردند؟ کشور شما را استقلال به آن می دهند؟ این ها که هر کدام به یک طرف می کشند، یکی سلطنت طلب و برای سلطنت، برای رضا پهلوی می خواهد کار بکند، یکی هم نمی داند چکاره هست و برای جبهه ی ملی می خواهد کار بکند، یکی هم چکاره هست و برای کی می خواهد، خوب، هیچ کدام این ها به اسلام کاری ندارند و صریحاً می گویند که جمهوری اسلامی باید از بین برود و یک جمهوری دمکراتیک پیش بیاید، یا خیر باز سلطنت عود بکند...



فصل دوم: پیام‌ها و نامه‌ها



پیام به خانواده‌های شهدای گُردستان (پاوه)؛ تجلیل از شهداء

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر شهدای پاسداران انقلاب اسلامی و تمامی نیروهای مسلح متعهد اسلامی، سلام بر خانواده‌های عزیز و قهرمان‌پرور آنان. درود خداوند بر خانواده‌های شهدائی که با صبر و شکیبائی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام بزرگ‌ترین حماسه‌های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می‌کنند. درود بر پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهای گره‌کرده‌ی خویش انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند. درود بر تمام نیروهای مسلح و متعهد اسلامی که با گرایش به انقلاب مقدس ایران و پشتوانه‌ی ملت عزیز کاخ ستمگری را واژگون کردند. ملت شریف ایران از شما خانواده‌های عزیز شهدای پاسدار قدردانی می‌کند و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند متعال نصیب شما و همه‌ی شهدای اسلام و وابستگان آنان خواهد شد. شهدای انقلاب بزرگ چون شهدائی صدر اسلام در پیشگاه مقدس ربوبی ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی و اولیای اسلام ارزشمند خواهد بود. این جانب به عنوان یک خدمت‌گزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می‌دانم و از خداوند بزرگ طلب مغفرت می‌نمایم. تاریخ، فداکاری این جوانان غیور و متعهد را فراموش نمی‌کند و نام نامی ملت عظیم ایران در صفحات تاریخ ضبط و در چهره‌ی دهر ضبط است.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

صحیفه‌ی امام، جلد ۱۳، ص ۱۰۸، (۱۳۵۹/۵/۲۳)

تعقیب و دستگیری اشرار در گُردستان^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

به رئیس کل ستاد ارتش، و رئیس کل ژاندارمری [جمهوری اسلامی،] و [رئیس پاسداران کل انقلاب اکیداً دستور می‌دهم که به نیروهای اعزامی به منطقه‌ی گُردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند، و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم کنند؛ و تمام مرزهای منطقه را با فوریت ببندند که اشرار به خارج نگریزند. و اکیداً دستور می‌دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر، تخلف از وظیفه و مورد مؤاخذه‌ی شدید خواهد شد. والسلام

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، ص ۲۸۶، قم (۱۳۵۹/۰۵/۲۷)

سرکوب عوامل خرابکار حزب دمکرات^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

السَّاعَه خبر رسید که در سنندج «حزب دمکرات»، آن‌ها ارتشی‌ها و سازمان‌های آن‌ها را محاصره کرده‌اند، و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد، اسلحه‌ها را می‌برند. و از مسجد سنندج به ما اطلاع داده‌اند که حزب دمکرات زن‌های ما را به گروگان برده‌اند. اکیداً به کلّیه‌ی قوای انتظامی دستور می‌دهم به پادگان‌های مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی به طرف سنندج حرکت کنند، و با شدّت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب -در هر محلی هستند- به مقدار کافی به طرف سنندج و گُردستان

۱- حکم به رؤسای ستاد ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۲- حکم به نیروهای نظامی، انتظامی و مردم

با پل هوایی - بسیج شوند و با شدت، تمام اشرار را سرکوب نمایند. تأخیر - ولو به قدر یک ساعت - تخلف از وظیفه، و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند، فوری اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد. والسلام.

روح‌الله الموسوی الخمینی
صحیفه‌ی امام، جلد ۹، ص ۳۰۶، قم (۱۳۹۵/۰۵/۲۸)

حمایت از سرکوب ضد انقلاب در کردستان

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی - دامت برکاته - مشهد مقدس؛

تلگراف شریف واصل و موجب تشکر شد. خائنان و استفاده‌جویان از مال ملت که خود و اربابان‌شان را در خطر می‌بینند به تلاش افتاده که به خیال خود با سلب آرامش و ایجاد فجیعه و کشتار مسلمین منطقه مانع از پیشرفت سیاسی و اجتماعی کشور شوند غافل از آن که ملت به خواست خداوند متعال آن‌چنان با هوشیاری به پا خاسته و آماده‌ی سرکوبی آنان است که اگر جلوگیری و تقاضای صبر نشود، با بسیج عمومی ریشه‌ی فساد را قطع و به زندگی خائنان‌ی آنان خاتمه می‌دهد. از جنابعالی در تحت قبه مطهر ثامن الائمه علیه‌السلام امید دعا برای اسلام و مسلمین دارم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

روح‌الله الموسوی الخمینی

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، ص ۳۱۸، قم (۱۳۵۸/۵/۳۱)

تقویت نیروهای انتظامی در گُردستان^۱

بسمه تعالی

با مشورت با شورای انقلاب، هر طور مصلحت است عمل شود؛ و حتی الامکان از درگیری منتهی به کشتار احتراز شود.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، ص ۳۱۳، قم (۱۳۵۸)

سرکوب ضدّ انقلاب در گُردستان^۲

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای قمی دامت برکاته مشهد مقدس

تلگراف شریف واصل و موجب تشکر گردید. از خداوند تعالی توفیق سرکوبی اشرا و قطع ایادی خیانتکاران را مسئلت می‌نمایم. ملت شریف ایران با تصمیم قاطع، رشته حیات توطئه گران و وابستگان به اجانب را قطع، و پرچم پر افتخار اسلام را افراشته، و جمهوری عدل اسلامی را به ثمرهای شیرین آن می‌رساند. از جنابعالی امید دعای خیر در جوار مولا ثامن‌الحجج دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

صحیفه‌ی امام، جلد ۹، ص ۳۲۰، قم (۱۳۵۸/۶/۱)

حکم اعزام آقای حسین کرمانی به گُردستان

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسین کرمانی دامت

۱- حکم شاکر، محمدحسین (رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران).

۲- تلگراف تشکر از آقای حسن.

افاضاته: با توجّه به آشنائی که جنابعالی نسبت به منطقه‌ی کردستان دارید مقتضی است مسافرتی بدان‌جا نموده و با علمای اعلام و روحانیون محل و هم چنین ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران و کلیّه افراد ذی‌صلاح در رفع مشکلات و کمبودهای منطقه سعی کافی را مبذول دارید و به هر نحو به نظر جنابعالی و آقایان مصلحت بود، در حل مسأله اقدام نمایید. مقصود آن نیست که با جنایت‌کاران که بر سران آن‌ها هستند مذاکره کنید، آنان باید سرکوب شوند. از خدای تعالی موفّقیت همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستاریم.

والسلام علیکم ورحمة الله

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۳۵۵، (۱۳۵۸/۶/۶)

حکم اعزام آقای عبدالمجید معادینخواه (رسیدگی به وضع عمرانی کردستان)

جناب حجت‌الاسلام آقای معادی‌خواه -دامت افاضاته-

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابعالی به اتفاق نماینده‌ی وزارت کشور و نماینده‌ی جهاد سازندگی و گروهی که انتخاب شده‌اند، برای رسیدگی به وضع عمرانی کردستان به آن منطقه بروید و از احتیاجات برادران عزیز کُرد اطلاع پیدا کرده و گزارش تفصیلی از کار این گروه را بدهید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۳۷۴، (۱۳۵۸/۶/۱۱)

ادامه کار هیات حسن نیت در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم
هیأت حسن نیت مأمور در کردستان - سنندج
جناب آقای مهندس مهدی بازرگان به جهاتی از مقام نخست‌وزیری
استعفا نمودند و امور کشور محوّل شد به شورای انقلاب. هیأت حسن
نیت لازم است به کار خود ادامه دهد و با شورای انقلاب در تماس باشد.
امید، رفاه حال برادران کرد به طور شایسته فراهم شود.
روح‌الله الموسوی الخميني

صحیفه‌ی امام، ج ۱۰، ص ۵۰۱، (۱۳۵۸/۸/۱۵)

درخواست عفو زندانیان کردستان

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی^(ره)
رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران - مدّظله‌العالی
به پیوست صورت اسامی ۳۴ نفر از محکومین دادگاه‌های انقلاب
اسلامی کردستان که عفو یا تخفیف در مجازات آن‌ها مورد موافقت
دیوان‌عالی کشور قرار گرفته جهت تصویب تقدیم می‌گردد.
۲۷ / ۱۰ / ۶۰ سید عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی
موافقت می‌شود

روح‌الله الموسوی الخميني
تهران، بهارن، صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵، ص ۴۹۹، (۱۳۶۰/۱۰/۲۸)

تجدید مأموریت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید موسی موسوی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید موسی موسوی - دامت افاضاته - همان گونه که قبلاً مأموریت داشتید تا به مشکلات مذهبی و اجتماعی اهالی محروم و مستضعف منطقه‌ی کردستان رسیدگی نموده و در رفع آن‌ها کوشش نمائید، مقتضی است ان شاء الله تعالی همان مأموریت را با قاطعیت و تلاش بیشتری پی‌گیری کرده و با تدبیر و کاردانی خاصی که دارید، در رفع نابسامانی‌های منطقه که معلول بی‌توجهی و یا دشمنی رژیم منفور گذشته با خلق گرد و ویرانگری‌های فرقه‌های گمراه و خائن و ویرانگر می‌باشد، سعی کافی را مبذول دارید. امید است ارگان‌ها، نهادهای دولتی و اهالی محترم آن منطقه ایدهم الله تعالی با شما همکاری‌های لازم را بنمایند. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را در این راه مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

صحیفه‌ی امام، ج ۱۶، ص ۴۳۱، (۱۳۶۱/۶/۲)





فصل سوم: مصاحبه‌ها



مصاحبه خبرنگاران شبکه رادیو تلویزیون آلمان غربی با امام خمینی (رحمة الله علیه)

■ سؤال: امام! در کردستان فعالیت‌های نظامی یک
مقداری شدید شده، چه راه حلی را در کردستان
می‌بینید و به بحران کردستان چگونه می‌نگرید؟

◀ کردستان قضیه‌ای نیست که بین ما و دولت ما و بین کردها باشد.
کردها یا غیرکردها و همه‌ی طوائفی که در ایران زندگی می‌کنند همگی
در مقابل قانون علی‌السواء هستند، در مقابل دولت علی‌السواء هستند.
هیچ فرقی بین کرد و ترک و لر و غیره نیست. ما حکومت اسلامی داریم
می‌گوئیم. حکومت اسلامی همان است که در صدر اسلام بوده است که
همه طوائف در مقابل قانون علی‌السواء بودند. ما الان می‌خواهیم یک
هم‌چو معنائی را متحقق بکنیم که تمام طوائف علی‌السواء باشند. ما با
کرد هیچ اختلافی نداریم، کردها هم با ما اختلافی ندارند. این‌ها که قضیه
کردستان را ایجاد کردند. دست‌های هستند که از خارج ارتزاق می‌شوند
و الهام می‌گیرند که از این طرف یا از آن طرف، اکثراً از آمریکا، چنان
که بعضی نوشته‌جات هم که اخیراً به دست آورده‌اند مؤید آن است و
معلوم شده که در قضایای خرمشهر و خوزستان و قضایای کردستان
آمریکا دست داشته است، این مطلبی است که آن‌ها پیش آوردند. ما
گرفتار اجانب هستیم همان‌طور که تا حالا بودیم. مسأله‌ای بین ما و
کردها نیست که محتاج به حل باشد. مسأله‌ی ما و کردها همان مسأله‌ای
است که بین ما و فارس‌ها است. فارس‌ها هم از ما می‌خواهند که امور
شهرشان را خودشان اداره کنند و هیأتی را برای امور شهرشان تعیین

کنند که آباد بشود و برق و اسفالت و همه چیزشان درست بشود. این همان چیزی است که کردها، لرها و ترک‌ها هم می‌خواهند، فرقی بین آن‌ها نیست. اگر نبود که ما برای خاطر کردها و زن و بچه‌های هم‌وطنان خودمان فکر نمی‌کردیم، قضیه‌ی کردستان پیش ما چیزی نبود که راه حلی لازم داشته باشد راه حل نظامی‌اش درست انجام می‌شد بلکه اگر نظامی‌ها هم دخالت نمی‌کردند، خود افراد مملکت ایران می‌رفتند. مکرراً از ما خواستند که بروند، عشایر و کسان دیگر خواستند که برای اصلاح کارها به آن‌جا بروند و این کارها را اصلاح بکنند، لکن ما نمی‌خواهیم برادرگشی بشود. ما امیدواریم با توجه به کاری که رفتند کردستان، قضیه با حسن تفاهم حل بشود و خود جمعیت کرد اشخاص خراب‌کار را کنار بگذارند تا تمام جهات حاصل بشود.

بخشی از مصاحبه‌ی خبرنگاران رادیو-تلویزیون آلمان غربی با حضرت امام خمینی (ره)، در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۸ برابر با ۱۷ ذی‌الحجه ۱۳۹۹ در شهر قم

ریشه‌ی خارجی غائله‌ی کردستان^۱

۱۶۵

- من یک چیزهایی دارم احساس می‌کنم و می‌بینم که از داخل نهضت است، از داخل ایران است و از خارج نیست. مثل قضایای آذربایجان و اکراد و کردستان که شکل مسلح گرفت و مثلاً قضیه‌ی دانشجویانی که این گروگان‌ها را گرفتند. این از داخل ملت شروع شد. مثلاً آیا دولت ایران با این‌ها موافق بود و آیا با آن‌ها همکاری می‌کرد و دلش می‌خواست یک چنین چیزی بشود؟ من می‌خواهم رأی امام را بینم درباره‌ی قضایایی که در داخل کشور و از اندرون آن بروز می‌کند و تراوش می‌کند، نه آن چیزی که از خارج می‌آید، چه نظری شما دارید و چه تفسیری بر این قضایا دارید؟ حکومت‌هایی آمدند و رفتند. وزیر خارجه‌ای آمد، وزیر خارجه‌ای رفت.^۲ چیزهای دیگری هست احتمال می‌دهم یک فشارهای اقتصادی داخلی هم باشد که ما اطلاع نداریم این تغییراتی که دارد می‌شود. نظر امام، تفسیر امام برای قضایا چیست؟ این‌ها از کجا می‌شود؟

- قضایایی که در ایران واقع شده است این‌ها ریشه‌اش از خارج و یک مقداری هم از ریشه‌هایی که رژیم سابق دارند و طرفداران‌شان است. امت اصیل، نه گرد و نه آذربایجانی با ما مواجه نیستند. البته یک تبلیغاتی در کردستان همان اشخاص خارجی کردند که خیال کردند که یک تفرقه‌ای بین مثلاً اکراد و غیراکراد، بین اقلیت‌های این‌جا و غیر آن

۱- بخشی از مصاحبه‌ی حسنین هیکل، روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی مصری با حضرت امام خمینی (ره).

۲- استعفای صادق قطب‌زاده و انتصاب ابراهیم یزدی به جای او.

هست. و این برای این است که اسلام را درست نمی‌گذارند ما معرفی کنیم. من امید این را دارم که اگر اسلام آن طوری که ما می‌خواهیم در این‌جا تحقق پیدا کند، پیاده بشود، نه‌گُرد و نه‌لُر و نه‌تُرک و نه‌سایر قشرها که هستند هیچ یک از این‌ها اصلاً نخواهند که خودشان علی‌حده باشند. علی‌حده بودن روی این زمینه است که یک دولت مرکزی بخواهد بر آن‌ها یک تحمیلاتی بکند. مثل همین است که اوّل هم گفتم که تا گفته می‌شود رژیم، دولت و این‌ها، مردم توی ذهن‌شان همان رژیم سابق و همان دولت‌های سابق می‌آید که در تهران نشسته بودند و تحمیل می‌کردند به همه‌ی قشرهای ایران زور می‌گفتند و آن‌ها را محروم می‌کردند و تمام ذخایرشان را به دیگران می‌دادند.

صحیفه‌ی امام، ج ۱۱، صص ۳۲۹-۳۲۸، قم

(۱۳۵۸/۹/۲۸) برابر با ۲۹ محرم ۱۴۰۰



بخش دوم:
مجموعه دیدارها و پیام‌های
مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در مورد گُردستان



فصل اوّل : دیدارها



جمهوری اسلامی برای همه!

مسائل غرب کشور، مسائل مبسوط و مشروح و تا حدودی پیچیده‌ای است. در غرب کشور به طور عمده ما منطقه‌ی کُردنشین را داریم که شامل کُردستان و قسمتی از آذربایجان غربی و قسمتی از استان کرمانشاهان است. مسائل آن‌جا به طور خلاصه در یک جمله قابل بیان کردن است. در آن‌جا دو عامل تفرقه به طور طبیعی وجود دارد: عمل دوقومیتی و عمل دومیذهبی. مردم آن‌جا کُردند، قومیت کُردی دارند و نیز اکثراً از لحاظ مذهب اهل تسنن‌اند. هیچ کدام از این دو تا، موجب آن نمی‌شود که میان آن‌ها و برادران فارس‌زبان‌شان اختلافی وجود داشته باشد به طور طبیعی. زیرا جمهوری اسلامی میان فارس و کُرد و ترک و عرب و ترکمن و بلوچ تفاوتی نمی‌گذارد. همه‌ی این‌ها با هم برابرند.

بغضاء، ریشه‌ی وحدت را می‌سوزاند

ما دو گروه مسلم که هم‌دیگر را مسلم می‌دانیم، هم‌دیگر را مؤمن می‌دانیم، بله با هم‌دیگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف عقیده داریم. اما اختلاف عقیده نباید موجب بغض بشود، اختلاف عقیده اختلاف عقیده است. بین متکلمین شیعه هم در بعضی از مسائل اختلاف عقیده است، بین متکلمین سنی هم، بین معتزله و اشاعره اختلاف عقیده‌های زیاد هست. اختلاف فقهی داریم؛ بین فقهای شیعه اختلافات زیاد است، بین فقهای مذاهب اربعه اختلافات زیاد است، حتی در موارد کمی بین فقهای یک مذهب؛ حنابله، شافعیه اختلاف است. اما اختلاف در فتوای فقهی، ۱- کینه و دشمنی شدید.

اختلاف در استنباط، یا اختلاف در عقیده اختلاف است بغضاً چرا باشد؟ بغضاً نباید به وجود بیاید. آنچه امروز ریشه‌ی وحدت ما را می‌سوزاند بغضاً است. خب، این بغض موجب آن می‌شود که دشمن از این بغض استفاده کند برای بر هم زدن اساس وحدت. وحدتی که امروز انقلاب ما به آن نیازمند است، امروز اسلام که در این انقلاب احیاء شده است و این انقلاب آبرویی برای اسلام در سراسر عالم شده، به این انقلاب ضربه و صدمه می‌زند.

در کدام یک از کشورهای اسلامی چنین وضعیتی وجود داشت؟ کجا بود که حکم خدا و حکم قرآن، قانون باشد، امروز کجاست؟ امروز تنها کشوری که ملاک برای قبول و رد یک قانون، حکم خدا و حکم شرع است ایران است، فقط این جاست که اگر یک قانون را ببینند بر خلاف اسلام است، این قانون مردود است.

دیدار با روحانیون اهل تسنن استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان و مازندران ۱۴/۱۰/۱۳۶۱

ضربه‌ای که مردم کُرد به استکبار وارد کرد

۱۷۳

من با یکایک شما احساس یک علقه و محبت برادری بسیار صمیمی را در خودم می‌کنم. حقیقت این است که شما برادران کُرد آن‌چنان ضربه‌ای بر استکبار جهانی وارد کردید که از اثر آن ضربه هنوز که هنوز است مغزهای استکبار گیج می‌خورند. ضربه‌ی گیج‌کننده‌ای از میان برادران و خواهران کُرد بر مغز طراحان توطئه‌ی استکبار جهانی وارد آمد. هنوز زود است که ما درست بتوانیم ارزیابی کنیم، اما ان شاء الله دیری نخواهد گذشت که با پیروزی‌های ملت ایران در عرصه‌های مختلف - نظامی، اقتصادی و غیرو - معلوم خواهد شد که مشت کُرد چگونه جواب طمع‌ها و امیدها و یاوه‌گوئی‌های استکبار جهانی را داد. مردم کُرد نشان دادند که به میهن خودشان و به انقلاب خودشان و به نظام جمهوری اسلامی علاقه‌مند و وفادارند و این بزرگ‌ترین مشتی بود که به سینه‌ی دشمنان وارد آمد.

۱۳۶۳/۱۲/۰۸

بیانات در مراسم بیعت اقشار مردم

دیدار اقشار مختلف مردم مسلمان کُرد از استان‌های کُردستان و آذربایجان غربی و باختران با رهبر انقلاب

بسم الله الرحمن الرحيم

من هم متقابلاً به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز که از راه دور و مناطق کُردنشین تشریف آورده‌اید، صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

محبت و صمیمیت و وحدت کلمه‌یی که در همه‌ی نقاط کشور، از جمله در مناطق کردستان و شهرها و روستاها و بخش‌های گردنشین نشان داده شد، مظهر عظمت و علو اسلام است و بدون شک دشمنان جمهوری اسلامی را مأیوس خواهد کرد و از ادامه‌ی توطئه نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی، ناامید خواهد ساخت.

ترکیبی که من در این‌جا از برادران عزیز کرد و فارس و سنی و شیعه مشاهده می‌کنم، شبیه همین اجتماعات و محبت‌ها و صمیمیت‌ها را قبلاً دیده‌ام. این ترکیب و یگانگی، برای دوستان زیباست، و برای دشمنان دردآور است. این نعمت را باید با همه‌ی وجودتان حفظ کنید. خیلی از مسایل وجود دارد که هنوز در دنیا حل نشده است؛ اما جمهوری اسلامی به برکت انقلاب و روحیه‌ی انقلابی مردم و قوت و شخصیت و معنویت و ایمان امام بزرگوار و قائد عظیم‌الشأن، آن‌ها را حل کرده است. یکی از آن مسایل، مسأله‌ی قومیت‌ها و فرقه‌های اسلامی است که به برکت اسلام و انقلاب و امام در ایران حل شده است.

همه‌ی افراد هوشمند در این زمان می‌فهمند که دشمن مایل است بین فرقه‌های اسلامی اختلاف بیندازد و بین اقوام و قشرها و گروه‌های ملت، جدایی ایجاد کند. جدایی و دشمنی، یک امر طبیعی نیست؛ کار شیطان است. شیطان بین برادران و دوستان و نزدیکان اختلاف ایجاد می‌کند. وقتی ما شیطان استعمار و شیطان آمریکا و شیطان سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی خارجی‌ها را از کشور بیرون راندیم، به خودی خود این مشکلات حل شد.

من از اوّل انقلاب تاکنون، نسبت به حالت صمیمیتی که همیشه فکر می‌شد باید بین برادران باشد، حسّاس و علاقه‌مند بودم. این هم از توجیهات و ارشادهای آن حکیم بزرگ و آن روح معنوی و الهی (اعلی‌الله

مقامه و اعلی الله کلمته) بود.

امروز بحمدالله احساس می‌کنیم که دشمن از ایجاد اختلاف میان اقوام ایرانی و برادران مسلمان در داخل کشور مأیوس شده است. البته طبیعت شیطان این است که هرگز از وسوسه و نفوذ و خرابکاری به طور کامل مأیوس نمی‌شود. شما می‌بینید حتّی «عبادالله المخلصین» هم در معرض وسوسه‌ی شیطان قرار می‌گیرند؛ حتّی انبیای عظام الهی هم در معرض نفوذ و دخالت آراء و وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرند؛ منتها شیطان زورش به آن‌ها نمی‌رسد، ولی به هر حال اقدام خودش را می‌کند. شیطان نمی‌گوید که چون این شخص، مؤمن و صالح و عبد مخلص خداست، دیگر نمی‌توان او را گمراه کرد و نباید سراغ او رفت؛ خیر، شیطان حتّی سراغ مخلصین هم می‌رود؛ منتها مخلصین به شیطان تودهنی می‌زنند؛ «ان‌الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون».

شیطان بزرگ، شیطان استکبار و شیطان سیاست هم عیناً همین گونه است؛ تودهنی را می‌خورد، اما به کلّی مأیوس نمی‌شود. خیال نکنیم که چون از اوّل انقلاب تاکنون، به شیطان بزرگ رو و میدان ندادیم تا بین ما ایجاد اختلاف کند، پس دیگر درصدد وسوسه‌ی ما برنخواهد آمد؛ خیر، شیطان بزرگ، یعنی آمریکا و نیز اذئاب او -حکومت‌های مرتجع با روش‌های سیاسی و ایجاد مذهب‌های اختراعی و اعمال سیاست‌های شیطانی خود، دائماً در این فکرند که بین دو برادر تنی را هم جدایی بیندازند؛ چه رسد بین برادران دینی و میهنی و اقوام گوناگون!

مع‌الاسف در حال حاضر قلم‌ها و زبان‌هایی در سطح کشورهای اسلامی فعالیت دارند و با پول و دلارهای حاصله از نفت که متعلّق به مسلمان‌هاست، برخلاف نظر اسلام بین مسلمین تفرقه می‌اندازند و جمع

کثیری از مسلمین را از دایره‌ی اسلام بیرون می‌کنند. بزرگ‌ترین هنر (!) بعضی از مذاهب دست‌ساخته‌ی استعمار این است که به بهانه‌های مختلف، انبوه جمعیت مسلمین عالم را از دایره‌ی اسلام واقعی خارج کنند، و عجیب آن است که همه‌ی این کارها را به نام دین و توحید انجام می‌دهند! امروز ابزار کار آمریکا و سردمداران سیاست‌های آمریکایی در منطقه، عمدتاً همان آخوندهای درباری مزدور و قلم‌فروش و دین‌فروش هستند که می‌توان اثر انگشت پلیدشان را در بسیاری از نفاق‌افکنی‌ها و توطئه‌پراکنی‌ها مشاهده کرد.

سعی زیاد می‌شود که بین مسلمین اختلاف بیندازند؛ مخصوصاً از زمانی که انقلاب اسلامی پرچم وحدت اسلامی را بلند کرد و به دوش کشید، این تلاش بیشتر شد. در داخل کشور ما هم کوشش زیادی کردند، تا در مناطقی که برادران اهل سنت و برادران شیعه سکونت دارند، عده‌ای را وادار کنند بذل اختلاف بپاشند. متأسفانه همه‌ی این اقدامات شوم هم به نام دین انجام می‌گرفت. البته کسانی که پرچم‌های قومیت و طرف‌داری از خلق‌گُرد را در دست داشتند، به گونه‌ای دیگر مزدور شیطان بزرگ و آلت دست آمریکا بودند. بحمدالله همه‌ی این‌ها به وسیله‌ی ایمان و هوشیاری و توجّه شما به کید دشمن خفه شدند و کارشان بی‌نتیجه ماند. اگر ملت‌ی هوشیار باشد، بسیار بارزش است؛ «العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس». خاصیت علم به زمان و آگاهی از توطئه‌های دشمنان، این است. در سفری که به گُردستان و آذربایجان غربی کرده بودم و با مردم سنندج و مهاباد و عزیزان گُرد و روحانیون و روشن‌فکرهای آن مناطق دیدار داشتم، آن‌ها نسبت به امام و انقلاب اظهار اخلاص می‌کردند، که حقیقتاً تودهنی محکمی به دشمنان و مدّعیان و تفرقه‌افکنان بود. وقتی به تهران برگشتم، خدمت امام رسیدم و شرح آن دیدارها را برای ایشان

گفتم. دیدم دل منور آن مرد روحانی شاد شد و آثار آن در چهره‌ی پاک و مطهر او آشکار گردید.

نظر امام^(ره) از اوّل همین بود که مردم با انقلاب و اسلام همراه‌اند؛ چون مسلمان و مؤمن‌اند. آن کسی که با انقلاب و جمهوری اسلامی موافق نیست، ضدّ اسلام است؛ والاّ جمهوری‌ای که بر مبنای اسلام تشکیل شده است، چرا باید مورد مخالفت کسی قرار بگیرد که معتقد به اسلام است؟! کسانی که با انقلاب اسلامی مخالفت می‌کنند، با اسلام بدند. لعنت خدا بر آنان که به خاطر خشنودی اسرائیل، با اسلام و انقلاب و جمهوری اسلامی جنگیدند و مقابله کردند. امت اسلام و تاریخ اسلامی، زشت‌رویی کسانی که با آمریکا و اسرائیل و دشمنان اسلام صلح کردند و صفا نشان دادند و برای آن‌ها امنیت خاطر فراهم کردند، امّا با اسلام و جمهوری اسلامی و امام امت مقابل شدند، فراموش نخواهد کرد و از آن‌ها نخواهد گذشت. البته شما مردم از اوّل انقلاب تاکنون، تودهنی محکمی به آن‌ها زدید و با وفاداری و اتّحاد و یکپارچگی خود، باز هم خواهید زد. آن‌چه مهمّ است، این است که همه‌ی آحاد جامعه در هر جای کشور که هستند، برای آبادانی و سازندگی کشور احساس مسؤولیت کنند؛ وظیفه‌ی اوّل ما همین است. ما در دوران بعد از جنگ هستیم و باید همه‌ی نیروهای خود را برای آبادانی و عمران واقعی و توسعه‌ی حقیقی کشور متمرکز کنیم؛ کاری که هیچ وقت کشور ما به صورت درست از آن برخوردار نبود. بعد از انقلاب که می‌خواستیم مشغول سازندگی شویم، دشمن جنگ را بر ما تحمیل کرد؛ حالا هم با کارشکنی در مسأله‌ی قطع‌نامه، اختلال‌گری می‌کنند؛ امّا بالاخره بر این مشکلات فایق خواهیم آمد.

باید ملت ایران و مسؤولان، کار اصلی سازندگی را به طور جدّی شروع کنند. اگرچه الان هم کارهای زیادی در حال انجام است، لیکن

بایستی حرکت بنیانی برای سازندگی کشور، با برنامه ریزی‌هایی که انجام شده و می‌شود، با تمام قوّت جلو رود. مسؤولان همّت خود را به کار گیرند و آستین‌ها را بالا بزنند و از مردم کمک بخواهند؛ مردم هم با دل و جان به آن‌ها کمک کنند.

ایران کشور بااستعدادی است. مناطق غرب کشور از بالا تا پایین و مناطق دیگر، هر کدام به نسبت خود استعدادهای زیادی از لحاظ کشاورزی و توسعه‌ی صنعت صحیح و عمران روستاها و توسعه‌ی دانشگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در علم و تحقیق دارند. ما از همه‌ی جهت امکانات فراوان داریم که باید ان شاء الله ملت ایران از آن‌ها برخوردار شود، و این با تدبیر صحیح مسؤولان و پشتیبانی مردم از آن‌ها میسر است.

باید بیش از گذشته، «وحدت» را برای اسلام و پیشرفت به سمت هدف‌های اسلامی و سازندگی کشور رعایت کرد. خیلی مراقب باشید که نفوذی‌های دشمن، پرچم‌های اختلاف را بلند نکنند. هر پرچم اختلافی که بلند شد، شما آن را متّهم کنید که نفوذی دشمن است؛ هرچند خودش نداند. گاهی مفسد نمی‌داند و توجّه ندارد که فساد می‌کند؛ «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا الذین ضلّ سعیم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون انهم یحسون صنعا». خیال می‌کنند که دارند کار خوب انجام می‌دهند؛ در حالی که فساد می‌کنند.

متأسفانه کسانی هستند که با حرف‌های بی‌مبنای خود و یا از طریق موضع‌گیری‌ها و کارهای نامطلوب، در جامعه فساد می‌کنند. بنابراین، آن کس که دم از اختلاف زد و صحبت از یأس و ناامیدی کرد، شما او را متّهم کنید که دانسته و یا ندانسته، تحت تأثیر دشمن است؛ از او تبری کنید و ان شاء الله خدای متّعال هم کمک‌تان خواهد کرد.

مجدداً از وفاداری صمیمانه‌ی همه‌ی شما، مخصوصاً آقایان علما و

ائمه‌ی محترم جمعه و خانواده‌های معظم شهدای عزیزمان تشکر می‌کنم و امیدوارم که خداوند به همه‌ی شما توفیق دهد و لطف خودش را افزا دهد. والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته

۱۳۶۸/۰۴/۱۳

ملت‌گرد این جاست و حرفش این است

۱۷۹

من در اواخر دوره‌ی ریاست جمهوری به کردستان سفر کردم و به مهاباد هم رفتم. وقتی وارد شهر شدم، تمام شهر تعطیل بود! دوستان ما به وحشت افتادند که شاید مردم اعتصاب کرده‌اند. ملت وحشت آن‌ها این بود که قبلاً همان رادیوی دموکرات و امثال آن گفته بودند: مردم! روزی که فلانی به این شهر می‌آید، اعتصاب کنید. اما من دلم روشن بود. به میدان شهر آمدم و دیدم همه‌ی مردم شهر آن‌جا هستند و اجتماع عظیمی را تشکیل داده‌اند. مرحوم قاضی خضری -امام جمعه‌ی اشنویه- با زحمت خودش را به آن‌جا رسانده بود و با آن که در برنامه نبود که پیش از سخنرانی من صحبت کند، اما خواهش کرد و گفت من می‌خواهم چند لحظه‌ای صحبت کنم. او در سخنان خود گفت ما در احادیث داریم که «ان الائمة من قریش». امروز این مطلب واقعیت پیدا کرده است: امام از قریش است، رئیس‌جمهور از قریش است، نخست‌وزیر از قریش است، رئیس قوه‌ی قضاییه از قریش است. مردم نیز همین طور با هیجان به سخنان او پاسخ می‌دادند. بعد من آن‌جا به گروه‌های ضد انقلاب خطاب کردم و گفتم، شما دائماً از قوم‌گرد و ملت‌گرد صحبت می‌کنید؛ ملت‌کرد کجاست؟ ملت‌کرد این جاست و حرفش این است. مردم‌گرد الان نیز همین طورند. بنده وقتی سال ۶۷ -بعد از جنگ- به سنج رفتم، همین طور بود؛ امروز نیز همان گونه است. همان موقع وقتی به سنج رفتیم، خیابان‌های

این شهر از جمعیت پر شد. آقای موسوی که با من در ماشین نشسته بود، گفت من هیچ وقت این شهر را این طور ندیده بودم. الان هم اگر کسی از مسئولان به آن‌جا برود همین‌طور است. متن مردم این گونه‌اند دیدار استانداران سراسر کشور

۱۳۸۰/۰۱/۲۵

می‌دانستم بلوچ‌ها با انقلاب مشکلی ندارند

اوّل انقلاب شما جوان‌ها یادتان نیست. سال اوّل انقلاب در تقریباً چهارگوشه‌ی کشور با شعار قومیت، کانون‌های جنگ و درگیری به وجود آمد. در بلوچستان، در کردستان، در ترکمن صحرا، در نقاط مختلف؛ با بهانه‌ی قومیت. دنبالش می‌رفتند، می‌دیدند این اقوام هیچ کدام با اسلام و با انقلاب اسلامی مسأله‌ای ندارند. من خودم در بلوچستان زندگی کرده بودم. آن‌جا تبعید بودم و بلوچ‌ها را می‌شناختم. می‌دانستم این‌ها با انقلاب کوچک‌ترین مسأله‌ای ندارند؛ اما یک عده‌ای به نام بلوچ و با یک استفاده و ترفندی با انقلاب درافتادند. عین همین قضیه در مورد کردستان بود. عین همین قضیه در مورد ترکمن صحرا بود. بعد تحریکات این‌ها روشن شد، معلوم شد که از کجا تحریک می‌شوند. خوب، این‌ها موانعی بودند که جلو راه انقلاب را می‌گرفتند. این طور نبود که این اتومبیل در جاده‌ی آسفالت به‌تواند درست حرکت کند.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز

۱۳۸۷/۰۲/۱۴

من مردم کُرد را دوست دارم

من مردم کُرد را دوست دارم و مطمئنم که مردم کُرد هم نظام و امام و رهبری و مسئولان را دوست می‌دارند؛ دلیلش هم همین مطلبی است که خودتان گفتید؛ مردم می‌گویند بی‌صبرانه منتظریم فلانی به این‌جا بیاید. من به مناطق کُردنشین سفر کرده‌ام؛ هم به کُردستان رفته‌ام، هم به آذربایجان غربی. هر جا هم رفتم، با محبت بی‌دریغ و صمیمانه‌ی مردم مواجه شدم. البته من از این ابراز محبت هیچ تعجب نکردم؛ چون می‌دانستم «القلب یمهدی الی القلب»؛ اما بعضی‌ها تعجب می‌کردند که این چه شور و شوقی است! من اغلب نقاط کُردستان را از نزدیک دیده‌ام و معتقدم وضعیّت این طوری است.

بیانات در دیدار جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۱۳۸۲/۰۲/۱۵

حضور دانشجویها در جبهه‌ها

سال ۵۹ با شروع دفاع مقدّس، حضور دانشجویها در جبهه است که نمونه‌های مختلفی از آن وجود دارد که یکی از آنها همین حاج احمد متوسّلیان و امثال این‌ها بودند که بلند شدند رفتند منطقه‌ی غرب در کُردستان، در عین غربت - بنده در همان ماه‌های اوّل جنگ، پنج شش ماه بعد از اوّل جنگ، منطقه‌ی کُردستان را از نزدیک دیدم؛ گرد غربت آن‌جا بر سر همه کانه پاشیده شده بود - و در تنهایی، بی‌سلاحی و با حضور فعّال دشمن و بمباران دائمی دشمن، این مخلص‌ترین نیروها در آن‌جا کارهای بزرگی را انجام دادند که قبل از عملیات فتح‌المبین - عملیاتی که

این سردار بزرگوار و دوستانش انجام دادند- عملیات محمد رسول‌الله (صلی الله علیه و اله و سلم) را انجام دادند که آن، یک نمونه از حضور دانشجویان است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

۱۳۸۷/۹/۲۴

بیانات در جمع مردم استان گُردستان در میدان آزادی سنندج

بسم‌الله‌الرَّحْمَنِ‌الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصَّلَاة و السَّلَام على سَيِّدنا و نَبِيِّنا
ابى‌القاسم المصطفى محمد و على اله الطَّيِّبين الطَّاهرين و
صحابه‌المتَّجِبِينَ سَيِّما بَقِيَّةِ‌الله فى‌الأرضين.

بسیار خرسندم و خدای متعال را سپاس‌گزارم که توفیق عنایت کرد تا بار دیگر -ولو با فاصله‌ای زیاد- در این استان سرافراز و در میان شما مردم عزیز و وفادار حضور پیدا کنم. گُردستان سرزمین فداکاری‌های بزرگ است؛ سرزمین هنر و فرهنگ است؛ سرزمین صفا و وفاداری است؛ سرزمین مردم وفاداری است که در حساس‌ترین سال‌های عمر این نظام و این کشور با مردانگی خود و با رشادت خود، توطئه‌های بزرگی را خنثی کردند. سرزمین مردم با رشادت و با رشد عقلی و آگاهی است که توطئه‌ی دشمن را در لحظات حساس تشخیص دادند و با فداکاری خود فتنه‌ی بزرگی را خاموش کردند، پیش از آن که آن فتنه بتواند به هدف‌های شوم خود برسد. این از یاد ملت ایران نخواهد رفت. گُردستان در تاریخ انقلاب اسلامی، نشان افتخاری را با خود حمل می‌کند که در

کم‌تر استانی نظیر آن را می‌شود دید.

عزیزان من! برادران و خواهران من! در فجر پیروزی انقلاب اسلامی کسانی به دنبال این بودند که در کشور جنگ داخلی درست کنند و برادرگشی به راه بیندازند. ستمگران جهانی از این که یک قدرت مستقل و متکی به دین و ایمان مذهبی در این منطقه سر بلند کند، وحشت می‌کردند و سراسیمه بودند؛ لذا همه‌ی نیروهای خود و همه‌ی توان سخت و نرم خود را به میدان آوردند تا شاید بتوانند این مولود تازه پا به هستی گذاشته را در همان اولین قدم‌ها نابود کنند و از بین ببرند. مردم کُرد در این استان امتحان خوبی را در این رویارویی بزرگ از خودشان نشان دادند. من کُردستان را از نزدیک دیده‌ام و در روزهای محنت و سختی، عظمت ایستادگی این مردم را با چشم مشاهده کرده‌ام. آنچه من از کُردستان می‌گویم، بسیاری مربوط به دانسته‌ها و اطلاعات شخصی خود من است که آن را از نزدیک مشاهده کرده‌ام. البته آوازه‌ی مقاومت مردم استان شما - در دوران‌های مختلف: چه در آغاز انقلاب، چه در دوران جنگ تحمیلی - به گوش همه‌ی ملت ایران رسیده است.

عزیزان من! یک سیاست خبثت‌آلودی از آغاز انقلاب سعی کرد اقوام ایرانی را از یکدیگر جدا کند و با بهانه‌های مختلف، پیکره‌ی عظیم ملت ایران را تکه تکه کند. با هر قومی از اقوام متنوع ایرانی - فارس، تُرک، کُرد، عرب، بلوچ، ترکمن، لُر - جداگانه یک تلقین شیطانی را در میان می‌گذاشتند تا دل‌ها را از هم چرکین کنند. به تهرانی و اصفهانی چیزی می‌گفتند، به بلوچ بلوچستانی - که من قبل از انقلاب مدّتی را در میان آن‌ها گذراندم - حرفی می‌زدند و در کُردستان سخن دیگری می‌گفتند. خیلی هوشیاری لازم بود تا ملت ایران بتواند برای ادای رسالت بزرگ خود - که به برکت برافراشتن پرچم اسلام بر دوش این ملت قرار

گرفته بود- قیام کند و رسالتش را انجام بدهد. ملت ایران در اکناف این کشور بزرگ مجاهدات زیادی کردند و شما مردم گُردستان سهم خود را در این مجاهدت عمومی و بزرگ به خوبی انجام دادید. این از جمله‌ی چیزهائی است که به یاد تاریخ ایران عزیز خواهد ماند.

استان گُردستان یک استان فرهنگی است. شما به طبیعت سرسبز و زیبای این استان نگاه کنید، به روحیه‌ی مهربان و باصفای مردم این استان نگاه کنید، به تاریخ این استان -که علما و شعرا و اهل فرهنگ و اهل هنر در همین تاریخ نزدیک این استان فراوانند- نگاه کنید؛ همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که این استان، یک استان فرهنگی است.

مخالفین ایران و دشمنان اسلام، سعی کردند این استان را در آغاز انقلاب تبدیل به یک استان امنیتی کنند. علاج این دشواری و این مشکل بزرگ، آسان نبود؛ اما نظام مقتدر اسلامی به همراهی شما مردم، بر این مشکل فائق آمد. آن‌ها سعی می‌کردند اجزاء ملت ایران را از یکدیگر جدا کنند و بین مردم گُرد و مردم فارس و مردم تُرک فاصله بیندازند؛ اما نتوانستند. «و ما یمکرون الا بأنفسهم و ما یشعرون»؛ مکرشان به خودشان برگشت. شما برادران و خواهران گُرد بدانید، هر کسی در آن سال‌های اوّل -از این جوان‌هائی که از اقصای نقاط کشور برای مجاهدت به این‌جا می‌آمدند - آمد و مدّتی در این‌جا ماند، نسبت به مردم استان گُردستان علقه‌ی قلبی پیدا کرد. جوانان پُرشور و پُرحماسه‌ای که از خراسان و از اصفهان و از فارس و از تهران و از بقیه‌ی استان‌های کشور آمدند و چند صباحی را در سنج و سقز و مریوان و بقیه‌ی شهرهای این استان گذرانیدند، وقتی برگشتند حامل

پیام محبت بودند؛ دلبسته‌ی مردم کرد بودند؛ این که می‌گوئیم این جا یک استان فرهنگی است، به خاطر انعکاس رفتار مهربانانه‌ی مردم کرد است. عکس قضیه هم صادق است و هنوز در استان، یاد آن جوانان سلحشوری که از نقاط دیگر آمدند و این جا فداکاری کردند، در دل‌ها و ذهن‌ها حاضر است. من اطلاع دارم، یاد شهید کاوه، یاد شهید صیاد، یاد متوسلیان، یاد ناصر کاظمی، یاد احمد کاظمی و یاد شهید بروجردی -این جوانانی که عمری را در این جا گذراندند و جان‌شان را کف دست گرفتند- در یاد مردم این استان زنده است. خدا را سپاس‌گزاریم که دشمن نتوانست به مقاصد خود برسد.

البته من به شما عرض بکنم، هرگز دشمن آرام نمی‌نشیند. یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون؛ کرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، این‌ها را بیگانه حساب می‌کردند. در عملکرد آن‌ها هم این معنا مشهود بود. شما ببینید در دوران طاغوت، در این استان نه کار عمرانی درستی انجام گرفته است، نه کار فرهنگی درستی انجام گرفته است؛ رسیدگی نمی‌کردند و کاری نداشتند. در این استان، کارهای عمرانی در دوران طاغوت در حد صفر بود؛ کارهای فرهنگی هم همین جور. اگر شما امروز مشاهده می‌کنید که در استان کردستان نزدیک به پنجاه هزار دانشجو وجود دارد که در بیست و چند مرکز آموزش عالی مشغول تحصیل هستند، این رقم در دوران طاغوت فقط ۳۶۰ نفر بود! نسبت بی‌سوادی هم در این استان در دوران طاغوت وحشت‌آور بود؛ فقط ۲۹ درصد مردم در این استان باسواد بودند! طاغوت نمی‌خواست مردم کرد -این مردم با استعداد و این مردم دارای هوش و ذکاوت- باسواد بشوند. فقط ۲۹ درصد استانی با این خصوصیات و

با این کیفیت، باسواد بود! آن کار عمرانی‌شان، این هم کار فرهنگی‌شان! نگاه‌شان نسبت به این استان، نگاه شیطنت‌آمیز و غلط بود. نظام اسلامی آمد و این نگاه را تصحیح کرد؛ نه فقط در سطح مسئولان، بلکه در سطح آحاد مردم.

عزیزان من! این را همه بدانند؛ نظام اسلامی تنوع اقوام را در کشور بزرگ و سرفرازمان یک فرصت می‌داند. سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعدادهای گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزاء گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند: با مراودات درست و با هم‌زیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسأله‌ی تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف - ولو از ملت‌های گوناگون - تفاوتی نیست، چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذاست ما به منطقه‌ی کُردی - استان کُردستان - و مناطق اقوام دیگر، با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم؛ نگاه اسلامی، برادری و اتحاد و هم‌دلی و صمیمیت است؛ هر کسی که با این نگاه مخالفت کند و شیوه‌ی دیگری را انتخاب بکند، بر خلاف سیاست نظام اسلامی رفتار کرده است. همه این حقیقت را دریافته‌اند که نظام اسلامی، مردم این استان را مردم خود و وفاداران به انقلاب و سربازان انقلاب می‌داند. لذا در همان دورانی که در این‌جا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کُرد حرف‌هایی می‌زدند - که مردم کُرد روح‌شان از آن حرف‌ها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استان‌های هم‌جوار، دست‌های شیطنت‌آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدّم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه‌ی رشید و پُرافتخار پیشمرگان

گُرد مسلمان هرگز از خاطره‌ی آن کسانی که مجاهدات آن‌ها را دیدند، نخواهد رفت. به ارواح آن‌ها - که پنج هزار و چهارصد شهید از مردم این استان به شهادت رسیدند - درود می‌فرستیم و به آن کسانی که از آن‌ها باقی هستند و به خانواده‌های آن‌ها سلام می‌کنیم. از خداوند متعال برای همه‌ی آن‌ها رحمت و مغفرت می‌خواهیم.

برادران و خواهران عزیز! جوان‌ها! من این را عرض بکنم، شما جوان‌ها باید در جریان این تاریخ بسیار عبرت‌آمیز در این منطقه و در مناطق دیگر قرار بگیرید. این، چیزهائی است که نسل جوان ما آن‌ها را ندیده است؛ باید از آن‌ها مطلع باشید. کسانی خواستند در این استان و در میان این مردم مؤمن و مهربان و صمیمی با انقلاب، نقشه‌های دشمن را اجرا کنند و پیاده کنند. این‌ها - همان کسانی که می‌خواستند به نام مردم گُرد حرف بزنند - به مردم گُرد ضربه زدند. امروز ما هم با خانواده‌هائی مواجه هستیم که فرزندان‌شان در راه این مبارزه‌ی مقدّس شهید شده‌اند، هم با خانواده‌های دیگری مواجه هستیم که فرزندان‌شان فریب دشمن را خورده‌اند؛ آن‌ها هم داغ‌دیده‌اند و مورد ترخّم و هم‌دردی ما هستند. آن خانواده‌هائی که دشمن توانست جوان آن‌ها را فریب بدهد و خون او را در راه اغراض فاسد آمریکا و صهیونیسم به کار بگیرد، آن خانواده‌ها هم گناهی نکرده‌اند؛ داغ جوانان‌شان را هم دیده‌اند؛ خیلی‌ها هم به یاد آن‌ها نیستند. ما نسبت به آن‌ها دلسوزی داریم. این هم از خسارت‌هائی است که ضدّ انقلاب بر این استان وارد کرده است.

فرصت کار عمرانی را هم در یک برهه‌ای از زمان از این استان گرفتند. استان شما از جهات مختلف، یک استان بسیار بااستعداد است. این‌جا می‌توانست سرمایه‌گذاری‌های خوبی انجام بگیرد؛ بنا بود در همان سال‌های اوّل، کارهای زیربنائی بزرگی انجام بگیرد. اوّلین گروه عمرانی

از سوی شورای انقلاب -قبل از تشکیل جهاد سازندگی- به گُردستان آمد. آن زمان مرحوم شهید بهشتی (رضوان‌الله علیه) -که رئیس شورای انقلاب بود- یک گروهی را برای عمران منطقه‌ی گُردستان فرستاد؛ هنوز جهاد سازندگی هم تشکیل نشده بود. نظام می‌دانست که رژیم طاغوت با این استان‌های دوردست و متفاوت از لحاظ زبان و لهجه و قومیت، چه کرده است؛ می‌خواست جبران کند؛ اما ضدّ انقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدّت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت. من اطلاع دارم و می‌دانم که بحمدالله در این استان و در طول این سال‌ها، خدمات بسیار زیاد و بسیار بزرگی انجام گرفته که آن روزها در میخ‌له‌ی کسی خطور نمی‌کرد. در این استان و در طول این سال‌ها، این قدر کار عمرانی انجام گرفته است که یک فهرست طولانی را تشکیل می‌دهد: راه‌ها، سدها، کار توزیع انرژی، کار توزیع آب، مخابرات و شاخص‌های گوناگون توسعه. همین حالا در این استان حدود نوزده سدّ در حال احداث است. هرگز آن روزها کسی به ذهنش هم خطور نمی‌کرد که این کارها انجام بگیرد؛ این کارها شده است. اما در عین حال آن‌چه می‌توانست بشود و آن‌چه که باید می‌شد، از این بسیار بیشتر است. بسیاری از کارها در این استان انجام نشده است که باید همّت مسئولان متوجّه این نقاط بشود.

استان مشکلاتی دارد. آن جوری که من احساس می‌کنم و مطالعه می‌کنم، در درجه‌ی اوّل مشکل این استان عبارت است از اولاً مسأله‌ی اشتغال، ثانیاً مسأله‌ی سرمایه‌گذاری. اشتغال مسأله‌ی مهمّی است. امروز نسبت بیکاری در این استان نسبتاً بالاست، در حالی که جوان‌های آماده‌ی به کار حضور دارند. کارهای خیلی خوب و کارهای زیادی شده، اما کارهای دیگری و بیشتری باید انجام بگیرد. خدا را شکر می‌کنیم که

امروز برخلاف دوران طاغوت، دولت‌ها خودشان به سراغ مردم می‌آیند. یک روزی بود که مردم باید زحمت می‌کشیدند، تلاش می‌کردند تا به حضور دولت‌ها برسند؛ امروز به برکت اسلام، دولت‌ها هستند که راه می‌افتند و به استان‌های مختلف، شهرهای مختلف و دورافتاده‌ترین نقاط کشور می‌روند؛ رئیس‌جمهور می‌رود، وزیر می‌رود، مسئولین گوناگون می‌روند. مردم بعضی از این جاهائی که رئیس‌جمهور در آن‌جاها حضور پیدا می‌کند، می‌گویند ما در دوران گذشته یک مدیرکل را هم در این‌جا ندیده بودیم! راست هم می‌گویند. این از برکت اسلام است. اسلام حکومت‌ها را موظف می‌کند که به دشوارترین کارها و به ضعیف‌ترین مردم بیشتر بپردازند تا به کارهای آسان؛ و خوشبختانه امروز این وجود دارد. خدا را سپاس‌گزاریم.

این را هم در پایان این بخش از عرایض عرض بکنم: جوانان عزیز بدانند، توطئه‌های استکبار خنثی شده، اما تمام نشده است. هوشیاری مردم مؤمن و آماده‌به‌کاری مسئولان کشور، تا امروز توطئه‌های دشمنان را نسبت به این استان و نسبت به جریان‌های مشابه خنثی کرده؛ اما نباید فکر کرد که دشمن دست کشیده و ساکت نشسته و از دنبال کردن اهداف شوم خودش منصرف شده؛ نه، هشیاری باید ادامه پیدا کند. بدانید که دشمنان ایران اسلامی می‌خواهند ایران یکپارچه نباشد و اسلام بر این کشور حاکم نباشد. آن قدرتمندان مستکبری که توانسته‌اند اغلب کشورها و دولت‌های دنیا را زیر نفوذ سیاست‌های خودشان قرار بدهند، تا امروز نتوانسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را - که متکی به این مردم شجاع و مؤمن است - تسلیم خودشان بکنند و در مقابل خودشان به زانو در بیاورند؛ عصبانی‌اند. روش‌ها را عوض می‌کنند، اما هدف‌ها همان هدف‌های پلیدی است که داشته‌اند؛ جوان‌ها هوشیار باشند، خانواده‌ها

هوشیار باشند، مسئولین هوشیار باشند. ما از موجودیت و تمامیت کشورمان دفاع می‌کنیم؛ ما با همه‌ی توان از اسلام عزیز دفاع می‌کنیم؛ ما تا امروز در مقابل رعد و برق توخالی استکبار نترسیدیم و عقب‌نشینی نکرده‌ایم، بعد از این هم نخواهیم ترسید و عقب‌نشینی نخواهیم کرد. یک مطلب اساسی و کلی را به این مناسبت عرض بکنم. برادران و خواهران عزیز! اسلام برای ساخت یک جامعه‌ی سرافراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آن‌ها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه‌ها و خصوصیات عزّت ملی است؛ عزّت. هم‌چنانی که یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزّت ملی چیست؟ عزّت ملی عبارت است از این که یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزّت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود -به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود- نگاه می‌کند، احساس عزّت و غرور کند، احساس حقارت و ذلّت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يَقُولُونَ لَنْ رَجِعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلُّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^۱. منافقان با خودشان گفت‌وگو می‌کردند که ما عزیزیم و مسلمان‌ها را -که ذلیل‌اند- از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که این‌ها این جور می‌گویند، لیکن نمی‌فهمند و نمی‌دانند؛ آن که عزیز است مؤمنانند؛ عزّت از آن خداست

و از آن پیامبر خدا و از آن مؤمنان بالله. این یک تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ «عزت ملی». اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آن‌ها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت به راحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار می‌گیرد.

استعمارگران از قرن‌های شانزده و هفده که وارد سرزمین‌های شرق - از جمله سرزمین‌های اسلامی - شدند، برای این که بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملت‌ها ببندند و آن‌ها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آن‌ها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. این‌ها عبرت‌آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشن‌فکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! این جور اعلان کردند. این فریاد مذلت‌بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس به راحتی می‌تواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای این که فلان کس را به عنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع

از او استعجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته‌ی ماست. این ضدّ عزّت ملیّ است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملتّ ایران را از اریکه‌ی عزّت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملتّ ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملتّ هم به طور طبیعی نوکرمآب می‌شود: در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره‌ی رام؛ «اسد علیّ و فی الحروب نعامة». همان رضاخانی که به خصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آن جور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود - که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه‌های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمی‌کرد - در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره‌گیری»، مثل موش مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمّد رضای پهلوی؛ محمّد رضای پهلوی در سال‌های دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملتّ و بر مبارزان و بر آزادی‌خواهان - خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع می‌کرد و از آن‌ها حرف می‌شنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملّتی است که از عزّت ملیّ محروم است.

یکی از اساسی‌ترین قلم‌هائی که انقلاب اسلامی به ما ملتّ ایران عطا کرد، احساس عزّت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزّت بود. آن روزی که

امام علناً فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزّت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزّت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار می‌کند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف می‌کنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آن‌ها، قدرت نظامی آن‌ها و تبلیغات سیاسی آن‌ها هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید.

آن‌چه مهمّ است حفظ این عزّت ملیّی است. برادران و خواهران من! مردم عزیز کردستان و ملت بزرگ ایران! این را همه باید توجّه کنیم، این عزّت ملیّی را باید حفظ کنیم. عزّت ملیّی فقط با زبان و با ادعا و با شعار حفظ نمی‌شود؛ امروز اگر ملت ایران عزیز است و در سیاست‌های بزرگ جهانی دارای نفوذ است، علتش در ایمان او، و در عمل و ابتکار او، و در اقدام شجاعانه‌ی او، و در وحدت و یکپارچگی اوست. هر کدام از این عوامل را که از دست بدهیم، عزّت ما دچار تهدید می‌شود. اگر ما وحدت خودمان را از دست بدهیم، اگر ایمان خودمان را از دست بدهیم، اگر روحیه‌ی کار و تلاش خودمان را -که بحمدالله امروز در مجموعه‌ی عظیم ملت، به خصوص در نسل جوان محسوس است- از دست بدهیم، عزّت‌مان را از دست خواهیم داد. این یک نقطه‌ی اساسی برای تحلیل حوادث سیاسی -به خصوص برای جوان‌ها- است.

شما نگاه کنید ببینید آن کسانی که می‌خواهند وحدت ملت ایران را به هم بزنند، کی‌ها هستند؟ بدانید که این‌ها عوامل دشمن‌اند؛ یا خودشان از متن دشمن دارند حرف می‌زنند، یا سرانگشت دشمن‌اند؛ برو برگرد ندارد. آن کسی که ندای تفرقه‌ی بین شیعه و سنی را سر می‌دهد و به

بهانه‌ی مذهب، می‌خواهد وحدت ملی را به هم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند. گاهی بعضی‌ها مزدور دشمن‌اند و خودشان نمی‌دانند. خیلی از این مردم بیچاره‌ی بی‌خبر سلفی و وهابی که به وسیله‌ی دلارهای نفتی تغذیه می‌شوند تا بروند در این‌جا و آن‌جا عمل‌های تروریستی انجام بدهند -در عراق یک جور، در افغانستان یک جور، در پاکستان یک جور، در نقاط دیگر یک جور- نمی‌دانند که مزدور دشمن‌اند. آن مرد شیعی هم که می‌رود به مقدّسات اهل سنت اهانت می‌کند و دشنام می‌دهد، او هم مزدور دشمن است، ولو نداند که چه می‌کند. من عرض می‌کنم: عوامل اصلی دشمنان‌اند. بعضی از این سرانگشتان -هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه- غافل‌اند، نمی‌دانند و نمی‌فهمند چکار می‌کنند؛ نمی‌دانند برای دشمن دارند کار می‌کنند.

چند سال قبل از این، در منطقه‌ی کُردی، یک عالم روشن‌بین در نماز جمعه سخنرانی کرد. گمانم قسم خورد -این جور به ذهنم است، چون سال‌ها گذشته است- گفت والله آن کسانی که می‌آیند پیش شیعه، بغض و کینه‌ی سنی را در دل او وارد می‌کنند و می‌روند پیش سنی، بغض و کینه‌ی شیعه را در دل او وارد می‌کنند، این‌ها نه شیعه هستند، نه سنی؛ نه شیعه را دوست دارند، نه سنی را دوست دارند؛ با اسلام دشمن‌اند. البته نمی‌دانند؛ خیلی‌هاشان نمی‌فهمند و این مایه‌ی تأسّف است که چرا نمی‌فهمند. امروز این جماعت وهابی و سلفی، شیعه را کافر می‌داند؛ سنی محبّ اهل بیت را هم کافر می‌داند؛ سنی پیرو طریقه‌های عرفانی و قادری را هم کافر می‌داند! این فکر غلط از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ همه‌ی مردم شیعه در سراسر دنیا، مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقائی مرکزی -که این‌ها محبّ و دوستدار اهل بیت‌اند؛

طریقه‌های عرفانی این‌ها به اهل بیت منتهی می‌شود- کافرند؛ چرا؟ چون به مرقد حسین بن علی در قاهره احترام می‌گذارند و مسجد رأس‌الحسین را مورد تقدیس قرار می‌دهند؛ به این جهت این‌ها کافرند! شیعه که کافر است؛ سنی سقزی و سنندجی و مریوانی هم اگر با طریقه‌ی قادری یا نقشبندی ارتباط داشته باشد، او هم کافر است! این فکر، چه فکری است؟ چرا با این فکر غلط و شوم بین برادران مسلمان اختلاف ایجاد بشود؟ به آن شیعه‌ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض -این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان می‌شناسیم که فقط مسأله‌شان مسأله‌ی نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای این که ایجاد اختلاف کنند- به مقدّسات اهل سنت اهانت می‌کند، عرض می‌کنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.

عزیزان من! همه‌ی ملت ایران! وحدت‌تان را قدر بدانید. این اتّحاد برای این کشور، اتّحاد بسیار پُرشکوه و پُربرکتی است. اتّحاد را قدر بدانید، هم‌دلی را قدر بدانید، همکاری را قدر بدانید، همراهی دولت با ملت را قدر بدانید، مردم‌دوستی دولت را قدر بدانید. دولت هم ایمان مردم را، حماسه‌ی مردم را، شور و شوق جوانان را و روح ابتکار و فعالیت و کارآفرینی را در نسل‌های رو به رشد این کشور قدر بداند و از این نیروها استفاده کند که ان‌شاءالله همین جور هم خواهد شد.

یک جمله هم در باب مسأله‌ی انتخابات بگویم. عزیزان من! انتخابات نزدیک است؛ امروز یک ماه به روز انتخابات باقی است. انتخابات یکی از آزمون‌های بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حسّاس‌اند. از حدود یک سال پیش، دستگاه‌های تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاه‌های

امنیتی‌شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حسّاس‌اند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی - که بسیاری از این‌ها دل‌پُرکینه و پُردشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی‌تفاوت نیستند و سعی می‌کنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه‌ی اوّل، هدف‌شان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حیل‌ها متوقّف کنند. خدای متعال نخواست و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوس‌اند که انتخابات را به کلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدف‌شان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. می‌خواهند ملت ایران حضور فعّالی در انتخابات نداشته باشد.

ملت عزیز ایران! من به شما عرض می‌کنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعّالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملّی ماست؛ انتخابات یکی از شاخص‌های رشد ملّی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزّت ملّی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوق‌های رأی می‌روند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حقّ و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ می‌خواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند. انتخاب رئیس‌جمهور یعنی انتخاب رئیس قوه‌ی مجریّه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست. و می‌بینید اگر چنانچه رئیس‌جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام می‌دهد؛ می‌خواهند این نباشد. من عرض می‌کنم: همه باید اصرار داشته باشید که

در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسأله‌ی اوّل در انتخابات، مسأله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسأله‌ی اوّل، مسأله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم می‌کند، پایه‌های نظام را مستحکم می‌کند، آبروی ملت ایران را زیاد می‌کند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی‌ها زیاد می‌کند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف می‌کند. این یک مسأله‌ی بسیار مهمّ است؛ پس مسأله‌ی اوّل، شرکت در انتخابات است.

مسأله‌ی بعدی در انتخابات این است که مردم سعی کنند صالح‌ترین را انتخاب کنند. آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری می‌شوند و در شورای نگهبان صلاحیت آن‌ها زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و شورای نگهبان صلاحیت آن‌ها را اعلام می‌کند، این‌ها همه‌شان صالح‌اند. اما مهمّ این است که شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح‌ترین را پیدا کنید. این جا جائی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفاء کنیم؛ دنبال حداکثر باشید؛ بهترین را انتخاب کنید.

بهترین کیست؟ من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمی‌کنم؛ اما شاخص‌هائی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی‌گری باشد، مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال، سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف است، یعنی امسال سالی است که ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمی‌گوئیم به کلی و یک باره و در طول یک سال، اسراف تمام بشود؛ نه، ما واقع‌بین‌تر از این هستیم؛ می‌دانیم این کار مال سالیان پی

در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم؛ باید این کار را شروع کنیم.

یکی از اساسی‌ترین کارها برای این که ما جلوی اسراف را بگیریم این است که مسئولین کشور، خودشان، کسان‌شان، نزدیکان‌شان و وابستگان‌شان، اهل اسراف و اهل اشرافی‌گری نباشند. چطور می‌توانیم اگر خودمان اهل اسراف باشیم، به مردم بگوئیم اسراف نکنید؛ «اتأمرن الناس بالبرّ و تنسون انفسکم»؛^۱ «یا ایّها الذین امنوا لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون»^۲. اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد. این هم یک نکته.

نکته‌ی آخر در باب انتخابات این است که نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند - اگرچه حالا وقت قانونی هم نرسیده، اما تبلیغات می‌کنند؛ اشکالی ندارد - سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی‌شان با توجّه به حقّ و صدق باشد. چیزهائی را که انسان می‌شنود، باور نمی‌کند که از زبان نامزدها و آن کسانی که دنبال این مسئولیت‌ها هستند، از روی صدق و صفا خارج شده باشد. گاهی انسان حرف‌های عجیب و نسبت‌های عجیبی می‌شنود. این حرف‌ها مردم را نگران می‌کند؛ کسی را هم به گوینده‌ی این حرف‌ها

۱- سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۴۴.

۲- سوره‌ی مبارکه‌ی صف، آیات ۲ و ۳.

دل‌بسته و علاقه‌مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجّه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه‌ی این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم، می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که بعنوان انتقاد درباره‌ی وضع کشور و وضع اقتصاد و این‌ها می‌گویند، خلاف واقع است؛ اشتباه می‌کنند. ان‌شاءالله اشتباه است. امیدواریم که خداوند متعال برای این ملت خیر و صلاح و آبادانی کامل را مقدر فرموده باشد.

آخرین مطلبی که عرض می‌کنم این است: عزیزان من! همین‌قدر بدانید ما برای حاکمیت اسلام در این کشور -که حاکمیت اسلام متضمّن آبادی دنیا و آخرت مردم و اصلاح زندگی مادی و معنوی آنهاست- تا آخر ایستاده‌ایم و هیچ فشاری و هیچ قدرتی نمی‌تواند در اراده‌ی ما که متّکی به اراده‌ی مردم است اثر بگذارد.

پروردگارا! رحمت و لطف خود را بر این مردم نازل کن. پروردگارا! به ذهن و فکر و قلب و عمل این مردم عزیز، تفضلات خودت را اعطاء کن. من از وفاداری و محبّت شما مردم عزیز -در این اجتماع عظیمی که در این جا تشکیل دادید و در استقبالی که انجام گرفت- صمیمانه تشکر می‌کنم. امیدوارم که ان‌شاءالله خدای متعال من و شما را موفق بدارد که بتوانیم در راه آنچه که وظیفه‌ی ماست، گام‌های بلندی برداریم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

بیانات در دیدار خانواده‌های شهداء و ایشان‌گران‌گردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

عطر شهادت را که در حقیقت یک شمیم بهشتی در زندگی مادی ماست، انسان در این جلسه‌ی صمیمی و سرشار از محبت و معنویت احساس می‌کند. اولاً تشکر می‌کنم از یکایک برادران و خواهران عزیز و خانواده‌های شهداء که امروز با تشریف‌فرمائی خود در این مجمع، این فرصت و این امکان را به بنده دادند که در جمع خانواده‌های عزیز شهیدان حضور پیدا کنم و از نفس قدسی شهدای عزیزمان که شما بازمانده‌های آن‌ها هستید، بهره‌ی معنوی و روحی ببرم. بالخصوص از این عزیزانی که برنامه اجرا کردند؛ چه آن فرزندان شهید که مطالبی را با شعر و نثر، بسیار زیبا در این جا بر زبان آوردند و چه از این نوجوانان عزیز که سرود خودشان را اجرا کردند و بهره بردیم، تشکر می‌کنم.

من در همه‌ی سفرها به زیارت خانواده‌های شهداء مفتخر می‌شوم و با آن‌ها ملاقات می‌کنم و روح معنویت را در همه‌ی استان‌ها و شهرهایی که اجتماعات مشابه با این اجتماع در آن تشکیل می‌شود، لمس می‌کنم، حس می‌کنم؛ ولی می‌خواهم عرض کنم شهدای گردستان و خانواده‌های این شهیدان خصوصیات دارند که در دیگر استان‌ها کمتر دیده می‌شود و غالباً دیده نمی‌شود. این خصوصیات یکی این است که شهیدان این خطه‌ی مظلومانه‌تر و غریبانه‌تر به شهادت رسیدند و خانواده‌های آن‌ها صبر دشوارتری کردند. چرا؟ چون عوامل دشمنان انقلاب و دشمنان کشور در این استان وضعیتی و فضائی را به خصوص در سال‌های اوّل برای خانواده‌های شهیدان به وجود می‌آوردند که زندگی در آن فضا برای

پدران، مادران، برادران، خواهران، گاهی از اصل شهادت مشکل‌تر بود. آن ضد انقلاب و آن سرانگشتان‌پلیدی که قصد داشتند کردستان را به مرکز جنگ داخلی و برادرکشی در کشور تبدیل کنند، به این اکتفا نکردند که بهترین جوانان این استان و این مردم را به خاک و خون بکشند، بلکه خانواده‌های آن‌ها را هم در دورانی نسبتاً طولانی زیر فشار قرار می‌دادند. این خانواده‌ها در سایر استان‌های کشور مصیبت‌شان فقط همین بود که عزیزشان از دست‌شان رفته بود. در یک فضای گرم و پُر از شور و نشاط، مردم نام عزیزان شهید این‌ها را بر سر دست می‌گرفتند و به آن‌ها افتخار می‌کردند؛ اما در کردستان موارد زیادی اتفاق افتاد، ما هم مطلع شدیم و مطلع بودیم که دشمنان این استان، دشمنان این کشور، به خانواده‌های شهید هم فشار وارد می‌کردند؛ فشار روانی، فشار جسمی و فشار امنیتی. البته این فشارها نتیجه نداشت و آن‌ها را در چشم این مردم روسفید نکرد، روسیاه‌تر کرد. مردم کردستان اگر چه به عطوفت و مهربانی و مهمان‌نوازی، به روحیه‌ی سرشار از مهر و محبت مشهور هستند - و همین جور هم هست - در عین حال به رشادت، به شهامت، به دلیری و دلاوری هم مشهورند و دشمنان این ملت نتوانستند پشت خانواده‌های شهداء را خم کنند.

من در سفر قبلی به سنج پدر خانواده‌ای را زیارت کردم که شش فرزندش شهید شده بودند. من این را در کم‌تر جای کشور دیدم. شش فرزند! سه تا از این فرزندان در میدان‌های نبرد و سه تا در حال راهپیمایی با بمباران دشمن بعثی. شش پاره‌ی تن به شهادت برسند، این پدر به قدری استوار و محکم بود که من در مقابل عظمت آن روح احساس کوچکی کردم. این را من در کردستان دیدم. امروز دو تا از فرزندان دیگر آن مرد با عظمت را - حقیقتاً این‌ها عظمت است - در این جا ملاقات کردم

و از پدرشان پرسیدم، گفتند آن مرد به رحمت خدا رفته.
خانواده‌های سه شهید، خانواده‌های دو شهید. خانم‌هایی که هم شوهرشان را از دست دادند، هم فرزندشان را از دست دادند و در مقابل فشار روانی و سیاسی دشمن، بعد از دست دادن جگر گوشه‌یشان هم تسلیم نشدند، زیر فشار دشمن شانه خم نکردند. این خیلی عظمت دارد. من این را در گُردستان دیدم.

جوانان عزیز شما هم در جبهه‌ی ضدّ انقلاب جنگیدند، هم در جبهه‌ی رژیم بعثی صدام؛ در هر دو جبهه در مقابله‌ی با این دو دسته دشمن که ریشه‌شان هم البتّه به هم نزدیک بود، این جوانان ایستادگی کردند. جوانان گُرد، جوانان اهل مریوان و سقز و بانه و قروه و بیجار در عملیات فاو در کنار بقیه‌ی هم‌میمنان خود و برادران خود جنگیدند، ایستادند و شهید دادند. این‌جا هم در مقابله‌ی با ضدّ انقلاب و هم‌چنین در مقابله‌ی با دشمن بعثی مبارزه کردند. من فراموش نمی‌کنم آن مجاهدتی را که در مریوان و دزلی دیدم که این جوان‌ها چگونه مثل آتش‌های گداخته در مقابل دشمن ایستاده بودند. عزیزان من! آن چیزی که یک ملّت را از درون محکم می‌کند، همین مجاهدت‌هاست. ما از سست‌عنصری به جایی نمی‌رسیم. ما از تسلیم شدن در برابر زورگوئی در مسابقه‌ی میان ملّت‌ها هیچ رتبه‌ای را کسب نمی‌کنیم. اینی که در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِلْخَاصَّةِ أَوَّلِيَّائِهِ»، این معنایش چیست؟ جهاد، مجاهدت در راه خدا و در راه حقّ دری از درهای بهشت است که خدای متّعال این در را فقط برای خاصّان اولیای خود گشوده است. یعنی جوان‌های شما، شهیدان شما، عزیزان شما جزو خاصّان اولیای الهی بودند که توانستند از این در عبور کنند. چرا خدای متّعال این‌ها را خاصّان اولیای خود می‌داند؟ زیرا اگر این

مجاهدت‌ها نباشد، یک مِلّت همیشه توسری‌خور، همیشه عقب‌مانده، همیشه ضعیف، همیشه زورشنو باقی خواهد ماند. مِلّت ما، مِلّت بزرگ ایران در مجموعه‌های گوناگون این عظمت را از خودشان نشان دادند و شما در این‌جا امتحان خوبی دادید؛ شما در این امتحان بزرگ رتبه‌ی خوبی کسب کردید.

دو نکته مورد توجّه است که نه من باید فراموش کنم، نه شما باید فراموش کنید، نه به خصوص این جوانان و این نوجوانان عزیز باید هرگز این را فراموش کنند. یک نکته این است که ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما می‌دهد، حفظ کنیم. هم‌چنانی که به دلاوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار می‌کنیم، به دلاوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمی‌خواهد. دشمن می‌خواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن می‌خواهد خاطره‌ی این مجاهدت‌ها و بزرگ‌مردی‌ها در حافظه‌ی این مِلّت نماند. درست نقطه‌ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره‌ی آن‌ها را حفظ کنید. این نکته‌ی اول.

نکته‌ی دوم این است که مِلّت ما، جوانان ما، زن و مرد ما نباید احساس کنند که دوران مجاهدت به پایان رسید، خطری ما را تهدید نمی‌کند. ممکن است خطر نظامی ما را تهدید نکند، همین جور هم هست. امروز مِلّت ایران به آن رتبه‌ای از اقتدار رسیده که خطرپذیری دشمنان خود را بسیار بالا برده، جرئت نمی‌کند به این مِلّت تهاجم نظامی کنند؛ می‌دانند سرکوب خواهند شد؛ می‌دانند که این مِلّت مقاوم است. بنابراین خطر تهاجم نظامی بسیار پائین است؛ اما تهاجم فقط تهاجم نظامی نیست. دشمن به آن نقاطی متوجّه می‌شود که پشتوانه‌ی استقامت ملی ماست. دشمن وحدت ملی و ایمان عمیق دینی را هدف

قرار می‌دهد. دشمن روحیه‌ی صبر و استقامت مردان و زنان ما را هدف قرار می‌دهد؛ این تهاجم از تهاجم نظامی خطرناک‌تر است. در تهاجم نظامی شما طرف‌تان را می‌شناسید، دشمن‌تان را می‌بینید؛ اما در تهاجم معنوی، تهاجم فرهنگی، تهاجم نرم، شما دشمن را در مقابل چشم‌تان نمی‌بینید. هوشیاری لازم است. من از همه‌ی ملت ایران به خصوص از خانواده‌های شهیدان و از همه‌ی شما عزیزان، به خصوص از جوان‌ها خواهش می‌کنم با هوشیاری کامل مرزهای فکری و روحی را حراست کنید. نگذارید دشمن مثل مورانه‌ای به جان پایه‌های فکری و اعتقادی و ایمانی مردم بیفتد و آن‌ها را دچار رخنه کند؛ این مهم است. همه وظیفه داریم مرزهای ایمانی و مرزهای روحی خودمان را حفظ کنیم.

امروز متأسفانه دشمنان ملت ایران توانسته‌اند حتی تا پشت مرزهای ما حضور پیدا کنند. در گذشته و اوائل انقلاب هم، طراحی‌ها مال دشمنان بود؛ دشمنان قدرتمند، استکبار، صهیونیست؛ اما امروز همان‌ها با تحولاتی که در منطقه پیش آمده، پایگاه‌ها و مراکزی را در کنار مرزهای جغرافیائی شما به وجود آورده‌اند و از آن برای فعالیت‌های نرم و بسیار خصمانه استفاده می‌کنند. همه باید هوشیار باشند و من به خصوص به جوان‌ها عرض می‌کنم: جوانان عزیز! میهن شما امروز احتیاج دارد به آگاهی، به بیداری. حرکات کسانی را که دل‌ها را از وحدت و صمیمیت می‌خواهند دور کنند، رصد کنید. امروز در میدان شهر به همه عرض کردم، به شما هم عرض می‌کنم: کسانی می‌خواهند به هر وسیله‌ای، به هر بهانه‌ای، میان آحاد ملت اختلاف و تفرقه به وجود بیاورند. هر کسی که دیدید در این زمینه کار می‌کند، درباره‌ی او داوری کنید که سرانگشت دشمن است؛ بدانند یا ندانند. ممکن است ندانند، اما سرانگشت دشمن‌اند؛ برای دشمن

کار می‌کنند. نتیجه یکی است. آن کسی که دانسته به شما ضربه می‌زند، با آن کسی که ندانسته همان ضربه را وارد می‌کند، با هم فرقی در نتیجه ندارند. باید هوشیار بود؛ باید بیدار بود.

خوشبختانه ملت بیدار است. در این تجربه‌ی طولانی سال‌های گذشته، ملت ما آبدیده شده است. انواع و اقسام توطئه‌ها را مردم ما توانستند بشناسند و با آن مواجهه و مقابله کنند. امروز هم همین اتفاق خواهد افتاد. ما باید از درون خودمان را تقویت کنیم؛ تقویت علمی، تقویت اقتصادی، تقویت نوآوری و فناوری و بالاتر از همه، تقویت ایمانی. من به شما عرض می‌کنم: آن روزی که جوانان امروز ما بتوانند به توفیق الهی زمام کارهای کشور را به دست بگیرند، آن روز چندان دور نیست و بدون تردید کشور و ملت ما به آن مرحله و دوره در آینده‌ی نه چندان دور خواهد رسید که هیچ دشمنی هوس تهاجم به این کشور را؛ نه تهاجم نظامی و نه تهاجم سیاسی و اقتصادی، در سر نپروراند. آنچه امروز داریم، به برکت مجاهدت‌های سال‌های طولانی است - که جوانان عزیز ما این مجاهدت‌ها را از خود نشان دادند - و به برکت خون شهیدان عزیز ماست. ما امیدواریم خدای متعال توفیق بدهد این امانت بزرگ را پاسداری کنیم و بر ذخیره‌ی عظیم ملت ایران هرچه می‌توانیم، بیفزائیم. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان عزیز ما را با روح مطهر پیغمبر اعظم محشور بفرما.

پروردگارا! ما را دنبال‌ه‌روان حقیقی شهداء قرار بده!
والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۱۳۸۸/۰۳/۲۲

بیانات در مراسم مشترک نیروهای مسلح استان کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

پروردگار متعال را سپاس گزارم که جمع رشید و آماده‌به‌کار نیروهای مسلح را در این میدان -به عنوان نمونه- و در این خطه‌ی دلاورخیز و سرزمین جهاد ملاقات می‌کنم.

کردستان یک سرزمین استثنائی از جهت ایثار و شهادت در تاریخ معاصر ماست. دشمنان پیرو سیاست‌های مودیانۀ علیه جمهوری اسلامی ایران، بر روی این نقطه بالخصوص متمرکز شدند؛ نیروهای خودشان را با هر شکل و با هر شیوه به این میدان کشاندند. نظام جمهوری اسلامی که متکی به ایمان و متکی به غیرت مردان مؤمن است، در این عرصه امتحان بسیار بزرگی را با درخشندگی تمام نشان داد. در این استان، نیروهای مسلح از ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی در قالب‌های گوناگون، کارهای بزرگ و درخشانی را انجام دادند. مردم غیور کردستان در قالب پیشمرگان مسلمان گرد و در ضمن بسیج نیروها، آن‌چنان ایمانی و شور و شوقی در میدان‌های نبرد از خودشان نشان دادند که بی‌شک یکی از یادگارهای بزرگ حماسه‌ی ملت ایران به شمار خواهد آمد. با نیروهای مسلح، مردم این منطقه، صمیمیت و همکاری را به اوج رساندند و نیروهای مسلح هم -جوانان گردآمده از اطراف و اکناف این کشور- نشان دادند که در نظام اسلامی، نیروی دفاع از مردم و از امنیت مردم هستند. این نکته‌ی اصلی است.

اگر نیروهای مسلح در جوامع مختلف و در طول تاریخ برای دفاع

از قدرت‌ها و قدرتمندها شکل می‌گرفتند، اما در نظام اسلامی، نیروی مسلح در خدمت امنیت مردم و دارای مأموریت آرامش بخشیدن به زندگی عمومی مردم است. فلسفه‌ی نیروهای مسلح این است که مردم در سایه‌ی این نیروها احساس امنیت کنند. این وظیفه از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بحمدالله به روشنی خود را نشان داد. آنچه را که در این منطقه، در این استان، در غرب کشور، در نقاط دیگری از این قبیله، نیروهای مسلح از خود نشان دادند، تبلور حقیقی و واقعی فلسفه‌ی نیروهای مسلح بود.

امروز هم همین است. من به همه‌ی شما برادران عزیز، جوانان رشید که در این میدان حضور دارید؛ چه بسیجیان دلاوری که بومی این منطقه هستند، چه نیروهای ارتش، چه نیروهای سپاه، چه نیروی انتظامی، این را با قاطعیت می‌گویم: نظام اسلامی، نیروی مسلح را در خدمت امنیت مردم می‌خواهد. هر تلاش شما برای تکامل علمی، برای تکامل در آموزش‌های نظامی، برای بالا بردن قدرت رزمی، برای تأمین حضور سریع و فوری، یک حسنه است، یک اقدام خداپسند است؛ قصد قربت می‌توانید بکنید. و این بسیار امتیاز بزرگی است برای جوانان فداکار ما، نیروهای مسلح ما، فرماندهان ما.

عزیزان من! حضور نیروهای مسلح در سال‌های اول انقلاب، توانست توطئه‌های دشمن را که می‌خواستند در این بخش از کشور فتنه و برادرکشی و ناامنی به وجود بیاورند، از بین ببرد. امروز بحمدالله این منطقه از آسیب دشمنان محفوظ است؛ حضور نیروهای مسلح، حضور هوشمندانه و آگاهانه و مقتدرانه‌ای است. اما من به شما این را تأکید می‌کنم: از کید دشمنان نباید غافل بود؛ نه در این منطقه و نه در هیچ نقطه‌ی کشور. نظام اسلامی که با استکبار و ظلم جهانی پنجه در افکنده

است، همیشه منتظر توطئه‌ها و ضربه‌ها و تعدّی‌ها و تجاوزهای دشمنان باید باشد؛ خود را آماده نگه دارد. این دستور قرآنی است: «واعدّوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل» (۱) این آمادگی، یک وظیفه‌ی عمومی ملّی است، اما بالخصوص متوجّه به نیروهای مسلّح است. ما می‌دانیم، می‌بینیم، اطلاعات دقیق داریم که دشمنان نظام جمهوری اسلامی و دشمنان ملّت ایران، حتّی در نزدیکی مرزهای نظام جمهوری اسلامی، مایل به توطئه و فراهم کردن زمینه‌های ناامنی‌اند. باید هوشیار باشید.

امروز متأسّفانه سررشته‌ی ترورها و عملیات خشونت‌آمیز غیرانسانی در بسیاری از نقاط این منطقه، در دست سرویس‌های امنیتی مستکبرین است. اشغالگران عراق در بسیاری از عملیات تروریستی که جان مردم بی‌گناه را هدف قرار می‌دهد، متّهم درجه‌ی اوّل‌اند. آن کسانی که دم از مقابله‌ی با تروریسم می‌زنند، کورترین و سیاه‌ترین شیوه‌های تروریستی را اداره و هدایت می‌کنند. نظام جمهوری اسلامی که از جمله‌ی اصلی‌ترین هدف‌های این توطئه‌ی خیانت‌آمیز است، باید هوشیار باشد و هوشیار است. ملّت ما هشیارند؛ نیروهای مسلّح ما، مسئولان جمهوری اسلامی احساس سنگینی این مسؤولیت بزرگ را می‌کنند؛ آمادگی دارند و باید آمادگی داشته باشند.

دشمنان جمهوری اسلامی این را باید به تجربه فهمیده باشند که نظام جمهوری اسلامی، اهل تعدّی و تجاوز و شروع درگیری نیست. در این سی سال هیچ همسایه‌ای و هیچ ملّت و دولتی از سوی جمهوری اسلامی تهدید نشده است، اما همین ملّت بزرگ و همین نظام مقتدر در پاسخ‌گوئی به تهدید دیگران لحظه‌ای درنگ نمی‌کند. این آمادگی نه فقط در نیروهای مسلّح، در آحاد مردم -با روحیه‌ی شادابی که دارند- بحمدالله وجود دارد. این آمادگی را شما عزیزان روز به روز باید افزایش دهید.

بدانید یک ملت وقتی می‌تواند از کرامت خود، از عزت خود، از موجودیت خود به معنای واقعی کلمه دفاع کند که مستقل و متکی به خود، متکی به نیروی خود و به اراده‌ی خود باشد و با توکل به خداوند متعال آمادگی را همیشه حفظ کند. روز به روز ملت ایران به توفیق الهی این آمادگی را بیشتر خواهد کرد و یقیناً دشمنان نظام جمهوری اسلامی از تهدید خود، از توطئه‌ی خود، از بددلی و بدخواهی خود، هیچ طرفی نخواهند بست. پروردگارا! این جوانان مؤمن، این برادران دلاور، این انسان‌های پاکباز و بااخلاص را در کنف حمایت و لطف خود و مشمول فضل و رحمت خود قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۱۳۸۸/۰۲/۲۳

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الطيبين الطاهرين و صحبه المنتجبين
این جلسه دارای خصوصیات استثنائی و منحصر به فردی است. علمای محترم و ائمه‌ی جمعه و خطباء و طلاب از شیعه و سنی در این‌جا مجتمع‌اند. خواهران طلبه و روحانی هم -چه اهل سنت، چه شیعه- در این‌جا حضور دارند. از قراری که گفتند، خانواده‌های معظم شهدای روحانی کردستان در میان این جمع حضور دارند؛ هم معنویت، هم علم، هم روحانیت، هم شهادت، هم وحدت در این جمع نورانی و متراکم تجلی پیدا کرده است. و این یک چیز برجسته و ممتازی است. قدر این مجلس را هم من بدانم، هم شما بدانید؛ قدر این هم‌دلی‌ها و همراهی‌ها

و صمیمیت‌ها را همه‌ی ما باید بدانیم؛ چون بار سنگینی بر دوش همه‌ی ما وجود دارد. مسئولیت، مسئولیت بزرگی برای یکایک آحاد ملت ایران در این دوران است. و به خصوص کسانی که از علم و آگاهی و دین و شریعت بیش از دیگران مطلع‌اند.

آنچه در درجه‌ی اوّل من در این جمع نورانی و معنوی به نظر می‌رسد که عرض کنم، همین حکایت سنگینی مسئولیت است. علماء دین در اسلام، پیشروان اصلاح و ترقّی و پیشرفت ملت‌اند. این مسئولیت بر عهده‌ی عالمان دین گذاشته شده است. این که در خطبه‌ی نهج‌البلاغه هست که: «وما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاؤوا علی کظة ظالم ولا سغب مظلوم»^۱؛ یعنی عالم دین در مقابل ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز انسان‌ها به یکدیگر نمی‌تواند ساکت و بی‌طرف بماند. بی‌طرفی در این‌جا معنا ندارد. فقط مسأله این نیست که ما حکم شریعت و مسأله‌ی دینی را برای مردم بیان کنیم. کار علماء کار انبیاء است. «انّ العلماء ورثة الانبیاء»^۲. انبیاء کارشان مسأله‌گوئی فقط نبود. اگر انبیاء فقط به این اکتفا می‌کردند که حلال و حرامی را برای مردم بیان کنند، این که مشکلی وجود نداشت؛ کسی با این‌ها در نمی‌افتاد. در این آیات شریفه‌ای که این قاری محترم با صوت خوش و با تجوید خوب در این‌جا تلاوت کردند: «الَّذین یرسلون رسالات الله و یرحسونه و لا یخشون احدا الا الله»^۳، این چه تبلیغی است که خشیت از مردم در او مندرج است که انسان باید از مردم ترسد در حال این تبلیغ. اگر فقط بیان چند حکم شرعی بود که ترس موردی نداشت که خدای متعال تمجید کند که از مردم نمی‌ترسند؛ از غیر خدا

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۳.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۲.

۳- سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۹.

نمی‌ترسند. این تجربه‌های دشواری که انبیاء الهی در طول عمر مبارک خودشان متحمل شدند، برای کی بود؟ چه کار می‌کردند؟ «و کأین من نبی قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله و ما ضعفوا و ما استكانوا»^۱. چی بود این رسالتی که باید برایش جنگید؟ باید جنود الله را برای او بسیج کرد، پیش برد؛ فقط گفتن چند جمله‌ی حلال و حرام و گفتن چند مسأله است؟ انبیاء برای اقامه‌ی حق، برای اقامه‌ی عدل، برای مبارزه‌ی با ظلم، برای مبارزه‌ی با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوت‌ها قیام کردند. طاغوت آن بتی نیست که به فلان دیوار یا در آن زمان به کعبه آویزان می‌کردند؛ او که چیزی نیست که طغیان بخواهد بکند. طاغوت آن انسان طغیان‌گری است که به پشتوانه‌ی آن بت، بت وجود خود را بر مردم تحمیل می‌کند. طاغوت، فرعون است؛ «اِنَّ فرعونَ علا في الارض و جعل اهلها شيعا يستضعف طائفة منهم»^۲. این، طاغوت است. با این‌ها جنگیدند، با این‌ها مبارزه کردند، جان خودشان را کف دست گذاشتند، در مقابل ظلم ساکت نشستند، در مقابل زورگوئی ساکت نشستند، در مقابل اضلال مردم سکوت نکردند. انبیاء، این‌اند. «اِنَّ العلماء و رثة الانبياء»^۳. ما اگر در کسوت عالم دین قرار گرفتیم -چه زن‌مان، چه مردمان، چه سنی‌مان، چه شیعه‌مان- ادعای بزرگی را با خودمان داریم حمل می‌کنیم. ما می‌گوئیم: «نحن و رثة الانبياء». این وراثت انبیاء چیست؟ مبارزه‌ی با همه‌ی آن چیزی است که مظهر آن عبارت است از طاغوت؛ با شرک، با کفر، با الحاد، با فسق، با فتنه؛ این وظیفه‌ی ماست. ما نمی‌توانیم آرام بنشینیم، دل‌مان را خوش کنیم که ما چند تا مسأله گفتیم. با این،

۱- سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۶.

۲- سوره‌ی مبارکه‌ی قصص، آیه‌ی ۴.

۳- کافی، جلد ۱، صفحه‌ی ۳۲.

تکلیف برداشته نمی‌شود. این، قدم اول.

هر دوره‌ای اقتضائی دارد. یک روز ما برای این که از هویت قرآنی اسلام دفاع کنیم، کتاب‌ها می‌نوشتیم، استدلال‌ها می‌کردیم، حرف‌ها می‌زدیم، یک عده مستمع و مرید و علاقه‌مند هم وجود داشتند، این‌ها را از ما می‌شنفتند، کار ما انجام گرفته بود. طاغوتی هم بر سر کار بود، اجازه‌ی بیشتر از این تحرک را نمی‌داد. بعضی‌مان که زرنگ‌تر بودند، تلاش‌های گسترده‌تری می‌کردند؛ بعضی هم به همان حداقل اکتفا می‌کردند. اما امروز چه؟ امروز دو خصوصیت وجود دارد که بار من و شما را سنگین می‌کند. یک خصوصیت پیشرفت شیوه‌های انتقال فکر است. شما ببینید تلویزیون، رادیو، وسائل الکترونیکی، اینترنت و دیگر وسائل ارتباطی، امروز در دنیا در خدمت چه اهدافی قرار دارد. امروز استکبار به این اکتفا نمی‌کند که شمشیر نشان بدهد؛ شمشیر هم نشان می‌دهد، اما در کنار او به ده‌ها شیوه‌ی دیگر متوسل می‌شود برای این که آن فکر غلط، آن راه خطا، آن روش ستم‌گرانه و طغیان‌گر را بر ملت‌ها تحمیل کند. امروز طبق اطلاعات قطعی ثابت شده است که مؤسسه‌ی عظیم هالیوود و شرکت‌های بزرگ سینمایی با سیاست‌های استکباری آمریکا همراهی و همکاری مستمر و باب میل دارند. این مؤسسه‌ی بزرگ فیلم‌سازی و سینمایی که ده‌ها کمپانی بزرگ فیلم‌ساز از هنرمند و از کارگردان و از بازیگر و از نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس و سرمایه‌گذار در آن گرد هم جمع شدند، در خدمت هدفی دارند حرکت می‌کنند. آن هدف عبارت است از اهداف سیاست استکباری‌ای که دولت آمریکا را هم همان سیاست‌ها دارد می‌چرخاند. این‌ها چیز کوچکی نیست. امروز شما برای این که اسلام را، دین را، حقیقت را، صراط مستقیم را، هم به مردم نشان بدهید، هم مردم را در این صراط به راه بیندازید، با مشکلات

بزرگی رو به رو هستید. باید با زمان، خودمان را تطبیق دهیم. شبهه‌ها از قبیل شبهه‌های صد سال و دویست سال قبل نیست. شبهه‌هایی که در ذهن جوان شما، دانشجوی شما، حتی دانش‌آموز شما القاء می‌کند، شبهه‌هایی از جنس روز است. در مقابل این کی می‌خواهد بایستد؟ غیر از علمای دین، غیر از مرزداران عقیده چه کسی باید در مقابل این تیرهای مسموم و زهرآگین بایستد و قرار بگیرد؟ این، مطلب دوم.

خصوصیت دیگری که در این روزگار وجود دارد، وجود یک حکومت قرآنی است. امروز یک چنین حکومتی برپاست. دیروز چنین حکومتی نبود، امروز هست. ما در تاریخ اسلام، از صدر اسلام به این طرف، از وقتی که خلافت تبدیل شد به سلطنت در دنیای اسلام، تا امروز هیچ حکومتی نداشتیم که بر اساس شریعت حکومت کند. حتی خلافت عثمانی که اسمش هم خلافت بود، بسیاری از مسلمان‌ها هم به همین عنوان خلافت دل‌شان را به آن دستگاه بسته بودند، یک دستگاه سلطنت بود؛ یعنی حاکمیت در آن کشور بر اساس دین نبود، بر اساس شریعت نبود. ما حکومت دینی نداشتیم، امروز داریم.

من ادعا نمی‌کنم که این حکومت دینی یک حکومت قرآنی کامل است؛ ابتدا. اوّل منتقد دستگاه خود بنده هستم. ما در اجرای شریعت اسلامی در حداقل‌ها داریم حرکت می‌کنیم. منتها جهت، جهت درستی است؛ به سمت حداکثر می‌خواهیم حرکت کنیم و پیش برویم. حکومت، حکومت دینی است؛ رسماً، قانوناً، بر طبق قانون اساسی. هر حرکتی، هر قانونی که بر خلاف شریعت اسلامی باشد، منسوخ است؛ حکومت، حکومتی است بر اساس دین. این پدیده‌ی فوق‌العاده مهمی است. یعنی دستگاه سیاسی در کشور به اهل دین اجازه می‌دهد و بلکه از آن‌ها می‌خواهد که در راه ترویج شریعت حرکت کنند. مسئولین نظام اگر

با معیارهای دینی تطبیق نکنند، طبق قانون مشروعیت خودشان را از دست می‌دهند. این یک چیز بدیعی است، این یک چیز جدیدی است؛ ما نداشتیم. از این فرصت باید استفاده کرد. پس این خصوصیت دوم وضعیت موجود. از این خصوصیت حداکثر استفاده را برای ترویج حقایق اسلامی و معارف اسلامی و شریعت اسلامی در این دنیای گرفتار مادیت می‌شود برد.

مرحوم سید قطب در یکی از نوشته‌هایش حرفی دارد که من از چهل سال قبل یا شاید بیشتر که این حرف را دیدم، دائماً در ذهن من هست. او می‌گوید اگر طرف‌داران و داعیان اسلام -مضمون حرف این است. حالا جزئیات حرف چون خیلی قدیم دیدم، یادم نیست- به جای نوشتن این همه کتاب، به جای این همه تبلیغات، به جای این همه سخنرانی، اداره‌ی این همه مسجد، یک کار برای ترویج اسلام بکنند، آن کار از همه‌ی این کارها تأثیرش بیشتر است. و آن این که در گوشه‌ای از دنیا - به ذهنم است می‌گوید در یک جزیره‌ای دور افتاده‌ای - یک حکومت اسلامی تشکیل بدهند؛ نفس تشکیل یک حکومت اسلامی در گوشه‌ای از این دنیای بزرگ اثرش از هزاران کتاب، هزاران سخنرانی، هزاران مطلب نکته‌دار در ترویج دین، بیشتر است. ما این را امتحان کردیم. نظام اسلامی وقتی تشکیل شد، فریاد اسلام وقتی از حلقوم آن مرد بزرگ و شجاع و بی‌نظیر خارج شد؛ امام بزرگوار ما - که هیچ شخصیتی از این شخصیت‌های مصلح اسلامی تاریخ‌مان را با او نمی‌توانیم قیاس کنیم. من با شرح حال بزرگانی از مصلحان از قبیل سید جمال‌ها و دیگرانی که بودند، آشنا هستم. هیچ کدام با این مرد بزرگ، این امام عزیزی که خداوند توفیق داد ما زمان او را درک کردیم، قابل مقایسه نیستند. با آن شجاعت، با آن صراحت، با آن احساس عزت، از اسلام حرف زد -ناگهان همه‌ی دنیای اسلام قلوب‌شان

متوجه به اسلام شد. امروز شما در هر کدام از دانشگاه‌های کشورهای اسلامی بروید، بین دانشجویان و طبقه‌ی تحصیلکرده‌ی جوان، گرایش و عشق به اسلام را می‌بینید. این‌ها همان‌هائی بودند که کمونیست‌ها آن‌ها را به راحتی جذب می‌کردند؛ جریان‌های گوناگون ملحد به راحتی آن‌ها را به خودشان متمایل می‌کردند. امروز این گرایش‌ها به حداقل رسیده. نگاه، نگاه به اسلام است. این همه که شما می‌بینید از سوی دولت‌های مرتجع، دولت‌های وابسته، دولت‌های اسیر و ذلیل در منطقه‌ی ما علیه انقلاب کار انجام می‌گیرد، به خاطر همین است؛ می‌ترسند؛ گرایش‌ها را می‌بینند؛ علاقه‌ی صمیمی و قلبی به خصوص جوان‌های‌شان و ملت‌شان را به این انقلاب و به این نظام و به این پرچم برافراشته‌ی اسلام در این‌جا می‌بینند. این را می‌بینند، به وحشت می‌افتند، بنا می‌کنند فعالیت کردن. منتها فعالیت‌ها جورواجور است. دیگر حالا بخواهیم نوع فعالیت‌ی را که سلاطین و رؤسای ظالم مسلط بر کشورهای اسلامی دارند نسبت به انقلاب اسلامی انجام می‌دهند و بی‌انصافی‌هائی که می‌کنند، بشماریم، یک فهرست طولانی است؛ یک قائمه‌ی طولانی است. از بسیاری‌اش هم شماها شاید مطلع‌اید. این به خاطر همین است؛ چون اثر دارد. اگر انقلاب اسلامی این تأثیر شگرف و عمیق و ماندگار و زیر و رو کننده را نداشت، این قدر با انقلاب اسلامی مبارزه نمی‌کردند؛ آن هم کسانی که اسم‌شان مسلمان است.

عزیزان من! مسأله‌ی دعوی شیعه و سنی که شما می‌بینید در یک دوره‌ای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی داغ‌تر از قبل شد، ناشی از این است. در دوره‌ی حکومت اسلامی، ناگهان دیدیم دعوی شیعه و سنی در ایران، در عراق و در کشورهای دیگر داغ‌تر شده. الان کس‌هائی را در بعضی از کشورها به اتهام این که دارند شیعه را ترویج می‌کنند، می‌گیرند!

حرف بی‌محتوا و غلط و دروغ. آن‌هم در کشورهایی که مردم‌شان محبّ اهل بیت‌اند؛ اهل سنت‌اند، لیکن اهل سنتِ محبّ اهل بیت، عاشق اهل بیت. این را ما می‌بینیم و دیدیم.

کار به جایی رسید که خیلی از عرب‌ها که از روی علاقه و محبّت به رادیوهای ایران در آن اوائل انقلاب گوش می‌کردند، زبان فارسی را یاد گرفتند. افراد متعدّدی در آن سال‌های اوّل با بنده ملاقات می‌کردند، می‌گفتند ما فارسی را از روی عشق و علاقه‌ی به انقلاب یاد گرفتیم. همین‌طور دائم به رادیوی فارسی که نمی‌فهمیدیم چه می‌گوید، گوش دادیم، به تدریج فارسی را یاد گرفتیم. فارسی حرف می‌زدند؛ بلد بودند. نفوذ انقلاب این است. سیّد قطب درست گفت. از هزاران کتاب، اثر این -نظامی که بر اساس اسلام به وجود آمده- بیشتر است.

اگر سال‌های اوّل می‌توانستند این نظام را دفن کنند، به ضرر اسلام تمام می‌شد. می‌گفتند ببینید اسلام نمی‌تواند. یک انقلابی راه انداخت، یک نظامی سر کار آورد، دو سال بیشتر نتوانست عمر کند؛ پنج سال بیشتر نتوانست عمر کند. اگر نظام اسلامی می‌ماند اما پیشرفت نمی‌داشت، به ضرر اسلام بود. می‌گفتند بله، یک نظام اسلامی آمده، مردم را برده است به دوران ما قبل تاریخ؛ نه علمی، نه پیشرفتی، نه تکنولوژی‌ای. اما انقلاب اسلامی هم ماندگار شد، هم ریشه‌دار شد، هم پیشرفت علمی محیرالعقول کرد، هم نسل جوان فرزانه و نخبه‌ای را تحویل داد. این که شما می‌شنوید که می‌گویند ایران در سلول‌های بنیادی هشتمین کشور دنیاست، این حرف خیلی بزرگی است؛ ایرانی که از همه‌ی امکانات پیشرفت او را محروم کرده بودند. وقتی نظام اسلامی، این کشور را تحویل گرفت، زیرساخت‌ها مطلقاً مناسب با این پیشرفت‌های علمی نبود. وقتی می‌گویند جمهوری اسلامی با فرستادن ماهواره به فضا -که

چشم رقا و دشمنان جمهوری اسلامی را خیره کرد- دهمین یا نهمین کشوری است که این کار را انجام می‌دهد، این خیلی حرف بزرگی است. ایران؟! کی کرد این را؟ نظام اسلامی. کی علم را این جور پیش برد؟ کی نهضت علمی را در کشور به وجود آورد؟ کی آن هوش ذاتی ایرانی را در خدمت ابتکار و نوآوری قرار داد؟ نظام اسلامی. پس نظام اسلامی هم ماندگاری خودش را نشان داد، هم توانائی خودش را برای پیشبرد یک ملت.

این می‌شود مایه‌ی افتخار برای مسلمین، مایه‌ی اعتزاز برای هر مسلمی در هر نقطه‌ی از عالم. آن وقت دشمنی‌ها شروع می‌شود؛ یعنی شدت پیدا می‌کند. شما اگر تو خیابان به یکی یک تلنگر بزنید، حداکثر این است که خشمگینانه نگاهی به شما بکند؛ رد می‌شود می‌رود. اگر یک مشت بزنید، برمی‌گردد دوتا به شما حرف درشت می‌زند. اما اگر یک ضربه‌ی کاری بزنید، یقه‌ی شما را می‌گیرد و رهای‌تان نمی‌کند. این که می‌بینید یقه‌ی جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را می‌گیرند و رها نمی‌کنند، نشانه‌ی این است که ضربه‌ای که جمهوری اسلامی بر پیکر استکبار وارد کرده است، خیلی عمیق بوده. دشمن ما فلان گروهک منزوی با چهارتا آدم کوچک یا بزرگ نیست. دشمن ما فلان دولت منطقه‌ای عاجز و ناتوان نیست که تو ملت خودش هم پایگاهی ندارد. دشمن ما دستگاه عظیم استکبار است که مهم‌ترین تصمیم‌گیرهایش سرمایه‌داران صهیونیست و کمپانی‌دارها و تراست‌دارها و کارتل‌دارهای گردن‌کلفت دنیايند. این، در مقابل نظام اسلامی ایستاده است و البته از همه‌ی شیوه‌ها هم استفاده می‌کند. ضربه به او خورده است که این جور می‌بینید از همه‌ی امکانات استفاده می‌کند، از همه‌ی وسائل استفاده می‌کند. حالا از ایجاد واگرایی نسبت به عقاید اسلامی، سوق دادن جوان به مواد مخدر،

به فساد، به استفاده‌ی از غفلت بعضی از دستگاه‌ها، جوان‌ها را آسیب‌پذیر کردن، تا اختلافات مذهبی، تا اختلاف شیعه و سنی، تا فلان گروهک؛ و اگر دستش برسد در متن مسئولین بالا و نیمه‌بالای جمهوری اسلامی هم نفوذ بکند، این کار را هم می‌کند. همه‌ی تلاش را دارند می‌کنند. با همه‌ی این تلاش‌ها مؤمنین ایستاده‌اند: «کالجبل الراسخ لا تحترکه العواصف»^۱. این تندبادها نمی‌تواند جمهوری اسلامی را تکان بدهد.

ما به دل خودمان نگاه می‌کنیم، به دل مردم‌مان نگاه می‌کنیم، رحمت الهی را مشاهده می‌کنیم. وقتی می‌بینیم عزم‌مان راسخ است، وقتی می‌بینیم تحریک دشمن ما را متحرک نمی‌کند، اخم او ما را نمی‌ترساند، وعده‌ی او ما را به او دل‌خوش و خوش‌بین نمی‌کند، می‌فهمیم رحمت الهی است؛ خدای متعال پشت سر همه‌ی این عوامل ظاهری و مادی است؛ دست قدرتمند الهی پشت این نظام است و دارد او را به پیش می‌برد؛ دارد هدایت می‌کند. «اللّٰهُمَّ اِنَّمَا يَكْتَفِي الْمَكْتُفُونُ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ»^۲. در دعای صحیفه‌ی سجادیه - من توصیه می‌کنم همه‌ی شما را که با صحیفه‌ی سجادیه انس پیدا کنید؛ دعا‌های امام سجاد (سلام‌الله علیه) - آمده: همه‌ی کسانی که در دنیا قدرتی دارند، اکتفاء ذاتی‌ای دارند، ریزه‌خوار قدرت تو هستند؛ در مشت قدرت تو هستند. «فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنَا وَآتِنَا يَعْطَى الْمَعْطُونُ مِنْ فَضْلِ جَدَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْطِنَا وَآتِنَا يَهْتَدَى الْمَهْتَدُونَ بِنُورِ وَجْهِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاهْدِنَا»^۳. اعتماد به خدا، اکتفاء به کفایت الهی، پشت‌گرمی به رحمت و هدایت خدا، مگر می‌گذارد انسان ناامید شود. به مردم

۱- صحیفه‌ی سجادیه، دعای پنجم.

۲- صحیفه‌ی سجادیه، دعای پنجم.

۳- صحیفه‌ی سجادیه، دعای پنجم.

خودمان هم که نگاه می‌کنیم، عین همین را می‌بینیم. اگر کردستان است، اگر سنی‌اند، اگر بلوچ‌اند، اگر شیعه‌اند، اگر اصفهانی‌اند، اگر شیرازی‌اند، انسان می‌بیند در اعماق دل مردم نشانه‌ی رحمت الهی پیداست؛ دل‌ها را خدای متعال قرص کرده است. خیلی خوب، خدا حجت را بر ما تمام کرده؛ این امکان، این زمینه. حرکت کنید پیش بروید. روحانی این زمان از این امکان باید حداکثر استفاده را بکند، با افکار جدید آشنا شوند، راه‌ها و شیوه‌های دشمن را بشناسند و به زمان خودشان عالم شوند؛ «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس»^۱. درست مثل جبهه‌ی جنگ. شاید بسیاری از این جمع حاضر جبهه‌های جنگ را دیده باشند - حالا جوان‌ترها آن روزها را ندیده‌اند - در داخل جبهه‌ی جنگ، از اطراف گلوله‌ی توپخانه می‌آید، خمپاره می‌آید، انواع و اقسام آتش از اطراف می‌بارد و از بالای سر انسان رد می‌شود؛ به طوری که گاهی انسان جهت‌گیری را گم می‌کند؛ نمی‌داند این گلوله‌ای که دارد می‌آید، از طرف دشمن دارد می‌آید، یا از طرف دوست دارد مواضع دشمن را می‌کوبد. این خیلی خطر بزرگی است. برای یک رزمنده بزرگ‌ترین خطر این است که جهت‌گیری را گم کند؛ نداند دشمن کجاست؟ دوست کجاست؟ اگر ندانست دشمن کجاست و دوست کجاست، آن وقت ممکن است به طرف دوست آتش کند؛ به خیال این که دارد به طرف دشمن آتش می‌کند. این‌ها خیلی خطرناک است. بعضی از ما به طرف دوستانمان آتش می‌کنیم، خیال می‌کنیم به طرف دشمن داریم آتش می‌کنیم! بعضی از ما غفلت می‌کنیم از این که ایجاد اختلاف مذهبی، نقشه و طرح دشمن است برای این که ما را مشغول به خودمان کند. غفلت می‌کنیم؛ همه‌ی همت یک شیعه می‌شود

کوبیدن سَنّی، همه‌ی هَمّت یک سَنّی می‌شود کوبیدن شیعه. خوب، این خیلی تأسّف‌آور است. و دشمن این را می‌خواهد.

ببینید، در قضیه‌ی حمایت از فلسطین - این یک مثالی است می‌خواهم بزنم - هیچ کشور و هیچ دولتی به گرد جمهوری اسلامی نرسید. این را همه‌ی دنیا تصدیق کردند. جوری شد که بعضی از کشورهای عربی از ناراحتی دادشان بلند شد، گفتند ایران دارد برای مقاصد خود این‌جا تلاش می‌کند! البته فلسطینی‌ها به این حرف اعتنائی نکردند. از جمله در قضیه‌ی غزه - در این جنگ بیست و دو روزه‌ی چند ماه قبل - جمهوری اسلامی در همه‌ی سطوحش؛ از رهبری و ریاست جمهوری و مسئولین گوناگون و مردم و تظاهرات و پول و کمک و سپاه و غیره، همه در خدمت برادران فلسطینی مظلوم و مسلمان قرار گرفتند. در بحبوحه‌ی این حرف‌ها، یک وقت دیدیم که ویروسی دارد تکثیر مثل می‌کند؛ دائم می‌روند پیش بعضی از بزرگان، بعضی از علماء، بعضی از محترمین، که آقا! شما دارید به کی کمک می‌کنید؛ اهل غزه ناصبی‌اند! ناصبی یعنی دشمن اهل بیت. یک عده هم باور کردند! دیدیم پیغام و پَسغام که آقا، می‌گویند این‌ها ناصبی‌اند. گفتیم پناه بر خدا، لعنت خدا بر شیطان رجیم خبیث. در غزه مسجد الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب هست، مسجد الامام الحسین هست، چطور این‌ها ناصبی‌اند؟! بله، سَنّی‌اند؛ اما ناصبی؟! این جور حرف زدند، این جور اقدام کردند، این جور کار کردند. نقطه‌ی مقابلش هم هست: یک عده بلند شوند بروند قم، لابلای کتاب‌های شیعه را نگاه کنند، ببینند کجا اهانت به مقدّسات اهل سنّت است، از او عکس بگیرند، بیایند تو محافل سَنّی پخش کنند، ببینید آقا! این کتاب‌های شیعه است. یا یک گوینده‌ی نادان، غافل یا مغرضی روی منبر نسبت به مقدّسات اهل سنّت حرف مهمّل و بدی

بزند؛ این را نوار کنند، سی‌دی کنند، بروند این جا آن جا پخش کنند، بگویند ببینید آقا! این شیعه است. این را به او بدین کنند، او را به این بدین کنند. این معنایش چیست؟ «و تذهب ریحکم»^۱ یعنی چه؟ یعنی همین دیگر. وقتی اختلاف پیدا شد، وقتی تفرقه پیدا شد، وقتی نسبت به هم سوءظن وجود داشت، وقتی یکدیگر را خائن دانستیم، طبیعی است که با هم همکاری نخواهیم کرد. همکاری هم اگر بکنیم، با هم صمیمی نخواهیم بود. این همان چیزی است که آن دشمن دنبال اوست. هم عالم شیعه، هم عالم سنی، باید این را بفهمند؛ این را درک کنند. بدیهی است دو تا مذهب در برخی از اصول، در برخی از فروع با هم اختلاف دارند؛ البته در بسیاری هم با هم اتحاد دارند. اما اختلاف به معنای دشمنی نیست. فتاوی‌ای فقهای شیعه در مواردی صد و هشتاد درجه با هم اختلاف دارد. فتاوی‌ای ائمه‌ی اهل سنت در مواردی بسیار با هم دیگر اختلاف دارد؛ اما لزومی ندارد وقتی اختلاف دارد، انسان به هم دیگر بدگوئی کنند و فحش بدهند. خیلی خوب، او مذهبش این است، آن هم مذهبش این است...^۲ بله، اهل سنت همین است. یعنی هیچ کس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر مخصوص و متعلق به شیعه‌اند؛ نه، مال همه‌ی دنیای اسلام‌اند. چه کسی است که فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین (علیهما‌السلام) سید‌ا شباب اهل‌الجنته را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه‌ی بزرگوار شیعه را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب‌الاطاعه و مفروض‌الطاعه

۱- سوره‌ی مبارکه‌ی انفال، آیه‌ی ۴۶.

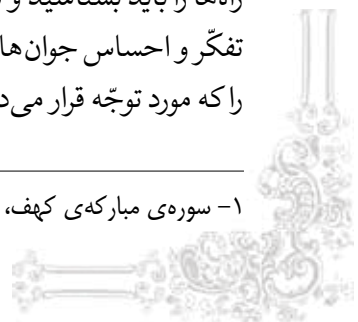
۲- یکی از افراد حاضر در جلسه این شعر را قرائت کرد:

آل‌النَّبِیِّ ذریعتی / و هم الیه وسیلتی
ارجو بهم اعطی غذا / بید الیمین صحیفتی

می‌داند، یکی نمی‌داند؛ اما قبول‌شان دارند. این‌ها حقایقی است، باید این‌ها را فهمید، باید این‌ها را نهادینه کرد. بعضی البتّه این را نمی‌فهمند، متحرّک به تحریک دشمن می‌شوند. در حالی که خیال می‌کنند که کار درست را انجام می‌دهند. «قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا. الذین ضلّ سعيهم فی الحیاة الدّنيا و هم یحسبون انّهم یحسنون صنعا»؛ خیال می‌کنند کار خوب می‌کنند، غافل از این که دارند برای دشمن کار می‌کنند. این خصوصیتِ زمان ماست.

صحبت من طولانی شد. البتّه حرف با شما خیلی داریم. برای علماء و به خصوص برای طلاب جوان خیلی حرف گفتنی هست؛ منتها مجال‌ها کم است. اگر مجال بیشتری بود، اگر حال بیشتری بود، حرف‌های بیشتری برای گفتن وجود دارد. اجمالاً بدانید که امروز دشمنی با اسلام از گذشته جدّی‌تر است، دلیل آن هم وجود حاکمیت اسلام در این‌جاست. از حاکمیت اسلام، از پرچم برافراشته‌ی اسلام در ایران، احساس خطر می‌کنند. این پرچم را باید محکم نگه دارید. این حاکمیت را باید همه قدر بدانند. هر که به اسلام علاقه‌مند است، هر که به قرآن معتقد است، باید این حاکمیت را قدر بداند. این، هدف و جهت کلی است.

از لحاظ عملی هم توجّه به آن نکته‌ی اوّلی که عرض کردم؛ زمان پیش رفته، تغییر زیاد شده، راه‌های نفوذ در ذهن جوان‌ها زیاد شده. این راه‌ها را باید بشناسید و به خصوص باید مواجهه‌ی با دشمن را در حوزه‌ی تفکر و احساس جوان‌ها اهمّیت بدهید و بدانید که دشمن اوّلین نقطه‌ای را که مورد توجّه قرار می‌دهد، آن نقطه‌ی فعّال است که یکی از بخش‌های





آن، عبارت است از نسل جوان؛ چون امید به نسل جوان است و سازنده‌ی آینده، نسل جوان است، لذا آن‌جا را دشمن هدف قرار می‌دهد. البته یکی از نقاط حساس هم علمای دین هستند؛ دشمن آن‌جا را هم به انواع مختلف و اشکال گوناگون هدف قرار می‌دهد. شاهدش هم همین فشارهایی است که وجود دارد و جناب آقای موسوی^۱ اشاره کردند که علمای کردستان در سال‌های اول انقلاب چه فشارهایی را متحمل شدند و شهدای زیادی دادند -هفتاد نفر- که دیروز توفیق پیدا کردیم بر سر مزار بعضی از این شهیدان عزیز در گلزار شهداء حاضر شدیم، فاتحه‌ای برای‌شان قرائت کردیم. امیدواریم خداوند درجات شهداء را روز به روز عالی‌تر کند.

پروردگارا! آن‌چه را که گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده؛ به کرم‌ت آن را از ما قبول کن.

پروردگارا! به محمد و آل محمد توفیقات خود، رحمت خود، فضل خود را بر ملت ایران، بر یکایک آحاد این جمع نازل بفرما.
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۳۸۸/۰۲/۲۳

بیانات در دیدار برگزیدگان استان گُردستان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

این جلسه برای من بسیار جلسه‌ی شیوا و دل‌نشینی است. اگر چه دوستان و برادران بیانات خوبی -شافی و وافی- کردند و دو ساعت و اندی در خدمت‌تان بودیم، لیکن من هیچ خسته نیستم و آماده هستم و آماده بودم که از دیگر حضار مجلس هم مطالبی را بشنوم. البته ظهر نزدیک است و به وقت اذان و نماز نزدیک می‌شویم؛ محدودیت‌مان فقط از این ناحیه است؛ و الاً من هیچ خسته نیستم. این را از این باب گفتم که تو بیان این مجری محترم اشاره شد که فلانی خسته است؛ نه، من هیچ احساس خستگی نمی‌کنم و آماده هستم که بشنوم، لیکن وقت محدود است و قهراً تا ظهر بیشتر وقت نیست.

آن‌چه که دوستان، برادران، خواهران فرمودید، برای من از دو نظر بسیار مفید بود. یکی از جهت خود این مطالب که نکاتی در آن وجود داشت؛ چه در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، چه در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و هم‌چنین زمینه‌های متنوع دیگر که این‌ها ان‌شاءالله مورد استفاده‌ی ما قرار خواهد گرفت و امیدواریم در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های آینده از این نظرات خوب بهره‌برداری کنیم. جهت دوم این است که من توانستم در یک نمایشگاه محدودی، ظرفیت نیروی انسانی برجسته‌ی این استان را به چشم ببینم. اگر چه من با آثار بخشی از نخبگان گُرد از دیرباز آشنائی داشته‌ام.

به مناسبت حضور آقای احمد قاضی که اطلاع پیدا کردیم ایشان

برادر مرحوم محمد قاضی، مترجم معروف، هستند، بگویم که من شاید چهل سال پیش یا بیشتر، اولین ترجمه را از مرحوم محمد قاضی خواندم که گمان می‌کنم ترجمه‌ی کتاب «مهاتما گاندی» نوشته‌ی رومن رولان بود. هم کتاب، کتاب بسیار ممتازی است، هم ترجمه‌ی محمد قاضی حقاً ترجمه‌ی برجسته و ممتازی است. البته چند سال بعد هم ترجمه‌ی دیگر ایشان را از یک اثر بسیار مهم دیگری از رومن رولان خواندم که «جان شیفته» - است به نظرم سه، چهار جلد است - با نثر بسیار فاخر و حقیقتاً مرصع و مزین. البته من از جهت این که ترجمه چقدر با اصل مطابق است، اظهار نظری نمی‌توانم بکنم؛ کسانی که زبان اصل را می‌دانند، آن‌ها باید اظهار نظر کنند، لیکن از نظر زبان و نثر، حقاً یک چیز برجسته‌ای است. ما با آثار مترجمین و نویسندگان فارسی آشنا هستیم و تقویم و ارزیابی این آثار، فی الجمله در ذهن هست. با این محاسبه، به نظر من ترجمه‌ی مرحوم قاضی ترجمه‌ی برجسته‌ای است. من البته خود ایشان را هم یک بار دیدم؛ در اواخر دوران ریاست جمهوری در شیراز در کنگره‌ی حافظ با ایشان ملاقات کردم - ایشان را معرفی کردند - حنجره‌ی ایشان مشکلی پیدا کرده بود، با میکروفون صحبت می‌کرد؛ چند جمله‌ای با ایشان صحبت کردیم.

یا نثر مرحوم عبدالرحمن شرف‌کندی (هه‌زار) که دوستان اشاره کردند. حقاً کار بسیار بزرگی را انجام داده؛ این ترجمه‌ی کتاب قانون ابن‌سینا یک کار پیچیده و مرکب و بسیار ارزشمند است. هزار سال این کتاب که به زبان عربی به وسیله‌ی یک ایرانی نوشته شده و در طول قرن‌ها در دانشگاه‌های بزرگ پزشکی عالم مورد استفاده قرار گرفته، به فارسی ترجمه نشده بود. من اطلاع داشتم که تا اندکی قبل، مثلاً شاید تا صد سال قبل، در مدارس پزشکی کشورهای اروپائی، قانون به عنوان یک

مرجع مطرح بوده و به زبان‌های اروپائی ترجمه شده بوده؛ اما فارسی‌زبان از دانستن قانون محروم بود! در سال‌های اواسط ریاست جمهوری به این نکته توجه کردم که ما چرا قانون را ترجمه نکردیم. یک جمعی را صدا کردم، گفتم بیائید همت کنید قانون را ترجمه کنید. یک حکمی داده شد و رفتند دنبال این کار. خوب، این کارها عشق لازم دارد؛ با حکم و با فرمان این کارها انجام نمی‌گیرد. در همین اثنا به من خبر دادند که این کتاب ترجمه شده و -به نظرم کتاب حدود هشت جلد است- کتاب مرحوم هزارار را آوردند. من کتاب را که خواندم -حالا ما نه از پزشکی سر رشته داریم، نه نشسته‌ام این کتاب را با متن عربی قانون تطبیق کنم- دیدم هر کسی این کتاب را بخواند، حقاً و انصافاً در مقابل استحکام و استواری این نثر زیبا سر تعظیم فرود می‌آورد. خیلی خوب این ترجمه انجام گرفته. من البته ایشان را نمی‌شناختم؛ پرسیدم، گفتند ایشان گُرد هستند. بعد هم چند سال قبل اطلاع پیدا کردم ایشان از دنیا رفتند.

یا با بعضی از شعرای گُرد آشنا هستم که مرحوم ستوده، سید بزرگوار، از جمله آن‌هاست که شاعر خیلی خوبی هم بود. با ایشان از اوایل انقلاب تا همین اوقاتی که ایشان مریض شد و آمد سندج ماند و همین جا هم ظاهراً از دنیا رفت، انس و آشنائی پیدا کردیم. یا مرحوم گلشن گُردستانی که قبل از این که خودش را ببینم، شعرش را من دیده بودم و خودش را هم از نزدیک مشاهده کردم. این آشنائی‌های فی‌الجمله هست و شخصیت فرهنگی مردم گُرد، به عنوان یک حقیقت ثابت و روشن در ذهن بوده، اما امروز از نزدیک -همان‌طور که گفتم- یک نمایشگاه را در واقع من ملاحظه کردم و این برای من بسیار مغتنم و ارزشمند بود. ای کاش این فرصت پیدا می‌شد که تعداد بیشتری از فرزندگان این استان می‌آمدند این‌جا و ذهن و دل و زبان و فکر خود را

نشان می‌دادند که برای من یقیناً مفیدتر بود. ان شاء الله از آن‌چه که دیدیم و فهمیدیم، امیدوارم که بتوانیم بهره‌ی کافی در جهت پیشرفت کشور عزیزمان و این استان غنی و پُر بار ببریم.

در این دو روزی که از حضور من در کردستان گذشته، در صحبت‌هایی که من داشتم، بیشتر غلبه با توصیف دلیری‌های مردم کرد بوده است؛ چه در دیدار عمومی، چه در دیدار نظامی، چه در بعضی از بخش‌های دیگر، لیکن حَقّاً و انصافاً من این جور یادداشت کردم که زیبایی‌های دیگر این مجموعه‌ی انسانی و این بخش جغرافیائی کشور، بر جنبه‌ی دلیری و شهامت و شجاعت این مردم که یکی از خصوصیات‌شان است، غلبه دارد. زیبایی‌های زیادی در این استان هست: اخلاق خوش، صدای خوش، طبیعت زیبا، شعر لطیف، ادبیات والا، فکر روشن، دل باایمان؛ این‌ها را انسان در این جا مشاهده می‌کند و می‌بیند و حَقّاً و انصافاً جای قدردانی دارد.

خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی این بخش ارزشمند، مورد احترام و مورد تمجید است. ما در نظام اسلامی، قدردانی می‌کنیم و قدر می‌دانیم؛ این ارزش‌های معنوی و فرهنگی را در هر جایی که وجود داشته باشد، مغتنم می‌شماریم؛ چه در کردستان، چه در فارس، چه در اصفهان، چه در خراسان. انتظار این است که این حقیقت و این معنای واقعی را نخبگان کرد - اگر چه حالا در بیانات دوستان این معنا منعکس بود، من هم می‌دانم که بلاشک بخشی از نخبگان کرد همین جور می‌بینند و می‌اندیشند - منتقل و منعکس کنند. نظام جمهوری اسلامی مطلقاً با نگاه تبعیض‌آمیز نگاه نمی‌کند؛ نه به کردستان و نه به هر نقطه‌ی ویژه‌ی دیگری در سرتاسر کشور. این که ما بارها تکرار کردیم که تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً

برای ما تنوع اقوام یک فرصت است. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا، یک‌جانبه‌نگر نیست؛ این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست، که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته - در دهه‌ی ۶۰، زمان حیات مبارک امام (رضوان‌الله تعالی علیه) - چنین چیزی نبوده. نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانی‌ت. همه‌ی مسلمان‌ها و همه‌ی ایرانی‌ها در این نگاه، در محدوده‌ی جغرافیائی کشور دارای ارزش هستند. این فکر را نظام جمهوری اسلامی می‌خواهد نهادینه کند.

این استان به نظر من یک استان فرهنگی است؛ من این را مکرر گفته‌ام. سعی کردند این استان را یک استان امنیتی و یک استان نظامی کنند. حقیقت را واژگون جلوه دادند. این کار را جمهوری اسلامی که نکرد و به طور طبیعی نمی‌توانست بکند. کی‌ها کردند؟ دشمنان نظام جمهوری اسلامی. آن‌ها تبلیغ کردند که نظام جمهوری اسلامی، قوم‌گرا یا مذهب‌اهل‌تسنن را نمی‌پسندد یا نمی‌پذیرد. این دروغ بود؛ این خلاف واقع بود. بعد هم روشن شد، ثابت شد، همه دیدند. این نگاه، نگاه رژیم طاغوت بود. طبیعت آن رژیم، یک نگاه تبعیض‌آمیز بود؛ نه فقط نسبت به قوم کرد، به اقوام گوناگون کشور با انگیزه‌های گوناگون و با دلایل مختلف. این نگاه در جمهوری اسلامی منسوخ شد. خوب، دشمن‌ها نمی‌خواستند این را بگذارند؛ منافعی داشتند در این که این نقطه‌ی از کشور، آن‌چه را که طبیعت نظام جمهوری اسلامی است، تحقق پیدا نکند. بخشی از این مشکلات اقتصادی و عقب‌ماندگی‌ها که همه‌اش واقعیت است - این‌ها را من تو گزارش‌ها هم خوانده‌ام و همین چیزی را که آقایان گفتند، اطلاع دارم. این‌ها واقعیاتی است که باید قطعاً علاج

شود - معلول همان خباثت‌ها و دشمنی‌ها و خصومت‌های کور و شدیدی است که در آغاز این اوضاع را در این استان به وجود آورد و آن‌ها به هدایت دشمنان بود. و من بر این باور هستم که جمهوری اسلامی غلبه کرده، لیکن نه به این معنا که این دشمنی‌ها ریشه‌کن شده باشد. مسئولیت ما و شما هم‌چنان باقی است. همه باید تلاش کنند که کردستان و منطقه‌ی کردی را با این همه استعداد - استعداد طبیعی، استعداد انسانی - به جایگاه متناسب خودش در مجموعه‌ی میهن بزرگ اسلامی عزیزمان برسانند. عده‌ای نمی‌خواهند این کار انجام بگیرد. همین حالا هم دارند تلاش می‌کنند. دوست ندارم من تو این جمع فرهنگی از نکاتی که برای انسان دل‌آزار است، مطلبی را بگویم، اما واقعیت دارد؛ این را سربسته و مجمل بدانید و توجه داشته باشید. دشمن مشغول تلاش است. الان در همین پشت مرزهای ما - دیروز هم من یک جایی اشاره کردم - دستگاه‌های جاسوسی استکبار، علناً مشغول فعالیت‌اند. یعنی ساختمان سی.آی.ای به طور رسمی و علنی در منطقه‌ی کردستان عراق مشغول کار و تلاش و فعالیت‌اند و تلاش آن‌ها علیه جمهوری اسلامی و بر روی هدایت هر جریانی که از او بتوانند ضد نظام جمهوری اسلامی استفاده کنند، متمرکز است. این‌ها تحلیل نیست، این‌ها اطلاع است؛ این‌ها آگاهی‌هائی است که ما داریم. و هوشیاری را می‌طلبد. حالا دستگاه‌ها باید هوشیار باشند. از مردم هم توقعاتی وجود دارد. اما از نخبگان کشور و نخبگان منطقه انتظار بیشتری هست. شما عزیزانی که دردها را خوب می‌فهمید، خوب می‌شناسید، درمان‌ها را خوب می‌دانید، با ذهن روشن بین خودتان اشراف بر خیلی از مسائلی دارید که توده‌ی مردم بر آن‌ها اشراف ندارند، از شما انتظار هست. نظام جمهوری اسلامی یک سخن نو را به میدان آورده؛ بر خلاف آن‌چه که تبلیغ می‌کنند و می‌گویند - که این تبلیغ هم باز از سوی

دشمنان و مخالفین نظام جمهوری اسلامی است - جمهوری اسلامی دشمن تراش نیست، تشنج‌آفرین نیست، دعوا درست‌کن نیست، دنبال دردرس نیست. اگر دردسری وجود دارد، ناشی از طبیعت نظام جمهوری اسلامی است. این طبیعت عبارت است از نگاه مستقل به مسائل عالم و تحت تأثیر قدرت‌ها قرار نگرفتن در کوچک و بزرگ مسائل. این از تعالیم اسلام است، این آموزش اسلام است، این هم دستوری است که اسلام به ما داده است. اسلام نخواسته است که ملت مسلمان در جهت‌گیری‌اش، در حرکتش، در سیاست‌هایش، در تصمیم‌گیری‌هایش تابع مراکزی باشد که مصالح استکباری خودشان و نگاه منفعت‌طلبانه‌ی خودشان را دارند. باید نگاه کند آنچه را که منافع ملت و امت اسلام اقتضاء می‌کند، مسئولان حکومت موظف‌اند آن را رعایت کنند. ما بر این اساس تحت تأثیر سیاست‌های قدرت‌های مستکبر و مسلط قرار نگرفتیم. در قضایای گوناگون رأی آن‌ها چیزی بود، رأی نظام جمهوری اسلامی چیز دیگری بود. این برای آن‌ها قابل قبول نیست، بنابراین دشمنی را آغاز می‌کنند. نظام جمهوری اسلامی ناچار است از خودش دفاع کند. طبیعت ایستادگی، طبیعت استقلال همین است؛ اصطکاک به وجود می‌آورد. می‌شد ملت ایران هم حکومتی داشته باشند که این حکومت زیر بار زورگوئی‌های این و آن برود. آن وقت این اصطکاک‌ها مسلماً وجود نمی‌داشت؛ اما آنچه که وجود نمی‌داشت، فقط این اصطکاک‌ها نبود؛ چیزهای دیگری هم بود که آن‌ها هم دیگر وجود نمی‌داشت: عزت ملی دیگر وجود نداشت، پیشرفت ملی دیگر وجود نداشت؛ هم‌چنانی که در دوران طاغوت دیدیم.

این آماری که من آن روز در میدان بزرگ این شهر گفتم، آمار عبرت‌آموزی است. این استان شما با این همه امکانات، سی سال

قبل، تعداد دانشجویش سیصد و شصت و پنج تاست؛ طبق آماری که آمار رسمی و محفوظ است. نسبت سواد در استان بیست و نه درصد است. بله، آن روز این مشکلاتی که امروز برای استان تصوّر می‌شود، نبود؛ اما با این هویت، با این وضعیت، با این ضعف و حقارت. این قابل تحمّل است؟ و این را شما تعمیم بدهید به ملت ایران؛ همه جا همین جور بود. کتاب‌ها و خاطراتی را از دوران طاغوت، کسانی که خودشان جزو آن مجموعه‌ها بودند، نوشته‌اند که انسان وقتی می‌خواند، عرق شرم بر پیشانیاش می‌نشیند. بزرگان و تصمیم‌گیران کشور برای انتخاب نخست‌وزیر، برای تصمیم‌گیری در مسائل صددرصد داخلی، برای خطوط اصلی کشور، ناچار بودند سراغ سفیر آمریکا و سفیر انگلیس بروند، استمزاج کنند ببینند آن‌ها مخالف نباشند! این حرفی نیست که مخالفین آن رژیم بخوانند درست کرده باشند؛ نه، حرف‌هایی است که خود آن‌ها نوشته‌اند. البته تو همین اسنادی هم که در اختیار ما قرار گرفت، این چیزها وجود داشت و حالا هم صریحاً دارند می‌نویسند.

همین روزها کتابی دست من است دارم می‌خوانم که انسان واقعاً حیرت می‌کند. کو آن غرور ملی؟! کو آن عزّت ملی؟! کو آن احساس افتخار به ایرانی بودن؟! کو آن تکیه‌ی به این ملّتی که این همه گذشته و میراث تاریخی شرافتمندانه دارد؟! هیچ کدام در دوران رژیم طاغوت وجود نداشت؛ پهلوی‌ها یک جور، قبل از او قاجارها یک جور دیگر؛ یکی از یکی بدتر. نظام جمهوری اسلامی این بساط‌ها را به هم زده. بایستی ما این را به عنوان یک حقیقت بدیع، روشن، ارزشمند در نظر داشته باشیم و محاسبات و اقدام‌ها را بر این اساس قرار بدهیم. من احساس می‌کنم نخبگان محترم و عزیز این استان می‌توانند نقش‌های مهمی را در این بخش که در واقع یک بخش فرهنگی - سیاسی است،

ایفاء کنند.

البته نخبه‌پروری هم یکی از وظائف مهمّ نخبگان هست. همین طور که ملاحظه می‌کنید، جوان‌های برجسته‌ای الحمدلله هستند؛ نظیر همین دختر خانمی که آمدند این‌جا و سخنانی را بیان کردند. انسان احساس می‌کند جوانان دانشجوی ما -چه پسرها، چه دخترها- استعدادهای برجسته‌ای هستند. البته در همه جای کشور این وجود دارد، در این‌جا هم انسان به وضوح می‌بیند که بحمدالله وجود دارد. بخشی از این نخبه‌پروری البته مربوط به دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده و دستگاه‌های دولتی است که به حقّ آن‌ها باید دنبال کنند و البته ان‌شاءالله تأکید خواهد شد که دنبال شود؛ هم این نکاتی را که ذکر کردید و هم همه‌ی وظائف دیگر را؛ اما بخشی هم به عهده‌ی خودِ نخبگان است؛ به عهده‌ی اساتید، معلمان، آموزگاران دین، آموزگاران ادب و فرهنگ، آموزگاران علم در حوزه‌ی کار خودشان و در محدوده‌ی دانشجویی و تعلیم و تربیت خودشان که روی فکر جوان‌ها تأثیر بگذارید. و توجّه کنید که امروز دشمن از بودن یک ایران متحد منسجم پیشرو ناظر به افتخارات بزرگ، نگران و ناراحت است و نمی‌خواهد این کار انجام بگیرد. این حرکت بزرگ امروز در سایه‌ی اسلام که دین ماست، اساسی‌ترین علقه‌ی معنوی ملت ماست، تحقق پیدا کرده و آن‌ها می‌خواهند خرابش کنند. البته نتوانسته‌اند، باز هم به توفیق الهی نخواهند توانست، اما از توطئه‌هاشان نباید غفلت کرد. و به نظر من، نخبگان عزیز و محترم ما، مسئولیت بزرگی دارند.

ضمناً برخی از نکاتی که دوستان بیان کردند، نکات اندیشیده شده‌ای است؛ یعنی رویش فکر شده، کار شده و تصمیم گرفته شده. بعضی هم البته نکات تازه‌ای است که بایستی به آن‌ها توجّه شود.

راجع به آن مسائل مربوط به دانشجویها و محققین دانشگاهی که



گفته شد و این که توجّهی به آن‌ها نمی‌شود، بودجه‌ای صرف نمی‌شود، من این نهاد تازه‌بنیادِ معاونت علمی رئیس‌جمهور را -که بسیار نهاد خوبی است و مرجع همین جور چیزهاست؛ کارهای خوب و بزرگی هم انجام داده‌اند- به شما یادآوری می‌کنم که به نظر من به آن باید توجّه کرد؛ به آن مراجعه کرد. و امیدواریم که خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد.

امروز برای من، این جلسه جلسه‌ی بسیار مفیدی بود؛ هم با شما -به خصوص با بعضی از چهره‌های محترم- از نزدیک آشنا شدیم، هم سخنان خوب و مفید و سازنده‌ای را شنیدیم. و امیدواریم ان شاء الله این جلسه برای آینده‌ی کردستان و آینده‌ی کشور به توفیق الهی منافع بزرگی را به همراه داشته باشد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
۱۳۸۸/۰۲/۲۴

بیانات در دیدار سران و معتمدان عشایر کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه به برکت دل‌های باصفا و روح‌های پُرطراوت عزیزان عشایری، جلسه‌ی بسیار باصفا و سرشار از صمیمیت است. آنچه برادران عزیز در این‌جا درباره‌ی انقلاب عزیز ما، درباره‌ی وفاداری به اصول انقلاب بر زبان جاری کردند، جزو باورهای قلبی این بنده‌ی حقیر است. ما از آغاز انقلاب تا امروز در وفاداری عشایر غیور مؤمن سلحشور این خطه‌ی پُرافتخار و سرافراز، هرگز لحظه‌ای تردید نکرده‌ایم. آنچه هم که شما برادران عزیز و به خصوص این مجری محترم و خوش‌آهنگ

درباره‌ی شخص این بنده‌ی حقیر گفتید، این‌ها هم در حقیقت راجع به انقلاب است. شخص این بنده‌ی حقیر یک ذره‌ای هستم در دریای عظیم این انقلاب بزرگ و این ملت بزرگ.

هرچه ملت ایران دارد و هرچه آحاد این مردم و مسئولین کشور و فداکاران این راه از افتخار کسب کرده‌اند، مربوط به اسلام است، مربوط به این انقلاب بزرگ است، مربوط به آن لطف و رحمت بی‌پایانی است که خدای متعال بر این ملت سایه‌افکن کرد و به برکت آن، این ملت توانست این حرکت عظیم را انجام دهد.

خیلی خوش‌وقت هستم از این که در جمع شما حضور دارم. در بعضی از سفرهای دوران جنگ و حتی قبل از شروع دفاع مقدس، در این مناطق با برخی از این عشایر عزیز و غیور دیدارهایی داشته‌ام، لکن جمع امروز شما که از عشایر سه استان در این جا اجتماع کرده‌اید -استان آذربایجان غربی، استان گوردستان و استان کرمانشاه- یک جمع پُرمعنائی است؛ پیام دارد؛ این جمع با زبان فصیحی حرف می‌زند.

یک ملت آن وقتی جایگاه رفیع خودش را در میان ملت‌های عالم پیدا می‌کند که با عمل خود، با حضور خود با دنیا حرف بزند. ملت ما در دوران سی سال انقلاب، به خصوص در برهه‌های حساس، با عمل خود، خود را اثبات کرد. مفاخر ملی چیزی نیست که با ادعا و حرف اثبات شود؛ ملت عمل کرد. در این عمل و در این اقدام، شما عشایر غیور گرد در این منطقه، جزو نقش‌های حساس و در شمار نقش‌آفرینان برجسته محسوب می‌شوید.

عشایر همان‌طوری که امام فرمودند، ذخائر انقلاب‌اند. همه‌ی عشائر، مرزداران، سنت‌داران، حافظان هویت و حیثیت بومی این کشورند؛ در این هیچ شکی نیست، لکن بعضی از عشایر به مناسبت موقعیت جغرافیائی



و سیاسی و حساسیت‌هایی که در طول این تاریخ پُرفراز و نشیب پیش آمد، فرصت پیدا کردند تا هویت خود را، حقیقت خود را، ذخیره بودن خود را در عمل اثبات کنند و شما عزیزان من، در این زمره قرار دارید. امروز شما گفتید، اما در دوران‌های گذشته، در سال‌های قبل، شما عمل کردید. عمل شما نشان‌دهنده‌ی همین حقایقی است که امروز بیان کردید. گُردستان و منطقه‌ی کردی به خاطر موقعیت‌های خاص خود، از آغاز انقلاب هدف توطئه‌ها قرار گرفت؛ قبل از این که جنگ تحمیلی شروع شود. دشمنان انقلاب اسلامی در این منطقه امیدها داشتند. شخصیت‌هایی از وابستگان رژیم طاغوتی در این منطقه حضور پیدا کردند به امید این که شاید بتوانند از حمایت مردم عشایری غُیورِ مؤمن ما برخوردار شوند و پنجه به چهره‌ی انقلاب بزنند. این‌ها را ما دیدیم، این‌ها را مطلع بودیم. فرق است بین آن عشیره‌ای که در محل استقرار خود قرار گرفته است؛ نه توطئه‌ای هست، نه تحریکی هست، نه بدخواهی‌ای هست، و البته در خدمت انقلاب و کشور قرار می‌گیرد، با آن عشیره‌ای و آن طوایف و عشایری که هدف توطئه‌ی دشمن قرار می‌گیرند و در عین حال محکم و استوار می‌ایستند؛ ما این‌ها را از یاد نخواهیم برد. حافظه‌ی ملت ایران و حافظه‌ی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی این‌ها را ثبت کرده است؛ این‌ها هست. عشایر مرزداری کردند. شما در این منطقه خوب مرزداری کردید.

این‌جا قبائل مختلف بودند، بعضی از این قبائل در میان خود، اختلافات تاریخی و سرزمینی هم داشتند. این قبائل بعضی شیعه بودند، بعضی سنی بودند؛ اختلاف مذهبی هم داشتند. دشمن به این واقعیات به چشم یک فرصت نگاه می‌کرد و می‌خواست از این فرصت علیه انقلاب استفاده کند. عشائر این منطقه دشمن را مأیوس کردند. شما دشمن را

ناکام کردید؛ این خیلی ارزش دارد. عزیزان من! ملت ایران حرکتی در انقلاب اسلامی انجام داد که این حرکت نه فقط برای این منطقه، بلکه برای جهان بشریت مبدأ یک تحول، مبدأ یک نگاه نو، مبدأ یک خط جدید در حرکت فکری بشر شده است و بعد از این، بیشتر خواهد شد. ما از خاستگاه اسلام حرف زدیم، اما آنچه که اسلام برای بشریت و برای سعادت انسان در نظر گرفته است، سودش و فایده‌اش مخصوص معتقدین به اسلام نیست. اسلام می‌گوید در مقابل زورگویی و ظلم بایستید؛ از مظلوم دفاع کنید؛ از فشار قدرتمندان زورگو نهراسید؛ در مقابل توطئه‌ی شیادانی که راهزن زندگی بشوند، هوشیار باشید. اسلام می‌گوید انسان‌ها به فطرت خودشان برگردند. اسلام طرفدار حق است، طرفدار عدل است. این چیزها درمان‌هایی برای درد بشریت است. بشریت در طول تاریخ از ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض رنج برده است. نسل‌های بشری از دست زورگویان تاریخ سیلی خورده‌اند. این زورگویان یک روز در چهره‌ی فرعون‌ها و قارون‌ها بودند، یک روز در چهره‌ی ابوجهل‌ها و ابولهب‌ها بودند، یک روز در چهره‌ی قدرتمندان زورگوی زمان ما هستند. این‌ها خطرشان از خطر فرعون‌ها بیشتر است؛ این‌ها زیان‌شان برای بشریت از زیان همه‌ی ستمگران تاریخ بیشتر است؛ این‌ها مجهزند؛ مجهز به همه‌ی ابزارهای زور و تزویر و فریب. امروز تبلیغات دشمنان در سرتاسر دنیا -نه دشمنان ما، دشمنان بشریت- سعی می‌کند از آن‌ها یک چهره‌ی انسان‌دوست، طرفدار بشر، طرفدار انسان معرفی کند. این‌ها خیلی خطرناک‌اند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین جبهه‌ی خطرناکی قیام کرد، ایستاد و موفق شد.

این خیلی فرصت بزرگی برای ملت ایران است. ما فرزندان این آب و خاک باید افتخار کنیم که خدای متعال این شجره‌ی طیبه را در

سرزمین ما، در ملت ما، در دل‌های ما با دست قدرت خود غرس کرد. این افتخار متعلق به ما ایرانیان است که توانستیم پرچم اسلام را بلند کنیم که این پرچم، پرچم عدالت، پرچم انصاف، پرچم خردورزی، پرچم پیشرفت ملی، پرچم احسان و عدل و داد است. این پرچم را ایرانی‌ها بلند کردند، دشمنان بشریت -مستکبرین عالم- همه‌ی تلاش و توان خود را به کار بردند تا این پرچم را به زیر بکشند و این دست را قطع کنند؛ اما نتوانستند. در این تلاش مقدس، سهم عشایر عزیز ما در این منطقه، سهم بسیار مهمی است.

آنچه من به شما امروز توصیه می‌کنم -اگرچه می‌بینم که بحمدالله هوشیاری شما آنچنان هست که شاید به این توصیه‌ها نیاز هم نباشد، اما تأکید می‌کنم- مسأله‌ی امروز این منطقه، مسأله‌ی امنیت است. شماها توانسته‌اید حافظ امنیت باشید؛ این توان را باید در خودتان تقویت کنید؛ این مسئولیت سنگین را بر دوش خودتان همیشه احساس کنید. و من می‌گویم این احساس مسئولیت را به فرزندان و جوانان‌تان منتقل کنید. این کشور و این ملت باید این حرکت را ادامه دهد؛ دشمنی‌ها استمرار خواهد داشت. باید روز به روز هشیارتر شویم. البته دشمن با همه‌ی توش و توان خود به میدان آمد، کاری از پیش نبرد، بعد از این هم به فضل الهی و به اذن الهی، دشمن کاری نخواهد کرد و نخواهد توانست بکند؛ اما این در صورتی است که ما هوشیار باشیم؛ ما بیدار باشیم. اگر دچار غفلت شدیم، اگر سرگرم مسائل کوچک شدیم، اگر در کنار مسائل روزمره‌ی خود از مسأله‌ی اصلی که حفظ کیان این ملت و حفظ کیان این نظام مقدس است، غافل شدیم، دشمن ممکن است ضربه بزند. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما در سنگر خوابت ببرد، معنایش این نیست که دشمن تو هم در سنگر

خوابش برده. ممکن است او بیدار باشد و از خواب و غفلت تو استفاده کند.

امروز ما اطلاع داریم دشمنان نظام جمهوری اسلامی در پشت مرزهای ما در حال توطئه‌اند. ما می‌دانیم کردها در آن سوی مرز هم خودشان را ایرانی می‌دانند. ما می‌دانیم در بین برادران کُرد ما در آن سوی مرز هم، دوستان نظام اسلامی و انقلاب اسلامی کم نیستند؛ شاید بشود گفت اکثریت‌اند. جوانان مؤمن ما در دوران جنگ تحمیلی از توان و هوشیاری برادران کُرد ما در آن سوی مرز بهره‌های فراوان بردند. امروز هم که آن‌ها می‌آیند به ایران -مسافرت می‌کنند و همیشه گفت‌وگو می‌کنند- از عظمت قیام ایرانی و اعتمادی که آن‌ها همیشه داشتند، یاد می‌کنند. این را ما می‌دانیم؛ اما معنای این سخن این نیست که دشمن از نفوذ، از توطئه، از رخنه غافل باشد. آن‌جا مشغول کارند، مشغول تلاش‌اند؛ با توطئه، با ایجاد اختلاف، با به کار گرفتن شیوه‌های نامردانه، سعی‌شان این است که هر وقت توانستند، ضربه بزنند. این هوشیاری می‌طلبد. این هوشیاری و آمادگی که من با شما مطرح می‌کنم، صرفاً آمادگی نظامی نیست؛ آمادگی روحی. دشمن ممکن است از لحاظ نظامی هم نتواند کار کند، امیدی هم نداشته باشد، اما از لحاظ فرهنگی، از لحاظ سیاسی، از لحاظ امنیتی، از جاسوس‌پروری، از رخنه در اعتقادات و ایمان راسخ مردان و زنان مؤمن این مرز و بوم ممکن است بخواهد وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف شوم خودش پیدا کند. این، امنیت ما را تهدید می‌کند. امنیت در کشور و در هر منطقه، اساس پیشرفت است. برخی از فرصت‌های کار در این استان و استان‌های هم‌جوار -در مناطق غرب و شمال غرب کشور- به خاطر ناامنی‌ای که عوامل و ایادی مزدور دشمن در طول سال‌های اوّل بر این منطقه حاکم کردند، از دست رفت. درست

است که مردم گرد جانانه دفاع کردند، لیکن این نیروئی که صرف دفاع نظامی در این منطقه شد، می‌توانست صرف تلاش عمرانی شود. اگر این می‌بود، منطقه امروز جلوتر از این بود که هست.

البته کار، زیاد شده. این را ما هم می‌دانیم، مردم منطقه هم که از نزدیک شاهد هستند و می‌دانند؛ لیکن آنچه که باید انجام بگیرد و آنچه که می‌توانست انجام بگیرد، خیلی بیشتر از حجم کاری بود که تا امروز انجام گرفته. بعد از این هم همین جور است؛ هرچه امنیت بیشتر باشد، امکان کار، امکان تولید، امکان عمران، امکان پیشرفت، امکان ارائه‌ی خدمات بیشتر خواهد بود. این منطقه شایسته‌ی بیش از این‌هاست. امکان طبیعی این منطقه، منابع غنی و عظیمی که در این منطقه هست -هم منابع طبیعی، هم منابع انسانی- خیلی ارزشمند است. این عشایر عزیز -در این منطقه هم همین جور است، در جاهای دیگر هم ما همین را به عینه مشاهده کردیم- مرکز استعدادهای درخشان‌اند؛ استعدادهای برجسته. این جوان‌های شما استعدادهایی هستند که انسان می‌تواند امیدوار باشد که کشور به این استعدادها در آینده بی‌الد و افتخار کند. این استعدادها باید شکوفا شود. توسعه‌ی خدمات، توسعه‌ی کارهای آموزشی، توسعه‌ی سواد و معلومات در بین آحاد مردم، در بین عشایر، در شهرهای گوناگون، این امکان را برای آینده‌ی این منطقه در اختیار ما و شما قرار می‌دهد.

امید ما زیاد است عزیزانم! تجربه‌ها به ما می‌گوید که ما باید امیدوار باشیم و به آینده یقین داشته باشیم؛ تجربه‌ی ما این را برای ما مسلم و مبرم می‌کند. یک روزی بود که دشمنان هم خیال می‌کردند که این نظام را خواهند توانست ریشه‌کن کنند. دوستان ما هم در سرتاسر دنیا دل‌شان می‌لرزید. مؤمنین کشورهای اسلامی، جوانان مؤمن که امید بسته بودند به این انقلاب، دل‌شان می‌لرزید که عاقبت این نظام نوپا و جوان چه

خواهد شد. این دشمنِ همسایه‌ی ابله ما هم -صدام عفلقی و بعثی- با همین گمان باطل وارد این جنگ شد؛ به خیال این که همه چیز را تمام خواهند کرد. انقلاب تو دهنی زد به آن‌ها؛ آن چنانی که عاقبت‌شان را شما دیدید. دشمنان بزرگ‌تر از صدام هم در طول این سال‌های متمادی امیدها بستند، فکرها کردند، توطئه‌ها کردند، برای خودشان افسانه‌سرائی‌ها کردند، امیدها بستند؛ اما همه‌ی گمان‌ها باطل درآمد. آن‌ها فکر می‌کردند انقلاب اسلامی یا نمی‌ماند، یا اگر بماند، توان این را نخواهد داشت که کشور را پیش ببرد. انقلاب اسلامی به کوری چشم دشمنان هم ماند، هم ریشه‌دارتر شد، هم در علم و تکنولوژی و پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی، چشم همه را خیره کرد.

امروز در این منطقه، در میان نظام‌های گوناگونی که بعضی با دیکتاتوری‌های نظامی سرکار آمده‌اند، بعضی با دیکتاتوری‌های میراثی بر مردم حکومت می‌کنند، نظام جمهوری اسلامی با مردم‌سالاری دینی، با حضور حقیقی مردم در انتخاب رده‌های مختلف مسئولین اجرایی و تقنینی، با حضور مردم در میدان‌های گوناگون، با انس میان مسئولان و مردم -این را شما بدانید که جلسه‌ای مثل جلسه‌ی امروز ما که دو طرف نسبت به یکدیگر محبت می‌ورزند و دل‌های‌شان از محبت یکدیگر لبالب و سرشار هست، لااقل در هیچ یک از کشورهایی که ما در نزدیکی خودمان می‌شناسیم، نظیر و شبیه این وجود ندارد. البته راه‌های دور را خبر نداریم و گمان هم نمی‌کنم. قشرهای مختلف مردم نسبت به مسئولین کشور، نسبت به مدیران طراز اوّل کشور احساس نزدیکی و خویشاوندی می‌کنند. مسئولین کشور نسبت به قشرهای مردم عشق می‌ورزند. این یک محبت صادقانه است. چنین چیزی در جای دیگر وجود ندارد - امید جدیدی را در این منطقه به وجود آورده. اگر می‌بینید فلان دولت وابسته‌ی

به آمریکا، فلان دولت به ظاهر مسلمان و در باطن هم دست صهیونیست‌ها، فلان دولت مستبد و مستکبر نسبت به نظام جمهوری اسلامی لحظه‌ای از بدخواهی و بددلی فروگذار نمی‌کند، به خاطر همین خصوصیت این نظام است که توانسته در دل ملت‌های آن‌ها جای خود را باز کند. امروز شما اگر به این کشورهای مسلمان عرب زبان مراجعه کنید، با مردم آن جا انس بگیرید، تو بازارهای آن جا بروید، وقتی بفهمند شما ایرانی هستید، نسبت به شما اظهار محبت می‌کنند، به شما علاقه نشان می‌دهند. مسئولین شما وقتی به این کشورها بروند - آن جایی که مردم را آزاد بگذارند - مردم نسبت به این‌ها ابراز احساسات می‌کنند. نظیر این در هیچ جای دنیا، دیگر وجود ندارد. رؤسای ما به کشورهای مسلمان می‌روند، جوان، دانشجو، دانشگاهی، مردم کوچه و بازار، طبقات مختلف، مثل مردم شهری از شهرهای ایران برای آن‌ها شعار می‌دهند، اظهار ارادت می‌کنند، اظهار علاقه می‌کنند، دورشان جمع می‌شوند، سلام می‌فرستند. این نشان‌دهنده نفوذ این انقلاب در دل‌های ملت‌های مسلمان است. این است که دولت‌های مخالف اسلام و مخالف نظام جمهوری اسلامی را خشمگین می‌کند؛ سراسیمه می‌کند.

آن‌چه که داریم، لطف خداست. باید از اسلام بیاموزیم و به خودمان مغرور نشویم. مغرور شدن به خود، مقدمه‌ی لغزیدن، مقدمه‌ی شکست خوردن است. آن‌چه که هست، از لطف و فضل خدا بدانیم: «ما اصابک من حسنة فمن الله و ما اصابک من سيئة فمن نفسك»؛ هرچه پیشرفت هست، هرچه توفیق هست، هرچه امکان خوب هست، از لطف خداست. هرچه نواقص این جا و آن جا هست، ناشی از عملکرد ماست. مواظب عملکردمان باشیم؛ ما مسئولین بیشتر، و طبقات مردم هم هر کدام به نوبه‌ی خود و شما بزرگان عشایر گرد، متنفذین شهرهای کردی، شما

هم مسئولیت‌های‌تان به نسبت موقعیت‌تان، مسئولیت‌های سنگینی است. هم‌چنان که تا امروز بحمدالله خوب عمل کردید، از خدا کمک بخواهید و در آینده هم با همین ممشا حرکت کنید؛ اتحاد خودتان را حفظ کنید، صمیمیت را بین خودتان زیاد کنید؛ انقلاب مال شماست، کشور مال شماست، مسئولین فرزندان و خدمتگزاران شما هستند؛ از خودتان بدانید، خودتان را از آن‌ها بدانید. هرچه می‌توانید هشیاری و بیداری را حفظ کنید و بدانید به فضل پروردگار آینده متعلق به شما و متعلق به ملت ایران است.

از خداوند متعال، توفیقات، لطف و رحمت او را برای همه‌ی شما عزیزان مسئلت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
۱۳۸۸/۲/۲۴

بیانات در دیدار مردم مریوان

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و الصلّاة و السّلام علی سیدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی محمد و علی اله الطّیّبین الطّاهرین و صحبه المنتجبین سیّما بقیّة‌الله فی العالمین.

منطقه‌ی مریوان -این شهر و این مردم و این مناظر و این مناطق حسّاس- برای من یکی از خاطره‌انگیزترین مناطق کردستان و غرب کشور است. خداوند متعال را سپاس‌گزارم که بار دیگر توفیق پیدا کردم به این سرزمین سرشار از شکوه دلاوری و زیبایی طبیعی و مالا مال از احساس محبّت و وفاداری که در گذشته هم من این‌ها را در این منطقه تجربه کرده‌ام، بار دیگر سفر کنم.

جمع عزیزان مریوانی که در این میدان حضور متراکم و صمیمی را به وجود آورده‌اید، بدانید که من این شهر، این منطقه و این مجموعه‌ی عظیم مردمی را جزو نعمت‌های الهی و برکات الهی بر کشورمان و بر انقلاب‌مان به حساب می‌آورم.

از همان روزهای دشوار سال‌های اوّل انقلاب که دست بدخواه دشمنان، این منطقه‌ی سرسبز و زیبا را تبدیل به میدان جنگ کرده بود و این مردم مهربان و خون‌گرم و صمیمی و مؤمن را درگیر مشکلات روزمره‌ی درگیری و نبرد و کمبود و بقیه‌ی مشکلات دوران جنگ قرار داده بود، خدای متعال این جور مقدر کرد که ما با این منطقه رفت‌وآمد پیدا کنیم و از نزدیک با آن آشنا شویم. غیر از آن‌چه که برادران مؤمن ما که از نقاط دیگر کشور به این‌جا آمده بودند درباره‌ی شما مردم عزیز، مهربان، وفادار و صمیمی بیان می‌کردند، خودِ ما هم از نزدیک نمونه‌هائی را دیدیم.

من فراموش نمی‌کنم در سال ۵۹ در این شهر مریوان، با جمع مردم صمیمی این‌جا مواجه شدم و به یک واحد آموزش و پرورش - فکر می‌کنم یک دبستان بود- رفتیم و با نوجوانان آن‌جا حرف زدیم. آن نوجوانان امروز یقیناً مردان میان‌سالی هستند. از این‌جا با بعضی از افراد خودِ مریوان به مناطق دزلی و درکی -اگر درست یادمانده باشد- رفتیم؛ مناطق بسیار حسّاس، بسیار مهم؛ از لحاظ طبیعت، بسیار زیبا؛ از لحاظ مردم، بسیار خون‌گرم؛ اما متأسفانه بر اثر جفای دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب اسلامی، همین مردم خوب، همین منطقه‌ی خوب، همین کوه‌های سر به فلک کشیده و سرسبز، همین دشت‌های خرم تبدیل شده بود به جهنم درگیری‌ها و دشمن توانسته بود از برخی مزدوران خود سوءاستفاده کند و آن‌ها را وسیله‌ای قرار دهد برای کوبیدن مردم و به

طور بالواسطه و غیرمستقیم، کوبیدن نظام اسلامی و تحقیر ملت ایران. من فراموش نمی‌کنم در دزلی مردم با چهره‌ی باز از ما استقبال کردند. از دزلی با برادرها خارج شدیم برویم به سمت ارتفاعات مشرف بر سرزمین‌های عراق - ارتفاعات «تته» - که مزدوران بدخواه حقیری در بین آن مردم نفوذ کرده بودند و حضور هیئت ما را به دشمن اطلاع دادند و دشمن هواپیماهایش را فرستاد. ما در بین راه که طرف ارتفاعات می‌رفتیم، دیدیم هواپیمای دشمن عبور کرد؛ فهمیدیم حادثه‌ای برای دزلی پیش خواهند آورد. برگشتیم دیدیم متأسفانه مردم غیرنظامی، مردم کوچه و بازار را بمباران کردند؛ عده‌ای را زخمی کردند، عده‌ای را به قتل رساندند. و ما جنازه‌ی شهداء و بعضی از مجروحین را برداشتیم، آمدیم مریوان.

این خاطرات عبرت‌آموز است. آن روز همین نظام‌های جهانی مدعی حقوق بشر از همین صدام حسین دفاع می‌کردند؛ از همین حرکات وحشیانه دفاع می‌کردند. نسل جوان امروز در کشور ما می‌داند و بداند، آزمایشگاه دروغ و فریب، آزمایشگاه خطاهای بزرگ و جبران‌ناپذیر دستگاه‌های مدعی حقوق بشر، همین کشور عزیز ما و همین مرزهای غربی این کشور از جمله منطقه‌ی گُردستان بوده است.

در عملیات والفجر ۴ که جوانان رزمنده‌ی گُرد و فارس و بقیه‌ی جوانان رزمنده رفتند برای این که آتش دشمن را خاموش کنند و مریوان را از زیر آتش توپخانه‌ی دشمن بیرون بیاورند، و این کار را هم کردند، دشمن بعضی شهر مریوان را با توپخانه‌ی دوربرد خودش مرتب زیر آتش قرار می‌داد. این جوانان مبارز، رزمندگان سپاه پاسداران و بسیج، متشکل از مردم مناطق مختلف از جمله دلاوران و جوان‌های گُرد، عملیات والفجر ۴ را سازماندهی کردند و آتش دشمن را خاموش کردند و دشمن را عقب

رانند؛ حتی شهر حلبچه‌ی عراق را هم توانستند از تصرف دشمن خارج کنند. دشمن به انتقام این کار می‌دانید چه کرد؟ نمی‌توانست به این‌جا نفوذ کند؛ چون دلاوران ما ضرب شصت به او نشان داده بودند. دشمن بعضی بی‌رحم دور از انسانیت، شهر حلبچه را بمباران شیمیائی کرد، صدها و شاید هزارها نفر در آن بمباران شیمیائی از مردم گُرد حلبچه و آن مناطق از بین رفتند، به خاطر این که صدام حسین می‌خواست از مردم گُردی که در مقابله‌ی با نیروهای مؤمن جمهوری اسلامی مقاومت نکرده بودند و با آغوش باز آن‌ها را پذیرفته بودند، انتقام بگیرد.

این منطقه این آزمایش‌های بزرگ را دیده است. من قصد ندارم از تاریخ بگویم. این‌ها را البته شما، به خصوص نسل جوان باید بدانید. باید آزمون‌های بزرگی را که جمهوری اسلامی گذرانده است، این حرکت عظیمی که ملت ایران انجام داد و به اتکاء آحاد ملت ایران این پیروزی بزرگ نصیب‌شان شد، این‌ها را باید به صورت عبرت‌های بزرگ تاریخ، درس‌های آموزنده‌ی تاریخ، شما جوان‌ها بدانید، تا بفهمید وزن و مقدار تبلیغاتی که امروز ایادی استکبار در دنیا می‌کنند، چقدر است. من نمی‌خواهم تاریخ بگویم، من می‌خواهم این را بگویم: در سنج در روز سه‌شنبه، من راجع به عزّت ملی حرف زدم. یک ملت باید خود را عزیز بداند و عزیز قرار دهد. باید یک ملت از خواری، از ذلّت، به هر وسیله‌ای از سوی هر کسی مبارزه کند و خود را به نقطه‌ی عزّت برساند. این عزّتی که برای ملت ایران یک ضرورت است و به فضل الهی به وسیله‌ی انقلاب اسلامی زمینه‌ی کامل این احساس عزّت در ما مردم به وجود آمده است، یکی از عناصرش عبارت است از دلبسته و وابسته نبودن به بیگانگان، به دشمنان، به کسانی که در سرنوشت پُرشکوه یک ملت مثل ملت ما، آن‌ها هیچ گونه احساس سود نمی‌کنند. بنابراین دنبال منافع

خودشان هستند و این منافع را در ذلیل کردن، خوار کردن، به استضعاف کشاندن ملّت‌ها می‌دانند. باید به این‌ها دل‌بسته نشد.

شما جوان‌ها، اداره‌کنندگان آینده‌ی این کشورید. این کشور مال شماست، آینده متعلّق به شماست. جوانان ما این را باید به صورت یک اصل کلّی در ذهن داشته باشند که برای اداره‌ی کشور، برای آینده‌ی کشور، نسخه‌های بیگانه‌نوشته را انتخاب نکنند. نسخه‌های اسلامی، نسخه‌های ملّی، نسخه‌های بومی را انتخاب کنند. امروز و از سال‌ها قبل، همه‌ی تلاش دولت‌های غربی و فعالان تمدن غربی، متوجّه این نقطه است که فرهنگ خودشان، دانسته‌های خودشان، بافته‌ها و یافته‌های خودشان را بر ملّت‌ها، بر ذهن‌ها تحمیل کنند. ملّت عزّت‌طلب، ملّتی که می‌خواهد مستقل باشد، باید در مقابل این حرکت مقاومت کند.

امروز همه‌ی دنیا شاهدند که سیستم سرمایه‌داری غرب، چقدر در مقابله‌ی با حوادث و بحران‌ها توخالی و ناتوان است. خود این سیستم بحران‌آفرین است و وقتی بحران به وجود می‌آید، از خودش نمی‌تواند دفاع کند. این سیستم اقتصادی غرب است که همه‌ی افتخارشان به این سیستم اقتصادی بوده است؛ اقتصاد سرمایه‌داری. و سعی داشته‌اند این سیستم را به هزار شیوه و هزار زبان، به عنوان نسخه‌ی منحصر به فرد اقتصاد، به ملّت‌ها تحمیل کنند.

من می‌گویم ملّت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده‌سازان ما، ناتوانی شیوه‌های مدیریّت کشورهای غربی را ببینند و ناتوانی آن‌ها را در اداره‌ی این مهم‌ترین بخش مدیریّت‌شان یعنی اقتصاد را ببینند - فرهنگ به جای خود، آداب انسانی به جای خود، بی‌اعتنائی به حرمت بشر به جای خود، تبعیض‌هایی که در قلمرو قدرت خودشان انجام می‌دهند به جای خود؛ در همه‌ی این موارد، تمدن غربی امتحان بدی

پس داده است - و آن گاه ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روش‌های گوناگون اداره‌ی این ملت بزرگ، به فکر نسخه‌های خودی، به فکر نسخه‌های بومی باشید. این ایجاب می‌کند به اسلام توجه دقیق‌تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه‌های انسانی دارد. از اسلام متحجر دفاع نمی‌کنیم؛ از اسلامی که با کمال تنگ‌نظری به همه‌ی مسائل نگاه کند، مثل آنچه که بعضی از مدعیان اسلام می‌گویند، ما به او دعوت نمی‌کنیم؛ اسلام ناب، اسلام هشداردهنده‌ی انسان و توجه‌دهنده‌ی انسان به تعقل و تفکر و تدبّر؛ اسلام قرآن، اسلام سنت، اسلام اهل‌بیت؛ اسلامی که یک نمونه‌اش در کشور بزرگ ما با این گرفتاری‌های فراوان چندین ده ساله‌ی دوران تسلط دشمن، توانست یک چنین حرکتی را ساماندهی کند و این آزادی و این استقلال را از خود نشان دهد؛ ما به این اسلام دعوت می‌کنیم.

جوان‌های ما، اهل فکر ما، اهل فرهنگ ما تأمل کنند؛ مسئولین کشور به سمت سیاست‌های اسلامی حرکت کنند. اینی که یا مسئولان ما، یا در دوره‌های انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرف‌های غربی‌ها را تکرار کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمی‌شود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوئیم که غرب می‌پسندد. این‌ها کسانی‌اند که با فکر ایرانی، فکر اسلامی، هویت اسلامی و ایرانی مخالف‌اند. خدا را سپاس می‌گوئیم که ملت ایران آن رشد و آگاهی لازم را به دست آورد تا توانست بر این همه موانع فائق بیاید.

منطقه‌ی شما - منطقه‌ی کردستان - این استان سرسبز، خرم، پر استعداد؛ چه استعداد انسانی، چه استعداد طبیعی، یکی از نقاط حسّاس کشور ماست. دشمنان از جمله‌ی کارهائی که کردند، این بود که شاید

بتوانند این منطقه و بعضی از مناطق مشابه را با یک دره‌ی عمیقی از بی‌اعتمادی و سوء تفاهم، از بقیه‌ی بخش‌های این کشور بزرگ اسلامی جدا کنند یا فاصله بیندازند؛ اما موفق نشدند و نتوانستند. با ناامنی، با تبلیغات سوء قادر نشدند که این ملت مؤمن و مسلمان را تکه‌تکه کنند و برادران و خواهران عزیز گرد ما در همه‌ی مناطق کُردستان، وفاداری خودشان، ایستادگی خودشان، رشد خودشان، رشادت خودشان را در عرصه‌های گوناگون این سال‌های متمادی نشان دادند؛ به خصوص شهر مریوان که از همان دوران اوّل معروف بود به پای‌بندی به اصول و مبانی اسلام و مردم مؤمن و متعهد و مقید؛ این را بارها می‌شنفتم. خود برادران کُرد ما می‌گفتند مریوان، قم کُردستان است؛ یعنی مرکز دانش و مرکز دین. مردمی با گرایش دینی و با علاقه‌ی به علم در این منطقه جمع شده‌اند. خوشبختانه تجربیات سال‌های متمادی هم همین را نشان داد و تأکید کرد. امروز بحمدالله نظام اسلامی بر کار خود کاملاً مسلط است. نظام اسلامی، نظام جمهوری اسلامی نه فقط در داخل کشور، بلکه در منطقه و در سطح بین‌المللی خود را در نظر سیاست‌ها و سیاست‌سازان و سیاست‌مداران عالم تثبیت کرده است. دشمنان مجبور شده‌اند به ثبات جمهوری اسلامی و به اقتدار روزافزون جمهوری اسلامی اعتراف کنند و در مقابل آن تسلیم شوند.

امروز بحمدالله جمهوری اسلامی این فرصت را پیدا کرده است که بر روی طرح‌های بلندمدت برای رفع کمبودها و نقیصه‌ها و تخریب‌های دوران‌های گذشته برنامه‌ریزی کند. چشم‌انداز بیست ساله یک سند بسیار معتبر و مهمّ است که مسئولان کشور -چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی مقننه- و در بخش‌های مختلف موظّف شده‌اند گام به گام این سند چشم‌انداز را تعقیب کنند و به آن اهداف نزدیک شوند. مردم هوشمند

و جوانان با استعداد در هر نقطه‌ی کشور مسئولیت بزرگی در این زمینه بر دوش دارند. من به شما مردم عزیز و به خصوص به جوانان عرض می‌کنم که ساختن کشور، پیش بردن کشور یک وظیفه‌ی مشترک است؛ مشترک بین مسئولان و مردم؛ مردم هم دارای مسئولیت‌اند. خیلی باید مراقب باشیم که دشمنان پیشرفت کشور نتوانند ذهن و حواس ما را به نقاط فرعی و درجه‌ی دوم منعطف کنند، تا همه با وحدت کامل بتوانیم به سمت این هدف‌ها حرکت کنیم.

امروز من می‌توانم با قاطعیت بگویم مسئولین کشور، همه‌ی همت خودشان را به کار می‌بندند برای این که بتوانند کم‌بودها را در همه‌ی مناطق جبران کنند. در این سفر گُردستان هم مسئولین، اعضای هیئت وزیران در سنج‌اجتماع کردند؛ مسائلی را که باید با اولویت، آن‌ها را دنبال کنند، بررسی کردند؛ گزارش آن را به ما هم دادند. من از مسئولین دولت که این همت را کردند آمدند، تشکر می‌کنم. مسائلی که مورد توجه آن‌هاست، برای همه‌ی مناطق گُردستان از جمله منطقه‌ی مریوان -همین منطقه‌ی شما- است و مسائلی که مورد توجه آن‌ها قرار گرفته است، مسائل دقیق و اساسی و حقیقی است. تصمیم‌های خوبی هم گرفتند، امیدواریم که این تصمیم‌ها عملی شود.

آن‌چه که پشتوانه‌ی این حرکت است، ایستادگی ملت ایران و پای‌بندی به شعارهای انقلاب است. شعارهای انقلاب اسلامی است که می‌تواند پشتوانه‌ی قدرت ملت ایران و بزرگ‌ترین پشتیبان دولت برای پیشرفت‌ها در میدان‌های مختلف باشد.

در خصوص این منطقه، یکی از چیزهایی که بسیار مهم است، مسأله‌ی سرمایه‌گذاری است؛ سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری‌های کشاورزی که ایجاد اشتغال کند. وقتی اشتغال به قدر کافی وجود نداشته

باشد، راه‌های صحیح باز نباشد، آن وقت جوانان ما متأسفانه متوسل می‌شوند به راه‌های غیر صحیح؛ به قاچاق و امثال این‌ها. قاچاق یک بلیه برای کشور و برای اقتصاد کشور یک درد است؛ یک ویروس به شدت فلج‌کننده است. جوانان ما نباید در وضعی قرار بگیرند که احساس کنند ناچار باید به این راه غیر منطقی، غیر قانونی و غیر مشروع متوسل شوند. این جزو همّت‌های اصلی دولت است و دولت به این همّت گماشته است. شما هم باید کمک کنید؛ باید در این مسأله همکاری کنید. قاچاقی که انجام می‌گیرد، درست است که برای عامل آن، سود به همراه دارد، اما سود اصلی را کسانی می‌برند که در پشت پرده‌ی این حرکت ظاهری قرار دارند؛ افراد سوءاستفاده‌چی و فرصت‌طلبان بدون این که زحمتی متحمل شوند، بدون این که خطری آن‌ها را تهدید کند، بیشترین سود را می‌برند، آن وقت جوان مؤمن ما به خاطر استیصال یا به هر جهت دیگر خودش را در معرض خطر قرار می‌دهد. این باب بایستی مسدود شود و این با سرمایه‌گذاری‌های درست و ایجاد اشتغال در همه‌ی مناطق گُردستان، در همه‌ی بخش‌های شهرستان‌های گُردستان، به خصوص شهرستان‌هایی که نزدیک مرزند مثل مریوان، این معنا امکان‌پذیر است و من دیدم مسئولین کشور، خوشبختانه به این نکته توجه دارند، رو این مسأله فکر کردند. باید زمینه‌ای فراهم شود که سرمایه‌گذاری‌های خوبی انجام بگیرد تا اشتغال ایجاد شود، تا جوان بتواند معیشت خود را از راه صحیح، از راه قانونی، از راه حلال تأمین کند.

البته شما بدانید، چون دشمن می‌داند که شرط سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت، امنیت است و نمی‌خواهند سرمایه‌گذاری و ایجاد ثروت در این منطقه انجام بگیرد، لذا سعی خواهند کرد با امنیت مقابله کنند. سعی می‌کنند امنیت را به هم بزنند. البته این را هم با اطمینان کامل به

شما بگویم که نیروهای مؤمن و وفادار جمهوری اسلامی به کمک همین مردم و همین جوان‌ها با عوامل ناامنی به شدت برخورد خواهند کرد و هر گونه مجال ناامنی را به لطف الهی از آن‌ها خواهند گرفت.

خدا را سپاس گزارم که این توفیق را به من داد که بار دیگر شهر عزیز مریوان و شما مردم عزیز و مهربان و وفادار و مؤمن را از نزدیک زیارت کنم. ما از یاد شما بیرون نمی‌رویم؛ دل‌های مسئولین از محبت به شما مردم می‌تپد و از عشق به مردم، مالا مال و سرشار است؛ این را بدانید. و تلاشی که مسئولین کشور دنبال آن هستند، تلاش برای پیشرفت مسائل عمده‌ی کشور و از جمله مسأله‌ی اقتصاد کشور است. خوشبختانه توفیقات هم زیاد بوده است، کار هم زیاد شده است، کارهای زیاد دیگری هم باید انجام بگیرد. این سفر ما یکی از اهدافش این است که توجه مردم را از سایر نقاط کشور به این منطقه جلب کند، تا ارتباطات عاطفی بین دل‌ها روز به روز مستحکم‌تر شود. هم مردم کرد این منطقه، هم مردم فارس یا ترک یا بلوچ یا سایر اقوام ایرانی در مناطق دیگر به وضوح احساس کنند که همه، اندام‌های یک پیکره‌ی عظیم و پُرشکوهی هستند به نام پیکره‌ی ملت ایران. و این بحمدالله حاصل است.

من از محبت شما مردم، از استقبال شما، از اظهارات گرم و صمیمانه‌ی شما مردم عزیز، صمیمانه تشکر می‌کنم و از خداوند می‌خواهم الطاف و تفضلات خود را بر شما مردم عزیز نازل فرماید و از خدا می‌خواهم به مسئولین ما توفیق دهد و کمک کند که وظائف خود را به نحو اتم و اکمل در قبال این مردم عزیز انجام دهند. همه‌ی شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

این جلسه‌ای که در جمع شما جوانان، دانشجویان، فرزندان، در این محیط دانشگاهی برگزار شد، بسیار جلسه‌ی پُرثمر و امیدبخشی است. جمع جوانان - به خصوص وقتی در محیط دانشگاه، در فضای دانشگاهی و فراهم‌آمده‌ی از جمع دانشجویان و اساتید و فرزندان باشد - برای گوینده و شنونده و فضای عمومی کشور، نویدبخش است. اگر چه من به خاطر آشنائی‌ای که با مجموعه‌های دانشجویی دارم و ارتباطی که بحمدالله در طول سالیان هم‌چنان باقی بوده است و ان‌شاءالله باقی خواهد بود، با روحیه‌ی پیشرفت‌طلب، نوآور، پُر نشاط و باطراوت دانشجویان آشنا هستم؛ ولی مشاهده‌ی این جمع متراکم و به خصوص مطالبی که عزیزان ما - از دانشجویان، جوانان و اساتید - در این جا بیان کردند، نویدهای بیشتری را به انسان می‌دهد. با این روحیه و با این نشاط، مطمئن هستیم و همه مطمئن باشند که فردای نظام جمهوری اسلامی - که کشور در دست شما جوان‌ها خواهد بود - به مراتب از امروز این نظام و این کشور پیشرفته‌تر و بهتر خواهد بود. هم‌چنانی که ما از روز اوّل انقلاب تا امروز بحمدالله هیچ لحظه‌ای توقف نکردیم و پیش رفتیم، من پیش‌بینی می‌کنم در سال‌های آینده - به برکت این بیداری جوانانه‌ی شما و توجه به علم و توجه به آرمان‌ها و احساس مسئولیتی که انسان در نسل جوان مشاهده می‌کند - این شتاب مضاعف خواهد شد. من هرگز سخنان و حرف‌های منفی‌ای را که بعضی از سر تعصب‌ها و بعضی از سر

غفلت‌ها در گوشه و کنار می‌زنند و می‌خواهند نسل جوان را، نسل جوانِ روی‌گردانده‌ی از آرمان‌ها معرفی کنند، باور نکرده‌ام و باور نخواهم کرد. جوان ما رو به جلو دارد، هدف‌دار است، امیدوار است، مبنادار است و ان‌شاءالله با نیروی جوانی این بارهای سنگین را به پیش خواهد برد.

قبل از آن که به مطلبی که در ذهن آماده کرده‌ام تا عرض بکنم، بپردازم، نگاهی بکنیم به آن‌چه که دوستان در این جا فرمودند. عموماً مطالب دل‌نشینی گفته شد و راهکارهایی هم که ارائه شد، راهکارهای درست و مفیدی است و غالباً ناظر به مسائل دانش، فناوری، محیط دانشگاه، آزمایشگاه، بالا بردن کیفیت و پیشنهادهای گوناگون در تأکید و پشتیبانی از صنایع دانش‌بنیاد و از این قبیل مطالب بود که همه‌ی این‌ها مورد تأیید ماست. نکات تازه‌ای هم در این بیانات وجود داشت که من امیدوارم آقایانی که در این جا تشریف دارند - وزیر محترم علوم و وزیر محترم بهداشت و درمان و معاون محترم علمی رئیس‌جمهور - به این نکات توجه کنند: هم در زمینه‌ی جذب نخبگان و هم در زمینه‌ی ارتباطات لازم و بقیه‌ی پیشنهادهایی که گفته شد. به نظر من پیشنهادهای بسیار خوبی بود و همه‌اش باید مورد توجه قرار بگیرد. و من ان‌شاءالله بعد از بازگشت از سفر، از برادران مسئول خواهم خواست که گزارش اجرائی شدن این پیشنهادهای را - در حدی که معقول و ممکن هست - به من بدهند.

این دختر عزیزمان در مورد «مجلس دانشجویی» پیشنهاد کردند. اسم قشنگی است؛ لیکن کارهای نمایی، نه گره از کار دانشجو باز می‌کند و نه گره از کار کشور. باید هر چه می‌توانیم از کارهای ظاهری و سطحی و نمایی و شعاری کم کنیم و توجه‌مان را به کارهای بنیانی، اصلی، حقیقی و پیش‌برنده، بیشتر کنیم. حالا فرضاً مجلس دانشجویی

تشکیل شد؛ شما ببینید انتخابات این مجلس چقدر وقت دانشجویای کشور را خواهد گرفت! از کدام دانشگاه، از کدام شهر، با کدام گرایش، با کدام جهت‌گیری فکری یا سیاسی و معارضات و غیره! ما حالا همه‌ی همّت‌مان این است که هرچه بیشتر شعله‌ی علم را و تحقیق را توی محیط دانشجویی برافروخته کنیم. وانگهی دختر عزیزمان گفتند این مجلس دانشجویی قدرت اجرایی هم داشته باشد. خب اگر مجلس است، قدرت اجرایی‌اش دیگر چرا؟ هم تصمیم بگیرد هم خودش اجرا کند! با کشاندن این ماجرا به داخل دانشگاه‌ها، ببینید بر سر دانشگاه‌ها چه خواهد آمد! من با اهتمام به دانشجو، اعتنای به دانشجو، شنیدن حرف دانشجو، نوازش کردن دانشجو و کمک کردن به دانشجو صد در صد موافقم؛ اما این‌ها راهش نیست.

این دختر عزیزمان، خیلی هم قشنگ و زیبا و با هیجان صحبت کردند؛ خود ما هم که پیرمرد هستیم وقتی که یک جوانی با هیجان حرف می‌زند، کأنه حالت جوانی احساس می‌کنیم. در کنار این باز گفتند: این مجلس صدا را به گوش مسئولین برساند. به نظر من بهتر از مجلس دانشجویی، همین مجلسی است که الان شما دارید؛ این جور مجالس را زیاد کنید. یکی از عللی که من توی دانشگاه‌ها می‌روم -در هر سفری مقیدم حتماً یک برنامه‌ی دانشجویی داشته باشم، در تهران هم احیاناً به دانشگاه‌های مختلف سر می‌کشم- همین است که مایلم پای مسئولان به دانشگاه‌ها باز بشود و با دانشجویان رو به رو بگویند و بشنوند. امروز حرف‌هایی را که شما در این جا زدید، در صداوسیما منتشر خواهد شد و در سرتاسر کشور منعکس خواهد شد؛ به گوش بنده که یک مسئول هستم رسید، به گوش مسئولان دانشگاهی رسید، به گوش دیگر مسئولان هم خواهد رسید؛ چه وسیله‌ای بهتر از این؟ هر چه می‌توانید

جلسات دانشجویی را با همین شکل صمیمی، باز و بدون رودربایستی برگزار کنید. و البته با کم کردن تعارف‌ها! من با این که دوستان بیایند و راجع به این حقیر کوچک، تعبیرات مبالغه‌آمیز به کار ببرند، خیلی هم موافق نیستم. بگذاریم ارتباطات یک قدری با صفاتر، صمیمی‌تر و طبیعی‌تر باشد. دانشجویان حرف‌هاشان را بزنند، مسئولین بشنوند؛ گاهی مسئولین هم یک حرفی برای دانشجویان دارند، بگویند. به هر حال، جلسه، جلسه‌ی خیلی خوبی بود. من از یکایک کسانی که صحبت کردند تشکر می‌کنم.

موضوعی که من می‌خواهم عرض بکنم، موضوعی است که با طبیعت جوان و طبیعت دانشجوی صد در صد موافق است و نگاه به آینده دارد. چون آینده متعلق به شماست. ما امروز هرچه راجع به آینده بگوئیم، در حقیقت نگاه کردن و گفتن و اشاره کردن به برهه‌ای از زمان است که آن برهه متعلق به شماست؛ وجود واقعی شما در آن برهه تعیین کننده و کارگشاست. این موضوعی که نگاه به آینده دارد، مسأله‌ی شعار دهه‌ی چهارم است - که شروع شده - یعنی پیشرفت و عدالت. اعلام کرده‌ایم که این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت باشد. البته با گفتن و با اعلام کردن، نه پیشرفت حاصل می‌شود و نه عدالت؛ اما با تبیین کردن، تکرار کردن و همت‌ها و عزم‌ها را راسخ کردن، هم پیشرفت حاصل می‌شود و هم عدالت. ما می‌خواهیم مسأله‌ی پیشرفت و عدالت، در دهه‌ی چهارم به یک گفت‌مان ملی تبدیل بشود. همه باید آن را بخواهیم؛ تا نخواهیم، طراحی و برنامه‌ریزی و عملیات تحقق پیدا نخواهد کرد و به هدف هم نخواهیم رسید؛ باید تبیین بشود. من می‌خواهم یک قدری راجع به این مسأله‌ی پیشرفت صحبت کنم. مسأله‌ی عدالت هم باز یک باب واسع و طولانی دیگری است.

ابتدا شکل کلی بحث را می‌گویم و سعی می‌کنم که ان‌شاءالله هرچه بتوانم، موجزتر و کوتاه‌تر بگویم. شکل کلی بحث امروز این است: برخی از مختصات پیشرفت را عرض می‌کنیم تا قواری کلی و نمای کلی‌ای که ما برای پیشرفت در ذهن داریم، روشن بشود - عمده‌ی بحث هم همین است - بعد برخی از پیش‌نیازهای یا نیازهای پیشرفت را می‌شماریم؛ بعد هم اگر مجالی بود، به برخی از موانعی که در این راه وجود دارد و آسیب‌هایی که ممکن است گریبان ما را در این راه بگیرد، اشاره می‌کنیم. در مسأله‌ی اول - یعنی تبیین نمای کلی پیشرفت - من چند نکته را می‌گویم که مجموع این نکات، این نمای کلی را به ما نشان خواهد داد. نکته‌ی اول این است که ما وقتی می‌گوئیم پیشرفت، نباید توسعه‌ی به مفهوم رائج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین‌المللی حرف رائجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می‌گوئیم، با آن چه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می‌شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه‌ی پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آن چه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه‌ی غربی - با همان مختصات و با همان شاخص‌ها - نیست. غربی‌ها یک تاکتیک زیرکانه‌ی تبلیغاتی را در طول سال‌های متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته. خوب، در وهله‌ی اول انسان خیال می‌کند توسعه‌یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفت‌های برخوردار است، توسعه‌نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه‌یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می‌آید، یعنی در حال توسعه و توسعه‌نیافته - یک بار ارزشی و

یک جنبه‌ی ارزش‌گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می‌گویند کشور توسعه‌یافته، یعنی کشور غربی! با همه‌ی خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت‌گیری سیاسی‌اش؛ این توسعه‌یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه‌نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می‌خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه‌ی رفتار و کارها و شکل و قواری کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی‌اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما این‌ها را یاد هم بگیریم، یاد می‌گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می‌کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه‌ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه‌ی غربی شدن، یا توسعه‌یافته‌ی به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی‌کنیم. پیشرفتی که ما می‌خواهیم چیز دیگری است.

مطلب دوم این است که پیشرفت برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرائط گوناگون - شرائط تاریخی، شرائط جغرافیائی، شرائط جغرافیای سیاسی، شرائط طبیعی، شرائط انسانی و شرائط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه‌ی اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرائط تاریخی ما، با شرائط جغرافیائی ما، با

اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما- الگوی ویژه‌ی خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه‌ی پیشرفت آمریکائی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای غربی، چه نسخه‌ی پیشرفت اروپائی از نوع اروپای شمالی- کشورهای اسکاندیناوی، که آن‌ها یک نوع دیگری هستند- هیچ کدام از این‌ها، برای پیشرفت کشور ما نمی‌تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. هنر ما این خواهد بود که بتوانیم مدل بومی پیشرفت را متناسب با شرائط خودمان پیدا کنیم. من این بحث را در محیط دانشگاه دارم می‌کنم؛ معنایش این است که این تحقیق و این پیگیری و این تفحص را شما دانشجو، شما استاد و شما عنصر دانشگاهی، با جدیت باید انجام بدهید؛ و ان‌شاءالله خواهید توانست.

نکته‌ی بعدی هم نکته‌ی مهمی است: مبانی معرفتی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. هر جامعه و هر ملتی، مبانی معرفتی، مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی‌ای دارد که آن مبانی تعیین‌کننده است و به ما می‌گوید چه نوع پیشرفتی مطلوب است، چه نوع پیشرفتی نامطلوب است. آن کسی که ناشیانه و نابخردانه، یک روزی شعار داد و فریاد کشید که باید برویم سرتاپا فرنگی بشویم و اروپائی بشویم، او توجه نکرد که اروپا یک سابقه و فرهنگ و مبانی معرفتی‌ای دارد که پیشرفت اروپا، بر اساس آن مبانی معرفتی است؛ ممکن است آن مبانی بعضاً مورد قبول ما نباشد و آن‌ها را تخطئه کنیم و غلط بدانیم. ما مبانی معرفتی و اخلاقی خودمان را داریم. اروپا در دوران قرون وسطی، سابقه‌ی تاریخی مبارزات کلیسا با دانش را دارد؛ انگیزه‌های عکس‌العملی و واکنشی رنسانس علمی اروپا در مقابل آن گذشته را نباید از نظر دور داشت. تأثیر مبانی

معرفتی و مبانی فلسفی و مبانی اخلاقی بر نوع پیشرفتی که او می‌خواهد انتخاب کند، یک تأثیر فوق‌العاده است. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه.

فرض بفرمائید در یک جامعه‌ای تفکر سودمحور مطرح است؛ یعنی همه‌ی پدیده‌های عالم با پول محک زده می‌شوند و اندازه‌گیری می‌شوند: هر چیزی قیمت پولی‌اش و سود مادی‌اش چقدر است. امروز در یک بخش بزرگی از دنیا مسأله این است: همه چیز با پول سنجیده می‌شود! در این جامعه ممکن است برخی از کارها ارزشی باشد - برای خاطر این که آن‌ها را به پول می‌رساند - اما در یک جامعه‌ای که در آن پول و سود، محور قضاوت نیست، همان کار ممکن است ضدارزش محسوب بشود. یا در یک جامعه‌ای اصالت لذت حاکم است. آقا شما چرا این عمل را مباح می‌دانید؟ چرا هم‌جنس‌گرایی و هم‌جنس‌بازی را مباح می‌دانید؟ می‌گوید: لذت است؛ انسان از او لذت می‌برد! این شد اصالت لذت؛ وقتی اصالت لذت بر یک جامعه و بر یک ذهنیت عمومی حاکم بود، یک چیزهایی مباح می‌شود. اما وقتی شما در یک فلسفه‌ای، در یک ایدئولوژی‌ای و در یک نظام اخلاقی‌ای دارید تنفس می‌کنید که اصالت لذت در او وجود ندارد، یک کارهایی لذت هم دارد، اما نامشروع است، ممنوع است. لذت مجوز اقدام نیست، مجوز تصمیم‌گیری نیست، مجوز مشروعیت نیست. این‌جا دیگر شما نمی‌توانید مانند همان جامعه‌ای که در آن اصالت لذت حاکم است، تصمیم‌گیری کنید؛ مبانی معرفتی فرق می‌کند.

یا در یک جامعه و در یک نظام اخلاقی‌ای، پول احترام مطلق دارد؛ از کجا آمده؟ مهم نیست. ممکن است از راه استثمار به دست آمده باشد،

ممکن است از راه استعمار به دست آمده باشد، ممکن است از راه غارت به دست آمده باشد؛ فرقی نمی‌کند، پول است. البته امروز این چیزها اگر صریحاً گفته بشود -در آن جوامعی که به آن‌ها مبتلای‌اند- ممکن است انکار بشود؛ اما تاریخ‌شان را که نگاه می‌کنید قضیه روشن می‌شود. در آمریکا، ریشه‌ی این مسأله‌ی آزادی فردی و این لیبرالیسمی که به آن افتخار می‌کردند و می‌کنند و یکی از ارزش‌های آمریکائی به حساب می‌آورند، عبارت است از حفظ ثروت شخصی. یعنی محیطی که آمریکا در آن محیط به وجود آمد و با آن مردمی که آن روز در آمریکا جمع شده بودند، حفظ فعالیت و تلاش مادی، نیاز به این داشت که به ثروت شخصی افراد یک ارزش مطلق داده بشود. البته این از نگاه جامعه‌شناختی و با نگاه واقعی -متنی به جامعه‌ی آمریکائی، داستان خیلی مفصلی دارد. آن روزی که منطقه‌ی آمریکا -نه نظام سیاسی آمریکا- به عنوان محلی برای کسب درآمد با آن زمینه‌ی طبیعی پُرسود تبدیل شد، آن کسانی که در آمریکا جمع شده بودند، بیشتر ماجراجویانی بودند که از اروپا راه افتاده بودند، توانسته بودند عرض اقیانوس متلاطم اطلس را بپیمایند و خودشان را به سرزمین اتازونی برسانند؛ هر کسی نمی‌آمد. آن کسی که در اروپا زندگی داشت، کار داشت، خانواده داشت، اصالت داشت، او که نمی‌آمد؛ افرادی می‌آمدند که یا از لحاظ مالی استیصال داشتند، یا تحت تعقیب جزائی بودند، یا ماجراجو بودند. می‌دانید، اقیانوس اطلس، متلاطم‌ترین دریاهای دنیاست؛ از عرض این اقیانوس عبور کردن و خود را از اروپا به سرزمین آمریکا رساندن، خودش یک ماجراجویی می‌خواست. مجموعه‌ای از این ماجراجوها، عمدتاً -نمی‌گویم عموماً- مردم اوّلیه‌ی آمریکا را تشکیل دادند. اگر بنا بود این‌ها بتوانند با هم و در کنار هم زندگی بکنند و ثروت تولید بکنند، باید به ثروت شخصی یک ارزش مطلق داده می‌شد. و داده

شد. توی این فیلم‌های کابوئی -البته این‌ها نه این که صد در صد واقعیت داشته باشد، به هر حال فیلم است، داستان است؛ اما نشانه‌های واقعیت کاملاً در آن‌ها وجود دارد- شما می‌بینید برای خاطر یک گاوی که کسی از گله‌ی یک گله‌دار دزدیده، قاضی می‌نشیند قضاوت می‌کند، حکم اعدام به او می‌دهد، بعد هم به دارش می‌زنند! این به خاطر این است که ثروت شخصی و مالکیت خصوصی، یک ارزش مطلق پیدا می‌کند. خب، در یک چنین جامعه‌ای دیگر مهم نیست این پول از کجا آمده باشد.

در جوامع غربی -تقریباً به طور عموم- از راه استعمار آمده است. ثروتی که انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم به دست آورد و توانست به وسیله‌ی آن ثروت و پول نقد و طلای نقد، سیاست خودش را بر کل اروپا و مناطق دیگر سیطره بدهد، به خاطر پولی بود که انگلیسی‌ها از استعمار کشورهای شرقی و عمدتاً شبه قاره‌ی هند به دست آورده بودند؛ شبه قاره‌ی هند و کشور سیام سابق و بقیه‌ی کشورهای آن منطقه را غارت کردند! شما به تاریخ مراجعه کنید، مطالعه کنید؛ واقعاً در یکی دو کلمه نمی‌شود گفت که این‌ها با هند چه کردند؛ انگلیسی‌ها ثروت هند را و ثروت آن منطقه را -که منطقه‌ی بسیار پُرثروتی بود- مثل یک انار آب‌لیموئی فشردند و همه رفت توی خزانه‌ی دولت انگلیس و کشور انگیس تبدیل شد به یک ثروتمند! دیگر سؤال نمی‌شود این ثروت از کجا آمد. این ثروت احترام دارد! خب پیشرفت در این کشور یک معنا پیدا می‌کند؛ اما در کشوری که استعمار را حرام می‌داند، استثمار را گناه می‌داند، غارت را ممنوع می‌داند، غصب را حرام می‌داند، تجاوز به حقوق دیگران و گرفتن مال دیگران را ممنوع می‌داند، پیشرفت یک معنای دیگری پیدا خواهد کرد. بنابراین مبانی معرفتی، مبانی اخلاقی و تفکرات اصولی و فلسفی، در تعریف پیشرفت در یک کشور تعیین کننده است.

این هم یک مطلب.

مطلب بعدی این است که ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‌ی غربی می‌شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که این‌ها در توسعه‌ی کشورهای توسعه یافته‌ی غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپائی‌هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‌ای که این‌ها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. این‌ها هم لازم است. ما اگر باید این‌ها را یاد بگیریم، یاد هم می‌گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آن‌ها را فرا بگیریم و عمل کنیم.

نکته‌ی بعدی مسأله‌ی پسوند عدالت است. ما گفتیم پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخص‌های مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشورهاست. فلان کشور درآمد ناخالص ملی‌اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ی پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود. اگر درآمد ملی بسیار بالاست، اما توی همین کشور آدم‌هایی شب توی خیابان می‌خوابند و با گرمای چهل و دو درجه‌ی هوا عده‌ی زیادی‌شان می‌میرند، این پیشرفت نیست. شما ببینید توی خبرها: در فلان شهر معروف بزرگ غربی - مثلاً در آمریکا یا جای دیگر - حرارت هوا به چهل و دو درجه رسید و فلان تعداد آدم مردند! چرا با چهل و دو درجه حرارت بمیرند؟ این معنایش این است که این‌ها سرپناه و جا ندارند. اگر در جامعه‌ای، انسان‌هایی وجود دارند که بی‌سرپناه زندگی

می‌کنند یا باید چهارده ساعت در روز کار کنند تا نان بخور و نمیر پیدا کنند، درآمد ناخالص ملی ده برابر اینی هم که امروز هست باشد، این پیشرفت نیست. در منطق اسلامی این پیشرفت نیست. بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمّیت دارد.

البته درباره‌ی پسوند عدالت حرف‌های بیشتری هست. اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه‌ی این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه‌ی همه‌ی مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارقِ عمده این است. اگر یک تمدّنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادیِ دنیائی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دوساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود. کشور ما و جامعه‌ی اسلامی آن وقتی پیشرفته است که نه فقط دنیای مردم را آباد کند، بلکه آخرت مردم را هم آباد کند. پیغمبران این را می‌خواهند: دنیا و آخرت. نه دنیای انسان باید مغفول‌عنه واقع بشود به توهم دنبال‌گیری از آخرت، نه آخرت باید مغفول‌عنه واقع بشود به خاطر دنبال‌گیری از دنیا. این بسیار نکته‌ی مهمّی است. اساس، این است. آن پیشرفتی که در جامعه‌ی اسلامی مورد نظر است، این چنین پیشرفتی است.

چند جور انحراف ممکن است در این‌جا به وجود بیاید:
یکی این است که کسانی دنیا را اصل بدانند و از آخرت فراموش کنند؛ یعنی همه‌ی تلاش جامعه و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران و حکومت، برای این باشد که زندگی مردم را از لحاظ دنیائی آباد کنند: مردم پول داشته باشند، ثروت داشته باشند، راحت باشند، مشکل مسکن

نداشته باشند، مشکل ازدواج نداشته باشند، مشکل بیکاری نداشته باشند؛ فقط همین! اما از لحاظ معنوی در چه وضعی باشند، مطلقاً مورد توجه قرار نگیرد. این یک انحراف است.

یک انحراف دیگر این است که از دنیا غفلت کنند؛ از دنیا غفلت کردن یعنی از مواهب حیات و مواهب زندگی غفلت کردن و به آن بی‌اعتنائی کردن؛ این هم یک انحراف دیگر است. مثل بسیاری از گرفتاری‌هایی که در مجموعه‌ی دینداران در گذشته اتفاق افتاده: اقبال به مسائل اخروی و دینی، و بی‌توجهی به مواهب عالم حیات و استعدادهایی که خدای متعال در این عالم قرار داده است؛ این هم یکی از انحراف‌هاست. «هوالذی انشأکم من الارض و استعمرکم فیها»؛ خدا شما را مأمور کرده است به آبادی زمین. آبادی یعنی چه؟ یعنی استعدادهای بی‌پایانی که در عالم ماده وجود دارد را یکی یکی کشف کردن، آن‌ها را در معرض استفاده‌ی انسان قرار دادن و انسان را به این وسیله به جلو بردن. این مسأله‌ی علم و تولید علم و این مسائلی که ما می‌گوئیم، ناظر به این است.

یک انحراف دیگر هم این است که انسان در زندگی شخصی خود، مواهب حیات و نیازهای مادی را دست کم بگیرد و مورد بی‌اعتنائی قرار بدهد؛ این هم در اسلام گفته نشده، خواسته نشده؛ بلکه عکسش خواسته شده: «لیس مثا من ترک اخرته لدنياه و لا من ترک دنياه لآخرته». اگر آخرت را به خاطر دنیا ترک کردید در این امتحان مردودید؛ اگر دنیا را هم به خاطر آخرت ترک کردید در این امتحان مردودید. این خیلی مهم است. امیرالمؤمنین به کسی برخورد کرد که زن و زندگی و خانه و همه چیز را کنار گذاشته بود و به عبادت پرداخته بود؛ فرمود: «یا عدی نفسه»، ای دشمن کوچک خویشتن! با خودت داری دشمنی می‌کنی؛ خدا این را از تو نخواسته. «قل من حرم زینة الله الّتی أخرج لعباده و الطّیّبات من

الزُّزْق»^۱. این هم این مطلب است. بنابراین تعادل دنیا و آخرت و نگاه به دنیا و آخرت - هم در برنامه‌ریزی، هم در عمل شخصی و هم در اداره‌ی کشور - لازم است. این هم یک شاخص عمده‌ی پیشرفت است. این‌ها یک مختصاتِی از جمله‌ی مختصاتِ پیشرفت مورد نظر ما بود که عرض کردیم. همان‌طور که گفتیم با این حرف‌ها تمام نمی‌شود: باید دقت کرد، باید تعقیب کرد، باید تحقیق کرد. صاحبان فکر در دانشگاه‌ها بنشینند و روی این مسائل مطالعه کنند؛ تبیین علمی بشود؛ مدل‌سازی علمی بشود تا بتوانیم این را به برنامه تبدیل کنیم و بیندازیم در میدان اجرا تا در پایان ده سال، ملت احساس کنند که پیشرفت حقیقی پیدا کردند.

یکی از الزامات ما این است: هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده‌ی استقلال کشور باشد؛ این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده‌ی برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه‌ی پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی‌شود. امروز هستند کشورهایی - به خصوص در آسیا - که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفت‌های ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده‌اند؛ اما وابسته‌اند، وابسته‌اند. ملت و به تبع آن‌ها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند: نه در سیاست‌های جهانی، نه در سیاست‌های اقتصادی عالم و نه در طراحی‌های مهمی که

در عرصه‌ی بین‌المللی مورد توجه است. دنباله‌روند؛ غالباً هم دنباله‌رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد.

یک نکته‌ای را در این جا من عرض بکنم و آن مسأله‌ی جهانی شدن است. جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلاً باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ والا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها - که همه ابزارهای آمریکائی و استکباری بودند - به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسأله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است.

یک مسأله‌ی دیگر هم که به شدت به شما ارتباط پیدا می‌کند، مسأله‌ی تولید علم است. خوشبختانه من می‌بینم در دانشگاه‌ها تولید علم و لزوم عبور از مرزهای دانش به یک گفت‌مان عمومی تبدیل شده. این خیلی برای من خرسندکننده و نویدبخش است. باید اجرائی کنید. این پیشنهادهایی که این عزیزان من در زمینه‌های دانش و تحقیق و پژوهش و ایجاد مراکز و نخبه‌پروری و ارتباطات و غیره گفتند، همه در جهت همین مسأله‌ی تولید علم است. این بسیار باارزش است. این راه را باید دنبال کرد. ما عقبیم. امروز سرعت پیشرفت ما خوب است؛ اما با توجه به عقب‌ماندگی‌های گذشته که کشور ما دارد، هر چه سرعت‌مان بیشتر باشد باز هم زیادی نیست. ما باید خیلی پیش برویم؛ از راه‌های میان‌بر

استفاده کنیم؛ از شتاب فراوان بهره ببریم؛ ما باید در همه‌ی علوم تولید داشته باشیم.

رابطه‌ی بین کشورها در زمینه‌ی علم باید رابطه‌ی صادرات و واردات باشد؛ یعنی در آن تعادل و توازن وجود داشته باشد. هم‌چنانی که در باب مسائل اقتصادی و بازرگانی، اگر کشوری وارداتش بیشتر از صادراتش شد، ترازش منفی می‌شود و احساس غبن می‌کند، در زمینه‌ی علم هم باید همین جور باشد. علم را وارد کنید، عیبی ندارد؛ اما حداقل به همان اندازه که وارد می‌کنید - یا بیشتر - صادر کنید. باید جریان دو طرفه باشد. والا اگر شما دائماً ریزه‌خوار خوان علم دیگران باشید، این پیشرفت نیست. علم را بگیرید، طلب کنید، از دیگران فرا بگیرید؛ اما شما هم تولید کنید و به دیگران بدهید. مواظب باشید تراز بازرگانی شما در این جا هم منفی نباشد. متأسفانه در این یکی دو قرن شکوفائی علم در دنیا، تراز ما تراز منفی بوده. از اوّل انقلاب کارهای خوبی شده؛ اما این کارها بایستی با سرعت و شدّت هرچه بیشتر ادامه پیدا کند.

البته منظورم فقط هم علوم طبیعی نیست؛ اهمّیت علوم انسانی کم‌تر از آن نیست: جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه. نظریه‌های جامعه‌شناسی غرب، مثل قرآن برای بعضیها معتبر است؛ از قرآن هم معتبرتر! فلان جامعه‌شناس این جوری گفته؛ این دیگر برو برگرد ندارد! چرا؟! بنشینید فکر کنید؛ نظریه‌پردازی کنید؛ از موجودی این دانش‌ها در دنیا استفاده کنیم؛ بر آن چیزی بیفزاییم و نقاط غلط آن را برملا کنیم. این از جمله‌ی کارهایی است که جزو الزامات حتمی پیشرفت است.

من دیگر می‌خواهم بحث را تمام بکنم. یکی دیگر از الزامات هم مسأله‌ی مبارزه است؛ مبارزه. اگر می‌خواهید پیشرفت کنید باید مبارزه کنید. عافیت‌طلبی، یک گوشه‌ای نشستن، دست‌ها را به هم مالیدن و به

حوادث دنیا نگاه کردن و وارد میدان‌های بزرگ دنیا نشدن، برای هیچ کشور و هیچ ملّتی پیشرفت به بار نمی‌آورد. باید وسط میدان بروید. این میدان لزوماً هم میدان جنگ نظامی نیست. امروز مهم‌تر از جنگ نظامی، نبردهای سیاسی و نبردهای اخلاقی است. امروز بسیاری از کشورها، دولت‌ها و جوامعی که در دنیا به عنوان پیشرفته مطرح‌اند، اگر حساب‌کشی اخلاقی و سیاسی بشود سر به زیر و سر افکنده‌اند.

شما امروز نگاه کنید؛ فرض کنیم در غزه؛ یک جمعیت از اطراف محاصره‌شده‌ی در یک زمین محدود -که اجازه‌ی ورود و خروج هیچ امکانی از امکانات زندگی به این‌ها داده نمی‌شود- با هواپیما این‌ها را بکوبند، با موشک بکوبند، با توپخانه بکوبند، نیروی زرهی‌شان را وارد کنند، در ظرف بیست و دو روز بیش از پنج هزار نفر را بکشند، آن وقت دنیا هم بنشیند و تماشا کند؛ اواسط کار، یک آخ و اوخی -بی‌اثر و بی‌نتیجه- از این گوشه و آن گوشه‌ی دنیا بلند بشود؛ آخرش هم سازمان ملل اعلام کند -که جناب دبیر کل همین چند روز قبل از این اعلام کرد- که پرونده‌ی مسأله‌ی غزه بسته شد! عجب!

امروز در دنیا ظلم وجود دارد، تبعیض وجود دارد، یک بام و دو هوا وجود دارد. یکی از مصادیق‌اش همین مسأله‌ی هسته‌ای خود ماست. یکی از مصادیق‌اش همین تجاوزهای نظامی به کشورهای مسلمان همسایه‌ی ماست. کشتن غیرنظامیان و بمباران غیرنظامیان یک چیز عادی شده. همین هفته‌ی قبل اعلام کردند صد و پنجاه نفر در افغانستان با بمباران هوایی نظامیان آمریکائی کشته شدند؛ آب هم از آب تکان نمی‌خورد! بعد هم می‌گویند: بله، ببخشید اشتباه شد! این شد حرف!

اگر آن روزی که صدام حسین حلبچه را بمباران شیمیائی کرد، یقه‌ی او را می‌گرفتند و دنیا او را به پای میز محاکمه می‌کشاند و محاکمه می‌کرد؛

اگر آن روزی که هواپیمای مسافری ایران به وسیله‌ی یک ژنرال آمریکائی در خلیج فارس سرنگون شد و چند صد نفر ایرانی و غیرایرانی کشته شدند، گریبان این نظامی جنایت‌کار را می‌گرفتند، به دادگاه می‌کشاندند - که به جایش رئیس‌جمهور آن روز آمریکا به او نشان داد، مدال داد؛ انحطاط را ببینید- و او را محاکمه می‌کردند؛ اگر آن روزی که اولین بار یک کاروان عروسی در افغانستان به وسیله‌ی نظامیان آمریکائی بمباران شد، آن افسر جنایتکار را می‌گرفتند و محاکمه می‌کردند؛ دیگر این قضایا در دنیا اتفاق نمی‌افتاد یا کم می‌شد. این وضعیّت زشت و ناهنجار و ضدّ بشری‌ای است؛ یک ملتّ زنده باید با آن مبارزه کند.

ما افتخار می‌کنیم که ملتّ ما، دولت ما، مسئولین ما، جوانان ما و فرزندان ما در همه‌ی این سال‌ها نسبت به این قضایا بی‌تفاوت نبودند؛ اعلام موضع کردند، ابراز نفرت کردند. این روحیّه را ملتّ ایران نباید از دست بدهد. این روحیّه را از دست ندهید؛ به خصوص شما جوان‌ها. یک عده‌ای می‌خواهند مطلب را واژگونه نشان بدهند؛ اعتراض می‌کنند آقا! چقدر می‌گوئید مرگ بر فلان، مرگ بر فلان. اعتراض می‌کنند چرا جنایات آمریکا را یا صهیونیست‌ها را یا هم‌پیمانان‌شان را در تریبون‌های جهانی علنی مطرح می‌کنید. باید مطرح کرد، باید گفت. ملتّ‌ها درس می‌گیرند. من به شما بگویم این را - اگر چه نمی‌توانیم این را اثبات بکنیم اما من می‌دانم، این را بالعیان مشاهده کردم- برخی از کشورهای استقلال یافته و آزاد شده- از جمله یکی از کشورهای معروف آفریقا- از ایران الگوگیری کردند؛ همان روشی را که در دوران انقلاب در ایران اعمال شده بود، آن روش را به کار بردند. این جا بهشان گفته شد. سران انقلابیون‌شان آمده بودند این جا؛ به آن‌ها گفته شد که امام از این روش استفاده کرد؛ رفتند و همان روش را اعمال کردند و توانستند استقلال

بگیرند و توی کشور خودشان، آپارتاید را نابود کنند.

ملت‌ها الهام می‌گیرند، دولت‌ها یاد می‌گیرند و رهبران ملی تشجیع می‌شوند، وقتی می‌بینند یک ملت این جور ایستاده است. چرا ما خجالت بکشیم؟ قبل از پیروزی انقلاب در دوران طاغوت، اگر توی یک جمعی -که مثلاً داشتند با هم‌دیگر توی خیابان راه می‌رفتند، یا توی فرودگاه منتظر پرواز بودند، یا مثلاً یک گوشه‌ای از دانشگاه گیر افتاده بودند- یکی‌شان می‌خواست نماز بخواند، این قدر این کار غیرمأنوس بود که آن کسانی که همراهش بودند می‌گفتند: نماز می‌خوانی؟! آبروی ما رفت! نماز خواندن مایه‌ی آبروریزی بود! این بود؛ شما جوان‌ها آن روزها را ندیده‌اید؛ ما دیده‌ایم. اگر یک جوان نمازخوانی در یک منطقه‌ی جلوی چشم و یک مرکز عمومی، می‌ایستاد نماز می‌خواند، رفقاییش خجالت می‌کشیدند و می‌گفتند آبروی ما را بردی. اگر در یک اجتماع عمومی -که بنا بود چند نفر سخنرانی کنند- سخنران، اوّل سخنرانی می‌گفت بسم الله الرحمن الرحيم، رفقاییش خجالت می‌کشیدند و سرشان را پائین می‌انداختند!

امروز و در دوران عظمت اسلام، سربلندی نظام اسلامی و سربلندی ملت ایران به خاطر مواضع ضدّ استکباری‌اش، آدم می‌بیند اگر کسی در تریون‌های جهانی در مقابل آمریکا و اسرائیل و صهیونیسم و هم‌پیمانان‌شان بایستد و صریح حرف بزند، یک عده‌ای این جا خجالت می‌کشند! دست به دست هم می‌مالند و می‌گویند: آقا! آبروی‌مان رفت! مثل همان خجالت کشیدنی که در دوران طاغوت، از نماز خواندن یکی می‌بردند. چرا خجالت بکشیم؟! مواضع صریح ملت ایران -و به خصوص جوان‌ها- در مقابل ظلم‌ها و ستم‌های بین‌المللی هرگز نبایستی متوقّف بشود. عزیزان من! در این میدان‌های پیشرفت، همه باید تلاش کنید. این

جا دانشگاه کردستان است. اکثریت شما دانشجویها، گردید. من افتخار می‌کنم که در محیط کردستان و در بین دانشجویان گرد، آن‌چنان شعارهای اسلامی زنده است و آن‌چنان احساس دل‌بستگی به آرمان‌های ملی زنده است که دشمنان ما به خشم می‌آیند. این مایه‌ی افتخار ملی ماست. این همه این‌ها روی کردستان کار کردند؛ این همه در بلندگوها و شب‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و در سرّ و علن، جدائی بین اقوام ایرانی را تلقین کردند؛ شما نتیجه‌اش را امروز توی این جمع می‌بینید، در جمع میدان آزادی سنندج دیدید، در مریوان دیدید. ملت یکپارچه است؛ ملت دارای آرمان است. اقوام یکی‌اند. این مطالبی که عزیزان گرد ما امروز در این جا راجع به دل‌بستگی‌ها و هم‌بستگی‌ها گفتند، این‌ها چیزهائی است که برای من جزو واضحات است، مثل روز روشن است. ممکن است بعضی درست ندانند، درست نفهمند؛ باید خودشان را اصلاح کنند.

من این را عرض بکنم: اقوام ایرانی یک فرصت‌اند. ما اگر اقوام ایرانی را در میدان رقابت مسابقه‌آمیز به سمت خیرات بیندازیم، بسیار کار خوب و درستی انجام گرفته است. هر قومی از اقوام ایرانی -چه گرد، چه فارس، چه ترک، چه بلوچ، چه عرب، چه ترکمن، چه لر- سعی کند با همان روحیه‌ی قومی، در جهت پیشرفت ملی -نه صرفاً پیشرفت قومی- گام‌های بلندتری بردارد. این خیلی چیز عالی‌ای است. آن روز در جمع نخبگان سنندج و کردستان - که در یکی از سالن‌های این جا تشکیل شد- یکی از دوستان گرد، یک حرف خوبی زد؛ گفت هم‌چنانی که شهید مطهری کتاب خدمات متقابل ایران و اسلام را نوشته، چقدر خوب است که یک نفری بیاید خدمات متقابل گرد و ایران را بنویسد؛ خدمات کردها به ایران، خدمات ایران به کردها. این خیلی خوب است. مشخص کنید که این قوم برای آرمان‌های ملی و برای آرمان‌های اسلامی،

چه گام بلندی می‌تواند بردارد. آن وقت مسابقه قرار بدهید: مسابقه‌ی بین فارس‌ها، کُردها، تُرک‌ها، عرب‌ها، لُر‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها؛ این بهترین مسابقه‌ی ملی است. آن وقت معلوم می‌شود که استعدادها چقدر جوشان و خروشان است. این می‌شود یک فرصت. البتّه دشمن می‌تواند این را تبدیل به تهدید هم بکند که خوشبختانه همه‌تان هوشیارید. دعوای تنگ‌نظرانه و ناسیونالیسم‌های قومی محدود، به کلی با دیدگاه اسلام و با دیدگاه بلند و بازی که همه‌ی ما به آن احتیاج داریم منافات دارد. امیدوارم خداوند متعال رحمت و برکت و فضل و لطف خودش را بر همه‌ی شما عزیزان نازل کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته
۱۳۸۸/۰۲/۲۷

بیانات در دیدار مردم بیجار

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا
أبي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الأطيبين الأطهرين وصحبه
المنتجبين سيما بقيّة الله في الأرضين

بسیار خوش‌وقت‌م که در جمع پُرمحبّت و پُرشور مردم دلاور شهرستان بیجار و گروس با آن سوابق تاریخی، با آن افتخارات بزرگ، امروز حضور پیدا کردم. مردم بیجار علاوه بر افتخارات تاریخی‌شان، در دوران معاصر در حوادث گوناگون انقلاب، در جنگ تحمیلی و دفاع مقدّس از مرزهای کشور جوهر درخشان خود را نشان دادند. مرد و زن‌شان، پیر و جوان‌شان، حتّی نوجوانان‌شان در این میدان آن چنان شهامتی از خود نشان دادند که یقیناً از یاد نخواهد رفت. همین الان در گلزار شهیدان، بر سر مزار

مقدّس چندین شهید دانش‌آموز که از یک مدرسه با یکدیگر به میدان جهاد رفتند و شربت شهادت نوشیدند، بودیم و مزار این عزیزان را زیارت کردیم. این‌ها نشانه‌های بزرگی است؛ درباره‌ی یک مردم، درباره‌ی یک قوم، درباره‌ی یک شهر. تاریخ روی این‌ها قضاوت می‌کند. آن دوران گذشت که سعیِ مرکز نشینان و قدرتمندان بر این بود که شهرهای دوردست و اقوام گوناگون کشور را ندیده بگیرند. امروز در نظام جمهوری اسلامی ایران هر فرد ایرانی در هر نقطه‌ی این کشور عظیم و پهناور به عنوان یک فرد دارای ارزش مستقلی است. مجموعه‌ی این ارزش‌ها، مجموعه‌ی این شخصیت‌های مستقل، مجموعه‌ی این اراده‌ها و محبت‌ها، ملت بزرگ ایران را تشکیل می‌دهد؛ ملّتی که در دوران معاصر توانسته است علی‌رغم خواست قدرت‌های مستکبر جهانی، حضور خود، اراده‌ی خود، تأثیر خود را بر مخالفان و بر معاندان تحمیل کند. ایستادگی ملّت ایران که امروز یک ایستادگی مثال‌زدنی است و سرمشق بسیاری از ملّت‌هاست، ناشی از ایستادگی یکایک آحاد کشور، ناشی از جوهر تابناک شخصیت در همه‌ی اقوام کشور و در همه‌ی شهرها و گوشه و کناره‌های این کشور بزرگ است.

آن‌چه در مورد شهر بیجار جلب توجّه می‌کند، این است که این مردم با محبت اهل بیت -چه شیعه و چه سنی، به خصوص شیعیان که پیرو مکتب اهل بیت هستند- توانسته‌اند از آزمایش‌های بزرگی سربلند بیرون بیایند. این مردم عزیز در مرزداري کشور اسلامی امتحان خود را به خوبی دادند؛ نمره‌ی قبولی گرفتند. مردم کردستان در همه‌ی اقطار این استان، از جمله در شهر بیجار که مرکز تشیع است، شیعه و سنی با یکدیگر و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و یک نمونه‌ای از هم‌بستگی اسلامی و وحدت اسلامی را نشان می‌دهند. این‌ها در خور تقدیر است.

ما در مطالعات خود، در بررسی‌های خود، نه فقط در این برهه، بلکه از گذشته، توجّه کردیم که در دوران طاغوت به این منطقه با نگاه منفی نگاه شده است. مردم این منطقه را بیگانه دانستند، مورد بی‌اعتنائی قرار دادند؛ از اوّل انقلاب به همین جهت به دستور امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) اوّلین گروه عمران، به عنوان دفتر عمران کُردستان، به این منطقه آمدند تا مشغول خدمت‌رسانی شوند، تا مشکلات متراکم‌شده‌ی از دوران قبل را بر طرف کنند. البتّه ناامنی‌هایی که دشمنان انقلاب در برهه‌ای از زمان به وجود آوردند، فرصت‌ها را گرفت، عقب‌افتادگی‌هایی در این خدمت‌رسانی‌ها به وجود آورد، اما جوانان دلیر میهن اسلامی - چه جوانان جهاد سازندگی، چه دلاوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چه مردان نیرومند ارتش و نیروی انتظامی - به پشتیبانی شما مردم توانستند در این استان و در این منطقه کارهایی را انجام دهند. البتّه در عین حال عقب‌افتادگی‌ها کم نیست. امام جمعه‌ی محترم، به بعضی از درخواست‌ها اشاره کردند. خوشبختانه دولت خدمتگزار در جلسات خود - از جمله در جلسه‌ای که دو روز قبل در سنندج تشکیل دادند - به مسائل رسیدگی کردند و در خصوص منطقه‌ی بیجار، تصمیم‌های خوبی گرفتند؛ به ما هم گزارش کردند؛ ما هم تأکید کردیم آن‌ها را دنبال‌گیری و پیگیری کنند و ان‌شاءالله پیگیری خواهند کرد. به همت شما مردم، با کمک شما مردم ان‌شاءالله دولت خدمتگزار بتواند کارهای بزرگی را که برای این مردم، برای این منطقه، برای شما عزیزان در نظر دارد، انجام دهد. من یک نکته را که درباره‌ی مسائل کلّی کشور و انقلاب است، اما به خصوص ناظر به مسائل بیجار هم هست، عرض می‌کنم. و آن این است که ملت ایران این حرکت عظیمی را که موجب حیرت بینندگان جهانی شد، به کمک سه عنصر اساسی انجام داد: یکی اتّحاد؛ یکی، حضور و



یکی آگاهی. ملت ایران با اتحاد خود، با حضور خود، با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید، جریانی نو در اندیشه‌ی سیاسی دنیا به وجود آورد. ملت‌های مسلمان احساس هویت کردند، شخصیت پیدا کردند. احساس کردند می‌توانند عقب افتادگی‌های‌شان را که بر امت اسلامی تحمیل شده بود، جبران کنند. لذا شما می‌بینید حرکت ملت ایران بر روی ملت‌های مسلمان -از شمال آفریقا تا شرق آسیا- اثر گذاشت، ملت‌ها را بیدار کرد. در قضیه‌ی فلسطین، در قضیه‌ی لبنان، در مسائل عراق و افغانستان جا به جا و قدم به قدم، تأثیر نفس شما ملت ایران محسوس است. این کار بزرگ به برکت این سه عنصر بود: اتحاد ملی. دل‌ها به هم نزدیک شد، حنجره‌ها یک فریاد را به گوش همه رساندند، مردم سراسر کشور از اقوام مختلف، با مذاهب مختلف، دنبال جمهوری اسلامی و برافراشته شدن پرچم اسلام با یکدیگر هم‌دست و هم‌پیمان و هم‌سخن شدند. این یکپارچگی در آغاز انقلاب توانست آن چنان فشاری بر دشمن وارد بیاورد که کمر رژیم طاغوت را بشکند. بعد از آن هم تا امروز در آزمون‌های گوناگون، همین وحدت ملت ایران بوده است که سخن آخر را به گوش دشمنان رسانده است و دشمن را از این که بتواند در صفوف ملت ایران رخنه کند، مأیوس کرده است. این وحدت را باید حفظ کرد. این که من در سنجیدگی گفتیم، این جا هم تکرار می‌کنم، برادران مسلمان وحدت اسلامی را بر افتراق مذاهب شیعه و سنی ترجیح دهند و نگذارند اختلاف مذهبی به اختلاف مشی و روش و جهت‌گیری منتهی شود، به خاطر این است. وحدت اقوام ایرانی، وحدت مذاهب اسلامی، وحدت جریان‌های گوناگون سیاسی، تضمین‌کننده‌ی ابهت کشور است. این جا هم من به همه توصیه می‌کنم. آن جایی که اکثریت با برادران اهل سنت است، این توصیه‌ی ما بود. این جا هم که اکثریت با برادران شیعه

است، باز این، توصیه‌ی ماست: با یکدیگر برادر باشید، با یکدیگر هم‌راه و هم‌دست باشید، به یکدیگر کمک کنید. این نکته‌ی اوّل.

نکته‌ی دوم، حضور. حضور مردم در صحنه‌ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخابات‌ها شرکت نمی‌کردند، در راهپیمائی‌های بیست و دو بهمن و روز قدس شرکت نمی‌کردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمی‌کشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آن‌چنان که امروز هست، نمی‌بود. این حضور را حفظ کنید.

این که ما در همه‌ی انتخابات‌ها تأکید می‌کنیم که مردم در صحنه‌ها حاضر باشند و در صحنه‌های گوناگون حضور داشته باشند، به خاطر این است. این حضور فقط در عرصه‌ی سیاست نیست، فقط در انتخابات نیست؛ در عرصه‌های سازندگی، در عرصه‌ی اقتصادی، مردم حضور داشته باشند. همان‌طور که گفتم، این سخن مربوط به همه‌ی ملت ایران است، اما در خصوص بیجار هم این مسأله معنا پیدا می‌کند و مصداق دارد. مردم بیجار شهر خودشان، بیابان‌های سرسبز و خرم خودشان، منطقه‌ی بسیار پُربرکت خودشان را قدر بدانند. اینی که شنیده می‌شود مردم بعضاً از این شهرستان به نقاط دوردست مهاجرت می‌کنند، این برخلاف حضور است؛ حضور اقتصادی. باشید، بمانید، این‌جا را آباد کنید. گذشت آن دورانی که دولت‌ها نمی‌خواستند نگاه به مناطق دوردست بکنند. خوشبختانه دولت خدمتگزار نگاه به اقصی نقاط کشور می‌کند و مسائل اقصی نقاط کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. من می‌بینم، مشاهده می‌کنم، از نزدیک ناظر هستم، می‌بینم نسبت به مسائل شهرستان‌ها و استان‌ها چطور دقت دارند. نسبت به همین بیجار، آن روز من دیدم مسئولان دولتی، مشکلات این منطقه و این شهرستان

را بدرستی متوجه‌اند؛ مسأله‌ی کمبود آب، مسأله‌ی سرازیر شدن سدها به سمت استان‌های دیگر و محروم ماندن این‌جا از آب را توجّه دارند و این‌ها چیزهائی است که مسئولین استان به این‌ها توجّه دارند، در فکر علاج‌جویی نسبت به این مسائل هستند؛ دنبال این‌اند که این مسائل را حلّ کنند. این خیلی مغتنم است که مسئولین کشور به فکر مناطق گوناگون کشور - ولو آن جاهائی که از مرکز دور است، ولو آن جاهائی که برای بسیاری از مردم کشور ناشناخته است - باشند. این خیلی مغتنم است، خیلی خوب است. مردم خود منطقه باید همکاری کنند. همکاری کنید، حضور داشته باشید. این حضور، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که برای ادامه‌ی حرکت عظیم ملت ایران در سطح کشور و در این‌جا و در سطح استان، مطرح است. شهر خودتان، دیار خودتان، آب و خاک پربرت و زیبا و پُرطراوت و سرسبز خودتان را قدر بدانید، مغتنم بشمارید، از آن‌ها بهره ببرید. مسئولین هم کمک کنند، دست به دست هم بدهید. این هم مسأله‌ی حضور است.

مسأله‌ی آگاهی، یعنی آن سومین عنصر، نقش بسیار مهمّی دارد. مثل نقش اتحاد و وحدت و مثل نقش حضور در صحنه. ملت ایران نشان دادند ملت آگاهی هستند. اگر آگاهی ملت ایران نبود، آن دولت‌های متزلزل و بی‌اعتقاد به انقلاب در سال‌های اوّل انقلاب، یقیناً سرنوشت بدی را برای این کشور رقم می‌زدند. آن‌هائی که خودشان صریحاً می‌گفتند به انقلاب عقیده ندارند، آن‌هائی که می‌گفتند از آمریکا می‌ترسند - صریحاً این را می‌گفتند - آن‌هائی که نشان می‌دادند که متمایل به نرمش و تذلل و تواضع در مقابل قدرت‌های بزرگ‌اند، اگر بنا بود در رأس کار بمانند، امروز ملت ما مسیر و وضع دیگری داشت و از این عزّت، از این پیشرفت، از این ابهت جهانی برای ملت ایران خبری نبود. امام بزرگوار ما

محکم‌ایستاد و مردم به خاطر آگاهی، به برکت آگاهی‌شان پشت سر امام ایستادند. این آگاهی به مردم کمک کرد.

من می‌خواهم عرض کنم عزیزان من! این آگاهی همیشه لازم است. امروز هم لازم است، فردا هم لازم است. نسل جوان ما خوشبختانه امروز یک نسل غالب در سرتاسر کشور است. جوان‌ها به هوش باشند، بیدار باشند. معیارها مشخص است. در انتخابات، این آگاهی باید اثر کند؛ در بیان خواسته‌های ملت این آگاهی باید تأثیر بگذارد؛ در حضور گوناگون، در مسائل مختلف، این آگاهی بایستی اثر بگذارد. ملت ایران در انتخاب‌های خود - معیارهای انتخابات را من آن روز عرض کردم، این هم مکمل آن‌هاست - توجه کند؛ کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق‌گوئی به غرب، به دولت‌های غربی، به دولت‌های زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. این‌ها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله‌ی آن‌ها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دین‌شان، از اصول‌شان، از ارزش‌های انقلابی‌شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای این که به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزش‌ها و اصول ترسیم شده‌ی به وسیله‌ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است. بنابراین امروز هم، مثل این سی سال گذشته، ملت ایران احتیاج به این سه عنصر دارد: عنصر اتحاد، عنصر حضور در عرصه‌های مختلف و

عنصر آگاهی. اگر ملت این سه چیز را که همه از برکات ایمان بالله و از برکات تعالیم قرآن است، داشته باشد، من به شما عرض بکنم، هم دنیا خواهد داشت، هم آخرت. ملت به برکت ایمان خود، به برکت اعتقاد خود، به برکت تمسک خود به ذیل عنایت نبی مکرم^(ص) و اهل بیت عصمت^(ع) و تعالیم قرآن و اهل بیت^(ع) خواهد توانست هم دنیای خود را از آن چه که هست، به مراتب بهتر کند و هم رضای الهی را کسب کند. این، خط کلی ماست. من در این سفرگردستان، خدا را شاکر هستم که با این که اطلاعات زیادی از این منطقه از پیش، به طور شنیداری و خواندنی داشتیم، اما مطالب زیادتر و حقائق بیشتری از این مردم عزیز، از شما مردم خون‌گرم و با محبت و وفادار و شجاع و نجیب، پیدا کردم و حقائق بیشتری به دست آوردم. امیدوارم ان شاء الله مسئولین کشور قدر شما مردم خوب و نجیب و مؤمن و وفادار را بدانند. شما هم قدر این مسئولین خدمتگزار را بدانید. با این اتحاد و هم‌دستی ملت و مسئولان است که ایران عزیز ما خواهد توانست به آن اهدافی که اسلام انقلابی و اسلام ناب ترسیم کرده است، خود را برساند.

پروردگارا! تو را به محمد و آل محمد سوگند می‌دهیم رحمت خود، برکات خود، فضل خود، توفیق خود را بر این مردم فرو ببار.
پروردگارا! روح مطهر این مرجع بزرگوار، این فقیه عارف را، که حقیقتاً رحلت او ما را داغدار کرد، با اولیائش محشور کن.
پروردگارا! به محمد و آل محمد ما را هم توفیق خودسازی و وارستگی و معرفت کامل عنایت بفرما.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۳۸۸/۰۲/۲۸

بیانات در دیدار مردم سقز

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا أبى القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين و صحبه المنتجبين سيما بقية الله فى الأرضين

بسیار خرسندم که در این جمع متراکم، باشکوه و پُرشور، امروز توفیق پیدا کردم که حضور پیدا کنم. اگر چه من قبلاً به شهر زیبای شما مسافرتی نکرده بودم، اما راجع به سقز و مردم شجاع و دلاور آن و روحیه‌های برجسته و پُرشور آن مطالب زیادی خوانده و شنیده و دانسته‌ام. مردم سقز در تجربه‌ی طولانی سی ساله‌ی انقلاب اسلامی، در حسّاس‌ترین نقاط و مراکز، امتحان‌های دشواری را به خوبی از سر گذراندند و نمره‌ی قبولی گرفتند.

شاید بسیاری از مردم کشور ما و بسیاری از جوانان نسل امروز هم ندانند که در جنگ تحمیلی، در حسّاس‌ترین مراکز این جنگ و دشوارترین مراحل آن، جوانان سقز در صفوف مقدّم مشغول دفاع و مشغول مبارزه بودند. در جزیره‌ی معنون، جوانان دلاور سقز و مریوان و بقیه‌ی نقاط گُردستان در کنار دیگر رزمندگان در صفوف اوّل، مشغول مقاومت جانانه‌ای بودند که هر کس از عملیات خیبر و عملیات بدر در سال‌های اوّل جنگ تحمیلی مطلع باشد، می‌داند که این چقدر اهمّیت دارد.

امروز در جمع شما برادران و خواهران عزیز سقزی، من لازم می‌دانم از همه‌ی مردم این شهر و شهرستان به خاطر این مواضع روشن و افتخارآمیز صمیمانه تشکّر کنم. و همین جا از فرصت استفاده کنم نسبت به مردم

عزیز شهر بانه که شخصاً توفیق پیدا نکردیم به آن جا و دیگر شهرستان‌های این استان مسافرت کنیم و مردم آن شهرها را از نزدیک ملاقات کنیم، سلام بفرستیم و توفیقات الهی را برای همه‌ی آن‌ها مسئلت می‌کنم.

مسأله‌ی حساس و مهمی که دشمنان نظام اسلامی و دشمنان اسلام در مقابل آن درماندند و نتوانستند برای آن پاسخی پیدا کنند و علاجی به دست بیاورند، این است که در دنیای اسلام، در میان این جمعیت عظیم کشورهای اسلامی، همه‌ی متفکران، همه‌ی اندیشمندان، همه‌ی برجستگان دینی و دانشگاهی، نظام جمهوری اسلامی را یک پاسخ به دعوت اسلام و پرچم برافراشته‌ی اسلام را یک افتخار برای دنیای اسلام دانستند.

در آغاز پیروزی انقلاب، سیاست‌گذاران و طراحان سیاسی استکبار امیدوار بودند بتوانند با توجه به اختلاف مذهبی در دنیای اسلام، میان نظام جمهوری اسلامی و ملت‌های مسلمان و کشورهای مسلمان فاصله بیندازند. این توطئه اگر چه نسبت به بعضی از دولت‌های وابسته‌ی به استکبار تا حدودی کارگر افتاد، اما نسبت به ملت‌ها ابداً. متفکران دنیای اسلام از این که یک نظام سیاسی بر اساس احکام قرآن و شریعت اسلامی، با استقلال و عزت کامل در این نقطه از جغرافیای حساس خاورمیانه شکل گرفته است، احساس افتخار کردند و این را به خود ما در طول این سال‌های گذشته، متفکران، صاحبان اندیشه، علمای بزرگ، دانشگاهیان برجسته‌ی مؤمنی از کشورهای عربی، از شمال آفریقا، از شبه‌قاره‌ی هند، از کشورهای دوردست آسیا - کشورهای مسلمان - تصریح کردند، به ما گفتند که ما به وجود جمهوری اسلامی افتخار می‌کنیم. این در حالی است که تفاوت مذهبی هم وجود داشت. دشمن امید بسته بود به این که این تفاوت مذهبی شکاف ایجاد کند، اما متفکران مسلمان، توده‌های

مؤمن، با اندیشه‌ی راسخ خود، با عزم راسخ خود، دشمن را مأیوس کردند. عین همین اتفاق در داخل کشور خود ما افتاد برادران و خواهران عزیز! در همین منطقه‌ی کردستان. امروز هشتمین روزی است که من در میان مردم عزیز شهرهای کردستان و طبقات مختلف در رفت و آمدم؛ با مجموعه‌های عظیم مردمی ملاقات کردم، با نخبگان و فرزندگان استان ملاقات داشته‌ام، با سران عشایر و متنفذان عشایر گوناگون کُردی در سرتاسر کردستان و منطقه‌ی کُردی ملاقات داشتیم، با جوانان دانشجو در جمعیت انبوه متراکم دانشگاه ملاقات داشتیم؛ در همه‌ی این دیدارها، اصرار من بر این بوده است که در آن جمع‌های صمیمی -بدون حجاب، بدون واسطه- سخن دل را از زبان مجموعه‌های عظیم مردمی و نیز از زبان فرزندگان و زبندگان و نخبگان بشنوم. آن چه من در این ساعات متمادی و پی در پی در سراسر این استان شنیدم، ندای عزّتمند اسلامی و وفاداری به اسلام و به نظام اسلامی و حاکی از روحیه‌ی بسیار ارزشمند مردم این استان است. درست آن چیزی که دشمن عکس آن را می‌خواست، در مواجهه‌ی روبه‌رو با مردم این استان، عکس خواسته‌ی دشمن ثابت شد. این برای من تازگی نداشت. من سال‌هاست که با جوانان کُرد، با رزمندگان کُرد، با مردم کُرد از نزدیک آشنا بوده‌ام. صمیمیت مردم کُرد را، محبت و وفاداری مردم کُرد را، شجاعت و دلاوری مردم کُرد را من از نزدیک شناخته بودم، دانسته بودم؛ برای من تازگی نداشت. اما این برای من مهمّ است که علی‌رغم خواست دشمنان ملّت ایران و تبلیغات آن‌ها، در صفحه‌ی تلویزیون این احساسات پاک و پُرشور، این وفاداری عمیق، این روشن‌بینی، این آگاهی، این یکپارچگی، هم به همه‌ی ملّت ایران و هم به دوستان و دشمنان فرامرزی ما نشان داده بشود، و این کار شد. خدا را سپاس‌گزاریم که مردم کُرد و استان کردستان با عمل خود،

با حرکت خود، با حضور پُرشرافت خود، به دشمنان ملت ایران نشان دادند که ترفندهای آن‌ها در تکه تکه کردن ملت ایران و اقوام ایرانی، به وسیله‌ی مردم کُرد خنثی شد؛ این یک نکته‌ی بسیار اساسی است. من لازم می‌دانم از همه‌ی گروه‌های مردمی در این آخرین ساعاتی که در این استان هستم، صمیمانه تشکر کنم، بگویم شما نقش خود را به خوبی ایفا کردید. این نمایش عظمت ملت ایران است. به عموم ملت ایران از اقوام گوناگون هم بگویم مبادا به اشتباه بیفتند، مبادا رفتار گروه‌های اندک‌شمار - که پنجه به چهره‌ی انقلاب و جمهوری اسلامی می‌زدند - به حساب این مردم عزیز، این جمعیت انبوه، این دل‌های وفادار نوشته بشود. تعداد معدودی انسان‌های شریر یا فریب‌خورده که در هر نقطه‌ای پیدا می‌شوند - در کردستان و در غیرکردستان - حساب این‌ها از حساب متن مردم عزیز این استان به کلی جداست. هم‌چنانی که حساب ضد انقلابی که در فلان استان دیگر کشور، در خراسان یا اصفهان یا فارس یا هر نقطه‌ی دیگر وجود دارد، به حساب مردم آن استان گذاشته نمی‌شود. دشمن این را می‌خواست تلقین کند؛ این را می‌خواست به ملت ایران نشان بدهد. آن‌ها می‌خواستند این جور وانمود کنند که در این استان امنیت نیست. ملت ایران می‌بینند در مقابل چشم‌شان که به برکت همت شما مردم و آگاهی شما مردم و فداکاری جوانان دلاور، امروز این استان از امنیت کامل برخوردار است.

من در همین جا باید یاد جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کُرد را گرامی بدارم. این مردان دلاور از جوان و پیر که از روزهای اوّل و سال‌های اوّل پیروزی انقلاب، این جا قیام کردند و در مقابل دشمن که نظیر فداکاری آن‌ها را ما کم‌تر در هر نقطه‌ی دیگری دیده‌ایم، ایستادند. دلیلش را عرض بکنم؛ چون سخن به گزاف نمی‌خواهیم بگوئیم. حقیقت قضیه

این است که برادر بسیجی یا پاسدار در هر نقطه‌ای، در هر استانی، در چشم مردم با یک عظمتی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ مردم در سایه‌ی امنیت او احساس امنیت می‌کنند. جوان پیشمرگ مسلمان کُرد در این نقطه و به خصوص در مناطق نزدیک مرز، در حالی که خود حافظ امنیت کوچه و بازار و شهر و بیابان بود، دشمنان از او انتقام می‌گرفتند؛ گروه‌های مسلح مزدور دشمن به انتقام رشادت‌های این جوانان، حتی گاهی خانواده‌های آن‌ها را از دم تیغ بی‌رحمانه‌ی جنایت خودشان گذراندند، اما این مردان شجاع در مقابل این مشکلات ایستادند، صبر کردند؛ لذاست که من از صمیم قلب معتقدم که جوانان دلاور پیشمرگان مسلمان کُرد، در شمار اوّل و در صفّ مقدّم دلاوران این کشور قرار دارند.

درباره‌ی امنیت عرض کردم، درباره‌ی آگاهی شما مردم گفتم؛ این‌ها حقایقی است. یعنی مردم استان کُردستان و جوانان دلاور آن، خودشان زمینه‌های امنیت را در این استان فراهم کردند، جوانان فداکار مناطق دیگر هم به کمک این‌ها آمدند و توانستند نقشه‌ی دشمنان را خنثی کنند؛ این یک حقیقتی است. اما در عین حال من می‌خواهم عرض کنم این آگاهی را باید مردم عزیز کُرد حفظ کنند؛ هیچ غفلت نباید کرد. امیرالمؤمنین در کتاب نهج البلاغه می‌فرماید: «من نام لم ینم عنه»؛ یعنی اگر شما غفلت کردید، دشمن شما لزوماً غفلت نخواهد کرد؛ مراقب دشمن باید بود. این مخصوص این جا هم نیست. این توصیه‌ی ما به همه‌ی مردم کشور و همه‌ی قشرهای فعال و آگاه و هوشیار کشور است؛ باید آگاهی‌ها را حفظ کنید. دشمن اگرچه که امروز مثل روزهای اوّل انقلاب نیست که دیگر امید داشته باشد به این که می‌تواند ریشه‌ی این انقلاب را بزند؛ نه، آن روز امیدوار بودند بتوانند انقلاب را، جمهوری اسلامی را نابود کنند، امروز مأیوس‌اند؛ چنین امیدی امروز ندارند، می‌بینند این درخت تناور

ریشه دوانده است؛ اما از کید آن‌ها غافل نباید بود.

من به طور قاطع این را می‌گویم: متأسفانه در پشت مرزهای غربی ما، آمریکائی‌ها مشغول توطئه‌اند، مشغول تروریست‌پروری هستند. پول، سلاح، سازماندهی، تشکیلات به وسیله‌ی آمریکائی‌ها به طور مستقیم در پشت مرزهای غربی کشور ما صرف می‌شود برای مودی‌گری کردن و پنجه انداختن و معارضه کردن با نظام جمهوری اسلامی؛ باید بیدار باشیم.

ما اطلاع داریم - این‌ها تحلیل نیست، اطلاع است - آمریکائی‌ها طرح‌های خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدف‌شان دفاع از قوم کُرد نیست؛ هدف پنجه انداختن و سلطه یافتن بر قوم کُرد است؛ این را ما از روی اطلاع می‌دانیم؛ این‌ها تحلیل نیست، اطلاع است. دوستان کُرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطلاع دادند و اطلاع می‌دهند افسران آمریکائی پول می‌برند بالای بلندی‌های «قندیل»، به قیمت خون جوانان کُرد از آن‌ها اطلاعات می‌گیرند؛ پول می‌دهند برای مزدورسازی. این شأن جوان کُرد نیست. به هر جا بتوانند دست می‌زنند، دست می‌اندازند، برای این که بتوانند پنجه‌ی ننگین و خونین خود را در پیکر مردم کُرد فرو ببرند. ملت ما و کُرد ایرانی، بحمدالله هوشیار است و من این را هم بگویم: جماعت کُرد و قوم کُرد حتی در غیر ایران هم غالباً خودشان را ایرانی می‌دانند؛ به ایرانی بودن خودشان افتخار می‌کنند. اگر کسانی از کُردهای بیرون ایران در خدمت هدف‌های آمریکا قرار می‌گیرند، بدانند که ممکن است در کوتاه‌مدت چیزی گیرشان بیاید، اما در بلندمدت نفرین و لعنت قوم کُرد آن‌ها را تعقیب خواهد کرد و رهای‌شان نخواهد کرد. این هوشیاری‌ها را باید حفظ کنید. هوشیاری فقط در این زمینه نیست. در زمینه‌ی اختلافات درونی خود ما هم، همه باید هوشیار باشند. من در سنج‌ج هم در روز اوّل - سه‌شنبه‌ی گذشته - گفتم، این جا هم باز

تکرار می‌کنم: مذاهب اسلامی باید دست در دست هم، برادروار در جهت اهداف و آرمان‌های بلند اسلامی به کمک هم حرکت کنند. دشمن امید بسته است که بتواند پیروان مذاهب گوناگون را مقابل هم قرار بدهد. هیچ کس نباید تسلیم این نقشه‌ی خائنانه و خباثت‌آمیز دشمن بشود. آن‌ها می‌خواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دل‌ها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین؛ آن‌ها این را می‌خواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید می‌کنم: خط قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدّسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصّب‌های کور و بی‌جا، چه سنی و چه شیعه، به مقدّسات یکدیگر توهین می‌کنند، نمی‌فهمند چه می‌کنند. بهترین وسیله برای دشمن همین‌ها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همین‌ها هستند؛ این خط قرمز است.

سنی و شیعه هر کدام مراسم مذهبی خودشان را، آداب خودشان را، عادات خودشان را، وظائف دینی خودشان را انجام می‌دهند و باید بدهند؛ اما خط قرمز این است که نباید مطلقاً بین این‌ها به خاطر اهانت به مقدّسات -چه آن‌چه که از سوی بعضی از افراد شیعه از روی غفلت صادر می‌شود، چه آن‌چه که از روی غفلت از بعضی از افراد سنی مثل سلفی‌ها و امثال این‌ها صادر می‌شود که یکدیگر را نفی می‌کنند- چیزی بیان شود. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. این جا هم باید هوشیاری باشد.

من در این چند روز -که البتّه قبل از آن گزارش‌های زیاد و اطلاعات زیادی در زمینه‌ی مسائل این استان به دست آورده بودم- هم در دیدارها، با شنیدن‌ها، با دیدن‌ها، مطالب متعدّدی را از زبان انسان‌های دلسوز و علاقه‌مندان در مورد مسائل گُردستان شنیدیم یا در گزارش‌های مکتوب

خواندیم یا به چشم بعضی چیزها را دیدیم. نیازها در این جا زیاد است. در روز اول هم من گفتم، امروز هم به همین نتیجه می‌رسم که مهم‌ترین نیاز این استان عبارت است از اشتغال که با سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و کشاورزی در این استان بایستی تأمین بشود. آن چه که ما به مردم استان‌های دیگر عرض می‌کنیم، این است که این جا، این سرزمین ثروتمند و غنی، با این مردم مؤمن و جدی، با این همه جوان خوب، زمینه‌ی بسیار خوبی است برای سرمایه‌گذاری. اگر یک روزی فکر می‌کردند در این جا امنیت نیست، آن روز دیگر تمام شده است. امروز بحمدالله در این جا امنیت مستقر است؛ امنیت خوبی این جا وجود دارد؛ می‌توانند بیایند سرمایه‌گذاری کنند. دولت هم تسهیلات می‌کند، تشویق می‌کند.

در مورد مسائل این جا و نیازهای این جا، مصوّبات دو سفر استانی هیئت دولت به استان کردستان به اضافه‌ی آن چه که در این سفر به وسیله‌ی دست‌اندرکاران سفر -دولتی و غیردولتی- مطالعه شد، بررسی شد، اگر ان شاء الله همین مصوّبات اجرائی بشود و همه تحقق پیدا کند، عمده‌ی مشکلات این استان برطرف خواهد شد. توصیه‌ی ما به مسئولین این است که به طور جدی تحقّق این خواسته‌ها و مصوّبات را دنبال کنند. بحمدالله استان از مدیریت دولتی خوبی برخوردار است؛ مدیریت استان، مدیریت باکفایت و خوبی است. هم در این جا بایستی این مصوّبات به طور جدی دنبال بشود، هم من از همین جا به مسئولین در مرکز این را اعلام می‌کنم که باید به طور جدی سعی کنند همان مصوباتی را که انجام گرفته است، به مقام تحقّق و عمل برسانند.

آن چه که به عنوان خواسته مطرح می‌شود، غالباً مطالب معقول و قابل قبول و منطقی است. آن چه به عنوان خواسته‌های مربوط به این استان از زبان نخبگان شنیدیم، از زبان دانشجویان شنیدیم، از نامه‌های

فراوان مردمی که در این سفر دست ما رسید، فهمیده شد، آن چه به عنوان مطالبات مردمی مطرح است، غالباً مطالبات منطقی‌ای است؛ مطالبات درستی است و همان طور که عرض کردیم، اگر مصوّبات آن دو سفر -سفر دولت- و هم چنین مصوّبات این سفر، به توفیق الهی اجرائی و عملیاتی بشود، اغلب این مطالبات برآورده خواهد شد. البته در بعضی از جاها انسان مشاهده می‌کند که سطح توقّعات را به شکل نامعقولی بالا می‌برند؛ این درست نیست. توقّعات و مطالبات مطلوب، همان چیزی است که در اظهارات مسئولین استان، ائمه‌ی محترم جمعه، در نامه‌های مردمی، در گفتار نخبگان که با ما در میان گذاشتند، دیده می‌شود؛ این‌ها درست است. اما بعضی جاها انسان می‌بیند فهرستی درست می‌کنند از مطالبات نامعقول، غیرعملی؛ این‌ها جز این که دستگاه قادر نباشد به تحقّق آن و ذهن مردم را گمراه و اغواء کند، اثر دیگری ندارد. توقّعات معقول و منطقی همان چیزی است که از زبان مردم انسان می‌شنود، در نامه‌های مردمی انسان می‌بیند، نخبگان هم همان‌ها را تکرار کردند. خدا را سپاس گزارم؛ آن چه که در این سفر گفته شد خطاب به مسئولان و خطاب به آحاد مردم، چیزهائی است که به اعتقاد ما از متن واقعیت برخاسته بود.

من می‌گویم زبان گردی یک ثروت ملی است، استعدادهای علمی و هنری جوانان این جا یک ثروت ملی است، استعداد ورزشی جوانان گردستان یک ثروت ملی است؛ از این ثروت‌های ملی باید استفاده بشود، بهره‌برداری بشود، به فعلیت برسد.

خدا را سپاس گزاریم که مسئولین با دلسوزی، مسائل مردم استان‌های مختلف را دنبال‌گیری می‌کنند؛ من این را مشاهده می‌کنم، می‌بینم. مسئولین دولتی چه در سفرهائی که می‌کنند -سفرهای استانی- چه در

تصمیم‌گیری‌های دیگر، من می‌بینم از نزدیک، با دلسوزی مسائل مردم را دنبال می‌کنند. امیدواریم ان شاءالله با همین روحیه، با همین دلسوزی مسائل کردستان دنبال‌گیری بشود. ما هم البته از آن‌ها پاسخ‌گوئی خواهیم خواست و آن‌چه را که قرار است انجام بگیرد، مطالبه می‌کنیم و امیدوارم به فضل الهی آینده‌ی کردستان مانند آینده‌ی این کشور عظیم، از امروز بسیار بهتر و سربلندتر و عزیزتر باشد. امروز بحمدالله با دیدار شما آخرین روز سفر ما به کردستان، روز بسیار شیرین و مطلوبی بود.

پروردگارا! این جوانان برومند و عزیز را برای کردستان، برای کشور عزیز ایران حفظ کن؛ توفیقات خودت را شامل حال آنان بگردان. پروردگارا! گره‌ها را از کار مردم ما در همه‌ی نقاط کشور و در این نقطه باز کن.

پروردگارا! روزه‌روز عزت ملت ایران را در مقابل ملت‌های دیگر و در مقابل زورگویان و قلدران افزایش بده.

پروردگارا! ما را بندگان صالح و شایسته‌ی خودت قرار بده؛ آن‌چه گفتیم و آن‌چه شنیدیم، به کرم‌ت از ما قبول کن؛ و توفیق عمل به ما ارزانی بدار.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوش آمدید آقایان محترم! برادران عزیزِ نخبگان و خبرگان روحانی و متقی این ملت! و خیلی متشکرم از زحمات شما در این دو روز و نشست پُرفایده‌ای که داشتید و بیانات رئیس محترم مجلس خبرگان و هم‌چنین این گزارش مشروح و مفید و کاملی که جناب آقای شاهرودی بیان فرمودند.

اولاً لازم می‌دانم فقدان این عالم شهید را که حقیقتاً خسارتی بود -هم برای گُردستان، هم برای ما- تبریک و تسلیت عرض بکنم به مردم کرد، به برادران اهل سنت و به همه‌ی کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت کشورند و علاقه‌مند به وحدت در کشورند. این یک نمونه از جنایت‌هایی است که سر نخ آن بدون تردید در بیرون از مرزهاست و سرویس‌های جاسوسی لانه کرده‌ی در عراق اشغالی و در گُردستان عراق، بلاشک عامل و مجری این جنایت‌ها هستند؛ طراح این جنایت‌ها آن‌ها هستند. البته این برای ما خسارت بود بلاشک، لکن قطعاً هدف دشمن از شهادت ماموستا ملا محمد شیخ‌الاسلام، برآورده نخواهد شد. تروریزم نتوانسته است و نخواهد توانست ضربه‌ای به انقلاب وارد کند، بلکه به عکس هر جا به وسیله‌ی دشمن، خونی مظلومانه بر زمین ریخته شد، این پرچم خونین به دست جمع بیشتری برافراشته شد. این جا هم همان جور خواهد شد. بلاشک طلاب جوان سنی و علمای اهل سنت و مردم گُرد -در استان گُردستان و غیر آن‌ها- راه این شهید را گرم‌تر و مشتاقانه‌تر ادامه خواهند داد. من نقش این برادر خوب‌مان را در گُردستان، هم از دور می‌دانستم، هم از نزدیک رفتم مشاهده

کردم. ایشان عامل وحدت بود، عامل گسترش فکر انقلاب اسلامی بود، معتقد به مبانی نظام بود؛ کاملاً صادقانه و جدی. و همین روحیات بلاشک در بین علاقه‌مندان ایشان، در بین طلاب جوان کردستان توسعه خواهد یافت. دشمن بداند که این خشونت و این جنایت راه به جایی نخواهد برد و اهداف او را تأمین نخواهد کرد. همه هم بدانند که دشمن در دشمنی خود، شیعه و سنی و کرد و فارس و ترک و بلوچ و این‌ها نمی‌شناسد؛ هر کسی منادی وحدت است، هر کسی پای‌بند به مبانی نظام هست، مورد بغض و دشمنی دشمن هست؛ هر که باشد، هر چه باشد، با هر مذهبی، با هر قومیتی. ۱۳۸۸/۰۷/۰۳

بیانات در اجتماع مردم پاوه

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبينا
ابى القاسم محمّد و على آله الأطيبين و صحبه المنتجبين و التّابعين
لهم باحسان الى يوم الدّين.

بسیار خداوند متعال را شکرگزارم که بعد از سال‌های طولانی، یک بار دیگر توفیق داد که بتوانم در این شهر و در میان جمع پُرشورِ مهربان برگزیده‌ی این منطقه حضور پیدا کنم. خیلی خوشحالم از این که در جمع بزرگ و پُرشور و صمیمی شما مردم عزیز پاوه، هم چنین مردم عزیزی که از جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی زحمت کشیدند و تشریف آوردند، حضور دارم. یقیناً برای من این دیدار گرم و صمیمانه و مهربانانه، یک خاطره‌ی فراموش‌نشدنی خواهد بود؛ هم‌چنان که خاطرات قبلی من هم از پاوه، خاطراتی فراموش‌نشدنی است.

برای شما جوانان عزیز پاوه بد نیست این خاطره را عرض بکنم که

اول باری که من با جماعتی از مردم پاوه روبه‌رو شدم، در ماه‌های اول پیروزی انقلاب در شورای انقلاب بود. ما عضو شورای انقلاب بودیم. من دیدم چند نفر جوان گرم و گیرا و خوش‌منظر، با لباس کُردی آمدند شورای انقلاب، از ما وقت فوری و ضروری خواستند. من با این جماعت جوان و پُرشور ملاقات کردم. حرف آن‌ها این بود که در منطقه‌ی پاوه و اورامانات، ضدّ انقلاب درصدد است که به مردم انقلابی تهاجم نظامی کند و سخت‌گیری کند و شما به ما کمک کنید تا ما بتوانیم در مقابل ضدّ انقلاب، مقاومت و ایستادگی کنیم. این مربوط به چند ماه آغازین انقلاب است. شاید کسی نمی‌توانست این را تصوّر کند که از منطقه‌ی کُردی، جوانانی مؤمن، معتقد به اسلام و شجاع و در واقع ازجان‌گذشته، آماده‌اند که بار دفاع از شهر را، از این منطقه‌ی شهرستانی اورامانات را خودشان بر دوش بگیرند. توقّع‌شان فقط این بود که دستگاه‌های مسئول - که آن وقت خیلی هم محدود بود، مشکلات زیادی هم بود، محدودیّت‌های زیادی هم بود- به آن‌ها کمک کنند، یک تعدادی سلاح بدهند.

بعد این منطقه در دفاع در مقابل ضدّ انقلاب، امتیاز و برجستگی پیدا کرد. قبل از شروع جنگ تحمیلی، جوانان این منطقه، خودشان یک واحد نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در منطقه‌ی اورامانات و پاوه تشکیل دادند؛ سپاه هم کمک کرد، مشغول دفاع از این منطقه شدند. این کوه‌های سر به فلک کشیده، این سرزمین ناهموار، در مقابل همت مردانه و شجاعت جوانان این منطقه خاضع شد. قبل از آن که دستگاه‌های مسئول بخواهند وارد شوند، خود مردم در مقابل ضدّ انقلاب مقاومت کردند.

قبل از این مرحله‌ی جنگ نظامی، یک مبارزه‌ی سیاسی هم در این منطقه برقرار بود. یعنی در فروردین ۱۳۵۸، یک ماه و اندی بعد از پیروزی

انقلاب، که رفrandوم جمهوری اسلامی شد، ضدّ انقلاب، هم در این منطقه، هم در مناطق دیگر، شرکت در رفrandوم را تحریم کرد؛ اما مردم پاوه از جمله‌ی کسانی بودند که علی‌رغم ضدّ انقلاب و در مقابله‌ی با آن‌ها، پُرشورترین شرکت را در رفrandوم فروردین سال ۵۸ انجام دادند. بعد هم نوبت مقاومت‌های نظامی رسید.

من در دوران جنگ، در سال ۶۰ آمدم پاوه. فضای سختی بود. انسان می‌دید که دشمن سعی کرده است فضای ناامنی را بر این منطقه تحمیل کند. اوائل یا نیمه‌های فروردین بود، برف روی زمین بود، ما رفتیم روی ارتفاعات. من دیدم همراهان ما اصرار می‌کنند که این جا ناامن است، باید برگردید. یعنی آن روز ارتفاعات مشرف به شهر امنیت نداشت. در یک چنین شرائطی، مردم پاوه و برگزیدگان پاوه و جوانان مؤمن پاوه ایستادند، مقاومت کردند و توانستند این جایگاه برجسته را برای خودشان حفظ کنند. منطقه این جور بود. حالا من پاوه را که مرکزیت داشت و اساس کار، پاوه بود، ذکر می‌کنم؛ والا شهرستان آن روز که شامل روانسر و جوانرود و ثلاث باباجانی و بقیه‌ی مناطق کوچک بود، همه در این حرکت عظیم شرکت داشتند؛ البته پاوه محور بود، مرکز بود.

دینداری از خصوصیات این مردم بود، امروز هم هست. دو خصوصیت در منطقه‌ی پاوه وجود دارد که انسان را وادار به تحسین می‌کند: یک خصوصیت، خصوصیت دینداری است؛ پای‌بندی به معرفت دینی و مبانی دینی و شریعت. خصوصیت دوم، روشن‌فکری است. جوانان این منطقه -آن طوری که من اطلاع دارم و گزارش‌های دقیقی را ملاحظه کردم- جوانان روشن‌فکری هستند. بخش مهمی از این امتیازات برمی‌گردد به این مرد عالم و مجاهد، این جناب ماموستا قادری؛ روحانی هم عالم و هم روشن‌فکر. این جور روحانی‌ای در این

دوره و در همه‌ی مقاطع حسّاس، به کار جماعت‌های مردمی می‌آید؛ آگاهانه، بابصیرت، مسائل را تشخیص بدهد، درک کند، بعد هم وسط میدان باشد. روحانی‌ای که کنار بنشیند، به مردم بگوید شما بروید حرکت کنید، اقدام کنید، راه به جایی نخواهد برد. آن روحانی‌ای موفق است که راه بیفتد، بگوید برویم؛ نه این که بگوید بروید. روحانی باید وسط میدان، جلوی مردم و اهل اقدام باشد. خوشبختانه ما نمونه‌های متعدّدش را در روحانیت منطقه‌ی کُردی مشاهده کرده‌ایم و دیده‌ایم. آن کسانی که با این مردم دشمن‌اند به خاطر تدین‌اشان، با این مردم دشمن‌اند به خاطر انقلابی‌گری‌شان، با این مردم دشمن‌اند به خاطر عشق‌شان به میهن عزیز، به ایران عزیز، آن دشمنان شیطان‌صفت، بیش از همه با این جور روحانیونی مخالف‌اند؛ با این جور روحانیونی که وسط می‌دانند، آماده‌ی مجاهدت‌اند، آماده‌ی فداکاری‌اند، مثل چراغ هدایتی هستند، دشمن‌اند. من امروز که به شهر پاوه و منطقه‌ی اورامانات نگاه می‌کنم، می‌بینم سطح سواد بالاست، سطح معلومات بالاست، جوان‌ها تحصیل‌کرده و آگاه و متدین‌اند؛ این خیلی امتیاز بزرگی است که این منطقه دارد؛ خدا را شکر می‌کنیم.

البته مشکلاتی که ذکر کردند، مشکلات واقعی است؛ ما اطلاع داریم. یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های من، مسأله‌ی بی‌کاری در این استان است؛ که در سخنرانی عمومی در کرمانشاه هم این را مطرح کردم، با مسئولین هم مطرح کردم. حالا ان شاء الله در آخر سفر، مسئولین از تهران می‌آیند؛ آن جا هم مطرح می‌کنیم تا ان شاء الله تصمیم‌های کارسازی گرفته بشود و بتوان لاقلاً بخشی از این دغدغه را کاهش داد. زمینه برای اشتغال در این استان زیاد است، در خود این شهرستان هم زمینه کم نیست؛ و اگر چنانچه ان شاء الله تدبیری اندیشیده بشود، می‌توان بخش مهمی از

این نیروهای جوان و آماده به کار و تحصیل کرده را مشغول کار کرد.

آن چه مهم است، حفظ هویت جمعی یک ملت یا یک مجموعه‌ی انسانی است، زیر هر نامی. هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدان‌های مختلف می‌شناسد؛ این چیز کمی نیست. به خصوص امروز که حرکت‌های اسلامی در دنیای اسلام آغاز شده است، ملت ایران می‌تواند نقش ایفاء کند.

البته ما هیچ ادعائی در قبال این ملت‌ها نداریم؛ ما نمی‌گوئیم ما رهبر شما بشویم، شما از ما یاد بگیرید؛ ابداً، ما چنین ادعاهائی نمی‌کنیم؛ هر ملتی خودش با استعدادهای خود، با شخصیت‌های خود، با توانائی‌های خود، راه را پیدا خواهد کرد و راه خواهد رفت؛ اما شک نیست که کسانی که در این کشورهای بیدار شده و نجات یافته، مثل مصر و تونس و بعضی جاهای دیگر، و حتی کشورهایی که در آن‌ها هنوز نظام‌های تحمیلی و طاغوتی بر سر کار است، اما مردم بیدار شده‌اند، در همه‌ی این کشورها، چشمی و نگاهی به ملت ایران وجود دارد؛ چون این ملت سی سال است که در میدان‌های دشوار، قابلیت و ظرفیت بالای خود را به اثبات رسانده است. به ما نگاه می‌کنند. ما می‌توانیم یک معیار و یک نشانه‌ی اعتبار باشیم برای همه‌ی کسانی که در این کشورها به ما ملت ایران نگاه می‌کنند.

وقتی ما پای بندی خود را به اسلام و آرمان‌های اسلامی، همراه می‌کنیم با عقلانیت، با پیشرفت علمی، با حضور در میدان‌های مختلف دانش و مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی، این می‌شود یک الگو.

ملت‌ها آن وقت نگاه می‌کنند، از تجربه‌ی این ملت بهره‌برداری و استفاده می‌کنند؛ این همان چیزی است که هم به سود ملت ایران، هم به سود ملت‌های منطقه، و هم ان‌شاء‌الله برای تشکیل امت بزرگ اسلامی، امت متحد اسلامی، در آینده سودمند خواهد بود.

البته این روش، دشمنانی دارد. این فکری که ما می‌کنیم و بر زبان جاری می‌کنیم، فکری است که عیناً به خاطر دشمنان ما هم رسیده است. دشمنان نظام اسلامی، دشمنان اسلام، دشمنان ملت‌های این منطقه که به دنبال غارت‌گری و تجاوز و دخالت و سوءاستفاده هستند، آن‌ها هم این فکر را کرده‌اند که اگر ملت ایران با پیشرفت‌های خود، با پیشرفت علمی خود، با پیشرفت فناوری خود، با حضور قوی دیپلماسی خود، بتواند به عنوان یک شاخصی جلوه کند، ملت‌های دیگر از او تبعیت خواهند کرد؛ لذا می‌خواهند این نشود؛ بنابراین درصدد تفرقه‌افکنی هستند. یکی از ابزارهای همیشه مورد استفاده‌ی دشمنان ملت‌های مسلمان برای اختلاف، مسأله‌ی اختلافات مذهبی، شیعه و سنی و از این قبیل بوده. دعوا درست کنند، اختلاف ایجاد کنند، برادران را به جان هم بیندازند، اختلافات را بزرگ کنند، برجسته کنند، موارد اشتراک و اتحاد را ضعیف کنند، کم‌رنگ کنند، یک چیز کوچک را بزرگ کنند، برجسته کنند؛ این همه نقاط اشتراک را که بین برادران سنی و شیعه هست، کوچک کنند، ضعیف کنند؛ این کاری است که دائم انجام گرفته است، الان هم دارد انجام می‌گیرد.

جمهوری اسلامی از اولین روز در مقابل این توطئه ایستاده است؛ علت هم این است که ما ملاحظه‌ی کسی را نمی‌کنیم؛ این عقیده‌ی ماست. قبل از این که نظام اسلامی تشکیل بشود، برادران ما، بزرگان نهضت، بزرگان مبارزه‌ی انقلابی در آن روز - که هنوز خبری از حکومت

اسلامی و جمهوری اسلامی نبود- در جهت وحدت شیعه و سنی تلاش می‌کردند. من خودم در بلوچستان تبعید بودم. از آن زمان تا حالا با علمای سنی حنفی شهرهای بلوچستان-ایران‌شهر و چابهار و سراوان و زاهدان- با آن‌هایی که بحمدالله زنده هستند، رفیقیم، نزدیکیم، صمیمی هستیم. من آن‌جا تبعیدی بودم، دستگاه‌ها نمی‌خواستند بگذارند تلاشی از سوی ما انجام بگیرد؛ اما در عین حال ما گفتیم بیائید کاری کنیم که یک نشانه‌ای از اتحاد شیعه و سنی را در این شهر نشان بدهیم؛ که این مسأله‌ی هفته‌ی وحدت-ولادت نبی اکرم در دوازدهم ربیع‌الاول به روایت اهل سنت، و در هفدهم ربیع‌الاول به روایت شیعه- آن روز به ذهن ما رسید و در ایران‌شهر آن را عمل کردیم؛ یعنی از دوازدهم تا هفدهم جشن گرفتیم. این یک فکر عمیقی بوده است، مال امروز و دیروز نیست. برادران مسلمان نگاه کنند بینند اتحادشان بر چه مبنائی است؟ آیا یک حرفِ زبانی است، یا یک واقعیتی وجود دارد؟ خب، ما می‌بینیم معارف‌مان یکی است، توحیدمان یکی است، معادمان یکی است، نبوت‌مان یکی است، نماز و روزه‌مان یکی است، حج‌مان یکی است، دشمنان‌مان یکی هستند، اهداف و آرمان‌ها و منافع‌مان به هم پیوسته و گره خورده است -ملت‌های مسلمان؛ چه شیعه، چه سنی- چطور می‌توانیم از هم جدا باشیم؟ دشمن می‌خواهد به زور این جنایت را بکند. لذا از روز اول، جمهوری اسلامی در کنار برادران فلسطینی خودش بوده است؛ این در حالی است که در فلسطین -آن طوری که من در ذهنم هست- یا اصلاً شیعه وجود ندارد؛ یا اگر باشد، خیلی کم. برادران فلسطینی این‌جا را مثل خانه‌ی خودشان دانستند؛ تا الان هم همین جور است؛ می‌آیند، می‌روند. هیچ کشور اسلامی دیگر از مذاهب گوناگون اهل سنت، هرگز این جور رایگان و باصفا و مهربان با فلسطینی‌ها نبودند.

این را دشمن می‌بیند؛ لذا نمی‌خواهد این اتفاق بیفتد، نمی‌خواهد امت اسلامی یکپارچه بشود.

ما خوشبختانه در ایران اسلامی توانستیم این توطئه را خنثی کنیم. شیعه و سنی در کشور ما همت کردند. یک ضلع مؤثر در این شکوه و عظمت، شما مردم گُرد سنی شافعی در این منطقه هستید. شما این وحدت را نشان دادید، این یگانگی و این اخلاص و صفا را نشان دادید، به دهان دشمن مشت کوبیدید؛ این کار بسیار برجسته‌ای است.

من اصرار دارم که در سراسر کشور، چه آن مناطقی که سنی و شیعه در کنار هم زندگی می‌کنند، چه آن مناطقی که فقط شیعه‌اند، یا آن مناطقی که فقط سنی هستند، همه جوری رفتار کنند که دشمن بفهمد در این کشور نمی‌تواند به بهانه‌ی اختلاف مذهب، میان مذاهب اسلامی اختلاف ایجاد کند؛ والا اگر دشمن موفق شد، بدانید به این اکتفاء نمی‌کند؛ اگر خدای نکرده توانست بین شیعه و سنی جدائی بیندازد، بعد می‌رود سراغ سنی؛ اگر آن‌ها هم یکپارچه باشند، بین آن‌ها هم اختلاف بیندازد. یک عده شافعی‌اند، یک عده حنفی‌اند، یک عده مالکی‌اند، یک عده پیرو فلان مکتب اصولی‌اند، یک عده پیرو مکتب دیگرند؛ دشمن که رها نمی‌کند.

راه موفقیت این است که در مقابل دشمن، انسان یک قدم هم عقب‌نشینی نکند؛ والا یک قدم عقب‌نشینی در مقابل دشمن، موجب تشجیع دشمن در چنگ انداختن و دست انداختن می‌شود. جمهوری اسلامی این افتخار را دارد که در طول این سی و دو سال، یک قدم در مقابل دشمن عقب‌نشینی نکرد. با این که فشار زیاد بود؛ فشار نظامی بود، فشار امنیتی بود، فشار تحریم بود، فشارهای سیاسی بود، فشارهای تبلیغاتی بود، ولی ما عقب‌نشینی نکردیم. و من به شما عرض بکنم؛

عزیزان من! برادران! خواهران! جوانان آگاه و روشن فکر این منطقه! بدانید ملت ایران و مسئولین کشور بعد از این هم در مقابل باج‌خواهی و فشار دشمنان، یک قدم عقب‌نشینی نخواهند کرد.

رحمت خدا بر گذشتگان شجاع این منطقه. رحمت خدا بر شهید چمران، بر شهید کشوری و شهید شیرودی که با بالگردهای خود در این منطقه رفت و آمدها کردند؛ شهدائی مثل شهید ناصر کاظمی و شهدای دیگری که در این منطقه بودند، و شهدای فراوانی از جوانان این منطقه که جان خود را فدا کردند. قبل از سخنرانی، این پائین، چند نفر از برادران عزیز آمدند و معرفی شدند: پسر شهید، پسر شهید، پسر شهید. فرزندان برومند شهداء امروز بالنده شده‌اند. رحمت خدا بر آنها و بر مادرانی که این‌ها را تربیت کردند و در دامن خود پروراندند، و رحمت خدا بر معلمان و استادان‌شان. من تأکید می‌کنم؛ همین روئی آگاهی‌های دینی و فرهنگی که بحمدالله در پایه به طور بارزی وجود دارد، باید ان شاءالله گسترش و ادامه پیدا کند؛ آگاهی دینی، آگاهی تاریخی، آگاهی اسلامی، بصیرت نسبت به واقعیت‌های جامعه. ملت ایران صبر کردند؛ شما صبر کردید، مقاومت کردید، مقاومت را از نسلی به نسل دیگر منتقل کردید؛ و این‌ها امروز اثر بخشیده است، امت اسلامی بیدار شده است. مستکبران خیال نکنند که می‌توانند زنجیره‌ی این قیام‌ها و بیداری‌های اسلامی را در منطقه از بین ببرند و خاموش کنند؛ ابداً. بدون شک این حرکت بیداری ادامه پیدا خواهد کرد و آینده‌ی بهتری در انتظار این مردم است.

من بار دیگر از شماها تشکر می‌کنم؛ از حضار محترم، از مسئولین این منطقه و هم‌چنین مناطق دیگر کرمانشاه. ما چند روز قبل از این گیلانغرب رفتیم؛ من از مردم گیلانغرب، از مردم اسلام‌آباد، از مردم قصرشیرین تجلیل کردم؛ لازم است از مردم سرپل ذهاب هم که فداکاری‌های زیادی کردند، تجلیل کنم.

من خودم مکرّر به پادگان ابوذر رفته بودم. کمکی که مردم کردند، ایستادگی‌ای که مردم آن منطقه و سرتاسر استان کرمانشاه کردند، بسیار باارزش و بااهمّیت است؛ و ان شاء الله تأثیرات آن، هم چنان که در پرورش نسل نوی این منطقه تأثیر گذاشته است، در پیشرفت‌های بیش از پیش منطقه هم تأثیر خواهد گذاشت. امیدواریم ان شاء الله مسئولین محترم توفیق پیدا کنند رفتاری‌های مربوط به این مناطق را، به خصوص منطقه‌ی پاه و اورامانات را برطرف کنند و ما بتوانیم آینده‌ی بهتری را برای شما مردم عزیز، به خصوص جوانان عزیز این منطقه در ذهن مجسم کنیم و انتظار و امید آن آینده را داشته باشیم. من همه‌ی شما را به خدا می‌سپارم و از خداوند توفیق شما را مسئلت می‌کنم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
۱۳۹۰/۰۷/۲۵

بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره‌ی گرامی داشت شهدای پیشمرگان مسلمان کُرد

بسم الله الرحمن الرحیم^۱

خیلی متشکّریم از برادران عزیز که همت کردند تا یاد گرامی پیشمرگان مسلمان کُرد را احیاء کنند و زنده بدارند و نگذارند این فداکاری‌ها فراموش بشود؛ تشکّر می‌کنیم از این زحماتی که کشیده‌اید و هم چنین تشکّر می‌کنیم از بیاناتی که آقای حسینی، آقای [رجبی] فرمانده، آقای ملاقادر دوست قدیمی ما بیان فرمودید. ان شاء الله که خداوند به همه‌ی



۱- این کنگره در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۲۸ در سنج گشایش یافت. پیش از سخنان معظم‌له، حجت‌الاسلام سیدمحمد حسینی شاهرودی (نماینده‌ی ولی‌فقیه در استان کُردستان)، سرتیپ ۲ پاسدار محمدحسین رجبی (فرمانده سپاه کُردستان و دبیر کل کنگره) و ماموستا ملاقادر قادری (امام جمعه‌ی پاه) مطالبی بیان کردند.

شماها توفیق بدهد و کمک کند. بله همان‌طور که اشاره کردید، برادران شجاع و بااخلاص در منطقه‌ی کُردنشین کم نبودند و در همه‌جای منطقه‌ی کُردنشین، برادران مؤمن و بااخلاص وجود داشتند که برای انقلاب واقعاً مایه گذاشتند. گل سرسبد این‌ها، همین جوانانی بودند که در مجموعه‌های پیشمرگان مسلمان کُرد مجتمع شدند، سلاح دست گرفتند و رفتند در میدان؛ هم جان خودشان را به خطر انداختند، هم خانواده‌های خودشان را به خطر انداختند؛ این نکته‌ی مهمی است. در اصفهان، در تهران، در یزد، در مشهد، در تبریز اگر چنان‌چه فرزند یک خانواده‌ای می‌رفت در میدان جنگ و به شهادت می‌رسید، مردم نسبت به این‌ها اظهار ارادت می‌کردند؛ کسی به خود این جرئت را نمی‌داد و اصلاً کسی تمایلی نداشت که این‌ها را تهدید کند؛ [اما] در کُردستان این جور نبود؛ در کُردستان بعضی از خانواده‌هایی که جوانان‌شان می‌رفتند به شهادت می‌رسیدند یا مبارزه می‌کردند، از طرف ضد انقلاب مورد تهدید قرار می‌گرفتند. این جوانی که در مجموعه‌ی پیشمرگان مسلمان کُرد با این شجاعت می‌آمد وسط میدان - که بنده یادم هست و کاملاً با این مجموعه آشنا بودم؛ مکرراً آن‌جاها رفته بودم، دیده بودم، می‌آمدند، می‌رفتند - هم جان خودش را در معرض تهدید قرار می‌داد، هم آرامش خانواده‌ی خودش را؛ می‌دانستند و می‌آمدند؛ این‌ها خیلی مهم است. و امتحان خوبی دادند؛ حقاً و انصافاً امتحان بسیار خوبی دادند. دشمن از روز اوّل روی منطقه‌ی کُردنشین تکیه کرد؛ به دو جهت: یکی به‌خاطر قومیت، یکی به‌خاطر مذهب؛ امیدوار بودند که بتوانند از این نقطه نفوذ کنند؛ در بلوچستان به یک نحو، در ترکمن صحرا به یک نحو، در کُردستان به یک نحو. این اسناد و مدارک فراوان مربوط به منطقه‌ی کُردستان که در نهان‌خانه‌های امنیتی رژیم طاغوت بود، همه افتاد دست ما؛ ما فهمیدیم سیاست‌های این‌ها آن‌جا چه بوده است و چه

کار می‌کردند. این‌ها از این سیاست‌ها می‌خواستند بعد از پیروزی انقلاب استفاده کنند و منطقه‌ی گُردستان را تبدیل کنند به یک نقطه‌ی آسیب‌پذیر و آسیب‌زن نسبت به انقلاب؛ هدف این بود. حالا شعارهای گوناگونی می‌دادند؛ بعضی‌شان شعار چپ می‌دادند، بعضی حتّی شعارهای اسلامی می‌دادند. در همین منطقه‌ی گُردستان از ضدّ انقلابِ معارض با نظام اسلامی، کسانی بودند که آیه‌ی قرآن می‌خواندند - که خب همه یادمان هست؛ کسانی که در این قضیه بودند، یادشان هست - اما در واقع داشتند برای ضدّ انقلاب، برای آمریکا، برای رژیم صهیونیستی کار می‌کردند، تلاش می‌کردند؛ و همه‌ی نیروی خودشان را هم مصرف کردند بلکه بتوانند آن منطقه را ناامن کنند؛ خب این منطقه ناامن نشد. خب بله، جوان‌های ما از جاهای مختلف رفتند گُردستان اما اگر دل مردم گُرد با انقلاب نبود، باز هم این‌ها می‌توانستند کار بکنند؟ معلوم است که نه؛ اگر ده برابر آن مقداری که ما نیرو فرستادیم گُردستان، می‌رفتند گُردستان اما دل مردم گُرد با این‌ها نبود، نمی‌توانستند کار بکنند؛ مردم گُرد و خیلی از علمای گُرد دل‌شان با این‌ها بود؛ بعضی از علمای گُرد را ضدّ انقلاب شهید کرد، که آخرینش همین چند سال پیش مرحوم شیخ‌الاسلام بود؛ در سنج این مرد خالص و پاک را شهید کردند؛ بنابراین کاری که در آن منطقه انجام گرفت به همت برادران بود.

من خاطرات زیادی دارم؛ حالا پاره را آقای ملاقادر گفتند؛ من یادم است روزی که اوّل بار بعد از قضایای پاره، رفتیم، هوا هم سرد بود، رفتیم آن منطقه‌ی بالا [ی شهر] و جوان‌هایی که آن‌جا بودند [دیدیم] و رفتیم مسجد ایشان.^۱ حقیقتاً مردم در آن منطقه با غربتی که در خانه‌ی



خودشان داشتند، برای نظام جمهوری اسلامی تلاش می‌کردند و خدمت می‌کردند و زحمت می‌کشیدند، یعنی واقعاً این جوری بود. خب بحمدالله اثر هم کرد؛ امروز هم در آن مناطق [همین وضع] هست. آنچه مهم است این است که ما بدانیم دشمن آرام نمی‌نشیند؛ اگر خیال کنیم که دشمن آرام خواهد نشست، نه، دشمن تا آنجایی که بتواند دشمنی خواهد کرد و نقشه خواهد ریخت و اقدام خواهد کرد؛ پول هم در اختیارشان هست، دستگاه‌های امنیتی‌شان هم وسیع است، دستگاه‌های تبلیغاتی‌شان هم وسیع است و تلاش می‌کنند؛ ما باید بیدار باشیم ما بایستی بیدار باشیم. همان‌طور که عرض کردم، این مسأله‌ی شیعه و سنی مسأله‌ی مهمی است. آن‌ها روی مسأله‌ی شیعه و سنی تکیه کرده‌اند؛ سعی کردند از هر دو طرف تعصب‌ها را برانگیخته کنند؛ یعنی آتش تعصب را، هم در طرف شیعه، هم در طرف سنی برانگیخته کنند. یک عده‌ای هم خب از روی غفلت، همیشه بازیچه‌ی دست این چیزها می‌شوند. انسان‌های دلسوز و علاقه‌مند باید حواس‌شان خیلی جمع باشد که اسیر این معانی نشوند. واقعاً این جور است که آن کسی که در کسوت طرف‌داری از تسنن، بنا می‌کند به شیعه حمله کردن و دشمنی خود را از حد می‌گذرانند، هیچ‌گونه علاقه‌ای در مرکز امر به تسنن و به اسلام ندارد. عین همین قضیه در مورد [تشیع هست]؛ کسانی هستند که محرک آتش تعصب در شیعه بر ضد اهل تسنن هستند، در حالی که هیچ‌گونه انگیزه‌ی دینی در آن‌ها نیست؛ این‌ها از چه کسانی استفاده می‌کنند؟ از متوسطین و متوسطاتی که درست توجه به جوانب قضیه ندارند؛ علاقه‌ی مذهبی دارند اما عقل و توجه و حکمت لازم در آن‌ها نیست که بفهمند هدف دشمن چیست. این‌ها از دو طرف تحریک می‌کنند؛ همه بایستی مراقب باشیم، نگذاریم این توطئه به نتیجه برسد. بنده از همان مدت‌ها پیش این را می‌گفتم که انگلیس‌ها در

این مسأله خیلی تجربه دارند، آن‌ها از آمریکایی‌ها تجربه‌شان بیشتر است، تجربه‌ی اختلاف‌افکنی بین تشیع و تسنن در آن‌ها خیلی بیشتر است؛ خوب بلدند چه کار بکنند که دو طرف را به جان هم بیندازند. یک‌وقت به نحوی حرف می‌زنند که گویی طرف‌دار اهل سنت‌اند. حالا دیدید در مجلس کنگره‌ی آمریکا به عنوان حمایت از اهل سنت عرب عراق، طرح تصویب می‌کنند! حالا آن‌ها آیا واقعاً به اهل سنت علاقه دارند؟ آن‌ها ضد هر چیزی هستند که نشانی از اسلام دارد؛ برای‌شان شیعه و سنی هم فرقی ندارد؛ به این نکته بایستی توجه کرد. بنابراین مسأله‌ی مذهب یک مسأله است، حالا خوشبختانه «...» [دشمنان] نمی‌توانند از عامل‌گردی استفاده کنند؛ با این که در بعضی از کشورهای دیگر از عامل‌گردی خوب می‌توانند استفاده کنند، در ایران از این عامل نمی‌توانند استفاده بکنند و لیکن خب تبلیغات را می‌کنند، از عامل اختلاف مذهبی استفاده می‌کنند؛ مسأله‌ی قومیت یک مسأله است. بهانه‌ها را باید از دست این‌ها گرفت.

کار فرهنگی که آقای ملاقادر گفتند کاملاً درست است، کار فرهنگی بسیار خوب است. حالا همین حرکتی که در زمینه‌ی پیشمرگان مسلمان‌گرد دارید انجام می‌دهید، این خودش یک کار فرهنگی است؛ اگر این کار را خوب و تمیز و جامع‌ان شاءالله از آب دریاورید، این خودش یک کار فرهنگی باارزشی است، این را باید انجام داد. کارهای خدماتی و اقتصادی هم باید انجام بگیرد؛ واقعاً جوان‌ها نباید بیکار بمانند، بیکاری منشأ فساد است و مسائل مربوط به جوان‌ها مسائل درجه‌ی یک است. امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد، بتوانید این کارهایی را که شروع کرده‌اید، به بهترین وجهی ان شاءالله به پایان برسانید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



فصل دوم: پیام‌ها





انتصاب حجت‌الاسلام سید موسی موسوی به نمایندگی ولی فقیه در استان کردستان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی حکمی حجت‌الاسلام موسوی را به نمایندگی ولی فقیه در استان کردستان منصوب کردند. متن حکم به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام آقای حاج سید موسی موسوی دامت افاضاته بعد سلام و التحیه در مورد رسیدگی به مسائل منطقه کردستان و سرپرستی مرکز بزرگ اسلامی که گزارش و استفسار نموده بودید با توجه به سابقه طولانی و حسن اداره و کاردانی جنابعالی که رهبر بزرگ و فقیدمان حضرت امام خمینی قدس الله نفسه الزکیه در این باره به جنابعالی داشتند این جانب نیز شما را به عنوان نماینده خود در کلیه امور شرعی و اجتماعی و سیاسی که مربوط به نمایندگان ولی فقیه است در آن استان منصوب می‌نمایم و البته توجه دارید که با در نظر گرفتن حساسیت منطقه از نظر مذهبی و سیاسی مسئولیت خطیر و ... جنابعالی است که لازم است با درایت و سعه صدر و احیاناً مشورت با افراد ذی صلاح کارها را انجام دهید و نسبت به علمای محترم محلی و به خصوص علمای محترم شافعی و اهل سنت دیگر اقشار مردم غیور منطقه رعایت ویژه ای را مبذول دارید که امید است با کاردانی خاصی که در شما سراغ داریم از عهده آن به خوبی برآیید و اگر خدای نکرده در گذشته در اثر کمبودها و ... کدورتی پیدا شده بر طرف نموده و جبران نمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۲۹ شهریورماه ۱۳۶۸ برابر با ۲۸ محرم الحرام ۱۴۱۰

سیدعلی خامنه‌ای

پیام به کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در شهرستان سنندج

بسم الله الرحمن الرحيم

امسال هفته‌ی وحدت با حوادث خون‌بار یک کشور مسلمان در اروپا و آشکار شدن حقّی پنهان اردوگشان صلیبی به اسلام و مسلمین در آن خطه‌ی پُرماجرا است.

اکنون دیگر کسی شک نباید بکند که انگیزه‌های صلیبی در زیر ظاهر فریب‌گر دموکراسی و حقوق بشر، اغلب یا همه‌ی قدرت‌های غربی را در پنجه و زیر اراده‌ی خویش گرفته است. ساده‌لوحی است اگر گمان ببریم که این انگیزه‌های قساوت‌آمیز در بوسنی و هر جای دیگر از ایمان عیسوی مایه می‌گیرد. آنان که امروز با هر نشانه‌ای از اسلام و هر نبض متحرّکی از مسلمانان از بن دندان دشمن‌اند، به مسیح (علیه‌السلام) و تعالیم مسیحیت واقعی نیز عقیده‌ای ندارند. آنان فقط به قدرت بی‌مهار خود و منافع و هوس‌های خود و خصومت بی‌پایان خود با هر چه قدرت ظالمانه‌ی آنان را تهدید کند، ایمان دارند، و نه به هیچ چیز دیگر. اما دست خون‌آلود آنان امروز صف مسیحیت در مقابل اسلام را آراسته و با اسلام به عنوان یک دین و عقیده و ایمان، با همه‌ی وجود پرچم دشمن برافراشته است. مسلمانان در چنین شرایطی باید به فکر فرو روند حوادث را با تدبّر بنگرند آیا اگر مسلمین جهان دست متحدی بودند و مشت مستحکمی داشتند، کسی جرأت می‌کرد یک ملت مظلوم را فقط به جرم مسلمانی چنین بی‌رحمانه و قساوت‌آمیز بکوبد؟ هر کس در تفرقه‌ی مسلمین سعی می‌کند، هر کس برادران مسلمان را به یکدیگر بدبین می‌کند، هر کس

تنگ‌نظرانه و جاهلانه یا خصمانه و مغرضانه، فرق اسلامی را محکوم به کفر می‌کند، بداند در فاجعه‌ی بوسنی و امثال آن شریک است. به همان اندازه که بی‌حیثیت‌ها و وظیفه‌شناس‌ها یا دشمن‌پذیرها در سرنوشت تلخ برادران مسلمان شریک‌اند. برادران مسلمان در برابر انگیزه‌های تفرقه و دست‌های تفرقه‌افکن که برانگیخته دشمن‌اند مقاومت کنید. توفیق شما برگزارکنندگان سمینارهای وحدت در بلوچستان و کردستان و همه‌ی شرکت‌کنندگان در این مجمع گرامی را از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

۱۹ شهریورماه ۱۳۷۱ برابر با ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۱۳

سیدعلی خامنه‌ای

پیام تسلیت به نماینده ولی فقیه در کردستان

در پی ارتحال نماینده‌ی مردم کردستان در مجلس خبرگان و امام جمعه سقز، آقای ملا عبدالله محمدی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی پیام تسلیتی خطاب به حجت‌الاسلام آقای سید موسی موسوی نماینده‌ی ولی فقیه در منطقه کردستان و علمای اهل سنت کردستان صادر فرمودند.

متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای سید موسی موسوی و سلسله‌ی جلیله‌ی علمای اهل سنت کردستان. خبر درگذشت عالم جلیل و پاک‌نهاد، مرحوم آقای حاج شیخ عبدالله محمدی - که از علمای مبرز اهل سنت در منطقه کردستان بودند - موجب تأسف گردید.

آن عالم روحانی در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خدمات صادقانه و ارزشمندی به اسلام و مسلمین و هدف‌های عالی نظام مقدس جمهوری اسلامی تقدیم نمود؛ و وفادارانه از انقلاب دفاع کرد. وجود شخصیت‌های روحانی و علمی از این قبیل در هر نقطه‌ای از کشور، مایه‌ی خیر و برکت، و فقدان آن‌ها مایه‌ی تأسف و تأثر است. این‌جانب فقدان این عالم جلیل را که با این‌جانب دوستی صمیمی و نزدیک داشتند، به عموم اهالی کُردستان، مخصوصاً مردم مسلمان سقز و به خصوص به علمای محترم آن منطقه و به خانواده‌ی ایشان تسلیت می‌گویم و لطف و فضل و رحمت پروردگار را برای آنان مسألت می‌نمایم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

۲۵ خرداد ۱۳۷۶

سیدعلی خامنه‌ای

پیام تسلیت در پی حادثه‌ی خونین تروریستی در کُردستان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پی حادثه‌ی خونین تروریستی در کُردستان شهادت ماموستا شیخ‌الاسلام نماینده مردم استان کُردستان در مجلس خبرگان رهبری را تسلیت و تبریک گفتند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا

با تأسف و اندوه فراوان اطلاع یافتیم که دست جنایتکار و گنهکار مزدوران استکبار و ارتجاع به خون عالم مجاهد و روحانی خدمت‌گزار

جناب ماموستا شیخ الاسلام نماینده‌ی مجلس خبرگان رهبری آلوده شده و آن مرد شریف و خدوم پس از ده‌ها سال دفاع صریح از حق، به دست جنود باطل به شهادت رسیده است.

در این چند روز چند عنصر روحانی ارزشمند دیگر از جمله امام جمعه‌ی موقت سنج و ۲ تن از مسئولان قضائی محترم آن استان که پیش از این بزرگوار مجروح و یا شربت شهادت نوشیده‌اند، به این زنجیره شقاوت و خون‌خواری در ماه مبارک رمضان و در آستانه‌ی روز دفاع از ملت فلسطین، نشان‌دهنده‌ی آن است که این جنایتکاران با وجود ادعای دینداری و تعصّب مذهبی، نه فقط احترام شهر الله را هتک می‌کنند، بلکه آماج حمله‌ی آنان در اصل، همان چیزی است که دستگاه استکبار و برخی دولت‌های روسیاه منطقه کمر دشمنی با آن بسته‌اند. دلبستگی به نظام جمهوری اسلامی و دفاع از آرمان‌های اسلامی و مسأله‌ی قدس شریف جرم نابخشودنی این شهیدان و مجروحان عزیز از نظر این مزدوران جنایتکار و اربابان فرعون صفت و قارون منش آن‌هاست.

پس از اردیبهشت معطر امسالِ کردستان که در آن ندای گوش و دل نواز وحدت اسلامی بیش از همیشه در آن دیار طنین افکند، دستگاه استکبار و استبداد اکنون درصدد انتقام‌گیری از مردم نجیب و مظلوم آن اُستان‌اند. برای آن دشمنان سنگدل، گرد و فارس و شیعه و سنی تفاوت نمی‌کند. دل‌پلید و پُرکینه‌ی آنان حتی به روحانی کهنسالی چون شهید مظلوم ماموستا شیخ‌الاسلام نیز با قساوت و شقاوت دستِ ستم می‌گشاید. لعنت خدا و رسول و مؤمنان بر آن خونخواران و مراکز اصلی پشتیبانی و فرماندهی آنان باد. مردم عزیز کردستان با بصیرت کامل، دشمنان خود را بشناسند و مسئولان امنیّت استان مقابله قدرتمندانه با این آدم‌گُشان محارب را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند.

این‌جانب‌ضمن‌تسلیت‌و‌تبریک‌به‌مردم‌استان‌کردستان‌به‌خصوص‌به‌خانواده‌های‌مصیبت‌دیده‌یاد‌آن‌شهیدان‌بزرگوار‌به‌ویژه‌شهید‌عزیز‌جناب‌ماموستا‌شیخ‌الاسلام‌را‌گرامی‌می‌دارم‌و‌از‌خداوند‌رضایت‌و‌مغفرت‌و‌علوّ‌درجات‌آنان‌را‌مسألت‌می‌کنم.

۲۶ شهریور ۱۳۸۸

سیدعلی‌خامنه‌ای

انتصاب نماینده ولی فقیه در استان کردستان

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمحمد حسینی شاهرودی را به سمت نماینده‌ی خود در استان کردستان و مسئول مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور منصوب کردند. متن حکم به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدمحمد حسینی شاهرودی دامت

توفیقاته

اکنون که جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سیدموسی موسوی در سنگر دیگری مشغول به خدمت شده‌اند، ضمن تشکر از ایشان که در سال‌های طولانی بار سنگین مسئولیت را بر دوش داشته و خدمات کم‌نظیر خود را شجاعانه و همراه با بردباری و حکمت به انجام رسانیده‌اند، جناب‌عالی را به سمت نماینده‌ی خود در استان کردستان و مسئول مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور منصوب می‌کنم.

ایمان عمیق به اسلام و وفاداری جوانمردانه و فداکارانه به ایران و نظام جمهوری اسلامی و عشق به اهل بیت علیهم‌السلام از جمله صفات

برجسته‌ای است که مردم شریف کردستان در دوران‌های گوناگون بدان شناخته شده‌اند. دوران سخت جنگ تحمیلی و تهاجم گروه‌های ضد انقلاب، میدان آزمون افتخارآمیزی برای آن مردم غیور و مؤمن و علمای مبارز و نجیب آن دیار بود. امیدوارم با توفیق الهی، جناب عالی که بحمدالله به زیور علم و عمل آراسته و از درایت و روحیه‌ی ابتکار برخوردار می‌باشید، از عهده‌ی کلیه‌ی امور شرعی، اجتماعی و سیاسی که مربوط به نمایندگان ولیّ فقیه است، به خوبی برآید و نسبت به علمای محترم محلی و به خصوص مدارس علمیه و مراکز دینی و تبلیغی اهل سنت و شیعه کمال رعایت را مبذول دارید و با هدایت فعالیت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی و هماهنگ ساختن نهادهای مسئول در رفع نیازمندی‌های مذهبی و مشکلات اساسی و دینی اهالی آن سامان موفق باشید. بدیهی است که کلیه‌ی دستگاه‌های مسئول در آن استان و کشور موظف‌اند جنابعالی را در انجام این مسئولیت کمک و همکاری نمایند.

۱۲ دی‌ماه ۱۳۸۹

سیدعلی خامنه‌ای

پیام تسلیت در پی درگذشت ماموستا مجتهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت روحانی مصلح و فاضل، جناب ماموستا حسام‌الدین مجتهدی از علمای برجسته‌ی شافعی و نماینده‌ی مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه‌ی اهل سنت سنندج رحمة الله علیه را به عموم مردم مومن و انقلابی کردستان و خانواده و بازماندگان محترم ایشان تسلیت عرض می‌کنم

این شخصیتِ خدوم و کهن‌سال که بسیاری از علمای منطقه شاگردان وی به شمار می‌رفتند، از جمله‌ی وفاداران به پیام انقلابی اتحاد مسلمانان بوده و با روحیه‌ی تقریب میانِ فِرَقِ اسلامی، به وظایف روحانی اشتغال داشت. رحمت و مغفرت حقّ متعال را برای ایشان مسألت می‌کنم.

۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳
سیدعلی خامنه‌ای



مجموعه پیام‌های مقام معظم رهبری
(مدظله‌العالی) در مورد کردستان

منابع

۱- صحیفه‌ی امام^(ره)

۲- سایت <http://www.imam-khomeini.ir>

۳- سایت <http://www.khamenei.ir>

